

آزادلیق نغمه سی

آذربایجان سیاسی - مدنی و میلی موباریزی حاقیندا



آزاد دوغولان اینسانا قانداک نه گرک دیر
قانداک لاری قیرمیشلارا زیندان نه گرک دیر

آزادلیق نغمه سی

Abbas Lisani | South Azerbaijani Political

یاز - ۱۳۹۵

مدرنیتە

اورکوب چکینک بیز جوت آفاق قورقیجیلاردان
توخ اولسا قارین، دورمایاجاق یاتدیغی یئردن
قوندوقجا لئشه دویدو قارین دای بییه بیلیمیر
قوزقونلار اوزون آغ ائلمیش بو مدنیت
کاش تکجه اتین، وارلیغینا گوز یوما بیلیمیر
توحین سولوکە، تکجه او میردار قانی سورموش
تاپدیقجا مدرنیتە یه ال، دیش ایتی لشدی
بیر مېبلا گوردوز بی شهر لئش-لئشه دوشدو
یا گوجلە، یا اویدورما ایله دار ایپین انشدی
بیر ایپ اوجو مین الده، سیخیرلار دارالیب حلق
بیر یاندا ائلیندن دییه نه قارشى دورورلار
اینسانلاری یوخسول ائدیپ آجداندا بیخیرلار
بیلیم بو مدرنیتە دی یا بیر بدویت
یوکسسک سسیلن سسلە بو ظولمون کوکو هانی

قورخماق داها لازیم دگیلی یرتیجیلاردان
اورماندا گئدیپ توش اولسان آسلانا بیردن
قوزغون کی بیز اینسان لار آرا هئچ بینیلیمیر
آیدین گوزوموز گورنلر ائتمیش بشریت
اینسانلارا باخ! اینسان اتیندن دویا بیلیمیر
واه-واه بو بشر بیر، بیرینه بیر سولوک اولمو
هر نه ایره لی گئندی بشر بیرتیجیلاشدی
کئچدیکجه قیلینج عصری آتملار ایشه دوشدو
بونلار هامیسی تاي باشیلاردان ایشه گئندی
ایندی سه اویونجاق اولوب اللرده بیزیم خلق
بیر یاندا آزادلیق دییه هئیکل ده قورورلار
حیوانلارا درنک قوراراق آرخا چیخیرلار
هم نعلە دووور همده میخا بو بشریت
«لئیسانلی» گوزون آچ یئنه گز جومله جاهانی

«عابباس لئیسانلی»

ایچینده کی لر

اؤن سوؤز

یاشام تانیتیمی

شعرلر:

- گؤی دالغا

مقاله لر:

- مساله ستم ملی در ایران

- گؤدرسن بویووا باخاریق

- گؤنئی آذربایجان ۲۰نجی عصیرده؛ یارارلار و

یارالار (۲-۱)

- عباس لیسانی-نین گؤنئی آذربایجان میلی قیامینین ایل دؤنومو مناسیبتی ایله

آذربایجان خالقینا موراجیعتی

- آذربایجانین سیاسی دوستاق لار حاققیندا

- رسوبات ذهنی و بحران های رفتاری (۲-۱)

- سرابی در کویر تاریخ

موصاحیبه لر:

- گوناز تی وی

- رادیو فردا (۲-۱)

- آمریکا سسی (۲-۱)

- آزادلیق رادیوسو

محکمه یازی لاری:

- متن اعتراضیه عباس لسانی به احکام دادگاه کلیر

- متن اعتراضیه عباس لسانی به حکم دادگاه انقلاب اسلامی اردبیل

- اعتراض عباس لسانی به حکم پرونده ۶ خرداد اردبیل

- درخواست عباس لسانی برای برگزاری دادگاه علنی

- متن کامل دفاعیات حقوقی عباس لسانی در برابر اتهامات انتصابی دادگاه

انقلاب اردبیل

زندان دا یازدیقلاری مراجعت لر:

- عباس لسانی – نین گونئی آذربایجان میلی قیامینین ایل

دونومو مناسبتیله آذربایجان خالقینا موراجیعتی

- نامه سرگشاده عباس لسانی به دادستان کل استان اردبیل

- نامه عباس لسانی به رئیس زندان مرکزی اردبیل

- نامه عباس لسانی به شورای طبقه بندی زندان اردبیل

قورولتاي لاردا و تورە ن لردە كى دانىشىغى:

- بابك قالاسى
- ستارخان انىم توپلانتي سى
- رحمتلىك دوكتور محمد على فرزانه جىناب لارينين توپراغا تاپشیرما تورە نینده
- ستارخان انىم توپلانتي سى ۲
- رحمتلىك چنگیز بئی بخت آور جىناب لارينين توپراغا تاپشیرما تورە نینده
- رحمتلىك فرهاد سروناز پریخانلى جىناب لارينين توپراغا تاپشیرما تورە نینده
- سولدوز شهیدلرینین انىم توپلانتي سى
- رحمتلىك عادل ارشادى فر جىناب لارينين توپراغا تاپشیرما تورە نینده
- ساوالان قورولتايى
- دونيالىق آنا دىلى گونو موناسیبتینده
- حسن بی دمیرچی جىناب لارى آزادلیغا چىخاندان سونرا كى گوروشونده
- یازارلار و شاعیرلر گوروشونده

اردبیل امنیتی تهلوكه سیزلیك اداره سینه یازیسى(اداره
اطلاعات)

اردبیل حبس خاناسیندان گونده ریلن مساز

اُون سُوَز

جنبش های اجتماعی که توسط تک تک اعضای تشکیل دهنده و مشارکت کنندگانش برای اهداف و آرمانهای خاصی پیش برده میشوند، هر چه این افراد جنبش از تخصص و تعهد بالایی برخوردار بوده ، همگرایی و انسجام بیشتری با دیگر همفکرانشان داشته اند بهتر توانسته اند در پیشبرد خواسته هایشان موفق عمل کرده و صدای عدالت خواهی خود را هر چه رساتر به گوش مخاطبانشان برسانند. حرکت ملی آذربایجان نیز از این قائده مستثنی نبوده و موفقیت هایش رهاورد زحمات چندین و چند ساله تک تک فعالین بوده و خواهد بود و به تبع آن هر یک از این فعالین با توجه به استعدادهای ذاتی و اکتسابی خود توانسته اند در برهه های مختلف و در زمینه های گوناگون فعلی انجام داده و و حرکت ملی را هر چه بیشتر همه گیر کرده و از فاصله اش تا آرمانها بکاهند. حرکت ملی آذربایجان به عنوان جنبش رهایی بخش ملی در صدد احقاق حقوق ملت تورک آذربایجان می باشد و به ضرر قاطع می توان گفت یگانه جنبش زنده و پویای جامعه آذربایجان به حساب می آید.

یکی از این فعالین تاثیر گذر در فرایند تحولاتی حرکت ملی "عباس لسانی" است که اگر مطلق نبینیم مجموعه ای از کم نظیرهاست. عباس لسانی تاکنون به همراه همفکران خود مسبب و موجب بسیاری از فعالیت های کم نظیر در تاریخ حرکت ملی بوده است. برای مثال در سال ۸۲ وقتی لسانی و دهها تن از دیگر فعالین حرکت ملی به سفر مقاماتی از کشور اشغالگر اعتراض می کنند. به شدت توسط نیروی انتظامی و مامورینی که برای شیعیان هر جای دنیا به غیر از شیعیان آذربایجان سینه چاکند مورد ضرب و شتم قرار می گیرد و وقتی در اثر شدت ضربات از هوش می رود ایشان را روی پارچه گذاشته و توسط چند مامور از مسجد به مکان نامعلومی انتقال می دهند، وی پس از بهوش آمدن شروع به اعتصاب غذا می کند. لسانی در دادگاه و با قضاوت یک قاضی فارس زبان مواجه می شود وی حاضر به دفاع از خود نمی شود و خواهان حضور مترجم در دادگاه می گردد زیرا زبان مادری وی ترکی آذربایجانی است و مساله کم نظیری که اتفاق می افتد حضور دو مترجم (تورکی به فارسی - فارسی به تورکی) در دادگاه به قضاوت قاضی ربیعی در این کشور است که صحبت های یک متهم را از ترکی به فارسی ترجمه می کند و در جواب قاضی ربیعی که جناب عالی فارسی را می توانید بهتر صحبت کنید پس چرا نیاز به مترجم داشته اید؟ آقای لسانی می گوید: "فلسفه مبارزه ی بنده دفاع از زبان مادری ام است"

واقعه دیگر به سال ۸۵ بر می گردد. زمانی که عباس لسانی به صدور حکم بدوی برای تظاهرات خرداد ۸۵ اعتراض می نماید دادگاه تجدید نظر در دادنامه اش متذکر می شود که حداکثر احکام متصور شده در اصول قانون مجازات اسلامی برای ایشان کم می باشد، این دادنامه به گفته آقای فقیهی وکیل آقای لسانی در تاریخ نظام قضایی کشور بی سابقه است، در ادامه بعد از گذشت ۱۸ ماه ایشان حتی بایستی مجازاتهای جنبی آن را تحمل کند وی از پذیرش حکم شلاق برای یک انسان خودداری کرد و هیچ یک از عوامل اجرای حکم برخلاف دستور قاضی و مقامات زندان حاضر به اجبار وی برای پذیرش این حکم نمی گردد و این مسئله نیز که سیستم قضایی نتوانسته حکم صادره خود را به اجرا در آورد کم نظیر

بوده و چنان ترسی در ارکان شوونیسف فارس انداخته که وی را هزار کیلومتر دورتر و به زندان یزد تبعید کردند، گویی که عباس لسانی در بند هم قادر به لرزاندن ظلم ساختاری می باشد.

اگر بخواهیم مثالی دیگر از این دست بیاوریم شاید بتوان از نمونه های بسیار، درخواست آقای لسانی از دادگاه انقلاب اردبیل مبنی بر رعایت اصل ۱۶۸ قانون مجازات اسلامی و برگزاری علنی دادگاه در سال ۹۳ را به خاطر آورد، لسانی در نامه سرگشاده ای خطاب به مسئولین قضایی از لزوم احقاق حقوق خود و برگزاری دادگاه علنی دفاع کرده و خاطر نشان می نماید. نمی خواهد بازیگر سناریویی باشد که نویسندگان آن مسئولین امنیتی هستند و در صورت محقق نشدن خواسته اش مبنی بر تشکیل دادگاه علنی در دادگاه حضور پیدا خواهد کرد و دادگاه هر حکمی صادر نماید در غیاب ایشان و دفاعیاتشان صورت خواهد گرفت. همانطور که گفتیم در سابقه فعالیت این فعال، فعالیت ها و عملکردهای اینچینی بسیار می باشد از عدم پاسخ به سوالات مامورین اطلاعات در زمان بازداشت و گفتن این جمله که "شاکمی نمی تواند از متشاکمی بازجویی کند" و دهها مورد دیگر که خود مبحثی طولانی می طلبد.

کمتر کسی در بین فعالین ملی با ایشان و فعالیت هایش آشنا نیست و فعالین ملی به شنیدن و دیدن اخبار مربوط به ایشان از رسانه های حرکت ملی آذربایجان و دیگر رسانه ها جمعی عادت کرده اند و هر از چند گاهی اخباری مبنی بر دستگیری، فراخوانده شدن به دادگاه، صدور حکم، اعتصاب در زندان، تبعید به شهر های مختلف و بر روی صفحه نخست رسانه ها قرار می گیرد.

حاکمیت های اقتدار گرا و بدخواهان و مخالفان جنبش ها و حرکت های اجتماعی یکی از راههای مقابله با جنبش ها و حرکت های عدالت خواهانه را در تحریف خواسته های جنبش و تحقیر و تحریف توانایی های فعالین جنبش دانسته و از طرق مختلف به آن عمل کرده اند، تاریخ بشر مملو از جنبش ها و اشخاصی است که علی رغم فعالیت های موثر و مفیدشان از سوی مخالفان هیچ انگاشته و تحریف شده و مطابق خواست حاکمان معرفی شده اند. از اینروست که عاملان شوونیسف فارس شخصیت های حرکت ملی آذربایجان را مطابق خواست خود معرفی نموده و سعی در قبولاندن این چهره کذایی و ناپسند از فعالین در بین مخاطبانشان به خصوص ملت آذربایجان را دارند. عباس لسانی یکی از این افرادیست که آماج هجمه مخالفان و عاملان شوونیسف فارس بوده و هست این جریان ها همواره سعی بر این دارند که ایشان را فردی ناآشنا به امور سیاسی، اجتماعی و مبارزاتی معرفی کنند. ما در این مجموعه سعی داریم علاوه بر بعد مبارزاتی آقای لسانی که بر همه واضح و مبرهن است ابعاد دیگر این مبارز من جمله بعد تفکرانی ایشان را نیز معرفی نماییم و بهترین راه برای این هدف را رجوع به نوشته، مصاحبه و سخنرانی های این فعال می دانیم، آقای لسانی همانگونه که در نوشته ها و اظهارات خود بارها متذکر شده است امثال خود را مدیون زحمات بزرگانی چون پروفیسور ذهتابی، دکتر هئیت، فرزانه، نطقی، صدیق و... می داند و کسانی را در زمینه ملی موفق می داند، که آگاه به تاریخ مان، مسائل اجتماعی و سیاسی، مسائل روز دنیا و... باشند. آقای لسانی دارای اشعار، مقاله و نوشته های متعددی است که ما در اینجا هر آنچه که توانستیم از آرشیو ها گرد هم آوردیم تا فعالین ملی و جوانانمان هر چه بیشتر با شخصیت های ملی معاصر خود آشنا شوند. در واقع ما قصد پیش داوری و هیچ گونه نظردهی نداشته بلکه قضاوت را به خوانندگان محترم می سپاریم. و چون این مجموعه کاری جدید در نوع خود و در بین فعالین ملی می باشد بدیهی است بدور از خطا نبوده و دارای مشکلات عدیده ایست. لذا از خوانندگان محترم خواهشمندیم با نادیده گرفتن برخی خطاهای چاپی و غیره و توزیع این مجموعه مسبب شناسانده شدن این فعال سرشناسمان که عمر و زندگی خود را وقف آرمانهای حرکت ملی کرده، باشید.

باشام تانیمیمی

عباس لیسانی گونئی آذربایجان میلی آزادلیق حرکت ینین تانیمیش مبارزلریندن بیرسی دیر.

اسد اوغلو، عباس بی ۱۳۴۶-جی ایله اردبیلین معجز محله سینده دونیایا گوز آچمیشدیر، آنجاق اصالتا "آغ میان" کندیندن دیرلر. عباس بی اورتا تحصیلاتی بیتیردیکدن سونرا آتاسینین خسته لنمه بیندن دولایی ایشله مه یه و عایله یه قاتغی ساغلاماغا مجبور اولور. سونرا ۱۳۶۵-جی ایله عسکرلیگه یوللانلیر و اوز دئیکلرینه اساسا فارس چیلیغین چیرکین سیاست لرینه هله عسگرلیک دؤنمینده شاهید اولوب و بنینده تورکچولوک قیغیلملیقلار یارانمیش اولور. دیپلم مدرکینی ایسه اردبیل زیندانیندا آلیر. عسگرلییی بیتدیکده چنشدیلی ایش و پئشه لرله او جمله دن پارچا آلور، سوروجولوک و قصاب لیقلا مشغول اولور، قصاب لیق پئشه سی اونون آتا-بابا پئشه سی اولدوغو اوچون بو ایشین داوامچی سی اولور.

عباس بی بین ائولی لینین ثمره سی بیر قیز و ۲ اوغلانلاریدیر.

اردبیل ین معجز محله سینده کی "چنلی بئل" ادلی توکانی، تکجه اونون ایش یئری و پئشه سی ایله باغلی، اقتصادی فعالیت مکانی اولمامیشدیر، او توکان بوتون اینسانلارا قوجاق آچان میلی آزادلیق اوچاقی کیمی رول اوینامقدادیر.

میلی و دوشونجه سل مباحثه لر، کیتاب و درگی لر اورتامجیلیغی و هر شئی دن اؤنملی میلی فعال لار و کوتله ایله ارتباط یاراتماق، چنلی بئل توکانیندا باش توتور. ائله جه سه کی ۱۳۸۵ قیامین اولای لاریندان سونرا اردبیل امنیتی قوه لری وریندن آزیندان ۵۰۰ جلد کیتاب لاری توکانیندان گؤتورولور.

عباس بی بین تورکجه یه اولان ماراغی لاپ اوشاقلیق چاغلاریندا یارانمیشدیر، او تورکجه شعر کیتابلاری ایلك دفعه ۱۲ یاشیندا اولارکن بویوک بیر هوسله اوخوماغا باشلاپیر، داها سونرالار آذربایجانین میلی آزادلیق حرکت ینین اؤنچولرینه چئوریلنده ایسه، "گؤیرچین" درنه ینین قوروجوسولارین دان بیرسی اولاراق دده قورقود بویلارینی اوستالیقلا نظمه چکیب، اونلارجا تورکجه و فارسجا شعر، مقاله و یازی لارا امضا آتمیشدیر. "یاشیل موغان" ، "آوای اردبیل" و... گونده لیک لرده یازی لار او جمله دن پاشنه آشیل آذربایجان و کاتولیک تر از پاپ های تزریق بی حرکت ملی و باشقا ژورنالی یازی لارا امضا آتیر.

چنشدیلی پیکت لرده گوج قاینای، دیرنمک سیمبولو تکین اولاراق اولدو نطق لری ایله او جمله دن بابک قالاسی - باقرخان مراسیمی -ستارخان انیم توپلانتی سی - سرچشمه مسچیدی - خرداد قیامی - اورمو گولو اعتراض لاری - شهید لر مزاری - آنا دیلی و... ایشتیراکی اولور. بونا رغما فارس شونیزمی وحشیجه سینه سالدیری لار عابباس بی ین حاققیندا یؤرودورلر و بو گونه دک اردبیل، تبریز ، اهر، اورمو ، خوی، یزد، شیراز دوستاق لاریندا و بازداشتگاه لارین دا زیندان چکمک له اوزو دئمیش کن "میللتین آزادلیغی زیندان لاردان سوووشور" ویجدان راحت لیغی ایله مباریزه حیاتینی داوام آتدیر. آنجاق او بو سالدیری لاردان سارسیلماپاراق گونو - گوندن گوجلو مباریزه فازلارینا ال قویورو. ائله جه سه کی بو گون شیراز دوستاغیندا سورگونلوک چکرک اونون دوستاق چکمه بی یوخ بلکه نئجه

دوستاق چکمه بی گوز اؤنونده اولور. آچیق محکمه ایسته مه بی، حاقسیرلیق قارشیسیندا آجلیق آکسیالارینا دؤنه لرجن جانین تهلوکه یه سالیب ال آتماغی و... اونو اولوس لار اورتایی بشر حاقلارینین چئشیدلی اورگوتلری وریندن ویجدان محبوسو تانییب و چئشیدلی زامان لاردا اونون حاققیندا بیانیه لر یایمیشدیر.

بیز بوردا قیسساجا اولاراق عابباس بی ایسانی نین توتولماق لارین بو گونه دک ایشاره ائدیریک.

۱. ۱۳۷۶ – جی ایله اردبیل ین اداره اطلاعات وریندن پلاک ۳۵ چاغریلیب و ۸ ساهات مدتینده

بازجویی اولونور. همان ایله یئنه ده داها چاغریلیب و بیر نچه ساهات بازجویی دن سونرا بوراخیلیر.

۲. ۱۳۷۹ – جی ایله ایل سایار حاضیرلادیغی اوچون اردبیل محکمه سی وریندن پرونده تشکیل تاپیر.

۳. ۱۳۸۲ – جی ایله ستاد خبری اداره اطلاعات اردبیله چاغریلیب و بیر نچه ساهات بابک قالاسی بیغینجاغی باره سینده کی حضور تاپمایا بازجویی اولونور آنجاق عابباس بی بابک قالاسیندا حضور تاپاراق توتوقلانیر و بیر آی مدتینده حبس معروض قالیر.

۴. ۱۳۸۳ – جی ایله اردبیل شهرینین "سرچشمه مسچیدی" توتوقلانیب و ۴۰ گون مدتینده حبس معروض قالاراق ۲۰ گون آجلیق آکسیاسی نا ال قویور نهایت ده "اقدام علیه امنیت ملی" و "تبلیغ علیه نظام" اتهامی ایله پرونده تشکیل تاپیر کی سونوجدا بیرینجی اتهام دان تبرئه آنجاق ایکینجی اتهامی بیر ایل مدتینده دوستاق چکمه یه جزالانیر.

۵. ۱۳۸۴ – جی ایله رحمتلیک ابراهیم جعفرزاده ایله بیرلیکده بابک قالاسیندا توتوقلانیب ۸ گون مدتینده اهر زندانینا گوندریلیرلر.

۶. ۱۳۸۴ – جی ایله تبریز شهرینده باقرخان مراسیمینده توتوقلانیب و بیر گون مدتینده وثیقه ایله بیراخیلیر.

۷. ۱۳۸۵ – جی ایله آذربایجان میلی قیامی چیخیشیندا توتوقلانیب ۴ آی بازداشتا معروض قالیر کی بو مدت ده ایکی دؤنه، بیرینجی ۵۷ گون و داها ۳۰ گون آجلیق آکسیاسینا ال قویور. بو توتولماغین سونوجو ۳۰ آی حبس جزاسی اردبیل، اهر و یزد دوستاق لارینا سورگون اولماغینا سبب اولور. آرتیرمالی بیق کی یزد دوستاغیندا ۱۵ گون مدتینده آجلیق آکسیاسینا ال آتیر.

۸. ۱۳۸۸ - جی ایله تبریز شهرینده رحمتلیک چنگیر بی بخت آور جنابلارینین توپراقا تاپشیرما توره نینده امنیتی قوه لر وریندن وحشیجه سینه سالدیربیا معروض قالیب توتوقلانیر.

۹. ۱۳۹۰ - جی ایله اورمو گولو قورودولماق سیاست ینین قارشیسیندا دورماق و آکسیا کنچیرتمک مقصدی اوچون اردبیل شهرینین امنیتی قوه لر ی وریندن توتولوب ایکی آی مدتینده بازداشت اولوناراق ۱۷ گون آجلیق آکسیاسینا ال قویور.

۱۰- ۱۳۹۱ - جی ایله رحمتلیک ابراهیم بی جعفرزاده نین بیر ایلیک آنیم توره نینه قاتیلماق اوچون خوی شهرینده توتولوب و نئچه گون بازداشت اولونور.

۱۱- ۱۳۹۲ - جی ایله سولدوز شهیدلرینین آنیم توپلانتی سیندان قاییداندا اورمو شهرینین ترمینالیندا امنیتی قوه لر وریندن یاخالانیب و اورمو شهرینده بیر نئچه ساهاتلیق بازداشت اولونور.

۱۲- ۱۳۹۲ - جی ایله دونیالیق آنا دلی گونو موناسیبه تی ایله اهر شهرینده قورولان توره ننده توتوقلانیب و ۱۴ گون مدتینده بازداشت چکرک سونوجدا "تشکیل گروه و دسته جات علیه امنیت داخلی" اتهامی ایله پرونده آچیلیر.

۱۳- ۱۳۹۳ - جی ایله اورمو گولو اعتیراض لارینا حاضیرلیق آپاردیغی اوچون بیر ایل مدتینده حبس چکمه یه معروض قالیر کی نهایت ده یاخالاناراق اردبیل حبس خاناسینا گونده ریلیر. آنجاق دوستاق چکدییی حالدا "فیتله" ادلی ایرنج برنامه یایمیلاندیغی اوچون تلفون واسیطه سی ایله مئساژ سون ماغینا شوونیست دوزه بیلمه یه رک "شیراز" دوستاغینا سورگون ائدیر. بو دؤنم ده دفعه لرجن قانون سوزلوغا قارشی بیر دفعه ۴ گون داها یئنه ده ۴ گون و سونرا ۷ گون و بیرداها ۸ گون آجلیق آکسیاسینا ال آتیر.

شعر لىر

اولو تانرىنن آدى ايله

گوى دالغا



اۇن سۆز:

قازىنتى بىلىمىنن تانىدىغى بلگه لره داياناراق، دىمك اولار آدام اوغنونون يىر اوزونده بولوندوغو، يوزمىن ايللردن آرتىقىدىر. آنجاق بىلىم آداملارينا گوره تارىخ و اويغارلىغىن (مدنىيت) باشلانىشى، سومئرلرين يازىب ياراتدىغى دۇنم ايله دامغالانىپ. دىمك، ايل آى (تارىخ) و اويغارلىق، يازىنن باشلانغىچى ايله باشلاندى. آدام اوغلو يازىدان يارارلاناركن توپلوملار و اولوسلار آرا داها آرتىق دوزه ن ساغلاماغى باشاردى- قوراللار، ياسالار و قورلوشلار ياراتدى.



هابىله توره لىر (رىسملىر)، گلنكلر (سنت لىر)، اينانجلار،

اولايلار و اويكولىرى، يازىيا اوتورتدو. بىله لىكله آغىز ادبىياتى ايله ياناشى، بىر يازىلى ادبىيات دا اورتايا

چىخدى. قوشقوسوز كى تارىخ بويو اولوسلارى ياشادان، آن اؤنملى عنصرلردن بىرى يازىلى ادبىيات دىر. نىيە كى، قىلىنج مئىدانىندا يىئىلىب اوزون چاغلار باشقا مىللەتلەرنى ايسارتى آلتىندا قالان بىر چوخ اولوس، قلم قاھرامانلارنىن دار داخمالاردا ياراتدىغى اثرلەر سونوجو بو گون باشى اوجا ياشاماقدا دىرلار.

بونون قارشىسىندا تارىخ يارادىب، تارىخ يازمايان، ھابئەلە يازىلى ادبىياتا اؤنم وئرمە يە ن بىرسىرا بۇيوك اولوسلارنى آدىن، يا تەكجە تارىخدە و يا اوزلرىندن كۆكسوز، كىچىك و اويغارسىز بىر مىللەتنى آلىنىن آلتىندا ياشاماقدا اولدوقلارنى گۇروروك.

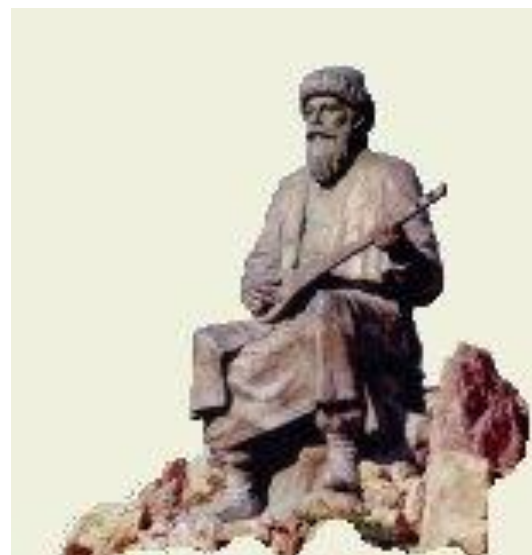
دونيادا ھر اولوسون بو گونوندىن آسىلى اولمايلاق، كئچمىشىندە پارلاق و بعضاً قارائلىق چاغلارى اولوبدور. بو گرچكلر تارىخ



يوسىف خاص خاجىب



ماناس



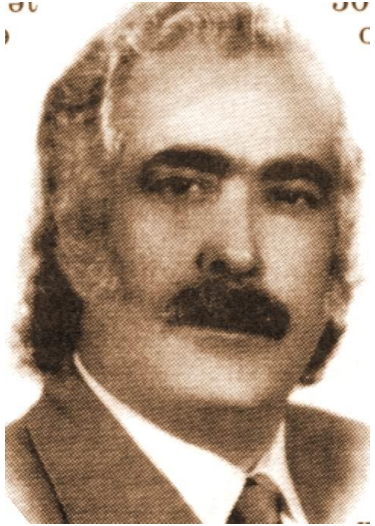
دە قورقود

بويو داستان، افسانە و اوستورە لركىمى آغىزدان آغىزا، سويدان سويا، دىە رلى و تايىسىز اينجىلر اولاراق گلىب و بو گونكو نسلە چاتىيدىر. آنجاق ادبىيات دونياسىندا يازىلى اثرلەرنى يىرى بام باشقادىر. تارىخىن و گونوموزون آن بۇيوك و انتگىلى اولوسو اولان توركلەر، بو آlanda (مئىداندا) دا چوخ گوجلۇ، تايىسىز و قالارقى ايزلر بوراخىيلار كى، بىر نئچە سىنىن آدىنىن چكىرىلمە سى، قاچىنىلمازدىر. بو يارادىجىلىقلاردان بىرى اولان " قوتادقوبىلىگ " كىتابى ۱۰۶۹مىلادى (۴۴۸ھ) اىلىندە "يوسف اولوغ حاجب خاص" آدىنىن آىلە دوزە نە (نظمە) چكىلىب. بو يازىت، توپلام ۶۶۴۵ بيت اولاراق، اويغور توركجە سىندە دىر. باشقا بىر دە يرلى اثر " ماناس " داستانىدېر،



بوداستان ۲۰۰ میندن آرتیق بئیت له ۱۲-۱۱ ینجی میلادی دؤنملرینده نظمه چکیلیب. بو اثر قیرقیز تورکجه سینده دیر.

باشقا بیر تاپسیز اثر، اوغوز تورکلرینین یارادیجیلیغیندان دوغولان، "دده قورقود کیتابی" دیر. بیر اؤن سؤز و ۱۲ بوی دان اولوشان، شاه اثر نثر و نظم ایله یازیبیا آلینیبدیر. کیتابین یازیلیش تاریخینه گؤره، چئشیتلی گؤروشلر اورتایا چیخسادا اوستاد "حسین م. گونئیلی" جنابلارینین اثرینده گلیمیش گؤروش، داها آغیرلیقدادیر. اوستاد م.گونئیلی "دئرسدن" نوسخه سینسن سون صحیفه سینده یازیلیمیش «تمت.۴۴۴» عبارتینه دایاناراق، ائترین یازیلماسی یا بوگونه ده ک تانیمامیش بیر نوسخه دن کؤچورولمه سینی ه.ق.۴۴۴ - نجو ایله، یعنی ۴۳۱ شمسی و ۱۰۵۲- نجی میلادی ایلینده سونا چاتماسینی ایرلی سورور. آنجاق "دده قورقود کیتابین" ایلگینج یؤنلریندن بیریده، کیتابی یازیبیا آلان او بؤیوک و ده یرلی اینسانین آدینین تانیمامادیغیدیر.



بو بؤیوک حیماسه وی اثره گؤره چوخ سایدا کیتابلار و مقاله لر یازیلیمیش و یازیلماقدادیر. آنجاق بو ساحه ده، ده یرلی و تاپسیز ایشلردن بیر، آذربایجانین اولوسال شاعیری، رحمتلیک اوستاد سهند "بولوت قارچورلو" نون یاراتدیغی بؤیوک و قالارقی اثری اولان "سازیمین سؤزو" دور، بؤیوک شاعیر اؤز اثرینده هر بویا گوجلو بیر اؤن سؤز قوشاراق، بویلاری "هیجا" وزنینده نظمه چکمیشدیر. بو بؤیوک و حیماسی اثر بیر چوخ یازچی و شاعیره ایلحام قایناغی اولموشدور. ائلینین آغیر دورومون آبیرد **(تشخیص)** ائدن بؤیوک "سهند" اؤز داورانیشی ایله چاغداش شاعیرلره ده درس وئردی. یعنی ایسارت و تاپتاق آلتیندا اولان اولوسون شاعیرینه، گولدن، بولبولدن، اینجه بئلدن و قلم قاشدان یازماق، یاساق و یاراشماز بیر ایشدیر، دئدی. ایندیسه بوگون بو آخساق قلمیمله، او بؤیوگون داورانیشی ایله وئردیگی اؤیوده **(نصیحت)**، باش آیه ره ک او آغیر و چتین یولو ایزله مگه باشلامیشام **[اگر باشاریغیم اولسا]**. نییه کی بونا ایلیک - سوموگومله اینانمیشام، دونیا هر نه قدر ظاهریری اولاراق مدرن لشسه ده، هله ده بیر پارا میللترده، اؤز پایینا دورماماق و بیرتیجیلیق روحو حاکیمدیر. هله ده بیر میللت توپراغین و کیملیگین قوروماق ایچین، قیلینجی آده، قالخانی باشدا اولمالیدیر. آنجاق قیلینجی آده توتماق ایچین میلی غورور و میلی اؤز گووه ن **(اعتماد به نفس میلی)** گره کدیر. کنچمیشده کیم اولدوغونو، یا داها دوغروسو "کیملیگینی" بیلمه یه ن آذربایجانین گنج نسلینه تاریخینین بیر پارچاسی اولان، حیماسی

آدبىاتىن تانىتىدىر يماقلا- يىنى قاھرامانلىق و حىماسە يارادىب يازماق ايله، اىگىدلىك روھون اويادىب و تاپدانىلمىش غورورون دىرچلىتمك اولار.

بونو اوزومە مىللى بورج بىلرە ك آذربايجان و تورك دونياسىنىن دالاي (اوقيانوس) دان درين و گوى لردن گنىش ادبىياتىنا بىر دامجى جا اولموش اولسادا قاتىلماغا چالشمىشام. اولو تانرىدان گوج و بويوكلردن اويود اومارق، آغير بىر ايشە آل وورموشام. اوغوز، اوزللىكلە آذربايجان توركونون اويونجو(ايفتىخارى) اولان، ددە قورقود كىتابىن دىستانلارىندان " باساتىن تپە گوزو اولدوردويو" بويو "دوزه نە" چكە يە چالشمىشام، بو بويو ۵۰۰ دن آرتىق بىيىت قوشموش اولسامدا، بويو بىتيرمك اىچىن هلە يولون ايلك آدىملار يىندايم. بو يوزدن اولوسوموزون، اورە ك ياندىران و تجروبه لى ادىب و شاعىر لرىنىن ائلىستىرىلە رىن و اويودلرىن، گنىش كوكس و آچىق قولاق ايله دىنلمە يى اوزومە گوره و و بورج بىليرم.

"عابباس ئىسانلى" ، اردبىل، ۸۳/۱۲/۲۹

اولو تانرینین آدی ایله

گۆی داغا

عابباس لئیساتلی

دده قورقود بویلا ر پندان



«باسات» ايله «تپه گۆز»



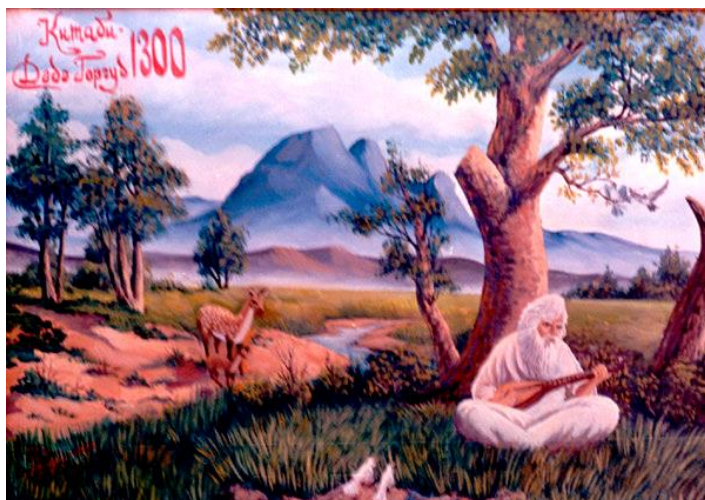
باشلانیش

او تاپسىز گۆجه ، بۆس بۆتۆن ييه لىن
وئرن بىتگىيه توپراق آلتىندا جان
اودۇر ايشلرين ، باشلانېشلا سونۇ
بۆتۆن گۆيلرى ، اۇز گۆجيله ن هۆرن
او بىر تكجه گۆهردير اولماز ايكي
ياراشماز ، دۆشۆنمز اولا بىنده لىر
يولۇندان چېخا كىمسە ، تاپماز ايزى ۵
بو قېسىسا اۇسۇن ۶ ، ياردېمېن اۇممايپن
اۇمۇرسان سېغا ، يۇمۇرۇجاق ۷ بئىنيوه؟
اولۇنماز اولايلاردا يوخ دارلېغى
گۆرۆب ، بىلدىگىزلە سالېب چېخمايپن
دنىزدە ن او بىر دامجى اولماز اينان
سۆنۆب اۇلدۇز ، آنجاق اېشېق يولدادېر

سۆزۆ باشلاپم تانرى آدى ايله ن
اودۇر اينسانى گۆى لره قالدېران
گركدىر اۇنۇدماز اولاق بىز اونو
اودۇر وارلېغا دۆز دۆز نلىك ۲ وئرن
يوخۇ توزجا اۇزلۇكدە اكسىكلىگى ۳
اۇنۇندە ۴ اونۇن باش ايبىر ذه رره لىر
اۇنۇدساقدا بىز او اۇنۇدماز بىزى
ندىدىر؟ ، ندىر؟ ، هار دادېر؟ ، سورمايپن
بۇيۆكدۆر ائله ، سېغمايېر يئر گۆيه
ياراتمېشدى يوخدان ، بۆتۆن وارلېغى
نه چاغدا ، نه بىر يئردە اختارمايپن
گۆوه نمە ۸ بۇ آز بىلگيوه ، آى قانان
ألۇندە اولان اولچو ، چوخ قىيسادىر

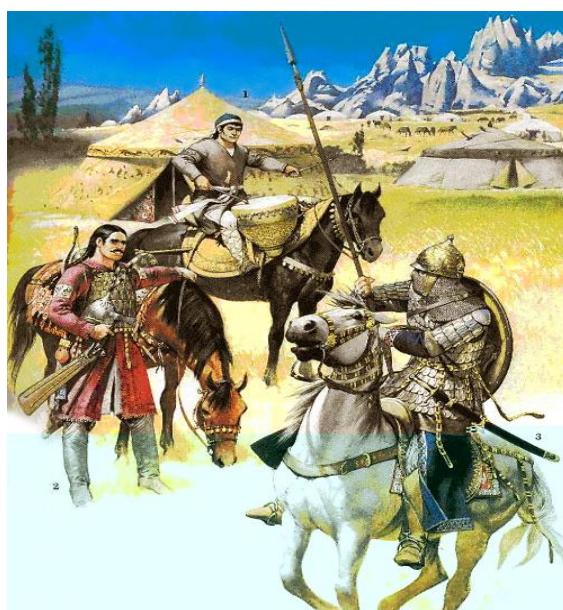
۱ - بوى: اولچو، بۆلۆم. ۲ - دۆز نلىك: نظم. ۳ - اكسىكلىك: اسكىكلىك. ۴ - اۆن: قانشار. ۵ - ايز: اثر، رد. ۶ - اۇس: عقل، هوش. ۷ - يومورجاق: يۇمۇرۇقجاق. ۸ - گۆوه نمە: امين اولما.

دده قورقود كيتابىنىڭ آدسىز يازارىن



دە يىر وئىرسىن ھەر كىمىسە دىر دىنلە يەن
ياتىب توپراغا، يادى آنجاق دىرى
اوزاق توتدو ائلدن قارا يئللىرى
دئمشىدېر آيىق دور گلېر كۆك قازان
آيىق ائل گرگ، كندى 3 تىكسىن ساراي
چىخار اولسا مندە، دئمشىب بىر ائلم

بئلە سۇيلە مېشىدېر سۇزو سۇيلە يەن
كئچن دئورلردە وارېمېش بىرى
اونا بوشلودور اىندى تۆرك ائللىرى
چتېن چاغدا آلمېش آلە بىر يازان 2
دوشونموش بونو اۆزگە دن يوخ ھاراي
او يۆزدەن گۆتورموش آلە بىر قلم



يازان كسديين ، كسمه بيبدير قىلىنچ

قىلىنچ كسديين ،گر يازان يازمايا

هر ائىل كى، ياشام ايسته يير باش اوجا

ائىل ايچره گر ك باش بىلنلر اولا

گر كدير سه قان، ائىل باشين قالديرا

يازانلا قىلىجدير، مۆرك كبله قان

چاغين سيس- توزون دوغرو اوستن سيلن

ائىلن قاهر امان اوغلو، آميش او چاغ

اوغوز ائىللىرىنندن آچىبدير سۆز

دده م قورقودون سۆزلرىنندن سىچىب

اوزان ۶ سازلار يندان آلي بدير سۆز

يازار كىن ياراتميش بۆيوك بىر ائىر

مىن ايل بوندىن اونجه يازيلميش كىتاب

بورا تور ك ائىلى ، سونرا گل ميش دئىيل

ياشين آختار ير سان، مىن ايللرده گز

ائىشيدىنسه اول آدسىز ار ۷ ده ن، سۆز

ائىشيد "قورقودو" ايندى "ئىسانلى" دان

يازانسىز قىلىنچ، باشدا اولموش قاخىنچ ۴

چىتىن، دوغرو لوق ۵ دۆز يولو آزمايا

قان ايله قىلىنچ، تىكجه يىتمز بونا

بىلىملن، ائىلى دۆندره دۆز يولا

مۆرك كىدى، ساخلىر قانى تاپ تازا

ائىلن كىچمىشىن، ايندىسىن ساخلايان

يازاندىر ، بونو ياخچى ائىلار بىلن

يازىب قىسسا، چوخ وئرمه بىب خول بوداق

ائىله سانكى، جاندىن سىچىبدير گۆز

او چاغدا ائىله بىر گۆزل دون بىچىب

بىر ائىلدىن چوخ ايش گۆروب، تىك اوز

بودونيا بويو تور ك اونا فخر ائىر

او ياد ائىلله اوز ائىلدىن خىتاب

درىندىر كۆكو، سايقىدان بىر ائىل

آت اويدورما تارىخلىرى سن بوكز

مىن آلكيش ۸ ائىله گۆزله يندىر گۆز

قارائلىق كۆچون گۆتدو، باشلاندى دان

۱- عصير. ۲- قلم. ۳- اوزو ۴- دانناق. ۵- دۆزلوك، حقيقت. ۶- عاشيق. ۷- آدىن تانىمادىغىمىز كىشى "دده قورقود بويلارين يازىيا آلان. ۸-

بۆيوك توتماق، تشويق.

باساتين تپه گوزو اولدور دويو بويلا باشلانيش



دۆنوب ترس، اييلىسه چؤكدوك ديزى
او يوزدن گنديب، دوز يولون ترسينه
يازيق بيلمه دن، دوز قاتيب قندينه

قاوير قايلا بير يئرده يانميش، ساجى

سئوينجيندن اييلىس چاليب اوينا سين

آدام جايدىغيندان بير اؤرنك دئيم

يا ايلنجه ۳ دن اؤترو يازماق دگيل

ياتانلار اويتاسين، بو كنجميش سؤزو

او گؤندنكى تانرى ياراتدى بيزى

آدام دوغدوغو، اويموش اؤز نفسينه

نه ائتديسه بيل، ائيله ميش كندينه

دادار آغزيني، ائيله ييبدير آجى

قارانلىق ائديب هر ايكى دؤنياسين

بو سؤيلمكى من ايستيرم سؤيله ييم

آماج ۱ اؤيكو ۲ دن باش قال ائتمك دئيل

قولاقلار ائشيتسين، آچيلسين گوزو

باسات، تپه گۆزو اۆلدور دويو بوي

آلوانانديريم قوی، كۆزرميش اودون
سۆزون آتینین، برکیدییم من بئالین
ائلی اويدوروب، آخدی سايسيز ياغی
چتینلیكله قورموش، هره بیر مره
گلیشمک [ایچین، یارماق ایستیر داشی
باش اۆستونده یوخدور، یادین گۆزلیرى
چتینلیک داغیندان، قولایجا ۳ آشار
او گۆن اۆلكه گنیمیشدی بیر شن گنیم
اوزان ۶ دیر، او شنلیكلره داد وئرن
اوزان سۆیله دیکجه، ایگیدلر بیییر
گۆرونجه یئمک، کیمده ار دیر ئمک
بۆیوکلرسه، باشدا دئییب گۆلمگه
دورا قیز- گلینلر، بونو سانمایین

كۆمک تانرینین، سۆز آتام قورقودون
دئمک مندن اولسون، انشیتمک ائلین
اوغوز تۆركلرینده، باییندیر چاغی
اوتورموشدو دینچ، اۆز یئرینده هره
ائلین گۆندلیک ایشلره، قال باشی
چتینلیکده چکسه، گۆلور اوزلیری
باغیمسيز ۲ بییر ائل، بللیدیر شن یاشار
شن ۴ ایدی او ائل قوی او گۆندن دئییم
قورولموشدو هر یئرده بیر توی-تۆرن ۵
قوپوز ۷ لار سیزیلدیر، اوزان سۆیله بییر
دۆشمیش چاناقلاردا ۸، هر تۆر یئمک
ایگیدلر باشی قالدیر ایانمگه
خاتینلاردا آلمیش او گۆندن پایین



ائلین گۆنلری، کاش اوگۆن تک کچه
بیچیلیمیشدی شال، اینجه جیک ۹ بئالره
گۆزل گۆزلره تانریدان شیق ۱۰ ساجیب

تویا ائو بزیمیشدی، اول گۆن نچه
خینالار یاخیلمیشدی آغ آللره
یاناقلار یانیر، سانکی گۆلدور آچیب

يۇنى يىتمە لردن، نه اومماق گىرك
 اوتوردوبلا تاخت اوسته بير گۆنله آي
 گۆرورلر او تاخت اوسته لاپ اۆزلىرىن
 ياناشميش ايكي سئوگى بيرجان تكيين
 وئريب اوردا قوللوقچولار، قول قوللا
 سانيرسان او تاختا جاھان باش اير
 بيرھاي قويدو، باشا گليب هوشلارى
 خييالين قوشون، اوخلادى بيرجه ياي
 ائلين شن گۆنو، دؤندو واي گۆنلره
 ايگيد قالخ آياغا، قىلنجين سوار
 چاليش، اولكه دن قويماتوپراق قاپا

اوركلرده قايئير، مين آرزى- ديلكه ك
 خييال اولكه سينده قوروبلار ساراي
 او پارلاق سارايدا باخينجا درين
 اوتورموشلا، خاتونلا خاقان تكيين
 ارنلر دۆزولموشدولر ساغ - سولا
 بۆتون اولكه لردن، گليب ائلچيلر ۱۱
 اوچاركن او يئردە كۆنول قوشلارى
 پوزولدو بير آندا، بزكلى ساراي
 هارايلار او جالدى يئنه گۆيلره
 چاليندى داووللار ۱۲، بيلنسين نه وار
 آخيب يوردووا، ياغى لاپدان لاپا



توپارلاندى هر تك تكي چوخ يۇييين
 كۆنوللو اولوب، يورد ايچين جان وئرن
 نچه مين ساواشجيل، دؤيوش اړلرى
 يئينليكده، اورماندا قاپلان تكيين
 دوروب كسديلر ياغى دؤشمن توشون
 گركدير بو قوزغونلارا گؤسترک

ايگيدلر ائشيتجك ساواشين اييين
 دۆزنسيز ۱۳ ساواش اوترو، ائيتيم ۱۴ گورن
 يئتيشدير ميشيدى، اوغوز تۆركلرى
 نه اړلركى، گؤجده بير اسلان تكيين
 آخينجا او گۆن، يوردا سايسيز قوشون
 باغيردى ايگيدلر بئله سؤيلرك

اوغوز يوردونا هر كيم اولموش ياغى
اؤلوبدور مگر تۆركۆن آلپ ۱۵ ارلرى

دهيب داشا، سينميش اونون قييناغى
يئتن چاققالا يورد اولايئرلرى



بیر آن یادا دۆشدو او گۆیلر ساران
بۆتون وارلیق اریاتسا سنسن اویاق
اۆرکلر دولوب، برکیدی بئلری
ائله بیر دؤیوش قويدولار سرگییه
دوروم بؤیله اولجاق، هوا قاینادی
گورونمز اولوبدور بیر آندا گۆنش
بولوتلار ائله ساردیلار گوگ یوزون
گویون گور سسی، یئرده ات کیشنه سسی
ائله بیر گورونتو ۱۶ قویوب سرگییه ۱۷
سوخلوموشدو دۆشمن، گنجیکمیشدی ایش
بۆتون ائل دوروب دۆشمنین قارشینا
اوساللیق ۱۹ یا خانین، یا آلپ ارلرین
چۆکوبدور قادا، ایندی ائل باشینا

داشین باغرینی، بیتگیلرله یاران
یئتر بو ائله تک سن اولسان دایاق
دانیشدی قیلجیلار، سوسوب دیللیری
گۆنش دورمادان، گۆیده آلیش دییه
قارالمیش بولوتلار، قارا اوینادی
ایشیقلا قارانلیق، اندیرلر دیره ش
گۆنوزدور گنجه، کیمسه بیلمیر دوزون
اولارداندا اۆستون، ایگید نعره سسی
منم سؤیله ینلر اؤدو ۱۸، تیترییه
کسرسیزلره، قالدی دیرناقلا دیش
اوشاق دیر- قوجا، باخماییر یاشینا
یا سوچ ۲۰ اولسا، ساتقیلیق انتمیشلرین
باخار هاردا دۆشمن، گوزون یاشینا

۱-ترقی. ۲-مستقل. ۳-آسان. ۴-شاد. ۵-مراسم. ۶-عاشیق. ۷-ساز. ۸-کاسا. ۹-باریک. ۱۰-ایشیق. ۱۱-سفیر. ۱۲-موسیقی آلتی. ۱۳-نظم
سیز. ۱۴-ایتم، تربیت. ۱۵-داها قاهرمان. ۱۶-منظره. ۱۷-نمایش. ۱۸-قارا جیگرین اوسته اولان اؤد. ۱۹-ایشلری یونگول توتماق. ۲۰-
گۆناه، تقصیر.

سارای دا دوروم

قویاق كۆتله ۱ بوردا، دۇنك خانلیغا
قاریشمیش سارای، قورخولو بیر دوروم
کنچر اولدو شنلیکلر- ایلنجه لـ ۳
سینیرلر ۴ پوزوق، کیمسه اودمور سۇزون
۵ دیر، بیلندیر، قوشون باشچیسی
ایتیب ساغی سۇز گنت- گنده برکیشیر
قورولتای می بو یا هارای توپلوسو
آچیلدی اۇزه ل ۶ بیر اوتاقدان قاپی
گنیبمیش ساواش گنیمینی اینینه
گۇرونجه او توپلوم بۇیوک آلپ ۷ آری
یالین بیر قیلینج آلدی، چینیده اوخ
دۇگونلو آلین، گۇز دولو فیرتینا
بو یئلکه، بو یوز، بو بدن، بو جیناق
سمیرسبز کئچیرتدی سارای بیر سۇره ۱۰
باغیرتیللا پوزدو او سوسقونلوغو
آغیزدان چیخیب سۇز، نجه آرقین اوخ
تۇکوب اینجی لر اول ایشیق آری
بدن بۇلمه سیندن نجه پارچاسی
بونون ترسینه ساغسا تۇم بۇلمه لر
بئیین دیر بو گۇن بو سارای، اۇلکه یه
سۇزون جانینی سۇیلدی قیساجا
ده یرلر قازانیدردی سۇز- سۇز چویه

ساوشدان گۇره ک نولدو خاقانلیغا
یازان آلدی تیتیریر، چتیندیر یوروم ۲
گۇرونمور او درنکده بیر اوز گۇلر
چۇکونجه دومان، داغ بوزاردار یوزون
اوجالیدیب سسین لاپ سارای آشچیسی
اۇره کدییر هره سوچ اوخیلان دئشیر
باخان یوخ انشیکده آخان قانمی- سو
سوسوبدور هامی، سانکی چکدین ساپی
دامارلاردا قان، قورشوم اولموش یئنه
سانییلار «اوغوز خاندی» دۇنموش گئری
بۇتون یئر قوشون اولسا دای قورخو یوخ
قاف ۸ ایلن خزر، سان دوروب یان- یانا
بایندیردی، قالخییدی وئرسین سیناق ۹
باخیشلار دونوب اول یئنیلمز آره
اومودلار وئریب، آتدی پوزقونلوغو
قوتارجق یایندان، آماج ائیلی توخ
بیلین، اۇلکه نین باش بیلن آرلری
داغیلسا دئنیلمز چۇکوب آرخاسی
بئیین آخساسا، وارلیق آلدن گندر
جایارسا، بۇتون ائل دۇشر کۇلگه یه
گایب گۇزلره، اولدوغوندان اوجا
توخاندی، بیلیم ایناسی اولچویه

۱- توده، جمعیت. ۲- تفسیر. ۳- تفریح. ۴- عصبیلر. ۵- شخصیتلی آر. ۶- مخصوص. ۷- بۇیوک قاهرمان. ۸- قافقازین سیرا داغلاری. ۹-

امتحان. ۱۰- مدت

سینیر ۱ بۆلگە سیندن گن بیر چاپار

اوچاغدا آچیلدی گیریش قاپلاری
تلسگین، هامی باشا توپلاندىلار
یئئیردی اؤزون، تئز او خانلار خانى
یئخیندان گۆزۈ دۆشجک اول آسلانا
قایا باغرىنى گۆجله دنشمیش سو تک
داماردان آخیب قان بزندی سارای
تانیشدییر یئره، بو گۆروننو ۲ بو قان
بو قاندىر چیخان دوغرویا آرخا- یان
سو یئتجک او سوسماز دیله، بیر ایچیم
او یۆزده ن بیغیب بیر یئره وار گۆجون
دوداق ترپنیب، اوچماز اولدو چیبین
بئله سؤیلدی، اول اگیدلیک ایسی
قوتار جاق نئجه، یاورو او اوچودان
اودور بوردا بولدوز ده پرسیز جانی
سووم بونلاری قوی کئچیم اؤز ۵ سۆزه
سینیر بۆلگه سینده سۆره رکن گۆره و ۶
بۆتون چئوره نی آلدی ساییسز یاغی
اۆزۈکده، قاشا بنزه دی داش قالا
دۆشۈندوردو گرگین دوروم ارلری
اولای اۆستۈ 9 توپلانتي نی، قوردولار
سۆروب از سۆره قارشى دارتیشمالار
گلیبیدیر سۆزه، درنگین باشچیسى
گندن سۆزلری توپلاسین بیر یئره

بیخیلدى یئره بیر ایگید، جان یاری
او دوغراق بدنندن دوروم آندىلار
دیزی اۆسته آلدی او یورقون جانی
گرکسیز گۆروبدر یارا باغلانا
یارادان آخیر قان وورارکن یۆره ک
گۆیه قووزانیب داش- دوواردان هارای
بو قاندىر ازلدن یئری ایسلادان
بو قانی آخیمیش، یامان- یاخچیدان
دۆشۈنموش سۆره ج ۳ده یئیین بیر کئچیم
بو سون چاغدا دۆشمندن آلسین اۆجون ۴
سارای سوسدو، سان قوشدا وورمور ایچین
گۆروم اۆلکه مین چۆکمز اولسون دیزی
آنا قوینون اۆستون گۆره ر لاپ سودان
آره اۆلکه دن باشقا سئودا هانسی
سۆره م بیتمه دن، سو سپیم بو کۆزه
ساریلدیق ائله گنتدی اُلدن گیره و ۷
قامیشلیق سانیردیق، دره یلن داغى
هاچاغدان یاراشمیش قاپاس ۸ قارتالا
ندن چاققالا دولدو، قوردون یئری
اۆشججه دولو سورقولار سوردولار
اؤنرگه ۱۰ چوخالدىقجا، آرتدی یارار
ایتلمیش بوگۆن، بیسلیگین قايچیسى
توتوب اۆز او آیدان دورو ارلره

دۇندى: بللى اولدو، بو گۆن سيز ھامى
چالېشسېن بېيىن لىر، يايىن بېلگىلەر
يېتىب سۆز بورا، گلىدى بېر بېلدىرى
بو سۆزدن، دومودور بۆتون آدى لار
بۆتون اينجە ليكلەر، ساليب چىخدىلار
قالا ايچرە تۆم جانليلار، نسنە لىر ۱۳
سۆزون آردىنى توتدولار بېر بە بېر
گېشمك ۱۵ سۆرە، قانلارى چوخ سرىن
سونوندا او بۆنتم ۱۶، قويولدو سسە
آيب سۆز آلە، ارلرىن باشچىسى
دانىشدىق سۆز بللى اولدو آمماچ
يېتىدېر ايشين، ايندى ائىلە م ۱۷ چاغى
قالا ارلرىن سنجىلسىن بېرى
بو سنجىمكە اولسون ھامى چوخ آيىق
بو ايش چىن، گركدىر يېنىلمز بېرى
سېناقلا كنجىردن، قوشون سىندىران
كسرلر- دىشرلر قولاي قوللانان
بئلە اولمالي، بو سنجىم اولچوسو
قالا آردىمى سون قويونجا سۆزە

اۋزوزدن كنجىب، يوردا وئردىز يامى
كى اوس- اوسدان اۋتگوندو بېلگىن بېلر
قوشوندان آخىب يوردا، دۇرتدن بېرى
ايشين چوخ كۆتو ۱۱ گنتىسېن آدىلار
سونوچ ۱۲: خاقانا گۇندىلسىن چاپار
اولا يئر لە بېر، بوندان اۋترو دە يىر
قونو اينجە ليك سۆزگىچىن ۱۴ كنجىر
سنجىلر ساواش چىلرىن بېرىن
كنجىر ليك قازاندى، دىيىم: چوخ- كسە
اولا تانرى بو درنگ آلقىشچىسى
دانىشماقلا، كىم آشمىش اولدو يامماچ؟
سۆرە قويوموش آخماق ۱۸ دان اۋترو، ياغى
قوتارسىن اۋزون بورلوغاندا دېرى
جايارساق، اوتوز موشلار، بېر تايىق
آجون ۱۹ چاخناشا دۇنمە يىن لاپ گىرى
اراسلان دۇشوندىن، آو ۲۰ يىن قوندوران
گۆى اوزرە لاجىن، يىردە قاپلان يوران
جايارساق، توتار ائىل گۆزون تۆستوسو
ارنلر بوتون باخدىلار گۆز- گۆزە

مرز. ۲- منظره. ۳- پروسە، گندىش. ۴- اينتىقام. ۵- اصل، اصیل. ۶- وظیفه، مأموریت. ۷- (گيره وه) فرصت، موقعیت، كۆند. ۸- قاپاس ← قافاس ← قفس. ۹- فوق العاده. ۱۰- پيشنهاده. ۱۱- بېس، يوا. ۱۲- نتيجه. ۱۳- شنى لىر. ۱۴- فيلتير، صافى. ۱۵- مشورت. ۱۶- يولاق، روش. ۱۷- عمل، عمليات. ۱۸- گىنىش هجوم. ۱۹- دونيا، جهان. ۲۰- شكار.

قالا ايچره گييشمك اوتورومو

قالانميشدى سان كوكسلر اوسته كوز	سميرسيز ۱ كنجيب گنتمدى بيرجه سوز
باخيشلار كوك اولدو منسه ياماج	سونوندا دؤنوب تاپدى گوزلر اماچ
سويوق ترله آخدى، اوره ك ياغلارى	آنيب چينيمه، سانكى قاف داغلارى
آياقدا دوراركن، بئله سؤيله ديم	آييب باش، او درنكده سوز ايسته ديم
ياراشسين گركدير، يوكه يوك چكن	بونو بيلملى، بير سئچيمده سئچن
ندن، اينجى ۲ سانديز ديسيز داشيم	گؤونديز، بؤيوتدوز، او جالتديز باشيم
آيدندان يئنيلمز اوره كلر دورار	قالا ايچره واردير انله آلپلار
ايشيفسيز گوزه م اويمايىن قاشيما	بؤيوكدور، بئله بير گوره ۳ باشيما
بو ايش اوترو سيز باشقا بير آر سئچين	گلين بو سئچيمدن بوگون واز گئچين
اولوم ايچگيسين، سيزلريله ايچيم	قويون آريما منده گؤللر بيچيم
كؤلزتك اوزنگى ۴ توتوم من سيزه	ياراشميرسام آر يان-يانا كنديزه
دؤزولمز، ايگيد آر بئله سؤيله سين	آرنده ن بيرى، سرت او جالتدى سسين
ندنسيز يئره، سايقيسيزلىق يئتسه	يارارمى، قوروم ۵ دان چيخان گسمته ۶
اوخ اولمازسا، ياي دا دئر هئچده يوخ	قالانلار ياي ۷ ايسه، گندن سانكى اوخ
پولاد اوخ گركدير، قالين بير يايا	آچيقجا بونو سؤيله بيم آلپايا ۸
چوخونلوق ۱۰ سسى بيل آچاندير دؤگون	گييشمك ۹ سونوندا، سئچيلدين بوگون
اوجوب دويغولار، قوندو اوس بئنيمه	بو سؤزلر ساليب تيتره بيش آينيمه
دئديم: بويروغوز گوزده ن ائمز يئره	توتوب اوز، او آسلان يوره ك آرلره
دامان قان، چكيب يئرده جانلى ناخيش	چكيب خينجار ۱۱، ائنديم دامارلا تانيش

۱-سس سيز. ۲- ميرواريد. ۳- وظيفه. ۴-ركاب. ۵-رسمى اوتوروم. ۶- قرار، تصميم. ۷- كمان. ۸- مين باشى. ۹- مشورت. ۱۰- اكثریت. ۱۱- خنجر.

دېرسىز باغىشىدىر بو قان يوردوما
 سئوينجىلە دولدو بو سۆزدن قالالا
 يايىبلا بئىلە بو يورغو ارلرە
 دۆزويلر گۆزتمىلرى يان-يانا
 گىرىزلە انشىتيدىر ديلر سۆزلىرى
 دۆنوب هاممى سى وئرديلر سس سسە
 سويوندان ايچىب، چوخ يندىك بيتگىسىن
 سئوينجىن او چاغ ياشلا دولدو گۆزوم
 كسمە يورتدان بئىلە ارلرەين
 ارنلر بوتون ھرنە وار يول يولاق
 بيتىب سۆزلىرى، يىتتىدى انىلملىرى
 گىركلى كىسردن-دئشردن نە وار
 نە وار دىرسا اوخ، دولدو اوخو قلارا
 ايتىلمىش قىلىچ، توختادى قىنلارا
 اوزومدە بو ايشلرلە قالكن باشىم
 ات اوستە نىچە اردىر آلدە تولوق
 ايرە لئندىم اوردا سورام كىمسە دن
 دۆنوب آرخاما گۆر جگىن مین باشىن
 ھۆنر، ھرنە وار دىر آلونىدە سنون
 دۆيوشدە آلا رسان ياننىت ۲ سورغوا
 گئدىب توتدو آردىن، قالان ايشلرەين
 اؤنمىسىزدى، سون دامجى ھاردا دامما
 آرنلر چكىب بىر سسىلە ھالا
 گۆزە تمىلرى توپلايىن بىر يئره
 آيىق آر گركدىر گىرىزدن قانا
 ايگىدلر سونوج آدىلار اۆزلىرى
 بو باشلار وطن بورجودور ھر كسە
 كور اولسون او گۆز گۆرسە يورد ايتگىسىن
 توتوب اۆز گۆيە سۆيلە دىم ايچ سۆزوم كۆكون
 يايىلىس يئره تانرىلىق دىقترىن
 آچىيلار ايگىدلردە آسدى قولاق
 ياراقلاندىلار خوش دۆشە گۆستىرى
 آلبىلار يانا ايشدە وئرسىن يارار
 دىمىر توپبوزا اتلار اولدو چارا
 اوزون سونگونو آلر ايچرە آرا
 گۆروب گۆرملى، زۆدۆ داشدان- داشىم
 نىچە آردە، آلدە كوسو الو دوروق
 گلىب آرخادان سسكى، دورسون گئدن
 دئدى: آنگىلان، سورغو وارسا داشىن
 گۆرۆ اۆترو قوللان آچىلىس اؤنون
 او قوزغون ياغى آختار اندا يووا
 منىسە او سۆزدن دۆشوندىم درىن

ياغى اوردوسوندان گنن بىر چاپار

قالا، قورشانارگن ياراقلاماغا
ياخينلاشدى آتدان يئره ائمدى
بئله سۆز وئربىدېر دئدى: تانرىمىز
قادىنلار گنيز، قولدور آرگكلىرى
سۆره ز دولماميش، تئز سئچين بىر يولو
آتون، باشدا وارسا دىر نىمك ايزى
آيبى باش بو گون، اوسلو تىرپىستىز
دئيب بونلارى، گؤمدى قارشىلىق
بئله سايقىسىزلىق، بئله داورانىش
دېشا ۱ سىچرايان دامجى، دؤندو گؤله
درىندن دؤشوندىم گئدىن سۆزلره
قولاق ايچره جىنگىلده دى، اوس سۆزو
بو مئيدان دئيدىر منىم اولاغىم
اۆره ك يئرلى واردىر بونا بىر آچار
او سئودادى، دؤشموش بؤتون دىللره
آغىر آل آنىب چىگنه ۲، گلدىم اۆزه
گۆزو يول چكن، وار گۆزه ل سئوگلىم
گنجه م، گؤندوزوم، گرچگىم، دؤشلىرىم
او ايدى، منى دىرلىگه باغلايان
تك آلام سانىردىم اونو وارلىغا

قارانلىق مېتر گؤندىرىدىر آغا
باشىندان يئكه سۆزلىرى سؤيله دى
اوغوز يوردو اولدو سىزىن اويلاغىز
دىر نىسه بىرى، تئز سويولسون درى
اوس اولسا، ندىر سئچمه ساغان سولو
تانىش ائيله بين، توپراق ايلان دىزى
گمىز قورتارار، توخداق اولسا دىزى
ساواش يۇنئىمىندە بئنى بىر قىلىق
كىمىنلە توشوق، ائندى آرتىق تانىش
قارىشماز قارا - آغلا، باخسان دؤله
ايچىمده آسىب يئل، يانار كۆزلره
بئىنئىدە دىل آشدى، او وارلىق اۆزو
بوداشلىقلار، هئپ سول اولموش ساغىم
سؤنن چاغدا من، اول ايشىقلار ساچار
گۆيه باغلانا، گول سېر چؤللره
ياخين آرخاداش، بئىله گلدى سۆزه
نه سئوگى، كى آلمىشدى مندن ائلىم
او ايدى اينان، لاپ قانىملا درىم
پاسالمىش قىلىنچى سىلىب ياغلايان
سىنىب قول - قاندا، باتمادىم ليغا

۱- انشىكه، خارىجه. ۲- اوموز، شانە.

آلىنجا اولايىدان پاي آنجاق بوگون
انشىتمز قولاق، گورمه يه ن گۆزلىرىم
اونوتدوم آلا گۆزلو يار سئوگىسىن
دوروق گؤلدىن آشدىم، قوشولدوم سئله
بوگون، بىبه ۱ ليگ ائندىم ائله بىر مېنىك
سىنىر سىزدى، يئر - چاغ دئيب اومرونا
آلىب سايقى ايله ن او آردن سۆزو
دئدىم: قوتلو اولسون بئله دىرچلىش

قوپوب فىرتىنا، باشدان اولدو دؤگون
ائله پارلادى، دؤندو لاپ سۆزلىرىم
بئنى سئوگىنىن دويدوم اوستون سسىن
دؤشونمم، دؤشم بورلوغانلا - بئله
چىچكدىن يوخا، بركليگىندە گمىك
بؤتون يئرله گوى، باش آگىرلر اونا
ائله آلقىش ائندىم كى دولدو گۆزو
بؤتون سىلكىنىب، گؤيلره يوكسلىش

بئىلە گۆرسىنىر تۆم قالا ارلرى
اۆره ك برك انله، گۆگلووه گۆلده سانج
كى سئودادى خاقان، بۆتون ارلره
بولوتلاردان اۆسته اوچان سوز قوشو
چاليندى اوجا، توپلانيش بانلارى
دۆزنله-دۆزولودو، انله بىر دۆزوم
دۆزولموشدولر اؤنده توم اتلبلار
اۆزه ل آيرىلب، سانكى هر بىر سىرا
وارى هر كىمىن، قىندا كىسگىن قىلنج
اولار آردى دورودو، يئنه ادلىلار
دۆزولودوكجه آردا، قات-قات سىرا
قالا باشچىسى، آشدى بوپروق سۆزون

۱-صاحب

آشيبىلار بۆتون بىز چاتان يئرلرى
بوگۆن هر نه اولسا، بىز يمدىر قازانج
او سئوداكى سىغمىر، گۆايله ن- يئره
گۆزون قىرپىمىندا، يئر اولدو توشو
قالا قاينار اولدو، نئجه قانلارى
سانىرسان، سۆرولموش اوزون بىر سۆزوم
مىئر آرخاسىندا يايانلار دورار
قورالدىر، هره اۆز يئر ينده دورا
دوروب اوخچودان دالدا نئچچە قارىنج
سول آل بالتا، ساغ آلسه- توپبوز سىخار
گركدىر هره، اۆز يئر ينده دورا
دندى گۆرگون آچسپن داي ارلر گۆزون

اوغوز آلتىنا وار يىنى يازمالار
"ايل آى" ۱، ياز قىت ۲ يىندا- يازىن بىر يازى
ياغى چوخلوغو، توتماسىن گۆزلرىز
قاچان قومايىن، دۆشموشه قىممايىن
بو اورتوك قاپى آرخاسىندا بىلدىن
سونوج بللىدىر وار گندىشده اؤنم
آرىنمىش اۆره كدىن، دورولموش سۆزه
بولاقدان آخىب سو، سووار سادره
اۆره كلر دولوب، گۆز آتىب اورتوگون

بويىا، قانلار يىدىر، قىلنجىز يازار
گلن سوي لارىز، آرجه چالسپن سازى
قوچاقجا دۆيوش، بو آلاندا سريز
اوغوز آرتلىگىن، ائوره ن ايچره يايىن
گۆزه تلىر قادا ۳، باشقا دوشلر سيلين
يولو آرجه گنتىز، سىز يىدىر دؤنم
قوناق اولدو ارلر، يئل آسپن كۆزه
چىچكلن- دولار، اوت بىتىر مزم بتره
آچىلدى قاپى، سانكى چۆزدون دۆگون

قالان قاپىسى آچىلىرى

قوشا تاغ، اينىلتىلە آيرىلجاغىن
او چاغ باشلادى سونسوزا يولچولوق
يووادان-دېشا، قارتال آيرىلجاغىن
چكىرگە، داراشمىش تىكىن تارلايا
توگنمەز بايان، بونجا سايسىز مېئىر
دوروب قارشىمىزدا، دىنىز تىك قوشون
گىنىمىش آينىلاردا، گىنىش ۴ گىنىم
بۇلرگىن گۆنش، اورتادان گۆندوزو
او چىپلاق بىدىلەر، دىمىر گىنىمە لر
ايشىن ائىلە گۆرموش ياغى، آرخاين
ساواش اۆترو دوروموش، چىشىنلى آراج

هنىرتى دولاندى، قالا بوشلاغىن
اولانماز بو يول يولچوسو، هر يولوق
گۆروب قوزغون آلمىش بوتون اولاغىن
گۆرونمىز اولوب، داغ درە يان قايىا
بىزىملە توتوشدورمادا، داش دىنەر
قاپار آقيرأت، آرخاسىلان توشون
بو گۆرگملىرى، گۆسنر نىمىز دىنىم
شاخىب پارلا دىب، داغ درە يله ن دوزو
ايشىق يانسىدىر، سانكى اولدوز آلر
ياراقلانمادا، گۆرمە مىشىدىك تايىن
داشىر هر بىرى، باشقا تۇرلو آماج

۱-تارىخ. ۲- دفتر. ۳- بلا. ۴- بو سۆز تۇركجه ده ن فارسجا يا كۆچموش و "جوشن" يازىلىرى، زره.

توتوب مانجانىقلار، آن اوغون بىرى
گۆرونمىكده دىر باشقا بىر سالدىران
چكىر آرخاسىندا، تىكلى آراج
اوتوز-قىرخدان آرتىق، بىلكلى كىشى
گۆتورموشلر اۆنده اوزون بىر چاپى ۳
يون ۴ اولموشدو آنجاق آيىردىكلرى ۵
ياغى، مات باخىردى بىزه

قېنانماز، بو دۇشلر بو آلچاقلارا
قاتاركن ياغى بىنىنى سورغولار
آلىنجا بۆتون سال- چىخا چنوره نى
بونولا يىننه، دورمادى آرلرلىز
بىر آندا توتولدى ائله بىر توتوم
دۆزىنلە، دۆزىسىز ساواش ساغلا دىق
چكىلمىش باي ابدىق، آچىلدىق بۆتون
ائله بىر آخىن ساغلا دىق هر يۇنه

چاناقلار دولو داشلا، قوللار گىرى
قالا تىترە دىدىر، باراژا سىندىران
بوغون بىر كۆتوكدور، كۆنرلى ۲ آماج
اونو، ايشلمە چىمك اولموش ايشى
آماج چىن سىچىلمىش، قالادان قاپى
آچىلدى قاپى، قالدى آلنىن تىرى دوموخموش
نه اولموش، ندىن چۆكدو تۆركلر دىزه
اولار جا گره ك، آز- اگه چوخلارا
بىزىسه، دورومدان آلىردىق يارار
توتوشدور، بىر اولدوزلا- تۆن ائوره نى
دامىب دامجىلار، تىترە ر اولدو دىنىز
كى آرلىكده ن اۆزگه بىزه يىوخ اودوم ۶
بىزى آلچادان گۆزلىرى داغلا دىق
او قوزغونلار بىن لاپ قوپارتدىق اۆدون
بىرىنجى سىرا دال چنوردى اۆنه

باسىب بىر-بىرىن ھۆرگرا ولدو قوشون
 پوزولودو دۆزە ن، سىندى تۆن دنگە لىر
 دورومدان يارارلاندى آرلر ائله
 ھاوا دوپ دورو، يئر دولو فيرتينا
 قىلىنچ چاققىشى، آتلار يىن كىشە سى
 قارىشىدىر دىردى تۆن آر خاسىلان توشون
 پولاداۋز قىلچىلار، يئرە باش آلر
 دامان دامچىلار، دۆندو گۆرگون سئلە
 قوپان ھايدان، آز قالدى داغلار سىنا
 ايگىد آرلر يىن قورخما- وورھاي سسى

۱- سىد . ۲- توومند . ۳- مسافت . ۴- پشم . ۵- رىستە . ۶- خصلت .

دۆشەن باشلار يىن، دوغر انان تىلر يىن
 ووروب اىلك ووروش، يىغجام اولدوق يىنە
 كىچىر تىدىك ايشە، ائىلە كىگىن يولاق
 قوپار تىدىق او يىردە ائله بورلوعان
 او جانسىز بدنلر، سۆنن آر زىلار
 قورالدىر بو ايش، يىرلە- تۆن چاغلارا
 ساواش ائىلە گلەيشدى او يىغون بىزە
 يايان آرلر انتدىكە آلدە مېنىك
 ائله گندىلر او يىناغا آتلار يى
 بىر آل اوخلا، بىر آل قىلىنچ، بىر سۆنن
 ياغىنچا ياغى اوستونە اوخلار يى
 پولاد باشلى اوخلار، ياغى كۆكسونه
 قوشوندان باخىردىن آن از بىر قاندا
 قىزان تونقا، ۲، ھەر چاققالا قىيناغىن
 تۆكولمك ياراشماز ياشىل ياپراغا
 دانىشقانسا اينسان، دالاشماق ندىر
 بو آيدىندى، دىل دورسا- دورماز قىلىنچ
 تۆكولموش يىرە، باشدى- قولدور، بدن
 ساواش دىر، بونا باشقا يوخ بىر قورال ۳
 آخىب قانلار يى، گۆللر اولدو درىن
 آرا وئرمە دە ن- تىز يايىلدىق ائىنە
 نە گۆز گۆرمە يىدىر، نە دويماز قولاق
 قوشون تىترە دندىر، يىنئىلمز بوغان
 تۆكولدو يىرە، سانكى يوخموشدولار
 آكېسىن تىكان، ايندى قانقال- دارا
 سانىردىق گندىر اوردو چۆكسون دىزە
 آر اسلان دۆشوندە ن قوتارماز كىيىك
 ساواش گۆجلى قالخدى بىردە ن يارى
 شىغىرلار، آن او يىغون يىرە گۆرز نىن
 سانىردىن سېلىمكە گۆيدە ن دارى
 باتىنچا، مئملر سرىلدى گۆنە
 قوتارماقدا جانىن، داي آختارمىر- آد
 ايليشدىرسە، اوندان قوتارماز ساقىن
 ساوشدان قازانچ يوخ قارايلان- آغا
 آر يىنماقدان اوترو، يىلاشماق ندىر
 آدام اوغلون باشدا وار بو قاخىنچ
 او مئيداندا يوخ قىيىمماز لىق ائدە ن
 دوران قارشىدا كىمسە، اۆلدور دە- قال

۱- سۆنگونون قىسالمىشى، سۆنن=دنىش. ۲- بىر . ۳- مقررآت.

ياغى باشچىلىق كۆشكۈنە سالدېرى

دۇيوشدە ايشين آن او قىز غىن چاغى
بىزى آتلايدىب ۵ بىر قوروب-قورد ساياق
آخىب اولدولار يان-يانا لئش دۆزە ر
ار آسلان ساياق، هر بىرى قويدو اوز
گۇرونجه دوروم، پىسلىگىن گۇرگمى
دونوب، هايلا چىمخىردى ۱ ساغلا- سولا
آچىب ناققا ۳ آغزىن، قوروشدور سا- انگ
چابا گۇستىر، اور دو باشچىلارى
ايشە چكىلر قول- بئىيندە نە وار
قوشوندان گۇرە ولندى سايسىز بۇلوم
ايگىلر سە هر ئك-تكى بو آرا
اولوشدور دولار بىر يوور لاق ۵ ياساو ۶
اولومجول آراج ئك، آغىز هر يوئە
او آز غىن قوشوندان، اوزون آر سانان
بوياندى قىزىل قانلا، داغ- داش- درە
قىزاردى بولودلار، تىلبىت قان تكىن
گندىر قاندا ايتسىن، دۇشَن گۇودە لُر
قىلىنچ آلدە، اوز كۇشگە- گۇز تانربيا
آتبيلا بۇتون، هر نە وار ايلگىسىن
بۇتون يوللارى، يوخلاينجا ياغى
بوشالدىدى، اول قوردلار بىن چنورە سى
هۇرونجه بۇتون چنورە نى يايچىلار

گندىب بىر اولاي، دومدو آز غىن ياغى
ايره لئندىلر، قويدو خولدان بـوداق
ننجه بوغدا لىق ايچرە درگز سۆزە ر
بۇتون گۇجلە، خاقانلىغا دوغرو دوز
بو دالغا، دئدى: سىندىر اندىر گمى
بوچىل قىنلىغى ۲، داي قويون بىر يولا
نە تخت آلتدا قالماز، نە باشدا چلنگ ۴
ائدە انتگىسىز، سىخلاشان بو دارى
هۇرولدو او يۇردە، لاپ- آندە ن دووار
قوچاق قوردلار، ياغىن آز غىن اولوم
چكىب نەرە لـر وئردىلر، دال - دالا
دۇشَ توپراغا، كىم آرى سانسا- آو
سالىرلار، قوشون آر خا چنورىر- اوئە
باشىندان اوزاق، گۇودە سى وئردى جان
گۇيە يانسىدى، يۇردە قوپموش تۇرە ۷
دئىرسن سوسوز موشدو، قان چىن- آكىن
يارىم جانلى قيشقىرتىسى، گۇى- دە لُر
تىكىب، بَنزە ر اولموشلا داشقن چايا
ايلاندا، باش آزمك - آماجدىر گسىن
آنىب، آشماق اولماز قولاي بو داغى
گۇيە يۇكسلىب، يايچى گلسىن- سسى
قوچاق آرلرە، ايندى قالخان يارار

۱- چىمخىرماق=پرخاش. ۲- چىل قىنلىق=ديوانگى. ۳- نهنك. ۴- تاج. ۵- داپرە. ۶- نىظامى صف. ۷- رسم، مراسم.

ائله ياغدىر يولار دىمىر باشلى اوخ
يئنىك دۇشمى اوخلار، اۇنئملرە
دۇشونجه، او ئنلر يۇرە بىر به بىر
ننجه يازدا ياغموور يۇرى ائىلى توخ
دئشىب داغ بـدنلردە، سايسىز درە
سانىردىن، پاليد ۱- اورمانى تىترە دىر

گۈل آشدى سونوندا قىزىل قونچالار

دۆشە دالدى تۆن اۆست دۆزە يلى ياغى

اۆشتمك ۲ توروندان، يىنى قورتاران

كۈچرگىن وارىب كۆشك ۴، توخداقلىغا

باشىن ساغ قوتار جاق اولايدان - ايلان

بىزىم اۆزرە سالدى، گىندىش - انتگىسىن

آى اود يوردونون سۇنمە يەن قورلارى

چابوك توپلانين، ياي كىمىن سون دۇنە

بىلە ارلىگە گۈيلولر آل چالار

دنىزتك اولوسدان ، بودور داملاغى

ايچىن دولدوروب قوشقو ۳، دونماقدا - قان

اوزون يوللار آشماق، گرەك ساغلىغا

توپارلان بانين، ووردوروب اول - تىلان ۵

قالا باشچىسى، آشدى گۈرگون سىين

بوگون بىرتار اولدوز بۆتون تورلارى

قىغىلجىم سايق، اود تۆكون هر يۇنە

بیر حیماسه یارانیر

دؤنوب اوز چؤیردی منه، مین باشی
توپارلان کی، آز سونراکی گؤستری
سئچین اوردونون، آن او سایخین ۶ یئری
بیر آندا دؤزولدی، تولوق یۆکلۆر
اؤزه ل یاغ، قارا نفت ایلن قاتقیسی
ایاقدان باشا، اؤزلرین-آتالارین
بونونلا یئنه، بیتدی نفت ایشی
آلواندی، چاخماق داشیندان کوسوو
نه چاخماق، دئییرسنکی سئلندی سور
آلواندی ارلر، یانار داغ سایاق

۱-بیر نوع آماج. ۲- اضطراب. ۳- شک. ۴- بوردا: گزه ن ساری. ۵- سؤرتوک، اؤزده ن گنتمه یه ن،
اوینادیلان آشیق لارین برینه "تیلان آشیق" دئییله ردی. ۶- آز ساییلی.

شیغیر، هر بیر اودلو شیمشک تکین
سپیپ نفتی خورتوملا، دؤشمئلره
بؤرونو، اودا چوخلو سایدا یاغی
پوزولدی دؤزه ن، چیخدی آلدن قوشون
بیرین آت سورور، بیرسی توپراق یالار
بیریه، یانارکن آچیر قارقیشین
نه ایدی بیزه، اؤزگه یورد سئوداسی
سانیردیق کی، آو- سالمیشیق چنبره
اولاپلار، ائله سالدی اوز انتگیسین
آلویولار ایچینده ن، منه گلدی های
یانیت آل قالا ایچره کی سورغووا
دئییب بونلاری، آلدی اؤنده قوشون
گئییمیشدی اوددان، مینیک لن مینتر
یاغی هؤرگر اولدی، ائله ساغ- سولا
اولوب ارلرین هر بیر اری

کی آزغین، بو اود یانیدیراندیر- چکین
یانار اوخلار آگلشدی- اول تتلره
یانان، یانیدیریر؛ سولداکی لان ساغی
دومان تۆسودن، کیمسه گؤرمور توشون
بیریه، بیخیلمیش آت آلتدا قالار
بوگون تانری بیزدن کسب آقیشین
جاییب بیز، ندن خیردا سانیدیق آسی
گلیب هاردا اؤستون، آغا-بیر قره
گئیدردی، بیلینجیم پوزولسون کسین
بو گؤسترگه یه، گؤرمه بیب کیمسه تایی
بو توپراقدا یوخ چاققالا بیر یووا
یارار ایلدیریم، داغدا گسه توشون
داغیلدی قوشون، سانکی آخیش مین آر
قیریلماقدا -قورشاتما ۲، آز دیر یولا
یانیب کؤل اولونجا، اولوم اسدیلر

۱- آذربایجان توپراقلا ریندا یاشایان تۆرک بویلاریندان دیر و بیر سیرا شهر و بۆلگه آدلارینین
اؤن و آردیندا گلیب. ۲- محاصره

قورشاتما دلیندی

منیسه، ایشین آن باشیندان بـری
تۆکولدوکجه یاز گۆللری بیر به بیر
داغلمیش دورومدایدی، آنجاق قوشون
توخاندیقجا بیز، ائله سکدی مینیک
او قانلی آلاندان، چیخان چاغلاری
یاغان او خدان، آز قالدی دیشیم یولو
چکیب آخ اوره کده ن، اوجالتدیم باشی
بونو، یاخچی بیلمکده سن بو قولون
اؤلوم، دادلی بیر ایچگی تۆرک اوغلونا
اؤلومله قالیم، اورتاسیندا ائلم
آلبیدیر سۆزوم، وارلیغین خاقانی
او آندان بنله، قوشدان اولدوم آییق
تۆگمیردی آنجاقکی - سالدیرمالار
ائله توخداغیدیم ایچیمده ن اوچاغ
ده بیشدیم ات اوستونده یون، ترسینه
آلیب اوخ قابیندان، بۆتون اوخلاری
یوبانمازدان، آلدن بوراخدیم یایی
قینیندان قوتار جاق، پولاداؤز قیلینچ
اوزوندور دئدی، قیندا توتساقدا یام
او قاج-قوودا، چوخ باشلار اؤزدو قیلینچ
وار آنجاق دئسم، بوردا سۆز قالخانا
توخاندی نچه، سۆنگو ایله قیلینچ

قورونماق ایچینده ایدی، کۆره ک نری
تیکانلار، اوچیللاق یۆزون گۆستریر
یاتیرتدیم گۆزه، چئوره نین لاپ بوشون
یاریشسایدی شیمشک، تۆشردی یئنیک
ایشی آنلایب، اوردونون ساغلاری
اوجانماز لاجین، گۆیده وورسا- دولو
دئدیم، آی چتین گۆنلرین یولداشی
چاپار اولماییدیر، قوتار سین چولون
یانا قارداش، آنجاق یوما گۆز بونا
یئنی خاقانا، قاندا ایتسین تئاییم
دولانیدردی توخداق، بئینده قانی
گن اوخلار اولدو اماجدان جاییق
یاخینلاشدیلار، بیر قوروب دیش چالار
اینانجیم ایتیرمزدیم، آخسایدی- داغ
بیلیمدیر دؤیوش، اولسا جانان- سینه
بوشا وئرمدیم، دۆشدر چوخلاری
اوخ اولماز سا، اورماندا چوخور تایی
سئوینجده ن منه انتدی قاش گۆز قیلینچ
قودور موشسا دۆشمن، قانا یاناقیام
سۆموکلر کسب، آتده سۆزدو قیلینچ
دنیبر سنکی، ده میشدی گۆز قالخانا
یارالار آچیلدی، آغیز بیر قارینچ

۱- بیر نوع گنیم.

چاپار خاقانلىقىدا

سونوندا يىنر چىخدى ايشده ن، اينانچ
قىرىلمىش قىلىنچ، بوش يىنر، ھۆركوك ات
اولونجا او چاغ، آرخادان آرخابين
چاپار اولدوم اوردان، يولو دۇرد نالالا
يىنئىشىم سونوندا باسىلمىش انلە
گلىب چاتمىشام، ايندى قوللوقدايام
سورون، سىزلرين اولدو بوندان سورا
اوچورلار باخين، گۆيدە قارداشلاريم
دئىيب بونلارى، دامدى سون داملاقان
آليب بير اوچقان، بايىندىر اوزو
وار هر اولكە نين بير بئله آرلىرى
باسىلمىشسا، انو ايچرە يورد داشلارى
دئىيب بونلارى، اگلشيب تختينه

يىرى آلسا ايرى، دوزوندور قازانچ
بايلىدى چۆلە، آشدى قوزغون قانات
يولون، دورماز اولدوم چۆليلە ن- چاپين
دئىدىم بلەكە قانندان داماردا قالالا
چاپارگن، نئچە باشدا وئردىم يئله
گۆرە و بيتدى مندن، آخار بير چاپام
قوتارماق انلى، يا دوشورمك تورا
تأس گل، دئىير لر دؤيوشداشلاريم
بايىندىر ديزى اۆستە، اول وئردى جان
سئىبىدىر گۆيە، آشدى بؤيلە سوزو
يادا، يورد اولانماز اونون يىرلىرى
يارار دوشمگە، باشچىلار- باشلارى
اوزون سوچلايب، باش دؤيوردو - تينه ۱

۱-تین = (۱) روح، روان (۲) هر بير زادىن ايتى يىرى

ائل آناسى سارايدا

سارايدان قويوب، باش ووراق بير انلە
گندىر هر كنجيد ايچرە قىزغين دؤيوش
ديره نمكده انل، يندىدە ن- يىنمىشە
توتوب گۆزلرين قان، اوقوز غونلارين
بوياندى گلنلر دە، آل قانينا
بالاواى سسى، يۆكسلىب گۆيلرە
گۇروب بونلارى، كۆكزدى بير انا
چايب دويدو سرتجە، ساراي قاپلارين
دئدى: سؤيلە بين خاقانا، من انلم
يىنئىشىدى بو چو ۳، گرگين آن خاقانا

گۆرە ك، ائل نئجە قارشى قويموش سئلە
بئله بير دورومدا، وئريلمز بؤيوش
بو يۆكسك چابا، گللمىش چوخ ايشە
قىيىرلار، باخان يوخ - اوشاخدير-قادىن
نئجە قىيىدلار، سؤد آمر جانينا
چاتار بو هاراي، باشقا تۆرك انلرە
توتوب اوز گندىب دوغرو خاقانلىغا
ايچرە ن گلىب سس كى، كيمسن تانين
انلىمدە ن يانيب- قوورولان بير ديلم
گيريش ايستە بير، آغزى اود بير انا

ساقىندىر - دئدى: دۇنمىز اولسون گىرى
ساراي ايچىرە تخته چاتىنجا خاتىن
سَنە كىم وئرىيسە بوخاقانلىغى
گىنمىردىن ار ۱، اوستە سىندە ن ايشين
بىلىرسن نه سۇيلىر، گلن سويلارين
قول ايدى بيزه، گون دوغان-گون باتان
دوتن باش آيه ن، تـۆركه بىر آز يالا
دندىكجه، جوشوب كۆكره دى اول- آنا
گۆزه ل باشچىل اولدون بوگون سن انله
هانى بس، منم سۇيله يه ن ارلرين
اوروز بى هانى، باشقا بى لر هانى
قوپوب يورد ايچينده، انله واشوون
آچىقدان دۇنوب، ياشلا دولدو گوزو
آله آل، چلنگينده- بوزقوردا باخ
دوشوب تخته ن، اول آرلر آرى
دورار اولدوق، آنجاق ياغى دورمادى
گوزوم سوزمه سى، او آياق توپراغين
چاغىرام گلر، اول- ده ده م قورقودو
يننه كۆكره بيب، قاينار اوللوق بوگون
يانار داغ ساياق، دوشمنه آخسا تورك

آچين قاپلارى، وار باش اوسته يئرى
بو تختى دئدى آلماييسان ساتين
اؤزو دوردورار- بىل، بو آزقنلىغى
ندن چكشدين، تـتختن ايسنك ديشين
بايىندىر، دوغولماز اندىردى- تارين
او قوللار، نـدن اولدو توپراق قاتان
گليب ايندى يوردوندا اولموش آغا
بايىندىر، گوزوم كاش او باغرين يانا
اويارگن، انلى وئردىن آزقن سنله
هانى بس، او قاپلان آيه ن - ارلرين
جايان سىزلر اولدوز، آخان ائل قانى
فلكدە ن قولاق كنىتمش، انلده ن گوزون
بنله سۇيله دى خاقاناسون سوزو
بو كزلىك داها تخته يوخ، يوردا باخ
قىزارمىشدى اوز، سانكى يانمىش درى
باريش ايسنك ده، باريش قورمادى
باسىلمىش دىر، آنجاق يندىلمز لاچين
ساواشدان چالار، قوزار آرلىك اودو
آچىب ساغلاريق يئر- گوى اولسا دؤگون
نه بورك باشدا قالماز، نه اينينده كورك ۲

۱-اگر. ۲-بىر نوع گنىم.

تایسیز بیر قارشیلیق و ساوینما

" ده ده " هارداسا ، اوردا یئل تک آسین
دوشونمکده، اول داغسا- بیزلر دره
گوروندو "ده ده"، باشقا ایدی یاپی
سینیرده ن، گوزو اوسته قاشلار آستر
گونش دوغسا، گورستمز اوندورلوک آی
دندی: آی بۆتون تۆرکون اورتاق گوزو
بنتر بو ائله تک سازینلا- سوزون
دیدیمکده دیر ایندی قورد اولاغی
گره ک یورد آرینسین، دیزه چیخسا- قان
قوپوز اوینادیلسا، قیلیدی دیرره ک
دووشدور چۆزه ن، بئله گۆنده ایشتی
اودا دۆنده رن، هئپ یئل اولموش کوزو
آغیر قوخادیر، بوندان آشین اوغوز
یاییدی بۆتون ائلده ،جینگیلی- های
بو چو، دۆشمین، سانکی باغیرن ده لیر
دندی: چال "ده ده" ،بیرسه قوزغون قیراق
ائله چالگیلان، تیتیره ر اولسون او- یاد
بَلک ایچره ،قوی کۆرپه گلین بازا
چالیب "قورقود" آر گویلری ده لدی اوز ۲
جیریلیمیش گۆنو، تکجه اوزمان یامار

دۆنوب بویروغون ،بئله ائتدی گسین
گلیش ساغلایین تئز ، او بیلگین آره
اوزون سۆرمدی چوخ، آچیلدی قاپی
آیینده قیریمدون ۱، آئینده گستر
آیلدی بۆتون ،سایقی سوندو سارای
ایلرلندی اول یئرده خاقان اوزو
بو نه بیر دورومدور، سالیبسان اوزون
گلیدیدر دیله ،آردمین قایناغی
بئله گۆن سنجیلمز، بو کۆتله - بو خان
ساواش گۆنلرینده، قیلیدیر گره ک
توپارلاق اولون ایندی آرکک-دیشی
آلیب خان ینه ،سایقی ایله سوزو
بۆتون بیز قیلینج، سنسه آلدی قوپوز
آلیب بویروغو، بیرلیک اولدو سارای
اۆره ک برک اندین-خان بایبندیر گلیر
چیخینجا بایبندیر، سارایدان قیراق
یننه چال قوپوز ، باتمیش آرلیک اویاد
بوگۆن ائله گۆج وئر، سوزیلن-سازا
دویوب بونلاری، آلدی کۆکسه قوپوز
اوجاغدان ،یننی بیر قان آلدی دامار

۱- ساواش گنییمی. ۲- سس

اوواندا اولدو ایش، یاپراغا قوندو شئه
قیزیشدی اوجاق ،پیل تک ائتدی ساجی
بئله بییرلیگه ، سانکی دار گلدی اوس
قووان اوچو، قارتالسا- وئرمنز-آرا
یاغی اۆرکزه ک، قاچماغا اوز گلیر

آسن گرمیجه، قارشیلیق قویدو مئه
اۆره کلندی ائل، باشدان آندی آجی
قاریشدی بۆتون، بگله-خاقان، اولوس
آچیلدی آلان، قیزغین آسلانلارا
تۆکولدو کجه باشلار یئره، بیر به بیر

بايندير خانين قازانچ چيخيشى

ايگيدلر، قازانچى- اندينجه گسين
دۇنن- فيرلانان، سنده ن الميش دۇزە ن
سني ياردىمىندان، يىنر اولدو دۇز
قوپوز- كوكسوده ن آنجك، آل اوستونه
چاليندى دۇوول، كۇشكە توپلانسين ائل
چيخيب خان بايندير، اوجا بير يىره
بودور بو دۇنرگين، دۇنردە اويون
بير گون قالديرار، باش دە ير گۇيلره
نه قالخاندآ آسره كمه، وئرمه بۇيوش
بو گونسه، كلف ترس دۇنمكده دير
گره كميش ونره م، سيزلره بيلديرى
چتتين ايش باشارديز بو توپراقدا سيز

توتوب اوز گۇيه "قورقود" آشدى سسين
گۆجونده ن قيراق، اولدوز اولماز سۇزه ن
يازا دۇندو، سنده ن چيچكلندى گۆز
توتولدى قولاق، باشقا تۇرلو اونه ۱
ساراي چنوره سين، آلدى گۆرھايلا - سنل
ندى: بو ائله، تانرى دۇزمك وئره
اويون اويناسا، سورماز ادلا - سويون
بير گون ائله يەر، داغ ياتيندا دره
نه ايسه آنن گوندە، سينما دۇيوش
بيزىملە بو گون باشقا تۇر دنور اندير
توتوم ۲- ترس اول، ائلده قالماز ديري
وئريب باشلار، آنجاق بويون ايمديز

۱- اوق سس، شوهرت. ۲- موضع

اؤدوللر گره ك، بو قاهار مانليغا
بونونلا گره ك، بير آجى گرچكى
بوگون بورد سيندير ديغيز، اول قوشون
گاير ايندى، آرديجا سايسيز ياغى
گره كميش بو گون، چوخ يئىنليكله بيز

گلن سوي، گره ك بوندان اؤرنك ييغا
آچيب انديرام، توم اولوسلا - بگى
گوره و اوردونون، آچماق ايدى- توشون
ياغيش- گمسسه، شوملادار داش- داغى
توتاق يول اوجون، قويمادان هنج بير- ايز

خان بايندیرين چيخيشينا سرت تپگی

آچىلجاق بو سوز، ائله قوزاندی نىغ
هئورتی باتیردی، بايندیر سسین
قوچاقجا باغیردی، اولوسدان بیر آر
بوایمیشدیر آماق، اولنلر اوجو ۲
ائشیدسین بونو، ساتقین ایله یابان
بوتون دۇنيادان، یوردوما اود یاغا
اوجالندی سسین ائل، آره و نردی های
قوشون آخسا- سؤیلندی، توپراق سایى

اولوس باغیرینی، سانکی ده لدی قییبغ
آسییدیر اورا، گۆرلده ن بیر آسین ۱
هاچاغدان اولوب، توپراق آتماق هؤنر
آتیب یورد، گنجه ایلان گۆتورمک کؤچو
باتانماز دیشین، بوش بیر ایشدیر چابان
باسانماز آیاق، بیر قارینج توپراغا
جوشوب دالغانلندی، دنیز اولدو چای
گسردن قیراق، آرتایلمز پایى

ائل قوشوللاری بیلینجه، گرچگه اويدو

آلین قالدیریب خان، دایاندی سمیر
دندی: آقیش اولسون بئله بیرلیگه
شاشار دیم، اول باشقا بیر تپکینیز
چتیندیر بوراخماق، آنا تورپاغی

سو- ده یسه، سیرینلر قیزارمیش دمیر
کی بیرلیگه ن، ائلر چاتیب دیرلیگه
گۆره ن اولماییب، دالغاسیز بیر دنیز
لاچین یوردون ائتمک قودوز اولو لاغی

۱- نسیم ۲- اوج= انتقام.

بوتون بونلارین هاممیی ایلان بئله
آلیشماق گره ک، بو آجی گرچگه
اولوسدان آلیر اولکه اوز آنلامین
قوتارماق گره کدیر بو گۆن، قوخادان
دؤنر-دؤنمه بیب هنی بیرینده ن، یانا
یاشار اولسا ائل، یوخدو یئر آزیغی
کؤچر بو دومانلار، دوغار آل گۆنش
آیاق اؤسته ساخلا بوگۆن بایراغین
یننه بیرلشیب، تۆرک اولای بیر بیلنگ
بايندیر سوسوب، اولدو سوز قورقودون
گره کمیشلری، سؤیله دی-خان اوزو
توپار لانسین ائل، نئز گۆتورسون کؤچون
سؤنوشکندی ائل، دوغرو بولجاق سوزو

آغیر بیر دوروم، دیش قیجیردیر ائله
ساقین اوس بئلین، دوغوساللیق آگه
دۆشن گۆوده دن، اومما توپراق- یامین
قارانلیق دان آشماق، دوغار بیرده- دان
آشیر هر سو سئده ن، دئنن سنل اونا
آرسلان قووبوب، یورد ائده ر سازلیغی
قور اوللوق یئنه، آزیغین ایسه-کۆش
یارین، بیل- تۆکنمز اولار توپراغین
آلار رومدا، قئیسر باشیندان چلنگ
دندی: سؤندورون دوغوساللیق اودون
یاراشماز داها، چوخ اوزاتماق سوزو
آغیر نسنه یوخ، نکجه دیرلیک اؤچون
دۆزوم آرتیریب، کۆله اورتدو کوزو

كۈنۈلسۆز كۆچ

بوغۇلدىگو نىش قان گۈلۈندە اوگۈن
پوزۇلدۇ سونۇندا ايشىق اوردۇسۇ
اۈنۇدمۇشسا هر وارلىق 3 اۈز قايناغېن 4
اودۇر كۈنتۇ يازماقدا، «لئىسانلى» دا
آچىم اۈيگۈندىن 7، بىر يانېقلى آشام 8
انلە بىر اولاي 9كى دۇيان 10داش بۆرەك
كۈنۈلسۆز 11كۈچە سوندا اۈز قويدۇ انل
تلسگىن دۇرۇم 14باغرى داغلى اۈلۇس 15
گنجە زىل قارا داغ يولۇ دارسېقال 19
اولاي بۈلگەسىندىن 21 اۈز الدېقجا 22 انل
آنا، قېيى 23 وۇرۇر، ھاردا قالدېن بالا
اوياندا سېزىلدېر يىنى يىتمە 26 قېز
گۈزۈ ياشلى بىر كۆرپە سىلىر، آنا
نە كۆللر آلىدى بۇ گۈن باشېما
بۇ سۆزلر توخاندېقجا، سرت 28 داغلارا
تۇتۇشۇر 30 ايگىدلرلە داغ، بىر بىرە
انلە بىر دۇرۇمدايدى تۆرك ارلرى
يايىلدى او چاغ شاشدېران 33 بىلدىرى
سانىبلار ھىچە، اوردۇ بۇيرۇقلارېن 34
دۇيۇنجا بۇنۇ، اوردۇ باشچىللىرى
كۈچىب داغ باساردان، گىنىش سازلېغا ۳۷
گلىب بويروغو، قېسسا بىر اوتراغېن
۱-كىمىد. ۲-أرتش. ۳-وجود، ھىسى. ۴-منىع، كۆك، گۆزە. ۵-اصل، اصیل. ۶-مطلقاً، اصلاً. ۷-حكاية. ۸-مرحلة. ۹-
حادثة. ۱۰-حيس ائدەن، انشىدەن 11-داوطلب اولمايان. ۱۲-منظره. ۱۳-عكس، خلاف. ۱۴-وضع. ۱۵-اميلت 16-
نظم. ۱۷-مرتتب انديله. ۱۸-ھوش، عقل. ۱۹-دار، انسىز. ۲۰-ھای، كوی. ۲۱-منطقه. ۲۲-اۈز اخلاش دېقجا. ۲۳-بىر نواع
سس. ۲۴-دۇنيا. ۲۵-آجى بىر زاد، دھەر. ۲۶-تزه جاوان. ۲۷-قوجا غىم. ۲۸-بىرك، خشن. ۲۹-منعكيس ائدىر. 30-مقايسه
انت ۳۱-يلاشېق، كئىف، پىسلىك. ۳۲-حالدا. ۳۳-تعجب انتمك. ۳۴-فرمان. ۳۵-فردا. ۳۶-مراقىب، گۆز تچى. ۳۷-بېشە زار.
۳۸-جنگل. 29-بوسقو: كىمىن. ۴۰-ھجوم

قېسا دىنچلىش چىن، توپارلاندى انل
گلىب يۈك-يۈك اۈستىن ابيلمكەدە بىل

ساواشانتگىسى، يۇرد ايتىرمك ياسى
قارنلىق گنجە، باشدا اۆركۆك دوغا
نه ايسە تاپىب اوردا ائل توخدايىش
هره آختارپر اۆز گۆبكدن اۇرۇق
سۆرۆب آز سۆره ائل ايچين دينجلىش
كى بىردن گلب، آيغا قالخبن سسى
بۇ چوو، بىر قور اولمۇشدۇ قانقاللبغا
ائله دۇشدۇ ائل ايچره بىر قارماشىق
كىمين كيمسه سى، كيمسه نين نسنه سى
يئىنلىكله اول يئردن آشدى اوغۇز
بولو آلىدى اۇندە، مینرله يايان
اۆزب سارسېدېدېر ايچيندن آسى
اۇچان شۇگهسى، سانكى قېزمېش بوغا
درىب تۇشكۆتۆ، بركىدېدېر قايىش
اۇنۇدمۇر نسه، دۆزتوخۇملارتۇرۇق
گندىردى سولان تين، تاپا دىرچلىش
بو يئر اولماق اوزره قادا بولگهسى
پىلندى، بۇيۆك بان تكين وارلبغا
نجه آيرىلن يۇن دۇشر پېرتلاشېق
آياق آلتدا قالدى، دۇشن گۆوده سى
سپىر گۆرنه دئوران يارا اوسته دۇز
اولار چاققالا يئم جىزىقدان جايان

آت آغىزلى اوروزون كۆرپه سىنين دوشوب ايتمه سى

أسىب يئل تكين، آشدىلار دوز-ياماج
قادا دالقاسىندان قوتاردى گمى
يننه يورقون ائلدن، گۆيه قويدو اوز
ائله قىوربلىردى ارەن ساغ - سولا
ساراركن ياغى، ايلدىريم تك شاخان
سورور هاممىيا، نولدو اوغلانجىغيم
بو چوودان پاى آلدىقجا، اردملى لر
گلنلر آرا، قام غانين اوغلودا
ياغى قارشىسىندا، توكون پوزمايان
چكىن بۆيله بىرداورانىشدا، اوروز
دوشر قوشقويا، توم ايگىدلر بوگون
يۇنلندى دىلى، كۆكس بىرتان يوره ك
گۆزوم آغ-قاراسى اولان تك بالام
دوشونمه اونوتدوم، ائلىن آغرىسين
ياشا دولمامىش ياورو، قاورير منى
سويوق باشلىق اوزدن، ايتىب بولبولوم
آنا بىر گئىيك ده، ايتىرسه قوزو
كولش اوددان آيرىلدى نىچچە آغاج
ماياق بللى، آنجاق سىنىب يئلكنى
باشا كول ألىر، آت آغىزلى اوروز
ياشام بايداسى، گنتمده يدى دولا
سىزىلداركن اولموش، اوركلر ياخان
قىرىلدىممى؟ ساپ، ايتدى سوي مىنجىغيم
اوروز چون واران، كىچمىش اولسون دىبەر
سورور هانسى كۆزدن، دۇنوبسن اودا
دئگىل: هانسى دالقايلا، اولموش قايان
قىنارارلىگىن، ايچ اوغوز-دېش اوغوز
دوشوك داورانىش، اردن آچماز دوگون
دئدى: جايماسين يورد ائويندن دىره ك
قوشا يئم اولوب، اومما توختاق قالام
يا الدهن گندن توپراغىن، چاغرىسين
دوشوب قالدى اورماندا، كۆورك تتى
بونا قورخورام، باغدا سولسون گولوم
كوسر هر زادىندان، سؤنر اولدوزو

"دە دە" اۋيودو

دنيىب بونلارى، توخداق اولدو اوروز
پوزولموش گۇرونجه اوچاغ، اورتامى
گليبيد ديله ، «قورقود» الده قوپوز
گيزملى سسين ، اشدى قاملار قامى
اومودسوزلوغو ، ائل ايچيندن تالار
يارين قورماق اولسون، ائل ايچره هونر
يارين يوللارى ، بيل بو گوندن كچر
بو گوندن سوروملويسا، گر دونكولر

۱-اۋن: پيش. ۲-مىنر: سوار. ۳-يايان: پياده. ۴-ياماج: اوجاليق. ۵-آعاج: بوردا مصافه اولچوسو. ۶-ماياق: دنيز فنى
۷-يئلكن: بادبان. ۸-اوز: بىر نوع سس. ۹-آت آغيزلى اوروز: باساتين آتاسى. ۱۰-آره ن: شخصيت لى آر، اوسلو آر
۱۱-ياخان: يانديران. ۱۲-سوى: نسل، نژاد. ۱۳-آردملى: شخصيتلى، آتلاقلى. ۱۴-اران: واريد اولان، گيريشده بولونان
۱۵-قام غان: دىنى رهبر. ۱۶-قاين: زويه ن، سوروشه ن. ۱۷-قینار: پيسلر، محكوم اندر. ۱۸-قوشقو: شك، ترديد
۱۹-دوشوك: يونگول، ياراماز. ۲۰-يۇنلتدى: جهت وئردى. ۲۱-كۆكس: سینه.

دنيىز قاينار اولدو، نچه داملاسى
گنديب ائل گۇزوندن ، قارا اورتولر
سۇزه سون قوبونجا، او قاملار قامى
كسين ايسته پيش له ، ينى باشلانيش
اومود گۆج وئريب، ائلده سۇندو آغى
"يئنه ساو، آخار اولسا«لئيسانلى» يا
بىر آيدا ، ايكىنجى اشام آجليغا
او تك دامدا ساوگلدى، بئش اينجى گۆن
دئدى: بوردا دۇنگيل، قارا اورمانا
دامينجا سيليندى ، اوره كلر پاسى
گلن گونلر آيدىنليغين ، گۇردولر
دوزنله دويوندو ، اوره كلر هامى
بو ائل أسكى ده ن ، اولدو بونلا تانيش
اوره ك قاورير آنجاق، او ايتگين داغى
نه توتساق ، نه آجلىق ، اينانما سايا
قويونجا آديم ، گۆن يئريشده باغا
قارين آجسا، آچدون بئيينده ن دۇگون
داها قويما اول ياورو چوخ يالمانا"

كۆرپە اورماندا

دالېب اويقويا ، اورمانين خاقانى
درين دوشده ن ايرىلدى، لاپىدان لاپا
دوروب سىلكىنىپ، گرنشېب، كۆكردى
آتېب نىچچە آددىم، سوووب كول-آعاج
گۆروب اوردا بىر نىسنە نىن چنۇرە سىن
انلە سىچرادى ، سان بولوتدان ايشىق
داغىلدىقچا سومسوكلرىن ، پۇهرسى
ايلرنى گۆردو ، آدام ياوروسو
باغىردى ، يىننە گلسىن اورمانلىلار
آداملار توروندىن، گلىب بىر قوناق
قارى دوشمن اولموش، بولارھىپ بىزە
ھونورتىدى دوشدو ، بوتون اورمانا
سونوچ سوندولار، بىئىلە جە خاقانا
أرسلاندا كوكرركن ، اولدو . دىدى
بلك- قونداغىن ، تاپشېرىپ مئىمونا
أمىشدىر اونا ، قوردلا اسلان سودو
گۆرە ولر بۇلوندو ، يايىب بوپروغو
كئچىب نىچچە آى-گون، ايمكلىر قوزو
اوزون سورمدى، ياورو دوردو، دورو
يىنى آتمىش اولموشدو، ايلك آددىمىن
هله دولمامىشدى او ، يىنددى ياشا
يالين آلە اورماندا او اولايير
بىلە سوردو گونلر ، دولوب ياشينا
ياشى اون ايكي ، گۆركمى آلپ تك
دۇيوش لە گولشده ، يىنىب اورمانى
بوتون اورمان اولموش، آلئدا دىنج
أر اسلان اورە ك وئردى، قاپلان ، بىلنگ
يىنى خاقانا ، تاپشېراق اورمانى
گۆرە ك تورك انلىنده، ناسىلدىر دوروم

گۆرور قىناغى آلتدا، بىگلە خانى
دىيەن، دوشمن آخمىشدى تاختىن قاپا
گزىب آختارير ، آنجا بىلمىرنى
قولاق شاخلانېب، بللى اولدو آماج
آلىب نىچچە چاققال، اورە كلر اسىن
دۇنور شىمشىگە، گۆى اولور قاماشىق
او سوسفونلوغو، پوزدو اينقە سسى
چكىب نعرە لر، گۆردو يوخ قورخوسو
تانىق اولسون اوردا، بوتون جانلىلار
آلاق اۇج بوگون، يوخسا سايقى سوناق
نىجە داوراناق ، قالدى كىسمت سىزە
گە يشمك سونو، دۇندو اوزاسلانا
اونونچون تاپاق ، سئوگىلى بىر آنا
سئچىم دوزسە ، خاقاندا قولدو. دىدى
اوياردى، ساقىن باشقالار سود سونا
ساقىن اوز سودون وئرمە، چوخودور گودو
آگىب باش ھامى ، بىللادى قوپروغو
اوتن هر گونە ، پارلاير اولدوزو
آيىقدىر انلە ، گۆزلە ايزلىر قورو
چنۇپردى گنرى، اوزگە لر ياردىمىن
آياقدان سالىب، يوردو باشدان باشا
دئىيرسنى قاپلاندى ، او قاولايير
يىنى يىنمە دئىليردى ، ياش داشينا
يىر اوزرە اونو قاپتارا ، يوخ بىلك
يىنىب گۆگلون آلماقدا، ايش اوزمانى
گوجو آرتىرار ، باشدا اولسا بىلېنج
اوسو ، قورد وئرىب ، اوتدو باشا چلنگ
يارار هر ايشە، اول ايشىن اوزمانى
اغوز دىر چلىب؟، يوخسا چاشدىر يوروم

دئیرسن ، بیره مین وئریدیر اکین
بنلیغ پارلاییر، سانکی اون دوردلوک آی
آلبیدیر یایی ، تئی ساریجدان یارار
باخینجا، اوهر یونده تاییسیز یایی
گیریش ایسته یه ن، چکملی اولدو قول
اوره ک یاپراغا دوندو، اولدو آسن
گۆزه ل لر اوزو، بوردا یاشماقدادیر
سنچیلمز اولوب، اوردا بگله سایا
تینی، تینچه نی ، گونبز آلتین بزهر
چکیر آرشینه ، دیل تۆکرکن ساتان

سۆکوب پلمه ، باش کنده گۆز دوشجگین
سنچیلمز ساقین ، اوردا ائوله سارای
ساریب چئوره سین، بیر باراژتک دووار
گیریشچین دوزلمیش ، دمیردن قاپی
بیان چین ایسه ، آیریلیب باشقا یول
ایچرده ن باخینجا ، او باش کنده سن
گۆزه ل لیک لره، گۆز قاماشماقدادیر
اولور ائيله گیر- چیخ، دوکان- چارشیا
تۆکولموش دوزه چوخ چنشییت نسنه لر
ساتیلماقدا، ایلک دوزده هر پارچادان
ایپک ، تیرمه ، شالدیر تومارلیر گۆزو

۱۳۸۳/۴/۲ تیر ایندا قاراباغ (سرچشمه) مسجدینده انرمنی هنیث نین اردبیل بولگه سینه گلش
لرینین اعتراضیندا زینداندان(قرنطینه ده) اولان چاغ ایکنجی آجلیق مرحله سینده، آجلیغین بنشینجی
گونونده ۵۵ بیته یاخین حتی بیر میسرا سی دا یاریمچیلیق قالدی و تاسفله بوگونه دک باشیمین
قاریشیق لیغینا گۆره آردین توتا بیلمدیم...



مساله ستم ملی در ایران

هر نوع بحث راجع به ستم ملی، غالباً به از بین رفتن هویت و زبان فرهنگ یک ملت اشاره دارد، که در بعضی از کشورهای جهان سوم حکومت‌هایی که قلمرو حکومتی آنها ترکیبی از اقوام و ملل مختلف با زبانها و فرهنگ گوناگون است اعمال می‌کنند. ستم ملی توسط حکومت‌ها غالباً با هزاران ترفند اقتصادی، فرهنگی و تبلیغاتی و صرف میلیاردها ثروت ملی صورت می‌پذیرد. معمولاً ستم ملی به صور مختلف صورت می‌گیرد:

1- ستم سیاسی: مانند کنار گذاشتن افراد وابسته به گروه اقلیت از مشارکت موثر در زندگی سیاسی.
2- ستم فرهنگی: مانند ممنوعیت از یادگیری و بکار بردن زبان و یا لهجه ای ویژه و ممنوعیت انتشار و یا استفاده از آن در رسانه های گروهی.
3- ستم اقتصادی: دستگاه حاکم طبق برنامه ای ویژه کوشش می‌کند تا منافع اقلیت را به حداقل ممکن کاهش دهد و یا آن را نفی کند.

4- ستم فیزیکی: مانند جابجایی اجباری اقلیت‌ها به منطقه خاص از سرزمین خودشان و یا سرزمینی دیگر و یا اشغال سرزمین آنان بوسیله اسکان افراد وابسته به گروهی دیگر و سرانجام جابجایی گروه‌های دیگر در سرزمین اقلیت‌ها بطوری که بافت و نسبت جمعیتی سرزمین گروه اقلیتی دگرگون شود (خوبروی پاک، ص ۱۳۶)

با به قدرت رسیدن رضا میرپنج و با حمایت دولت انگلیس و ایادی داخلی و خارجی و روشنفکرانهای خود فروخته، استراتژی یکسان سازی ملل ایران در دستور کار دولت رضا میر پنج قرار گرفت. و در زمان کنونی نیز سیاست دیکته شده از سوی استعمار انگلیس بر حاکمان پهلوی (جمهوری اسلامی) نه تنها مو به مو اجرا می‌شود بلکه با بهره‌گیری از تکنولوژی معاصر شدت و حدت صد چندان به آن بخشیده‌اند؟ همان سیاستی که هدف نهایی اش نابود کردن عنصر تورک در منطقه، خصوصاً در ایران بود. استعمار انگلیس به خوبی دریافته بود که با وجود روح عصیانگر، ظلم ستیز و ضد استبدادی ملت تورک آذربایجان، استثمار دیگر ملل ایران غیرممکن خواهد بود. اینک دو راه برای اجرای پروژه شوم خود در پیش رو داشت: روش اول؛ نسل کشی فیزیکی. روش دوم؛ نسل کشی فرهنگی. اما برای اجرای این ماموریت بسیار مهم به سرسپردگانی نیاز داشت و چه گزینه‌ای بهتر از خاندان پهلوی. استعمار با این انتخاب، در جهت اهداف خود نشانهای دیگری را نیز می‌زد. بعد از ورود اسلام به ایران بعد از هزار و اندی سال، حکومت را از دست اکثریت تورک غصب و به دست اقلیت فارس سپرد و این شگرد مودیانیه از سیاست‌های خطرناک استعمار پیر بود که در اکثر ممالک تحت نفوذ خود اعمال می‌کرد؛ مسلط نمودن اقلیت بر اکثریت. بعد از بر سر کار آمدن رضا پهلوی هر دو روش فوق‌الاشاره با تمام توان به اجرا گذاشته شد و اعمال آن سیاست بعد از عزل او و نصب پسرش نیز به شدت ادامه یافت. چنانکه در ۲۱ آذر ماه ۱۳۲۵ محمدرضا پهلوی با یاری و دخالت مستقیم نیروهای آمریکایی قیام ملت آذربایجان را به خاک و خون کشید که منجر به شهادت بیش از هفتاد هزار نفر از فرزندان غیور و آگاه این ملت مظلوم و حق طلب شد. اما این نیز برای رسیدن به استراتژی مورد نظر کارساز و کافی نبود. زیرا ملتی به آن بزرگی (به لحاظ جغرافیایی و جمعیتی) را نمی‌شد با قتل عام‌ها نابود کرد. لذا روش کارسازتری که از اوایل به قدرت رسیدن رضا پهلوی آغاز شده بود با بی‌رحمی تمام ادامه یافت؛ یعنی سیاست هجوم همه جانبه به تمامی ارکان فرهنگ این ملت مغلوب و مظلوم. تحقیر زبان تورکی در همه

ابعاد و ممنوعیت تدریس آن در مدارس و حتی منع استفاده از آن در اماکن عمومی و دولتی به صورت نوشتاری و گفتاری و تحریف تاریخ این ملت با سرمایه گذاری کلان با مدد جستن از قلم به مزدان داخلی و خارجی از جمله آثار جعلی یهودیان اعمال و اجرا شد. آنان همه های فرهنگی را نیز کافی ندانسته و اقدام به نابود کردن اقتصاد آذربایجان نمودند تا موجبات در به دري فرزندان این ملت و کوچ آنان به استانهای فارس نشین جهت به دست آوردن لقمه نانی و متعاقب آن شکستن غرور ملی و از دست دادن اعتماد به نفس ملی و بروز فاجعه ای بزرگتر به نام خود کم بینی ملی را موجب شوند که نتیجه آن استحاله و نابود شدن کامل است. آری! شوونیسم فارس گرا منابع زیرزمینی را چپاول و منابع روز زمینی را با روشهای مختلف نابود کرد. این در حالی بود که سرمایه گذاری ملی در آذربایجان عملاً ممنوع شده بود و سرمایه گذاران شخصی و خصوصی با انواع و اقسام روشها از منطقه دور نگه داشته می شدند. اینها فقط ذره ای از مظالمی است که در طول يك قرن بر ملت آذربایجان رفته است و برای بیان بیش از این اکنون مجال نبود.

آنچه بر سرزمین ما آذربایجان رفت بدتر از ممالک تحت استعمار و استثمار مستقیم بود و حال همگان شاهدیم که بعد از سقوط شاهان نه تنها وضع تغییر به مثبت نکرده بلکه بدتر هم شده است زیرا حکومت اسلامی نیز تداوم دهنده آن سیاست شوونیستی و فاشیستی می باشد. اما با مکانیزمها و ابزارهای بس خطرناک.

اینها همه و همه برای آن بوده و هست تا ملت آذربایجان را در معرض الیناسیون که در نهایت منجر به آسیمیلیاسیون و استحاله فرهنگی می شود قرار دهند و به همان هدف نهایی شوونیسم فارس گرا یعنی نابودی معنوی ملت تورك آذربایجان نائل آیند که در بسیاری از مناطق آذربایجان قربانیانی هم گرفته شده است. قربانیانی چون استانهای همدان، اراک، قزوین و استانهای در معرض قربانی شدن از جمله: زنجان، اردبیل و آذربایجان غربی که با سیاست خطرناک و شوم تر دیگری در حال واگذار شدن به کردها می باشد. این گونه سیاست های شوونیسم فارس گرا گام به گام به ثمر می نشیند و اینها نشد مگر در نتیجه از خود بیگانگی ملت ما با از دست دادن عرق ملی، غرور ملی و اعتماد به نفس. اما برای جلوگیری از این فاجعه ملی، آگاهان و بیداران این ملت طی سالیان گذشته برای بیداری ملی این ملت تلاشهای فراوانی انجام داده اند که خوشبختانه ثمراتی نیز داده است و یکی از آن دستاوردها قیام و خروش ملی ملت آذربایجان در نیمه اول خرداد ماه ۱۳۸۵ (اطمینان دارم ملت آذربایجان آن روزهای تاریخی را فراموش نخواهد نمود و روز اول خرداد هر سال را برای ایجاد وحدت، انسجام و قدرت بیشتر در تداوم قیام و همچنین ارج نهادن به استارت جسورانه مردم قهرمان تبریز در آن تاریخ و آن روز به عنوان روز قیام ملی گرامی خواهد داشت.) بود و به رغم برخورد وحشیانه با آن حرکت مدنی و مسالمت آمیز کاخهای فاشیزم فارس گرا را لرزاند. اما آزاردهنده تر از هر چیز اینکه سرکوبگران، محاکمه کنندگان و زندانبانان آن قیام، برادران!!! تورك ما بودند. آنان نیز قربانیان سیاست های شوونیسم فارس گرا بوده و هستند. اکثر عوامل سرکوب و خفقان خودی های از خود بیگانه بودند و هستند.

گندرسن بویووا باخاریق

من عباس لیسانی، فرزند اسد در اول شهریور ماه سال ۱۳۴۶ در دامنه کوه مقدس و همیشه سرافراز "خاقان ساوالان" و در شهر تاریخی اردبیل، در خطه ی اصیل الترتک آذربایجان بزرگ چشم به جهان گشوده ام.

دوران کودکی خود را در حالی سپری نمودم که داستانهای سینه به سینه و فلکلور اصیل و غنی آذربایجان را از زبان پدر مرحومم و مادر عزیزتر از جانم به گوش جان و دل می شنیدم. شنیدن بایاتی لار، لای لای لار، قوشمالار، اوخشمالار و... آن هم از زبان مادر، آرامش خاصی بر روح و روان هر طفل می تواند بخشد، اما ناغیلهای حماسی، عبرت آموز و مملو از حکمت پدرم چیز دیگری بود، همچون داستان های کور او غلو، قوچاق نبی، تکی گوز (تپه گوز)، گندر گلمز، شاه ایسماعیل ایلین عرب زنگی و... که هر کدام از آنها درسی بود برای آزادگی و عشق به ملت، تاریخ و فرهنگ خودی که به تبع آن روح ظلم ستیزی و حق طلبی را در کودکی و نوجوانی با خون جانمان عجین می نمود. و این چه موهبت بزرگ آسمانی است که برای فرزندان آذربایجان که با کیستی خود در آغوش گرم پدران و مادران خویش آشنا می شوند!

به این ترتیب علی رغم شرکت در انجام مسئولیتهای سنگین خانواده توانستم تحصیلات خود را ادامه دهم، اما اتفاقی شکنده و ناگوار (از کار افتادن هر دو کلیه و زمین گیر شدن پدر عزیز و بزرگوام) ورق زندگی مرا برگرداند و حیاتم را به سرعت از دوران شیدایی جوانی وارد روزگار محنتها کرد، چنانکه برای گذران مادی و تامین معاش حلال زندگی خانواده عزیزم مجبور به ترک تحصیل شده به این ترتیب از صعود برای اخذ دیپلم و مدارج عالی باز ماندم.

اما ناکامی در تحصیلات عمومی نه تنها نتوانست مرا از کسب علم باز دارد بلکه خود سبب انگیزه ای برای روی آوردن من به مطالعات آزاد شد. عشق به مطالعه و تحقیق و تدقین در حدی بود که تقریباً دیدن هر کتاب، مجله و روزنامه کنجکاویم را تحریک می نمود. از غزل حافظ، رباعیات حکیم عمر خیام، مثنوی معنوی مولانا تا غزلیات فضولی و واحد شیرین سخن.

از زمانهای پلیسی، علمی، تخیلی تا تاریخهای تحریف شده. از کتاب های مذهبی گرفته تا برخی کتاب های ماتریالیستی از مجله معروف دانستنیها تا مجله گران سنگ و ارلیق.

شاهنامه فردوسی، سروده های نظامی گنجوی تا سازیمین سوزو و داستانهای مکتوب قوچ کور او غلو، آسلی (اصلی) و کرم و قوچاق نبی و خلاصه کتب و مقالات بسیار متعدد در طیف های متنوع فکری، هنری، قومی، مذهبی، تاریخی... را مطالعه می نمودم.

حداقل دست آورد چنین مطالعات نامنظم و بعضاً متناقض، ایجاد سئوالها و چراهای متعدد در آن ذهن متلاطم بود، اما بزرگترین سئوالی که در آن سنین بحرانی بلوغ و جوانی، خود سبب ایجاد بحرانی بس بزرگتر به نام "بحران هویت" گردید، سئوال "من کیستم؟! " بود، که خود کافی شد تا مسیر و راهی بیکران اما مشخص و هدفمند در سیر مطالعه و به تبع آن زندگی، پیش رویم قرار دهد!

علی رغم جستجوی فراوان در آن شرایط زمانی، یافتن جوابی منطقی بر آن مهم امری بسیار مشکل می نمود، اما سفرها و بعضاً اقامتهای موقت جهت دستیابی به درآمدی مناسب مانند اکثراً آذربایجانیها در تهران و شهرهای دیگر کشور، ذهنیتی نزدیک به عینیت را در ضمیر ناخودآگاه من پرورش داده بود.

زمانی که در ۱۳۶۵/۷/۱۸ ه-ش وارد خدمت سربازی در ارتش شدم، با گذشت هر روز پی به فاجعه ای بردم که عمق و وسعت آن ناپیدا بود. معمولاً پادگانهای نظامی کلکسیون است از اقوام و ملل مختلف کشور و آن فرصتی بود بزرگ برای آشنایی روحیه، فرهنگ، زبان و لحن های مختلف آنان.

جبهه های مختلفی به دلایل برخوردهای فرهنگی به وجود آمده بود، اما پیش از همه، دو جبهه اصلی بصورت عریان خود نمایی می کرد، در یک سو اقلیت فارس و در دیگر سمت اکثریت غیر فارس که علی رغم میل باطنی مجبور بودند با هر مصیبتی بود که زبان اقلیت حاکم سخن بگویند و این نه تنها حلال مشکلات نبود بلکه حس زیاده خواهی و برتری طلبی را در اقلیت فارس تشدید می نمود و به تبع آن تحقیر، تمسخر و توهین ها عریانتر می شد.

این فرزند نامشروع (برخورد فرهنگی) که زاینده سیاست شوم و شوونیستی حاکمان فارس پرست بود، بجای تبدیل به دیالوگ و تبادل فرهنگی، متاسفانه از طرف رده های بالا آنتریک هم می شد. در حقیقت چنان می نمود که کالای تحقیر و توهین، خود تبدیل به تجارت و سیاست شده است تا اعتماد به نفس و غرور ملی ملل غیر فارس مخصوصاً ملت تورک آذربایجان را هر چه بیشتر سرکوب کنند و به مرور زمان پروژه استحاله ملی اقوام و ملل غیر فارس را تکمیل تر کنند.

آزار دهنده تر از همه ی اینها مشاهده ی این واقعیت تلخ بود، و آن اینکه یک جوان فارس زبان بر این باور بود که از هر لحاظ برتر از یک غیر فارس است!

متاسفانه به دلیل نبود اطلاعات کافی جوان غیر فارس از تاریخ، فرهنگ و هویت خود و به تبع آن نداشتن جواب منطقی در مقابل حملات اهانت بار و مواضع غیر منطقی فرد فارس زبان مخاطب، علی رغم برخوردهای لفظی و بعضاً فیزیکی، از درون احساس پوچی و بی هویتی می نمود و متاسفانه به مرور زمان روحیه تسلیم در آنان عمیق تر می شد.

دوران خدمت اجباری با تمامی ناملایمات و فراز و نشیب خود بعد از ۲۹ ماه به انجام رسید، این خود آغازی بود برای فصل تازه ای از زندگی، اما با چشمانی بازتر و احساس دردی فزونتر.

دیگر نمی شد آرام بود زیرا در چشم مظالم ملی عریان می نمود.

با خود می اندیشیدم چگونه میشود ملتی را که سالیان متمادی با انواع ابزارها، برنامه های و تبلیغات سوء از هویت خویش بیگانه و بعضاً رودررو نگهداشته شده بیدار نمود بدون آنکه نوع ضربه، مکان ضربه و وسعت آن شناخته شود؟! بنابراین با همان روش به دفاع برخاستیم و در این طریق تبلیغات مثبت و مبارزه ی منفی و مدنی گزینه ای معقولتر به نظر می رسید.

بتدریج این مباحث جدیتر و رایجتر شد چنانچه در هر جمع و اجتماعی بحثها در همین حول و حوش بود.

اوایل کمترین نتیجه حاصل می شد، اما به مرور نحوه ی تبلیغ و نقاط حساس را دریافتم و آن اینکه تنها با پرداختن بر مظالم فرهنگی نمی توان ملت را به حرکت در آورد و چنین شد که مظالم بی پایان اقتصادی را نیز با تمام توان مطرح مینمودم که دیری نپایید نتایج مثبت آن نمایان شد. اما یک مبلغ باید تسلط و اطلاعات کافی، در خصوص موارد تبلیغی خود داشته باشد که این خود یکی از رموز اصلی موفقیت او خواهد بود و من نیز برای کسب آن از هیچ تلاشی فروگذاری نمی کردم. سالها سپری شد، زمان فروپاشی دیوار های آهنین فرا رسید و واقعیتهای نهفته ی آن سوی ارس نمایان شد چنانکه از پشت شعارهای فریبنده ی سوسیالیسم، اژدهای مخوف شونیزم و فاشیزم روس با چنگ و دندان خونین اما نیمه جان سر بر آورد و ملل در بند آزادی و استقلال خود را باز یافتند. این شوک عظیمی بود برای بیداری دیگر ملل

جهان خصوصا ملت‌های واحدی که به زور از هم جدا شده بودند و آذربایجان مظلوم یکی از این ملل تقسیم شده بود.

اما درست زمانی که برادران در دو سوی ارس بعد از هفتاد سال همدیگر را در نهایت اشتیاق در آغوش کشیدند متأسفانه روند سیاست جهانی و خصوصا نوع سیاست برخی کشورهای همسایه نتوانست آن واقعیت تاریخی را درک کند، لذا با حمایت همه‌جانه و تحریک دانشکده‌های ارمنی دست آنان را باز گذاشتند تا با توسل به هر جنایتی که شده "قاراباغ" عزیزمان پاره تنمان، جنت الجنان سرزمینمان، مهد تمدن تورکان و منبع فرهنگ آذربایجان را از تن رنجور آنا یورد محبوبمان جدا کنند و یا حداقل بصورت گروگان‌گی در دست داشته باشند، تا منابع و ذخائر عظیم نفت و گاز آذربایجان نوپا را استثمار کرده و در چنگال خود داشته باشند، به این صورت شعله‌های جنگی نابرابر در قره باغ مظلوم تنور کشید تا در یک سوی آن تورکها و آذربایجانی‌های مسلمان و نودوست بودند و در سوی دیگرش رامنه، روسها، دول عمدتا مسیحی و یا اللعجب، برخی مسلمین... بسیاری از مسلمانان و تورکان از اقصی نقاط جهان به صورت فردی و یا گروهی به یاری برادران آذربایجانی خود شتافتند. من نیز بر حسب وظیفه‌ی ملی مساعی بسیاری نمودم تا در آن جبهه‌ی مقدس حضور یابم، شاید باورش سخت باشد اما تنها مانعی که توانست مرا از آن مهم باز دارد، حصار عاطفی خانواده بود و شاید هم نبود ایمان و اراده‌ی کافی علت باز ماندن من از آن مصاف مقدس بوده است. اما هر چه بود آن واقعه درسی بود بزرگ برای آینده و آن اینکه یک مبارز برای رسیدن به هدف باید تمامی حصارها را بشکند اما با سلسله مراتب.

اولین و مهمترین حصارها خود انسان است که باید با کسب آگاهی بیشتر ایمان خود را به حد اعلا برساند و آنگاه دیگر هیچ مانع یا بهانه‌ای جلودارش نخواهد بود و دیگر حصار مهم، حصار عاطفی خانواده است که باید با آگاهی دادن در حد کافی شکسته شود.

به نظر من اساسا هر ایده‌ای را که قصد تبلیغ و ترویجش را داریم، اول از همه بهتر است از نزدیکان شروع کنیم که در آنصورت تاثیر کلامان در اجتماع بزرگ - نافذ و بیشتر خواهد بود.

در سال ۱۳۷۶ بود که برگ احضاریه‌ای از طرف اداره‌ی اطلاعات دریافت نمودم. در اولین جلسه بیش از هفت ساعت با چشمان بسته تحت بازجویی قرار گرفتم و بدینسان بارها احضار و از شکنجه‌های روحی و روانی و بعضا فیزیکی و تهدیدها بی نصیب نماندم و تدریجا تهدیدهای تلفنی و بازرسی‌های غیرقانونی و بدون مجوز از خانه و محل کسبم نیز به آنها اضافه شد.

علی‌رغم این فشارها روز به روز بر تعداد ملتچی‌ها افزوده می‌شد، فعالیت دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف ادامه داشت، مبارزه مدنی برای بیداری ملی برغم عدم سازماندهی بصورت شعورمند ادامه می‌یافت.

کارهای فرهنگی و سیاسی مکمل یکدیگر بودند، حرکت‌های دانشجویی و درون توده‌ای ارتباط‌آغازیده و در مواردی همکاری‌هایی نیز داشتند. اردبیل نیز از این قانده مستثنی نبود. این فضای باز و فعالیتها تا زمانی می‌توانست ادامه یابد که در محافل محصور و به درون مردم راه نیابد، مگر نه با هر ترفندی بود جلواش را می‌گرفتند.

به عنوان نمونه می‌توان موسسه‌های فرهنگی هنری "گویرچین" و "آیکام" را مثال آورد که با فشارها و ترفندهای مختلف اقدام به تعطیلی آنان نمودند. شب شعر گویرچین که هفته‌ای ۲ ساعت تشکیل می‌شد و فضایی کاملا فرهنگی بر آن حاکم بود را برنتابیده مراجعه‌کنندگان را با درهای بسته مواجه نمودند. آن روز هنگامی که یکی از نشریات محلی اقدام به تهیه گزارش و مصاحبه نمود بصراحت اعلام

نمودم: "آنهایی که امروز گویرچین ها را بال می برند منتظر قارتال هایی باشند که نه برآورده کننده ی آرزوی آنان در رادیکالیزه کردن حرکت ملی آذربایجان بلکه مبارزه ای مدنی اما بسیار جدی به نمایش خواهند گذاشت.

طبق روال همه ساله ملتچی های اردبیل اعم از کوچک و بزرگ و زن و مرد در تیر ماه سال ۱۳۸۱ در قورولتای بابک حضور یافتند، اما بگونه ای دیگر.

آن سال مراسمی قابل قبول تدارک دیده شده بود و مواردی چون سخنرانی، شعر، اجرای سرود و ماهنی های آذربایجانی، اجرای نمایش پرده خوانی از قسمتهایی از منظومه ی "گوی دالغا" از داستانهایی "دده قورقود" و... آماده شده و با پلاکاردهایی با مضمونهای مختلف به مانند "آذربایجان گوزل آدین اوستومدن گوتورولسده سینمدن سیلینمز" به نمایش گذاشته شد.

این فعالیتها در نوع خود موفقیت بزرگی بود اما بی تردید ادامه اش بهتر.

در امتداد همان سال با روحیه ای بالا و با هر وسیله ی ممکن تبلیغات بیشتر در متن مردم را سرلوحه ی کارمان قرار دادیم. از گرفتن مراسم بزرگداشت برای برخی از شخصیتها تا نشر تقویم تورکی که عاملان شوونیسیم در اردبیل را بشدت عصبانی کرد، چنانکه چند روز مانده بود به عید نوروز ۱۳۸۲ با دست داشتن مجوز داستانی اقدام به تفتیش خانه و محل کسب اینجانب نمودند. آنها تقویم را بهانه قرار داده کتابهایی را که حتی با مجوز چاپ شده بودند - فیلم های ویدئویی - دست نوشته های خودم و هر آنچه که بدستشان آمد جمع نموده و بردند!

این رفتار آنان سالها بود که ادامه داشت اما لاقول این بار کلاهی قانونی بر عمل غیر قانونی خود تدارک دیده بودند، هر چند خودم را بازداشت نکردن اما بعد از آن چندین بار با تماس های تلفنی تلاش نمودند تا راه گفت و گوی آنچنانی را گشوده و با این روش تازه اما بسیار خطرناک و مسموم کننده ی هر فعالی، به هدف شومشان برسند که در این ترفندشان نیز ناکام ماندند چرا که اجازه هیچ ارتباطی به آنان ندادم.

تا اینکه اوایل خرداد ۱۳۸۲ با دعوت نامه مانندی به ستاد خبری اداره اطلاعات اردبیل احضار شدم، بعد از ۳ ساعت بحث و برخوردهای لفظی با لحن تهدید آمیز گفتند که حق نداری امسال به قلعه ی بابک بروی که بنده نیر به هیچ عنوان زیر بار نرفته و جمله "من هر قیمته اولسا اورایا گنده جیه م" آخرین سخنان من، و "گندرسن بویووا باخاریق" نیز آخرین تهدید آنان بود!!!

آن سال با هر روش و راهی بود خود و ابزارهای اجرای یک مراسم را، با همت والای دلیر مردان و شیر زنان اردبیلی به مقصد رساندیم و در ساعت ۵ عصر پنجشنبه در مقابل هتل بابک و در آن فضای کاملاً خفقان و پلیسی مراسمی منظم، با برنامه و هدفمند، با صدور قطعنامه ای در ۱۲ بند با موفقیت تمام به انجام رسید، اما ناکامی دیگری در پرونده ی عاملان شوونیسیم رقم خورد که بیان جزئیات آن خود فرصتی طولانی می طلبد که از حوصله ی این مطلب خارج است. بعد از آن تلاش فراوانی با ترفند های مختلف نمودند تا فیلم مراسم و اسامی فعالان همراه را بدست آورند که باز ناکام ماندند، در مورخه ۱۳۸۲/۶/۳ به محل کسب و محل سکونتم هجوم آورده مورد تفتیش قرار دادند.

هر چند خود مانع از ورودشان به خانه شدم، اما بعد از آنکه مرا در سلول انفرادی در اداره ی اطلاعات حبس نمودند به عملی کاملاً غیرقانونی یعنی تفتیش خانه بدون حضور خودم اقدام و باز هر چه به دستشان آمده بود برده بودند که در اعتراض به اعمال ضد بشری و غیرحقوقی دست به اعتصاب غذا زده و به هیچ سئوالی پاسخ ندادم. بعد از ۵ روز اعتصاب غذا مجبور شدند پرونده را به دادگاه بفرستند هر چند در روز سوم اعتصاب دادگاهی نمایشی در یکی از اتاقهای دادگستری ترتیب دادند تا بلکه جواب سئوالات

را که در تاریخخانه ی اطلاعات موفق به اخذ آن نشده بودند را به آن ترفند بدست آورند و یا اینکه دست پر به پیش قاضی یا آمران برگردند که خوشبختانه آن ترفندشان نیز باطل شد. در آن پرونده (همان پرونده ایست که حکم یک سال زندان در مسجد سلیمان برایش صادر شد) ۵ روز در سلول انفرادی و ۲۰ روز در زندان اردبیل بازداشت بودم و این خود فرصتی بود برای تفکری آزادتر برای آسیب شناسی حرکت.

بعد آزادی از زندان اردبیل در اولین فرصت اقدام به تشکیل اولین جلسه برای "زنان" با حضور حدود ۵۰ نفر از خانمها اعم از میانسال و جوان، دانشجو تا خانه دار نمودم که دست آوردهای بسیاری داشت و زمینه ساز فعالیت های بعدی آنان با اشکال مختلف شد. این اقدام ناشی از احساس ضرورتی بود که دریافته بودم زیرا خانمها در تربیت فرزندان و به تبع آن جامعه، اساسی ترین نقش را ایفا میکنند و طبیعی است که در اعمال سیاست آسیمیلیسیون نوک حمله بسوی آنان است زیرا مادران هم می توانند بهترین ابزار آسیمیلیسیون باشند و هم می تواند شیرمردان و شیرزنان فداکار در راه آزادی ملت خویش تربیت کنند.

در دوم تیرماه ۱۳۸۳ آن اعتراض و تحصن به خاطر ورود هیاتی از ارامنه ترتیب یافت که دانشانش (مراجعه شود به دفاعیه اینجانب در رابطه با این پرونده) بسیار نوشته شده است اما حقایقی در پشت پرده دارد که در زمان مناسب اگر عمری باقی بود به آگاهی ملت تیزبین آذربایجان خواهد رسید.

در آن حرکت فرزندان اردبیلی آذربایجان علی رغم کارشکنی های در حد خیانت بعضی از خودی نماها مقاومت کم نظیری از خود به نمایش گذاشتند (هر کدام در آن پرونده به هشتاد هزار تومان جزای نقدی و ۱۵ ضربه شلاق محکوم شدند و هر کدام نیز بعد از تحصن، ۱۰ روز بازداشت و در زندان اردبیل بودند که غیر از یک نفر همه در اعتصاب دسته جمعی شرکت و بیش از سه روز در اعتصاب ماندند که این عمل شجاعانه، قاضی را مجبور به صدور حکم آزادی آنان با کفالت کرد. بخاطر این پرونده اینجانب یک ماه زندانی شدم که در دو مرحله، اولی ۱۳ روز و بعد که همزمان نیز به زندان آورده شدند بصورت جمعی ۷ روز و اعتصاب غذا نمودم که هر کدام هدفی جداگانه داشت که به آن نایل آمدم هر چند آن سال از افتخار شرکت در قورولتای کبیر ملت آذربایجان در قلعه بابک بازماندیم اما در پیشگاه ملت آذربایجان رو سیاه نشدیم!

بعد از خارج شدن از زندان در اولین فرصت به همراه دوستان عازم رویت مجسمه "قورخودده" در تانگری دره سی واقع در روستای آنباران شهرستان نمین شدیم که با هدف شناساندن بیشتر آن پیکره عظیم و محیرالعقول به سازمانهای مربوطه در جهان و دلسوزان فرهنگ و آثار تاریخی سرزمین آذربایجان انجام گرفت که خوشبختانه تا حدودی نتیجه بخش شد.

در مورخه ۱۳۸۴/۴/۷ ماشین پیکان سفید رنگی در مقابل محل کسبم توقف نمود و نامه ای از دادستانی و اطلاعات نیروی انتظامی به من نشان داد. در این نامه نوشته شده بود که به دستور دادستان امسال حق نداری به قلعه بابک بروی و برای آگاهی بیشتر باید فردا ساعت ۸ صبح در محل اطلاعات نیروی انتظامی حاضر شوی!

در جوابشان گفتم هیچ مقامی حق ندارد آزادی های فردی مرا از من بگیرد حتی دادستان، زیرا این امر مغایر با اصل نهم قانون اساسی است. به هر حال فردای آنروز ۱۳۸۴/۴/۸ در زمان و مکان مقرر حاضر نشدم. اما از صبح زود همان روز خانه و محل کسبم تخت نظر کامل بود که ساعت ۱۲ ظهر زنگ در خانه به صدا در آمد و ۴ نفر لباس شخصی با ارائه مجوز بازرسی خانه وارد منزل شدند و تا می توانستند گشتند اما چیزی که به دردشان بخورد نیافتند. صحنه جالبی که در آن هنگام رخ داد را لازم می بینم نقل کنم: در آن مدت زمانی که بازرسان مشغول تفتیش منزل بودند سه فرزند من که مشغول بازی

کامپیوتری بودند بدون هیچ عکس العمل و اعتنایی به بازی خود ادامه دادند، هنگامی که بازرسان دست از پا درازتر در حال ترک منزل بودند یکی از آنان برگشت به من گفت: "این بچه ها اصلا ما را تحویل نگرفتند انگار نه انگار که ما مامور بودیم، بابا ترسی بابا قایم شدنی!"

گفتم: "اینها با این مسائل بزرگ شدند و بدتر از اینها را دیده اند، شما دیر آمدید!"

آنروز تا ساعت ۱۰ شب که با خانواده اقدام به عزیمت به سوی قلعه می نمودیم با وسایل نقلیه مختلف، مغازه خصوصا منزل را تحت نظر شدیدی قرار داده بودند، زمان حرکت فرا رسید همه چیز رو به راه بود بجز مهمانان ناخوانده.

نقشه شان را خوانده بودم آنان می خواستند مرا در راه بازداشت کنند یا شماره ماشینی که با آن در حال عزیمت بودم به بازرسان در شهرهای اهر یا کلیبر گزارش کنند تا بدون سرو و صدا سرنشینان اتومبیل را شب هنگام بازداشت کنند. به هنگام حرکت از دم در منزل، همسایگانی که از همه چیز خبر داشتند و صحنه را تماشا می نمودند در گرد و خاکی که موتورها و ماشینهایی که با ناشی گری محض برای تعقیب ما با تمام سرعت براه افتاده بودند، گم شدند.

خلاصه بعد از یک و نیم ساعت تعقیب و گریز در درون شهر توانستم آنان را گمراه کنم و تقریباً ساعت ۷ صبح ۱۳۸۴/۴/۹ در نزدیکی هتل بابک با خانواده حاضر بودم، که در ساعت ۵ عصر توسط زورگویان لباس شخصی از جلو هتل بابک به زور ربوده شدم. (برای این پرونده نیز حکم یک سال زندان صادر شده است) ۱۱ روز نیز در این پرونده در زندان اهر بازداشت بودم که در اعتراض به اعمال غیرقانونی و غیرانسانی نیروهای بازداشت کننده و جهت شکستن وثیقه ۵ میلیونی دست به اعتصاب غذای ۸ روزه زدم و خوشبختانه با شکستن وثیقه به حد کفالت موفقیتی بزرگ حاصل شد.

بعد از آزادی از زندان اهر با حدود ۵۰ نفر از فعالین که بزرگ منشی نموده و به استقبال حقیر از شهرستانها تشریف آورده بودند کار همیشه تمامان را به انجام رساندیم و به قلعه بابک صعود نمودیم، هر چند این خود با ناشی گری های نیروهای امنیتی و انتظامی تبدیل به ماجرای شد که عامل تحقیر خود آنان در میان مردم کلیبر شد که این ماجرا نیز پرداختی دیگر می طلبد.

بالاخره رسیدیم به ماجرای مراسم ۱۴ مرداد بر سر مزار باقرخان که به نظر اینجانب نیازی به توضیح بنده ندارد، زیرا بیش از ۵۰۰ نفر از بهترین فرزندان شعورمند، فداکار و صاحب سخن و قلم در آن مکان حاضر بودند و خود در آنجا رفتار و حرکتی منطقی و متین در مقابل وحشی گری های سرکوبگران و عاملان شونیسیم آنان حماسه ای بزرگ آفریدند و تا حد لزوم به آسیب شناسی آن پرداختند.

آن ماجرا خود تجربه ای بود بزرگ برای فعالین تا دوست و دشمن را نه در سخن که در میدان عمل بشناسند.

در آن پرونده بنده را با عجله در کمتر از ۲۴ ساعت بدون تشریفات اداری با کفالت آزاد نمودند تا زمینه ای برای سمپاشی های بعدی به دست عوامل خود ایجاد کنند و این ترفندی بود بسیار مضحک و کهنه. علی رغم بعضی حرکت های زننده و مذبحانه در اطلاعات انتظامی تبریز، جواب سئوالات بازجو را تماما به ترکی آذربایجانی نوشتم و آن عمل را در دادگاه کلیبر ادامه دادم. لازم به ذکر است در دادگاه های اردبیل نیز توانسته بودم بصورت رسمی مترجم بگیرم.

در خاتمه لازم میدانم تا به این مهم اشاره نمایم هر چند در نوشته های فوق کلی گویی شده است اما از بسیاری از مسائلی که امروز بیانش می تواند برای حرکت ملی زیانبار باشد خودداری نمودم.

گوئی آذربایجان ۲۰ نجی عصیرده؛ یارارلار و یارالار(1)

۱۳۲۴ گۆنش ایلینین اردیبهشت آییندا، آلمانستان فاشیزمین تورتدی راسیسم اودونون سؤندویو زامان، نه یازیق کی میلیونلارجا اینسان یاشامینی ایتیریپ، ساییز اینسانلاردا؛ یارالی، ایتگین و چشیتلی ظولملره معروض قالمیشدیرلار.

او گۆنلر بئله قورخونج قان گۆلوندن ساغ قورتولان دونیا وطنداشی، یئنی بیر ساواشین باشلانیشدان خبرسیز اولاراق، یاراسین سارماغا باشلادی.

آنجاق باشلاماقدا اولان ساواش، کئچن ساواشین ترسینه سویوق و سورونگن بیر اوزللیگ داشیردی. بو ساواش درین، گیزی، اوزاق گورولو و بیر سوزله دئسک داها بیخیجی، داغیدیجی و یوخ ائدیجی بیر ساواش ایدی. بئله لیکله دویوشو قازانانلار، بیلیجی (هوشیارلیق) و دنگه سی (تعادل) یوزولموش دونیانی بؤلوشمک اوچون، بویوک بیر یاریشا باشلادیلار. بیریندا هر ایکی دونیا ساواشیندان بؤلگه سل باخیمدان اوزاقدا قالان و دوزگون بیر پولوتیکادان یارالاناراق، ایقتصادی، سیاسی و نیظامی بویتلاردا (بُعد) گلشیمیش و گوجلور دورومدا اولان، یئنن (غالیب) و یئنیلن (مغلوب) بیر چوخ اولکه نی اوزونه بوشلو «ساواش هزینه لریندن دولایی» سالان و بیر سوزده دونیانین بانکینا دؤنوشن (تبدیل اولان) آمریکایا، کاپیتالیزم دونیاسینین اؤندری چ اولاراق باتی بؤلگونون باشیندا یئر آلدی.

اونون قارشیسیندا آلمانستان فاشیزمینین یئنیلگی سینه (مغلوبیتینه) اؤنملی قاتقیسی اولان شورالار اولکه سی (شوروی) بو ساواشدا چوخ بویوک اینسانی و ایقتصادی یارالار آلسادا اوروپانین گؤبگینه دک، اوز ائتگیسی آلتینا آلمیشدی.

ساوتلر ایتیفاقی چوخلو بویتلاردا ارقین (ضعیف) لاشسادا کاپیتالیزمین سؤمورگه سی (ایستیعمار) قارشیسیندا وئردیگی سوسیالیزم شوعلارلارلا، دونیانین بیر چوخ اولوسو دولتلی آراسیندا اوزونه نه تکجه اولوملو (مقبول) بیر یئر اچمیشدی، بلکه سوسیالیزم دونیاسینین کعبه سینه چئوریلن کرملین، سونوجدا دوغوبؤلگونون باشیندا یئر آلدی!

بئله لیکله دوغو «سوسیالیزم» و باتی «کاپیتالیزم» آراسیندا بویوک، اوزون و آجیماسیز (رحمسیز) بیر یاریش باشلانمیش ایدی، سونرالار بو سورونگن ساواش سیاسی بیلیمده و ژئوپولوتیک باخیمدا، «سویوق ساواش» آدلاندیریلدی.

دونیا عرصه سین قاپسایان سورج (پروسئس) آن آزی ایکی دونیا ساواشی قدر، اینسانلارین طالعینده اولومسوز ائتگیسین بوراخی، چوخ ساییدا اوزگورلوک و باغیمسیرلیق اوغر وندا دیرنیشده اولان اولوسون سسین قان گۆلونده بوغدو و بیر چوخ اولوسون پارچالانیب ایکیه بولونمه سینه ندن اولدو. او اولوسلاردان بیر و باشقالاردان داها آرتیق ظولمه اوغرایان و بوگونه دک آیاغا قالخا بیلمه یین میللت، گۆنی آذربایجان دیر.

قاجارلا تزار ساواشلاریندان، اؤن جیبه ده اولدوغونا گوره باشقا ایالتلردن داها آرتیق مادی و معنوی خسارته اوغرایان و سونوجدا گولوستان (۱۱۹۲ ش- ۱۸۱۳ م) و تورکمنچای (۱۲۰۷ ش- ۱۸۲۸ م) سؤزلمه لری ایله ایکیه بؤلونن «جان آذربایجان» توپراغی، اوزوایلن اوزون بیر تاریخی سورج کئچیرمیش، آذربایجان تورک اولوسوندا آجیماسیزجا ایکیه بؤلدو.

ساواشلاردان اؤنجه ایران ایالتلری آراسیندا آن زنگین، دولغون و وارلی اولان آذربایجان، ساواشدان آلدیغی یارالار و پارچالانما اوزوندن، هر ایکی کسیمده مادی و معنوی باخیمدان گنریلیب آرخا قالدی و سونوجدا هر ایکی یاندا «قوزئی - گۆنی» ائتگی (تائیر) و اؤتگو (نفوذ) آلانی دارالدی.

بو اولایلاردان سارسیلمایان بویوک اولوس آرازین هر ایکی تاینیدا ایستیبداد و طولمه قارشى دیرنیشده ، نه تکجه اولدوقلاری سینیرلارین ایچینده یاشایان باشقا اولوسلارا اؤندرلیک ائتدی بلکه دوغو دونیاسینا چاغداشلیق و دمکراسی درسی وئردی!

« قوزئیده؛ ۱۹۱۸ م- ده محمدمین رسولزاده نین ایسلام دونیاسیندا قوردوغو ایلك جمهوریت »، « گونئیده؛ 1282 ش-ده ستارخان اؤندرلینده بویوک وتاریخی بیر دیرنیش سونوجوندا دوغو دونیاسیندا ایلك پارلمانتاریستی بیر سیستیمه دامغاسین ووردو ، هابئله « گونئیده؛ ۱۹۲۰ م -ده مشروطه قالدینماسینین(قیامینین) ایکنجیآشاماسیندا (مرحله) شئیخ محمدخیبابانلینین قوردوغو آزادستان» ، اولمازی(غیرممکن)باشاران و آرد آردا قانلی نهضت و دیرنیشلریارادان اولوس ، اؤزلیکله گونئی آذربایجاندا اؤزگورلوک سسی دؤنه دونه قان گولونده بوغولسادا«خاریجی گوجلرین مالی، نیظامی و فیکری یاردیمی ایلن» ، بویوک اولوس قوتسال یولوندا سارسیلماز آددیملارلا ایره لی له مه یی اونوتما دی.

مشروطه دیریشلرینده دوزگونلوکله بوتون ایران اولوسلارینا اؤزگورلوک و دموکراسی قازانماق اوغروندا هر بیر زادنندان کنچن آذربایجان ، مرکزدن « اؤزلیکله فارس شووونیسیتندن» آجیماسیزجا حاقسیزلیغا اوغرادى، مشروطه نی دیشله-دیرناقلا و تاپسیزقاها امانلیقلا قازانانلار، قوندارما و سؤزده مشروطه چی و اینگیلیس ایستعمارینین سیاستین اویقولایانلارین(اجرا ائندلرین) ایلله تهرانین اتابک پارکیندا قیزیل قانلاریلا اؤدوللندیلر(جایزه آلدیلار) .

گنج اولمدان بو گرچکلری گؤرن گونئی آذربایجان آیدینلاری بو و بونا بنزر اولایلاردان تیتربیب اؤز لرینه دؤنملیدیلر.

او دؤنملری کنچیردن اؤزلیکله ۲۰ ایل بویونجا قولدور ریضا شاهین آغیر و ایرقچیلیق (نژاد پرستی) باسقیسی آلتیندا ازیلمیش آذربایجان ، دونیادا گئدن اولایلار سونوجو یارانان اورتامدان(آتموسفر) یارار لانیب اوزونو توپارلامایا باشلادی.

تاریخ بویو بوتون باسیلمیش واسیر اولوسلار، ایتیردیکلری باغیمسزلیغی آله ائتمک ایچین بوتون اولاناقلاردان وایمکانلاردان یارار لاناراق ، فورصت یارادیب، یادا یارانان فورصتی آلدن وئرمه مگه چالیشیبلار.

آذربایجان اولوسودا بوندان ایستینتا اولمایارق، ایکنجی دونیا ساواشینین ایران اولکه سینه و حاکیمیتینه بوراخدیغی ائتگیدن یارار لانیمالی ایدی.

فئوداللیق دوزه یی(سیستیمی)، ظالیم و ایرقچی حاکیمیت، اؤزلیکله آنتی تورک سیاستله بئلی بوکولموش آذربایجان اولوسونون داها پیچاق سوموگونه دایانمیشدی. ۱۳۲۰ گونش ایلینده موتقیقلر ایران توپراقلارین آلمانیسنانا قارشى آغیر دؤیوش آپاران شوروی نی آرخادان باریندیرماق آماجی ایله ، ایشقال ائتدیلر ، گونئیدن اینگیلیس گوجلری و قوزئیدن شوروی ایرانى ایکییه بؤلدولر، بو ایشقال سونوجوندا دیکتاتور دئوریلدی و نیسیبى بیر آچیق اورتام یاراندى.

اولکه ده دورومدان آسیلی اولاراق توپلومسال تشکیلاتلانمالار باشلادی سیاسال توتساقلار(محبوسلار) بوراخیلدی، باسیندان(مطبوعات)سوزگج(فیلتلر-سانسور)قالدیریلدی، ایللر بویو باسیلمیش پای(فئر)فیرلادی و کولون آلتینداکی کؤز اوزه چیخدی ، ایللربویو کوبود و گؤرونن(آبجئکتیو) حالدا اولوسال حاقلاری تاپدالانان، اؤزلیکله دیل یاساغى وایقتیصادی آیری سئچگیلیکلر، اولوسال روحوون دیرچلشین داها گوجلندیردی . اولوسال بیابنجین(شعورون) دیرچلشى، سئید جعفر پیشه وری باشدا اولماقلا کوتله(توده) و آیدینلار(روشن فیکرلره) دیرنیش گوجو باغیشلادی.

قوزئی آذربایجاندا یاشایارکن بیر چوخ پارتییا و قوروپلا ایلگی ده اولان شهید سئید جعفر پیشه وری، چئشیتلی درگیلده یازی یازمیش ۱۹۲۰ ده اورمان(جنگل) نهضتینین یاردیمی آماجی ایلن گیلانا گلیب و قورولان سوسیالیستی(تولومجو) جومهوریتین ایچ ایشلر "داخیله وزیر" باخانی اولدو، اورمان جومهوریتی دئور یلدیکدن سونرا تهرانا گئدیپ "حقیقت گوندلیگین(روزنامه) چیخارتماغا باشلادی ۱۳۰۳ ده قولدور ریضانین گوج الدهه ائتمسین اولکه ده سیخینتیلار آرتدی وسونوندا ۱۳۰۹ دا توتساغا دوشدو.

۱۱ ایل باسقی یونتیمنین(ایستیبداد حاکیمیبتینین) آغیر قازاماتین(سیاه چالین) چکدیکده ن سونرا، ۱۳۲۰ ده موتفیقلرین ایرانا گلمه سیله اوزگورلوگه قووشدو، چتینلیکلردن سارسیلمایان مباریز، تهراندا آژیر گوندلیگین چیخارتماغا باشلادی، مطبوعاتی و سیاسی مباریزه لرده درین تجروبه قازانان پیشه وری اون دوردونجو میلی شورا مجلسینه تبریز شهریندن آدای اولدو، دوزگون و سارسیلماز دیرنیشرلین خالق آراسیندا سئوگی قازانان مباریز یوخاری ساییدا اوی(رای) ایله میللت وکیلی سئچیلدی، آنجاق گوزلنن اولدو و بیر سیرا سیاسی آلیش وئریشلر سونوجوندا پیشه ورینین اعتیبارنامه سی میلی مجلس طرفیندن رد اولدو. بو او یوندا اثرمنی کؤکنلی آوانسیانین بؤیوک رولو اولدو.

پیشه وری بو حاقسیرلیقدان نه تکجه سارسیلمادی بلکه مطبوعاتی ایشینه داها دوغروسو اولوسو آیلتماغا دوام ائتدی.

ایکینجی دونیا ساواشینین سون گونلری یاخینلاشیردی هیتلرین یئنیلگیسیندن سونرا دونیانین نجه بیر دوروما دوشه جیین اؤن گورن(پیش بینی ائدن) پیشه وری تبریزه دؤندو.

سوپر گوجلرین رقابتیندن و سورتوشمه لریندن آذربایجان اولوسونون قورتولوشو اوغروندا یارارلانماغا چالیشان پیشه وری، آغیر- حساس و تاریخی بیر سورونلوق(مسئولییت) داشییردی.

گونئی آذربایجانین دورومون سیاسی و تولومسال باخیمدان ، اولوسال بیر دبریشه اویغون گورن پیشه وری اولوسال دوشونجه سی اولان آیدینلاری بیرلشدیردی. ۱۳۲۴ ده آذربایجان دئموکرات فیرقه سی قورولدو، تشکیلاتلانمیش میلی حرکت ۱۲ بندن اولوشان (تشکیل تاپان) بیر مانیفست(مرام نامه) اورتایا قویدو، ۱۲ ماده لیک مراننامه ده ایرانین توپراق بوتونلوگون قوروماقلا گونئی آذربایجان تورک اولوسونون ایچ اوزگورلوگو و اوزون یونتمک حاققی اؤن گورولموشدو.

آذربایجانین کوتله و آیدینلارین اوزونه آرخا گورن «فیرقه» سونوندا ۱۳۲۴ آذرآیین ۲۱ ده بؤیوک جوشقو ایله میلی حؤکومتی اعلان ائتدی . پیشه وری باشچیلیغیندا قورولان میلی دؤلت اولکه ده گوه نلیک(امنیت) و توخداقلیق ساغلاماگی باشاردی، دوغما حؤکومت ایقتیصادی و ایجتماعی چتینلیکلری آرادان قالدیرماغا گنجه- گونوز چالیشیردی و بؤیوک باشاریلار آلدی ائتمیشدی .

اولایلاری حساسیتله ایزله ین تهران سینیرلنسه ده(عصبانی اولسادا) تیگی(عکس العمل) وئرله بیلجک دورومدا دئیلدی. اینگیلیس و یئی اورتایا چیخان سوپر گوجون «آمئریکا» تام ائتگیسی آلتدا اولان و آرد- آردا دؤلت دیشیک لیگیله سارسیلان تهران، تجروبه لی و پارادوکسیکال(موتضاد) کیشیلیک (شخصیت) داشییان بیر سیاست چینین «قوم» دؤلت باشینا کئچمسی ایلن توپارلاندى.

باش باخان اولان قوم ساغ لا سول آراسیندا ده نکه قورماق آماجی ایلن شوروی یانلی(طرف داری) سیاستچی لری کابینه سینده یئر وئردی. باتینین اوزللیکله اینگیلیسین سوزچوسو کیمی مسکویا گئدن قوم، بیر آلدی باتینین اتم بومباسینین تهیدی بیر آلدی ده شمال نفتینین ایمتیازی ایله ایستالیله دانیشیغا اوتوردو، بئینینده باشقا دوشونجه لر بئجرده ن ایستالین، بیر سیرا نندن لره گوره دانیشیق ماساسینا اوتورمادان گونئی آذربایجان میلی حرکتین باتی ایله اوز آراسیندا دوزلیشمه پای(وجه المصالحه) ائتمک سونوجونا وارمیشدی.

- ۱- پیشه وری ده، درین میلی روح و خالقینا سونسوز سئودانی آنلامیشدی
- ۲- پیشه وری نین، سولچولوغو آذربایجان خالقینین قورتولوشونا آراج (وسیله) انتدیگینه قوشقوسو قالمامیشدی
- ۳- پیشه وری و گونئی آذربایجان میلی حرکتینده اولان گوجلو میلی دوشونجه نین شوروی نین سینیرلاری ایچینده اسیردوشموش تورک میللتلرینه سیچرایاچاغیندان درین قورخویا دوشموشدو.....

بنله لیکله دونیا زحمتچکنلرینین بیرلشدیرمه شوعارین وئرن یؤنتیم، آذربایجان اولوسونون قوتسال دیریشین ایدئولوژیک (سولچولوق، یا دوغرو دئسک روس ائمپریاسینین چیخارلاری) دئیل بلکه بیر میلی دوشونجه داشییان حرکت گؤرونجه، بوتون شوعارلارین اونوتدو.

گونئی قیامین چوخ اوجوز ساتان، داها دوغروسو آذربایجان اولوسوندان قورتولماغا چالیشان ایستالین بیر نئچه اؤنمسوز ایتناز قارشیلیغیندا گونئی آذربایجان سورونون ایرانین ایچ سورونو تانیدی. بیللملیک کی شوروی آراداغین پیشه وری ده بولسایدی بو پرستیژ داواسین هئچ ده یره اوتوزمزدی. بو آرا دوغما حؤکومه بییه لئن آذربایجان خالق دوتیا اویونلارینا قوربان گئتدیگیندن خبرسوز اولکه ده بیر ایلدن آز بیر زاماندا اون ایللرین گلشمه سین (پیشرفتن) ساغلامیشدی. قوام تهرانا دؤندو و بیر پارا دیپلماسی ایله میلی حرکتین لیدرلرینین جایدیرماغا باشلادی. آمئریکالی ژنرال «نورمن ایسکارتزکپوف» ایران اوردوسون توپارلامیشدی.

باتینین آغیر و گلشمیش یاراقلاری ایلن (سیلاحلاری ایلن) قورشانان ایران اوردوسو، سیلاح انبارلاری قیزیل اوردو طرفیندن بوشالمیش گونئی آذربایجان اوردوسو درین اینام و ائلینه باغلی اولاراق بؤیوک و تاریخی بیر دؤوش سرگییه قویدو. سونوندا اوچ گون قانلی دیرنیشدن سونرا گوجلو اوردو و آمئریکا نین ساواش اوچاقلارینین قاباغیندا آج و موهوماتسوز قوشونون دورماغی، اولان ایش دئییلدی. ایران اوردوسو آذربایجاندا ایره لیله یه رک عسکر و یا قارایاخیا باخمایاراق قیرقین آپاریدی. بو قانلی اولای لارا دور دئمیردی! اون مینلر اینسان شهید و ساییسز یارالی، سورگون، ایتگین و توتساق (دوتیا سوییه سینده آن اوزون سیاسی توتساق چکن بؤیوک قاهرمان رحمتلیک "صفرخان" بونا تانیقدیر) وئرن گونئی آذربایجان بؤیوک بیر سوی قیریمینا اوغرامیشدی. سونوندا ۲۱/آذر/۱۳۲۴ ده قورولان گونئی آذربایجان میلی حؤکومتی ۲۱/آذر/۱۳۲۵ ده دئوریلدی و بیر میللتین اوزگورلوک سسی قان گولونده بوغولدو. بؤیوک اؤندر سید جعفر پیشه وری خالقینین آراسیندا قالیب اولمگه قراردا وئرسه ده، ایستالین ترفندی ایله قوزئی آذربایجانا آپاریلیب و ماشین تصادیفی گؤستریلن اولایدا بیر اثرمنی ایلله شهادته یئتیشدی.

بنله لیکله ۲۱/آذر/۱۳۲۵ ده گونئی آذربایجان میلی حرکتی سویوق ساواشین ایلک قوربانلیغی اولدو.

سوی قیریمینا اوغرایان گونئی آذربایجان میلی حرکتی اوزون بیر سوره (مدت) یئر آلتینا چکیلدی و کولون آلتیندا کوز اولدو.

گونئی آذربایجان ۲۰ نجی عصیرده؛ یارارلار و یارالار (2)

گونئی آذربایجان دا کیتاب یاندرما جینایتی

دوغما حؤکومت ییخیلدیفدان ۵ گون سونرا ۲۶/آذر/۱۳۲۵ ده، آذربایجان شهید لرینین قانی قورومامیش یئنی بیر شؤلن باشلاندی، قاتیلر یئنی بیر قتاله یه آل ووردولار، اونلار نه تکجه بیر ایل بویوندا باسیلمیش، آذربایجان تورکجه سینده اولان درسلیک کیتابلاری، بلکه ائولرده و کیتابلیقلاردا کی آل یازما کیتابلارا دا آجیماییب اوست اوسته قالایاراق یاندریدیلر. پهلوی رژیم بو ایره نج داورانیشی ایله ساسانلی لارین اوزون آغ ائتدی. او گون دوتیایین گوزو اؤنوده بیر میللتین کنچمیشی و کیملیگی

يانديريلدى، آنجاق ھنچ بىر دؤولت، اورگوت و قورلوشدان اعتراض سسى چىخمادى، بو تايىسىز جىنايەتە دونيا گوزون يومسادا دوغما اورە كلر او آلولار لا يانيب ياخىلدى.

نئجە كى قوزئى آذربايجانين دىرنىش شاعىرى بويوك صمد وورغون، بو آجى اولايى گوجلۇ دويغولارى ايله دونيا سوييه سىنە داشىدى، او ۱۹۵۲ دە، پاریس دە قورولان دونياسال بارىش قورولتايىندا (كنگره صلح جهانى پاریس-۱۹۵۲)، "ياندیریلان کیتابلار" آدلى بىر منظومە ايله ياتمىش ويجدانلارى دىكسىندىردى.

بويوك شاعىر شعرىنين بىر پارچاسىندا بئله سويله بىر:

جلاد! سنين قالاق قالاق ياندیردیغین کیتابلار
مین کمالین شوهر تیدیر، مین اورە بین آریسی
بیز کؤچریک بو دونیادان، اونلار قالار یادگار
هر ورقه نقش اولونموش نئجه اینسان دویغوسو
مین کمالین شوهر تیدیر، مین اورە بین آریسی
ياندیردیغین او کیتابلار آلولانیر یاخشی باخ!
او آلولار شوعلە چکیب شفق سالیر ظولمتە
شاعیرلرین نجیب روحو مزاریندان قالخاراق
آلغیش دئییر عشقی بويوك، بىر قاهر امان میللتە
او آلولار شوعلە چکیب شفق سالیر ظولمتە...

بئله لیکله سوي قىرىمى ((Genocide) ایلن گونئی آذربايجان اولوسونا ساغالماز یارالار ووران حاکیمییت او جىنايتلری یئترلی گورمه بینجه، کولتورل قىرىم ((Cultural Genocide) ایلن بىر اولوسو یئر اوزونده ن سىلمگه چالیشدی.

آنجاق دونيا آلیش وئرىش لرینه قوربان گئندىینی گورن گونئی آذربايجان اولوس و آیدینلاری، بوتون یئلرین ترسینه آسدىینی گورونجه سوسماق زوروندا قالدی.
اورتامى (فضانى) اویغون و مئیدانى بوش گورن ایکنجی پهلوی رژیمی باتینین (غربین) دیکته ائتدیگی سیاستی ایرلی آپارماقدا ایدی، یخیلمیش میلی حؤکومتی خالقین گوزوندن سالماق ایچین آیلندن گلنی أسیرگه میردی و گرچکلری یوزدورماغا (تحریف انتمه یه) باشلامیشدی. دیکتاتور آتاسینین یولون دوام ائدن "محمد ریضا"، اوز بقاسی و بریتانیانین بولگه ده آپاردیغی سؤمورگه (استعمار) سیاستینین قارانتی سیندان اوترو ایران میللتلری اوزللیکله ایرانین ان آکتیو و سیاسی دوشونجه داشییان، آذربايجان تورک اولوسونو، آریتمک (آسیمیله) ایچین یئنی و داها یوخ ائیدیجی یؤنتملر (روش لر) اویقولاییردی (اجرا ائیدردی)، او آتاسینین ترسینه زوراکیلیق و گورونن سیاستلرله دئییل، بلکه سورونگن بىر یؤنتمله میللتلری ایچدن چوروتمگه آل ووردو.

قىزىل آخینا قارشیت یاشیل قورشاق

شوونو نیستی دوشونجه ایله یؤنه تیلن(ایداره اندیلن)اؤلکه ده میلی دوشونجه لر بوغولدوقدان سونرا، کوتله و آیدینلار آرا ایستیبدا ایلن قاباخلاشماغا ایدئولوژیک دوشونجه لر(سولچولوق و ایسلامچیلیق)دیر چلمه یه باشلادی.

میلی حرکتلری سینیرلاری دیشیندا اولسا بئله، اؤز چیخارینا او یغون گؤرمه بن کرملین، ایران خالقلاری آراسیندا دین عونصورونون سیخ و درینلیگینی گؤزه آلاق ریسگه آل ووردو و ماتریالیستی دوشونجه نی یایماغا داها اؤنم وئردی .

سویوق ساواشین آن قیزقین بؤلگه لریندن اولان اورتا دوغو(خاورمیانه).ایکی سوپر گوجون اولوم- قالیم آلانینا(مئیدانینا)چئوریلدی، یئری گلدیگه گوج، یئر یگلیگه ایدئولوژی قوللانان ساوتلر بیرلیگی باتینی سیخیشدیر میشدی و گونئی دوغو ایستی سولارا ساری ایرلیله مکده ایدی.

بو آرا آجونون(دونیانین) او بیرری دنگه سی(بالانسی)"آمریکا بیرلشمیش دؤولترلی" یئنی بیر تاکتیک، یا داها دوغروسو بیر پروژه ایله بو جیهه ده رقیبینه دوردور ایلدی.آمریکا دمیر ایله دمیری کسدی، ایدئولوژی قارشیتیندا ایدئولوژی.سونرالار سیاست اوزمانلاری(پولوتولوقلار) بو پروژه یه "قیزیل آخینا قارشیت یاشیل قورشاق" آدینی وئردیلر.

افغانستاندا مجاهدلر(طالبان)ایله قیزیل اوردونو دوردوردو، ایراندا ایسه ۱۳۴۲ ده تملی قویولان ایسلامی نهضتی اؤز چیخارلارینا او یغون گؤرونجه(داها گوجلو دوشمنه قارشلی) بیر دئوریمله(اینقیلابلا) سونوجلانماسینا گؤز یومدو.

یئنه آذربایجان کؤرپو اولدو!

گونئی آذربایجان اؤز لیکله باش شهری اولان تبریز، بویوک-حیاتی و تاریخی بیر قالخیش ایلن ایران میلترلی آرا اؤندرلیگین قورودو و ۲۹/بهمن/۱۳۵۶ دا گؤستر دیگی تاپسیز حرکت ایلن یئنه ایران خالقلارینا ایستیبدا قارشلی دیرنیش جسارتی وئردی و ایسلامی اینقیلابین گرچکلشمه سین ساغلا دی.

1357 گونش ایلینده ایدئولوژیک بیر دئوریمین گرچکلشمه سینه (ایسلامی اینقیلاب) باخمییاراق ایلر بویو باسقی آلتیندا قالمیش ایران میلترلرینین(آن آزی آیدینلارینین) میلی شو عورودا دبر میشدی. او جومله دن آذربایجان تورکلری، عربلر، کوردلر، قاشقای تورکلری و تورکمنلر باش قالدیرماغا باشلادیلار . اورتامی او یغون گؤرن آذربایجانین میللیتیچی آیدینلاری آسیمیلاسیون سیاستینه اوغرامیش میلتی بیخیلدیغی نوقتادان یعنی فرهنگ یوللارلا آیلتماغا یئر آلتیدا اولسا چوخدان باشلامیشدیلار، بو آرا ۱۳۵۹ دا آیت الله شریعتمداری حضرتلری باشدا اولماقلا خلق موسلمان حرکتی یولا دوشموشدو، بو تشکوکوله چئشیتلی ایدئولوژیلر یئر آلسا دا آذربایجان میللیتیچی لیگی آغیر لایبیردی.

گونئی آذربایجان تورکونون حاقلارین اؤنجه لیکده(اولوبیت)گؤرن آیت الله شریتمداری حضرتلری موختار بیر ایالت قورماق ایسته بیردی، آنجاق یئنی بیر ایدئولوژیک دئوریم کئچیردن و دینی اینانجلاری قوللانیلماقدا اولان اولوسون چوخونلوغو(اکثریتی)، میلی سورونلاری اونودموش دورومدایدی.آسمیله اولموش توپلوم حتی دین آدامینین(آیت الله شریعتمداری حضرتلری) چاغریلارین دویمادی...بئله لیکله بیر کز داها آذربایجان قوللانیلدی و ۲۰ نجی عصیرده نؤجه نجی دؤنه اولراق فارس میللتینه کؤرپو اولدو.

آنجاق آیدینلارین سویو کسيلمه میشدی!

سؤزده دئییل اؤزده آیدینلاریمیز:

آیدین و ضیالی سۆزجوگونه توش گلینجه موثبت ذهنیتله یاناشی بیر سیرا منفی دوشلره(خبیاللارا)دالماق اولمور.بو دویغو اۆزباشینا دئییل بلکه بیر سیرا تاریخی اولایلاردان آسیلی اولاراق اورتایا چیخیر،نّجه کی بوگوّنکو آغیر دوروما دوشمیییمزده ،دوزه لیشگن،قورخاق، ساتقین و سۆزده آیدینلاریمیزین انتگیسی آز اولماییدیر،آنچاق بویازنین اۆزلیکله بو بۆلومده باشقا آماج داشیدییغینا گۆره او قونونون آیرینتی لارینا گیرمک ایستمیریک.

اۆزده آیدین و بو سوروملولوغو داشییان کیمسه لر نّجه بیر کیشیلیگه(شخصییت)بییه لنیلر.گنّئل باخیمدا دئسک، دوزگون آیدینلار اۆزلرین اونودوب بوتون وارلیقلاری ایله شام تک یاناراق تاریخین آغیر و قارائلیق کنچیدلرینده اۆز اولوسلارینا و بعضاً بوتون دونیایا ایشیق ساجیبیلار،آنچاق بو سۆزلرله(جومله لرله) آیدینلار دونیاسینی تانیماق، اولاغان ایش دئییل.

بو درین دالایا (اوقیانوسا) دالماق ایچین چوخ باشاریلی بیر دالغیج(غواص) گرکلی اولدوغونا گۆره،یالنیز ساحیلده دوروب، چوخ اوزدن کئچدی بیر باخیشیمیز اولاجاق.بو اۆتری باخیشی بیر آز اولسادا درینلتمک ایچین گۆزوموزدن بوتون چکینجه لری آتمالی و گرچکچی اولمالیق.

آیدین آدی گلینجه ،اوتولو کت شالوار گنّیب کیراوات آسمیش،آکادمیک تحصیل آلمیش،ائل آراسیندا آزگۆرسنن ،یازی و دانشیققلاریندا چوخ یابانجی سۆزجوک قوللانابیلن،تئوریک کیشیلیگه بییه لنن..... بیرسی گۆزوموزده جانلانیر.آنچاق تاریخی بلگه لر(فاکتلار)بیزیم ساندیققلاریمیزی اونایلاماقدادیر(تایید ائتمکده دیر).

نییه کی بیز آیدینلاری تاریخ پروسه لرینده چئشیتلی حاللاردا گۆره بیلیریک .

بیر گون قیلینج آلدّه ظولمه آیقیریر.....بیرگۆن قوپوز آلدّه اویودلر وئریر

بیر گون قلم آلیب ، اثر یارادیر.....بیر گونسه آتلارین دیرناغیندادیر

بیرگون قازاماتا،بیرگون سورگونده..... بیرگونسه سوبولور یازدیغی اوسته

بیر گون دار آعاجیندا ، أسیر أسینله.....بیر گون لابرآتوواردا ، بیلیم ایشینده

بیر گون اکیینده ، بیر گون بیچینده.....بیرگون بوغولوبدور آل قان ایچینده

ائل هاردادیرسا ، هئپ اوردادیر او.....آرادا قانمازدان ، آلماقدادیر هو

بو گرچکلره دایاناراق دئمک اولار گۆرونوموندن(ظاهیریندن)آسیلی اولمایاراق ، تئوریک و یا پیراتیک باخیمدان توپلوما ایشیق ساجیب یول گۆستره بیلن هر کیمسه یه آیدین دئمک اولار،آنچاق بونلارین توپلوم آرا انتگی و اۆتگوسو کیشیسل باشاریلاری و اولاناقلارینا(ایمکانلارینا) باغلیدیر.

تاریخ بویو ساتقینلیقلارلا بئله، آذربایجان اولوسونون "اۆزآیدین" بوشلوغو اولماییدیر،اولوس یاتسادا آیدین یاتماییدیر.

جوغرافییا باخیمیندان دونیانین اولایلار چاتارقاسیندا یئر آلان و آغیر تاریخی سورجلر سوووشدوراراق بو گونه ده ک یاتشایان آذربایجان اولوسو،چئشیتلی آشاملاردان نّجه آشاجاغینی چوخ یاخچی بیلیر.

ایسلام اینقیلابیندان داها اۆنجه باشلایان یئر آلتی فرهنگی ایشلر،اۆزلیکله دیل و ادبیات ساحسینده ،دئوریمدن سونرا داها گوجلندی و گون اوزو گوردو.بونلارین هامیسینی سۆزده یوخ اۆزده آیدینلاریمیزا بوشلویوق.

عباس لیسانی-نین گوئی آذربایجان میلی قیامینین ایل دؤنومو مناسیبتی ایله آذربایجان خالقینا موراجیعتی

سلام اولسون

بوتون آغ ساققال و گنج میللتچیلره باش ایه رک سونسوز سایقیلاریمی سونورام
سلام اولسون بوتون چتینلیکلری آشیب، قالارقی بیر حیماسه یارادان گوئی آذربایجان میللتینه .
عشق اولسون او بؤیوک میللته کی بوش آل، آنجاق دولو اورکله آپاردیغی حاقلی دیرنیشده، حاکیم بیر
سیستیمین بوتون قوواسین چالیشا چکدی و سونوجدا یئنه بؤیوک و تاپسیر بیر باشارییا آل تاپدی.
آنجاق بو قازانچ دوشمنی قورخوتدوغو قدر بیزده ده سوروملولوق دویغوسون داها گؤجلندیرملیدیر.
نه تکجه یئنی باسقیلار و توزاقلاردان، میللت و میللتچی اولاراق آییق اولمالی و سارسیلما مالییق، بلکه
یئنی اورتاملار (فضالار) یارادیب و گلجکده یارانابیلن بوتون آغیر جولری سیندیرمالییق، بیز بونو میللت
اولاراق کئچمیشده باشار میشتیق گلجکده ده باشاراجا غیمیزا اورکدن اینانیرام.
نیه کی آذربایجان تورک میللتی تاریخ بویو اینانیلماز لاری باشاران بیر میللت اولوب، و اونملی بیر نوکته
بو کی، بو گون باسقی رژیملرین قورخوسو داها سیلاحلارین آغزیندان چیخان اولدو مرملردن
دئییل، بلکه میللتلرین مدنی مباریزه سیندن و اونلارین سیندیران بیر سنل کیمی حرکت کئچمسیندیر،
آذربایجانین آغیللی و مودروک میللتی گونون گرین تانییب و بنله بیر مباریزه یولو سئچیدیر و بنله ده
سوره جیبینه اینانیرام.
ایندیسه بو وسیله ایله میللتینین بالاجا بیر عسگرینه ایلگی گؤسترن بوتون ایچری و دیشاریدا چالیشان
سوی داشلاریمدان او جومله دن تیلوویزیالار، رادیولار، اینترنتی شبکه لر، تشکوللر،
قورولار، درگیلر، هفته لیکلر و بوتو اینسانلار کی بنده توتساقدا اولان چاغ آرخا دورماقلارین أسیرگمه
دیلم باش ایه رک درین سایقیلاریمی سونورام .
و بو قوللوچونون اهر توتساقیندان اؤزگورلویه بوراخیلان چاغ آغیر زحمتلره قاتلاشاراق قارشیلما
مراسیمینده شیرکت ائدن و یاریمچیلیق قالان ایشیمیزی باشا وورماق آماجی ایله قالا زیروسینه قوناراق
تنتنه لی بیر مراسیم قوروب دؤنوش زامانی بابک هتلی قاباغیندا و کلیبر شهرینده اینتیظامی امنیبتی
گوجلرین باسقیسینا او غرویان و سونوجدا هئچ بیر بویروغا اؤنم وئرمه ییب باشی اوجا اؤز شهرلرینه
دؤن اینسانلار او جومله دن، ارورمو، زنجان، تبریز، خیابو، پارسا آباد، اردبیل و.... نین دیرلی آغ ساققال
و گنج میللتچیلرینه باش ایه رک سونسوز سایقیلاریمی سونورام.

کؤچر بو دومانلار دوغار آل گؤنش قور اوللو یئنه، آزقینیساکولش!

آذربایجانلی سیاسی دوستاقلار حاققیندا

اؤزگورلوک آدی ایله

بیرگون حسین لر ، حسن لر، آیت لر، بهروزلار، علیرضالار، غلام رضالار، ... و بوگون سعید لر، دنمک یولچولار چنشدیلی اولسادا یول بیر یولدور و او یالنیز کوتله وی و اولکه وی آذربایجانین اؤزگورلوکه دوغرو گندن یولدور .

یول دوام اندیر نییه کی سارسیلماز یولچولار بوتون اننیش یوقوشلاری آشاراق یولا دوام اندیرلر. بللی دیرکی یول ساده و سیرادان بیر یول دئییل، اؤزلیکله یاشام شوشه سینی سارسیلماز یولچولارین قار انلیق سار اینا چاتماسی ایله سینیب داغیماقدا گۆره ن دنو(فارس شونیزمی)

بوتون یاراق یاساقلارین دنوره یه کئچیریب تا دارسیقال یوللاردا جانین اوووجونا آلیب ایره للمه یه دوام اندن قهرمانلاری دوردورسون.

توزاخلار سریر، بوسقولار قورور، داشلار دیغیرلادیر، آسیر- باسیر - کسیر آنجاق یئنه اؤزگورلوک انلچیلری دورمادان قوتسال آماج دوغرو آدیملارین داها گوجلندیریرلر.

نه ایسه قار انلیق گوجلری ده دینج اوتورماییرلار، یوکسک باراژلارلا دورمایان اؤزگورلوک آخنین دیققتله بؤیوده ج آلتینا آلیر و آراشدیریرلار.

نه یازیق کی آرادیقلا رین بعضی لرده تاپیب سئوینجدن هالایلار قوشورلار، قار انلیق سئودالیسی اولان باقوشلار بانلایاراق شوم قاه قاهلار چکیرلر قینماق اولماز نییه کی آتار داماری بولموشلار "ایچدن بوشالتماق" نجه اولاجاقدیر بو آلچاق اویون؟! ، آماج ندیر؟ یولچولاری دوردورماق اولمورسا یولدان جایدیرماق!، نجه اولایلر؟ .

و آختاردیلار یولچولار آرا؛ قورخاق، سست عنصر، ضعیف النفس، اینامسیر، قیسفانج، آنجاق جاه طلب شخصلری، و بو آماجلا چنشدیلی چالیشقانلارلا ایلگیلر قورلدو اوخلارینین چوخو داشا ده یدی آنجاق آرا سیرا باشاردیلار و شوم اویون باشلاندی؛ دانیشدیرما، دادیزدیرما، دار یخدیرما- ائله کی بوتون یولاقلاری سینادیلار و ایچیمیزدن سئچیلن و بعضاً ائیتیم گۆرن شخصلرله گیزملی بیر جیبه یار اتدیلار، قار انلیق انلچی سی اولان قارا جیبه!.

گۆره و ندیر؟!، سارسیلماز موباریزلر آرا تفرقه سالماق- سلیقه ایختیلافلارین درینلتمک، موباریزه پرنسپ و ده یرلرین قار انلیغین ایسته دیگی آماجلارا اویغون یازیب یوزماق، او جومله دن: قورخو، اینفیعال و پاسیویزمی، عقلانییت- دایانیش، دیره نیش و جسارتی، غیر عقلانی و غیر مدنی داورانیش!- اؤزگورلوک اوغروندا هر تورلو هزینه نی، حیماقت- پرده آرخاسیندا اولان معامله نین آدین دیالوگ و تعامل- بوتون هژمونیک ایمکانلارا مالیک اولان شوونیزم عامیللریله بیر چاتی آلتیندا ایشلمگی قانون گرالیق(سانکی بو گونه دک بوتون چالیشمالار غیر قانونی ایمیش)- اؤره کدن چالیشان، حرکتین چوخونلوغونو تشکیل اندن و ایللر بویو میلی حرکتی بویوک باشاریلار او غرادان میلی حرکتین موتورو اولان گنج و سیال (ایستیدادی و توتالیتز فضانین ایقتیضاسی) چالیشقانلاری، آرالیق و کوچه بازار میللتچیلری(بو چیرکین ایفاده لر تاسفله بعضاً صاف دو یغولو گنجلرده ایشکنجه لرین باشارامادیغی منفی ائتگیلری قویور) آدلاندیردیلار- شوونیزمین ایچگین عامیللرین میلی حرکتی بیر قورتاریجی کیمی تانیتدیریب و تحمیل ائتمک و بو ایشلرله میلی حرکتی ایللر بویو قارا گوجلرین آریسی اولان موواری جریاتین یار انماسینا یول هامار لایان و بنله لیکله سارسیلماز موباریزلره تلقین ائتمک کی: سیز اؤز لوگوزده هئچ سینیز گره ک رسمی بیرسی سیزینله اولاتا سایبلاسیر. بونونلا اؤز گووه ن و اعتماد به نفسی میلی

موباريزلردن آماقلا ايچدن پيچالتماق پروژە سي داها موركب اويونلارلا دوام اندير ، او جومله دن: ايشى ائيله آپاريبيلاركي ميللى ده بيرلري گوزه آليب يولا دوشنلر آديملارين آتاندا شونيزمين دوستاين و ايشكنجه لرین يوخ بلکه اوزوموزده ن گورونوب اوزگه قوللوغوندا اولانلارين چيرکين اويونلارين دوشونورلر.

قوشقوسوزكي گونئي آذربايجانين قهرمان اوغول- قيزلاري ، اوزلليکله سعیدلريميز فارس فاشيزمينين بوتون ايشکنجه لرینه اوستون گلره ک اوز دايانيشلاري ايله بوتون زنجيرلري قيراجاقلار ، آنجاق گوره سن ايجيميزده ن آتيلان قارانليق داشلاريندان قورتارا بيله جکلرمي!!؟؟.

سونوندا اعتراف ائتملييم کي ايسارته اولان سيمالاريميز فرشي لريميز و سعیدلريميز يوخ بلکه اصیل ايسارته اولان بيزلريک!دينج ياشاماق ايسارتينده و چوخ ده يرلري ده بونا قوربان وئريريک.

رسوبات ذهنی و بحرانهای رفتاری - قسمت اول

با نگاهی بر تعاریف «فرهنگ» از دیدگاه جامعه‌شناسان و اندیشمندان مختلف، می‌توان بر این باور رسید که فرهنگ، پدیده و فرایندی است تاریخی-اجتماعی، که قابلیت تغییر و شکل‌پذیری داشته و همچنین عامل وراثت نیز تأثیراتی بر فرهنگ عمومی (مادی-معنوی) هر جامعه را دارا می‌باشد. با تعمیم این قاعده بر جوامع مختلف بشری، تکثر و تنوع فرهنگی جوامع را نه به کل متأثر از نوع نژاد یا ژنهای سوار بر کروموزومها، که تکوین یافته از روند و پروسه‌ی تاریخی هر ملت خواهیم یافت. که به مثابه حافظه‌ی تاریخی ملل، با عوامل مختلف انتقالی اعم از کتبی - شفاهی - رفتاری و وراثتی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و در «رفتارهای اجتماعی» هر جامعه انعکاس و به عنوان «میراث اجتماعی» شناخته می‌شود.

تاریخ، که منشأ، بستر و عامل اصلی تطور تمدن و فرهنگ جوامع بشری به حساب می‌آید، خود متأثر از دو عامل اصلی، طبیعی (جغرافیا و اقلیم)، و غیر طبیعی (انسان؛ استعداد و خلاقیت‌های او) می‌باشد. دو عاملی که از بدو پیدایش انسان بر روی کره‌ی خاکی، تأثیرات کلانی را بر روند و شکل‌گیری پروسه‌های تاریخی جوامع مختلف بشری در جای - جای این تک‌نگین منظومه‌ی شمسی داشته‌اند. تأثیرات کلانی که موجب فراز و فرودها - کامیابی و ناکامی‌های تعیین‌کننده در عرصه‌های اقتصادی (بهره‌گیری از منابع طبیعی و شیوه‌ی تولید با توجه به کمبود آب و کثرت زمین)، سیاسی (نوع سیستم حکومتی) و اجتماعی (سیویلیزاسیون و تطور فرهنگی) بوده و به رغم «همگونگی‌ها»، زمینه‌ساز تکثر، اختلاف و تنوع فرهنگی در میان اقوام و ملل مختلف گردیدند.

همین عوامل در میان گروه‌های مختلف اجتماعی، منجر به بروز هنجارها و ارزشهای اجتماعی متنوعی شدند که ضمن تجمع «ویژگیهای فرهنگی» مختلف در محیط‌هایی خاص و متفاوت، «مجموعه‌های فرهنگی» مجزائی پدیدار گردید که با انگاره‌ها و احساسات نزدیک به هم، «حوزه‌ی فرهنگی-تمدنی» مشخصی را به وجود می‌آورند. به مانند حوزه‌ی تمدنی - فرهنگی عظیم و گسترده‌ی «شرق»، شرقی که گهواره‌ی تمدن بشری نیز خوانده می‌شود. سرزمین‌هایی که در روزگاران باستان، خاستگاه علوم مختلفه بودند، به علی‌چند، از جمله: «شیوه‌ی تولید آسیایی»، «دسپوتیسم یا استبداد شرقی»، «سُنن اجتماعی خاص» و «وابستگی» از موقعیت پیشین خود در قافله‌ی پیشرفت جوامع جهانی بازماند و بر جرگه‌ی دنباله‌روان پیوست، که اختصاراً به تأثیراتشان بر ملل شرق در ابعاد مختلف خواهیم پرداخت که چگونه عوامل مورد بحث به مانند حلقه‌های زنجیر عمل نموده و شرایط رکود تمدنی-اجتماعی در آسیا را فراهم آوردند.

«شیوه‌ی تولیدی» [۱] که به دلیل دارا بودن شاخصه‌ها و ماهیت ایزولاسیونی خود به لحاظ اقتصادی - اجتماعی خصوصاً در مناطق روستایی، موجب «فرو رفتن» [۲] آنان در خود و سُنتهای خود بوده و همچنین عامل پیدایی یا تشدید «سُنن اجتماعی» مختلف از جمله: «پدرسالاری» که دسپوتیزم یا استبداد را در درون جامعه‌ی کوچک یعنی خانواده نهادینه نمود و با تعمیم و گسترش آن بر جامعه‌ی بزرگ، سیستم حاکمیتی «پاتریمونیالیستی» یا همان «پدرسالاری» حکومتی، روح استبدادگری و استبدادپذیری را به جزئی لاینفک از فرهنگ عمومی ملل شرق در آورد و با تداوم آن طی قرون و اعصار، روح خود کم‌بینی - تسلیمیت و به تبع آن روح بردگی را بر جوامع مختلف آسیایی حاکم نمود که یکی از نتایج آن، انفعال در مقابل نفوذ و هجوم سیاسی-فرهنگی و اقتصادی دنیای غرب بود که راه را برای استعمار و استثمار این ملل، هموار نمود و نتیجه‌ای جز «وابستگی» برای جوامع شرق در بر نداشت، اینها و علل دیگری چند، باعث عقب ماندگی دنیای شرق در عرصه‌های مختلف بوده و مُمیزه‌ی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی آن از جوامع غربی را پدیدار ساخته است.

در نگاه و بررسی کلی بر شاخصه های مدنی - فرهنگی، ملل شرق مشترکاتی عمده و کلی با یکدیگر دارند. اما با مَدَاقَه بر اجزاء آن، تنوع و تکثر فرهنگی و سنتی بسیاری را نیز شاهد خواهیم بود که نشأت گرفته از باورهای فرهنگی - دینی و ایدئولوژیک و همچنین موقعیت جغرافیایی- سیاسی جوامع مختلف آسیایی می باشد.

مواجهه و عکس‌العملهای مختلف و متنوع ملل، با پدیده ی دیر پای استبداد و مسئله ی «وابستگی» که خود از علل اصلی هژمونی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی دنیای غرب- بر جوامع شرقی بود، مبین روح یا فرهنگ حاکم بر هر جامعه ای می باشد، که خبر از حدت تاثیر عوامل فوق الذکر در کوران حوادث تاریخی بر آن جامعه را دارد.

پدیده ای (روح حاکم یا فرهنگ) متشکل از مجموع عناصر عینی و ذهنی، که از سرچشمه ی تاریخ آغاز گشته و در بستر سازمانهای اجتماعی جریان یافته، از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و به عنوان میراث اجتماعی- فرهنگی، جوامع امروزی را- تحت تاثیر اجتناب ناپذیر خود قرار داده است. به نظر نگارنده، نقد فرهنگ و آداب گذشته ی ملل و یا جوامع بشری- در خارج از ظرف زمانی آن، کاری است عبث، اما پالایش نموده های عینی و رسوبات ذهنی نا مطلوب آن، نه تنها غیر ممکن نمی باشد بلکه برای تمامی جوامع امروزی الزامی و ضروری است، که در صورت عدم پرداخت مو شکافانه از سوی مولدین اندیشه یا همان روشنفکران جوامع مختلف، بدون شک نه تنها سیر سیویلیزاسیونی جوامع بسیار کند و بی قواره خواهد بود بلکه باعث تشدید تاثیرات سوء بر فرایند مدرنیزاسیون، در پروسه ی گذر از اعصار مختلف از جمله در مقاطع بسیار حساس دوران گذار از سنت به مدرنیته و یا از مدرنیته به پسا مدرن به دلیل تزلزل هنجارها و معیارهای گذشته و عدم جایگزینی هنجارهای مناسب و معاصر، شاهد ظهور معضلات و حتی بحرانهای جامعه شناختی و روانشناختی ناشی از تضادهای رفتاری - روانی در جوامع خواهیم بود، از آن جمله می توان بر پدیده ی «آنومی» [۳] اشاره نمود، که خود یکی از علل اصلی پدیداری معلولی بس ویرانگر به نام «نیپیلیسم» یا پوچ گرایی می باشد.

کم نیستند نمونه هایی از این دست در سرزمینهای شرق و حتی جهان سومی که علی رغم ظاهری مدرن و برخوردار از مظاهر مدرنیته ماهیتی دیگرگون دارند، چنانکه در روابط اجتماعی افراد جامعه با یکدیگر- روابط درون خانواده- روابط گروههای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، طبقات و اقشار مختلف باهم و برهم و در نهایت رابطه ی تمامی آنان با حاکمان، نشانگر ماهیت متفاوت آن با صورت های ظاهری جوامع می باشد که «رفتارهای اجتماعی» آنان تمایل و آفری بر الگوهای رفتاری اسلاف خود دارند اما با آشکالی نوین. اگر در جوامع ابتدائی شاهد سیستم پدرسالاری یا مادر سالاری در متن خانواده هستیم امروزه نیز هرچند در مواردی نشانه های کم رنگ شدن آن سنت کهن ملموس است اما تا حذف کامل و ماهوی آن از متن خانواده ها فاصله ی زیادی داریم زیرا شاهد پیدایش پدیده یا جایگزین هایی با اشکال مختلف، همانند: زن سالاری - فرزند سالاری و دیگر سالاری ها، در درون جامعه ی کوچک می باشیم که گویای تداوم و جریان روح استبداد گری و استبداد پذیری در درون هسته ی مرکزی اجتماع می باشد.

چنانکه در قرون گذشته پدر خانواده را خارج از محیط خانه (موضع ضعف) در مقابل ظلم و استبداد حاکمان و اربابان، مطیع، متحمل و خنثی می بینیم، اما در درون خانواده (موضع قدرت) به همان اندازه خشک، متعصب، بی رحم، جابر، پرخاشگر و مستبد می یابیم. نمود اجتماعی این واقعیت را می توان در روابط تمامی طبقات، اقشار، گروهها و سازمانهای اجتماعی- سیاسی (رابطه ی: ارباب رعیتی) و همچنین در میان فرقه، مذاهب و نحله های فکری - ایدئولوژیک؛ به صورت (رابطه ی: مراد و مریدی) شاهد بود.

با نگاهی گذرا بر اوراق تاریخ معاصر در جغرافیای سیاسی ایران و بالحاظ سطور فوق، امروزه نیز استبداد و استبداد پذیری را در میان تمامی اقشار و آحاد جامعه می توان به عینه شاهد بود. که اینان همه، باقیمانده ی افکار و سنتی است که به واسطه ی رسوبات ذهنی، از دورانهای مختلف بالاخص دوران انحطاطی فئودالیه یا به تعبیری دقیقتر «شبه فئودالیه» [۴] به جوامع معاصر انتقال یافته است، چنانکه اگر جنبشی مردمی و ضد استبدادی سر بر آورد و با شعارهای عدالت طلبی - آزادی خواهی - تجدد

طلبی و... بر مستبندی غالب گشت و نخبگان جنبش را بر اریکه ی قدرت نشاند، دیری نپایید که با تثبیت قدرت، همانان- به خود کامگانی قهار مبدل گشته و دمار از روزگار همان توده ای که عامل به قدرت رسیدن آنان بوده اند را در آوردند. این واقعیت نه تنها در مرحله ی اثبات قدرت، که در مرحله ی نفی نیز کارکرد دارد. تجربیات بشری نشان داده است برای بالا بردن قدرت مانور و تاثیر گذاری در نفی قدرت حاکم، انسجام و سازماندهی، یکی از اساسی ترین ابزارهایی است که نافیان قدرت، با لحاظ شرایط عینی و ذهنی هر جامعه، از آن بهره جسته اند، اما به دلایلی چند، و تحت تاثیر موارد فوق الذکر، معمولاً از حصول نتایج مطلوب باز مانده اند.

تحرزب که یکی از انواع سازماندهی های اجتماعی - سیاسی جوامع بشری می باشد، عمدتاً پدیده ی جوامعی است که به لحاظ فلسفی، جامعه شناختی و روشنگری از عقبه ای مستحکم برخوردار بوده و دمکراسی را کسب نموده اند. یعنی؛ این پدیده محصول سیر طبیعی نظری و عملی آن جوامع می باشد. حال آنکه، اگر به تقلید یا تحت تاثیر جوامع دمکرات، مدرن و توسعه یافته (به لحاظ سیاسی- اجتماعی)، تشکل یا احزاب سیاسی ای در جوامع فاقد شاخصه و مؤلفه های فوق الاشاره، به وجود آمد، فارغ از اساسنامه و مرامنامه های ویتزینی، معمولاً در اولین فرصت مناسب با زیر پا نهادن یکی از اصول اولیه و اساسی تشکلهای سیاسی - اجتماعی، یعنی «سانترالیزم دموکراتیک» روابط میان اعضا و هیئت مدیره با چرخشی صد و هشتاد درجه ای مبدل به رابطه ی ارباب- رعیتی گشته و زمینه را برای ایجاد دیکتاتوری جمعی یا همان هژمونی اولیگارشی فراهم آورد و بدین ترتیب بستری مناسب برای ظهور دیکتاتوری فردی که مصداق و مثالهای فراوانی را در بستر تاریخی جهان و منطقه می توان بر آن یافت، گردید.

با تأکید و یاد آوری تأثیرات غیر مستقیم، اما اساسی رسوبات ذهنی- ژنتیکی افراد، در بروز «آگوسانتاریسم» یا خود مداری [منفی]، که مانع اساسی هر نوع «کالکتیویسم» یا جمع گرایی [مثبت] می شود- تأثیرات مستقیم انواع سیستمهای حکومتی توتالیتر که بر آمده و لازمه ی دوام و بقای سیستمهای دسپوتیستی می باشند را نباید از یاد بُرد. وجود جوّ پلیسی و امنیتی در جوامع غیر دموکراتیک، با حاکمان تمامیت خواه، فضا را برای تنفس مخالفین آلوده نموده و روابط لزوماً دموکراتیک درون تشکیلاتی را به بهانه ی مخفی کاری های گروهی در مقابل نفوذ نیروهای امنیتی، کاملاً بسته نگه می دارد و گردش اطلاعات و آزادی روابط را مُختلّ کرده، دچار تمرکزگرایی شدید می نماید و بستری مناسب برای خود کامگی های درون تشکیلاتی فراهم می آورد که لایه های زیرین هر م را به مرور بر اطاعت محض سوق داده و هر گونه اعتراض به خود کامگی در رأس هر م را با چوب خیانت سرکوب و یا به سکوت وا می دارد. عوامل فوق الذکر، نه تنها به خودی خود مانع از تشخیص و پیشگیری خطراتی است که هر گروه یا سازمانی را در راه رسیدن به آرمانهای خود تهدید می کند بلکه مولّد یا موجب آفت هایی بس ویرانگر است، آفت هایی از قبیل: بروکراسی شدید و خشک - انحرافات استراتژیک- اتخاذ متد و یا تاکتیکهای غلط از سوی سیاست گذاران سازمان- سنکتاریسم و ارجحیت دادن منافع تشکیلاتی بر منافع آرمانی یا ملی - سهولت نفوذ نیروهای امنیتی و در حد غیر ممکن بودن شناسایی و خنثی نمودن آنان (به دلایل فوق الذکر و دلایل دیگری چند که خود مقال و مجال دیگری می طلبد) - تحت کنترل در آمدن برخی از نیروها، بالاخص نیروهای تاثیر گذار در تشکیلات، با حربه ی تحمیق، تطمیع، ارباب و... نهایتاً در اکثر موارد مدیریت تشکل توسط حاکمیت. [۵] البته روی دیگر این سکه، شخصیت پرستی و قائل بودن قابلیت های شخصیتی خارق العاده در اشخاصی است که خود نیز وجود توانایی های مورد انتظار از سوی مریدان [۶] را در خود باور ندارند، اما با تکرار و اصرار مریدانی که تحقق توهمات و آرزوهای جاه طلبانه ی خود و همچنین استحکام و دوام اعتبار و موقعیت کاذب خویش را در بزرگنمایی مراد خود می بینند، دچار خود شیفتگی، خود خواهی و توهم شده و به تبع آن، توان نگاه از زوایای مختلف بر اوضاع و واقعیات را از دست می دهند. که همین امر باعث خطاهای فاحش در تحلیل مسائل شده، و منجر به اشتباه محاسباتی در بر آورد معادلات مختلف می شود و بدین ترتیب ضرباتی معمولاً جبران ناپذیر بر آرمانهای ملتی ستم دیده، با ایجاد انحرافات عذیده در مسیر مبارزاتی حرکتهای اجتماعی وارد می آورند. که مهمترین پادزهر این سموم خطرناک همانا معیار

قرار دادن افعال، رفتار و خروجی آنان است که بدون آگاهی لازم از امور و دارا بودن شخصیت مستقل و آزاده، نیل به این مهم امکان پذیر نخواهد بود.

اینان گوشه ای از علل و عواملی هستند که دور تسلسل باطل استمرار استبداد را در جوامع امروزی شرق، به رغم مبارزات طولانی برای ایجاد دموکراسی، ممکن ساخته اند. چنانکه مُقدمتاً اشاره شد، شرایط (همگونگی یا ناهمگونی) و موقعیت (غالب یا مغلوب) گروه‌های انسانی، تاثیر گذاری و تاثیر پذیری از همدیگر را متفاوت می‌سازد. یعنی به لحاظ روانشناختی و رفتارشناختی، آنان را در مسیرهایی متخالف قرار داده و ارزشهای فرهنگی، اعم از مادی و معنوی و هنجارها و ناهنجاریهای اجتماعی آنان را متناسب با موقعیت‌شان شکل می‌دهد. چنانچه در بررسی فرهنگ ملل غالب و مغلوب، خصایص و ویژگی‌های فرهنگی - مدنی آنان، همچنین تصور و تلقی از خود و از دیگران، و دیگران از آنان، تفاوت فاحشی آشکار می‌گردد.

در این بین سیاستگذاران ملل غالب که خود، بر آمده - حامل - عامل و حاصل ویژگی‌های مدنی - فرهنگی ملل غالب هستند برای حفظ و دوام سلطه‌ی سیاسی، نظامی و فرهنگی بر سرزمینهای تحت اشغال خود، با ایجاد مکانیزمی ویرانگر، طرحهای غیر انسانی و بیرحمانه‌ای را با هدف حذف ماهوی ملل مغلوب، برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدتی را اعمال، و زمینه را برای استحاله ملی فراهم نموده و تا نابودی کامل ملت مغلوب، موتور ماشین استحاله را همچنان گرم نگه میدارند.

(۱) فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده - ص ۲۱۴

(۲) جامعه‌شناسی سیاسی، موریس دوورژه - ص ۵۰

(۳) جامعه‌شناسی، آنتونی گیدنز - ص ۳۰۰ (مفهوم آنومی را نخست امیل دورکیم مطرح کرد. سخن دورکیم این بود که هنجارها و معیارهای سنتی در جوامع مدرن متزلزل می‌شوند بی آنکه هنجارها و معیارهای تازه‌ای جای آنها را بگیرند. هر گاه که معیارهای روشن و شفاف‌ی برای هدایت رفتارها در حوزه‌ی معینی از زندگی اجتماعی وجود نداشته باشد، آنومی پدید می‌آید به اعتقاد دورکیم، در چنین اوضاع و احوالی مردم احساس بی‌هدفی و اضطراب می‌کنند.

(۴) تضاد دولت و ملت، محمد علی همایون کاتوزیان - بخش اول) ویژگی‌های علمی نظریه‌ی حکومت خودکامه.

(۵) بدون تردید فعالان صادق، با ایمان و خستگی ناپذیر حرکت ملی آذربایجان به رغم وجود خطرات و تهدیدهای فوق‌الذکر و همچنین مجهول و ناشناخته که در کمین حرکت ملی هستند، با تکیه بر تجربیات تاریخی، بالاخص وقایع چند دهه‌ی اخیر و همچنین با تلاش برای ارتقاء و توسعه‌ی بلوغ سیاسی - ملی خود و جامعه‌ی آذربایجانی، و بالاتر از همه با ایمانی راسخ و خلل‌ناپذیر به رهایی ملت آذربایجان از اسارت، بر تمامی موانع و معضلات طبیعی و صُنعی، فائق آمده و همچون گذشته کار و فعالیت‌های گروهی - تشکیلاتی خود را تحت هر عنوان یا قالب (با نام یا بدون نام) و با انسجام بیش از پیش و دور از رقابتهای غیر لازم و مضر، با به رسمیت شناختن تکثر سلیق و روشهای تاکتیکی گروههای غیر از خود و با تعامل یا حداقل تبادل اندیشه (نقد، نقد پذیری و مهمتر از همه اصلاح پذیری)، حس رقابت نا سالم تزیقی از سوی عاملین شوونیزم را از تهدید به فرصت مبدل نموده و با انسجام گسست ناپذیر، بال و پرهایی برای پرواز بی نقص کبوتر آزادی آذربایجان یعنی حرکت ملی آذربایجان خواهند بود.

(۶) افرادی ضعیف و اوپورتونیست که قضاوتها ی خود را نه بر منطق و حقیقت واقع، بلکه بر اساس نوع روابط و منافع جاه طلبانه‌ی شخصی خود بنا می‌نهند.

رسوبات ذهنی و بحرانهای رفتاری – قسمت دوم

سیاست گذاری هایی که از آن به عنوان ماشین استحاله نام برده شد، تولیداتی نیز از گلوکاه خروجی خود صادر می کند، و آن تیغودمی است که غالب و مغلوب را از هجمه های زهر آگین خود بی نسیب نمی گذارد.

اگر ملل مغلوب در اثر اعمال سیاستهای غیر انسانی و بیرحمانه ی آسمیلاسیون محور، دچار فجایع جامعه شناختی و روان شناختی، مانند: از خود بیگانگی فرهنگی- حسّ خود کم بینی – بیگانه پرستی – تشبّه جستن به ملت غالب و... می شوند. ملل غالب نیز گرفتار، در تور خود تنیده شده و دچار امراض روحی – روانی، چون: خود شیفتگی – خود برتر بینی – روح استکباری – زیاده خواهی – بیگانه ستیزی – نژاد پرستی و... خواهند شد که مورد دوّم موضوع سخن نبوده و پرداختی دیگر می طلبد. اما ضربات کاری و اثرات سوءای که این پدیده ی سیاسی – اجتماعی بر فرهنگ و موجودیت ملل مغلوب دارد بس سنگین و به شهادت تاریخ، در مواردی جبران ناپذیر بوده است. آنگاه که ملتی در نبرد میدانی – نظامی، طعم تلخ شکست را چشیده و سرزمین خود را زیر چکمه های بیگانه گان دیده و تمامی تلاشها و مبارزات خود را جهت رسیدن به استقلال و آزادی از یوغ دشمن، بی نتیجه می بیند، اولین نشانه های سرخوردگی و نا اُمیدی، که همانا زمینه ساز ورود به پروسه ی اطاعت و تسلیمیت محض است در رفتارهای آنان نمایان می گردد. [۱]

در این وحله، غالبین مغرور و سلطه طلب که “جنگ سخت” را به سود خود به انجام رسانده اند برای ادامه ی سلطه ی خود بر سرزمینهای اشغالی، طرح نو در انداخته و “جنگ نرم” و نابود کننده ی خود را برای زدن تیر خلاص بر پیکره ی وجودی ملت مغلوب آغاز می نمایند. هجوم همه جانبه ای که تمامی ارکان هستی یک ملت را اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد آماج حملات خود قرار می دهد. ارکانی، که هر کدام به تنهایی وزنه ی تعادلی هستند برای بقای هر ملت، که پرداختی ریشه ای و عمیق را می طلبند. اما ناگزیر، نگاهی به اختصار بر آنان خواهیم داشت.

الف (سیاست :

علم سیاست پدیده ای است دو سویه، برای اداره ی جوامع بشری که از سویی مکانیزم هایی را برای تثبیت قدرت حاکم تعریف و از سوی دیگر مژدها و ابزارهایی را پیش روی نافیان قدرت قرار می دهد، که هر کدام، از ارزشهای متفاوتی تبعیت می نمایند. آنکه در حال نفی قدرت حاکم جائر است و با شعارهای حق طلبانه وارد عرصه مبارزه می شود، طبیعی است که باید تمام شاخصه ها و ارزشهای “عقل عملی” را رعایت نموده و در عرصه های تئوری و پراتیک، ارزشهای عاطفی و اخلاقی را با توجه به ماهیت ظلم ستیز و آزادی خواه جبهه ی خودی، سر لوحه ی امور خود، برای نیل به اهداف مقدس و مشروع قرار دهد، که این تقدس، نه از خود حق انگاری و به اجرا در آوردن ماموریت آمرین، بلکه به دلیل رسالتی است که انگیزاننده ی آن، “عقل عملی یا همان وجدان” است.

اما در سوی دیگر وضعیتی دیگرگون و متفاوتی حاکم است. چنانکه ماهیت قدرت، به صورت گریز ناپذیر صاحبان قدرت را بر آن میدارد تا برای حفظ – دوام و بقای خود، تمهیداتی ضدّ انسانی و بیرحمانه ای را در جغرافیای تحت سلطه ی خود تعریف و اعمال نمایند؛ که از جمله ی آنان: انحصار منابع و ابزارهای هژمونیک، اعم از طبیعی و غیر طبیعی می باشد، که لازمه ی اجرا و اعمال چنین سیاستهای سبعانه، تبعیت از “عقل نظری یا همان عقل توجیه گر” است، که اخلاق و عاطفه، هیچ جایگاهی در آن ندارند چنانکه به نظر نگارنده، بخش بزرگی از رساله ی “شهریار” ماکیاولی، بر گرفته از تجربیات حکومتگران جائر و سیاسی است که قبل از تئوریزه شدن توسط ماکیاولی، آن حاکمان، لاجرم برای قوام و بقای حاکمیت خویش اعمال نمودند. یعنی ماهیت وجودی قدرت خود کامه، نیازمند اتخاذ روش های آن چنانی است. با لحاظ سطور فوق الاشاره آشکار می گردد که اکسیر بقای حاکم جابر، انحصار قدرت – تمامیت خواهی- بی رحمی و زیر پا گذاشتن تمامی ارزش های انسانی می باشد. چنانکه این حاکم دارنده ی صفات مذکور، در رسوبات ذهنی – ژنتیکی و همچنین ضمیر اکتسابی خود، خصایص و

تفکراتی چون راسیسم - فاشیسم و شونیزم را نیز به یدک بکشد، حال و روز ملت مغلوب در حیطه ی حکمرانی اش چگونه خواهد بود و چه روش های غیر انسانی را برای نابودی ملت مغلوب اتخاذ خواهد نمود واضح و آشکار است .

بدیهی است بعد از سرکوبی ملت مغلوب، روش های راهبردی گوناگون از سوی غاصبین به عنوان دکنترین معطوف به نتیجه اتخاذ خواهد شد، که : مهار - آموزش و مدیریت نخبگان آنان در تمامی عرصه های اجتماعی و مسموم نمودن روح ملی ملت مغلوب توسط خودی های خود باخته و مرعوب، از جمله ی آنان می باشد. نُخبه و خودی نمایانی که، به جهت غیر قابل تشخیص بودن نیت و ماهیتشان از سوی توده ی مردم، به مانند مسئولین خودی پذیرفته می شوند، غافل از اینکه آنان و پیروان و میکروب های پرورش و تربیت یافته ای هستند که بر تن رنجور ملت تحت سلطه ی خود هجوم آورده اند، با این امتیاز که قابلیت فریب سیستم و مکانیزم های دفاعی آنان را دارا بوده و با آسودگی خاطر، هجوم به تمامی سلول ها و هسته های حیاتی را عملی و مؤثر می نمایند.

خروجی و دست آوردی که این سیاست برای استثمارگران به بار خواهد آورد مثمر به ثمر خواهد بود، زیرا با این روش خواهند توانست که هرگونه بی عدالتی - تبعیض و ستم را بر گردن مسئولین خودی انداخته و حسن نفرت از مظالم بیگانه را به ناتوانی مدیریتی خودی ها معطوف نمایند، و این خود یکی از عواملی خواهد بود برای از بین بردن اعتماد به نفس ملی. بدون تردید کارایی خودی های خود باخته، که علیه ملت خود گمارده شده اند از چشمان تیز بین غالبین، دور نمانده و اغلب برنامه ها و سیاست های غیر انسانی خود را جهت نابودی ملت مغلوب در عرصه های اقتصادی و فرهنگی با دستان همین مزدوران خودباخته به اجرا خواهند گذاشت .

ب- اقتصاد)

۱- از اهداف چپاول اقتصادی در ابعاد و بخشهای مختلف : (با کنترل، استفاده و استعمال منابع رو زمینی- زیرزمینی - سرزمینی و همچنین استثمار نیروی کار و خلاقیت های انسانی و اجتماعی ملت مغلوب)، ایجاد سرزمین سوخته - تحمیل افلاس مالی - نا امید نمودن از قابلیت های سرزمین مادری و در نهایت فراهم آوردن شرایط کوچهای معیشتی بر سرزمینهای اشغالگران است البته نه به عنوان نیروی کار شرافتمند و با ارزش، که به مثابه طفیلیان خانه به دوش و در بهترین شرایط، حاشیه نشین هایی خواهند بود که چاره ای جز عهده دار شدن مشاغل پست در شهرها و سرزمین ملت استعمارگر، آن هم در ازای زیرپا نهادن ارکان هویتی خود، نخواهند داشت و این آغازی برای دوران تلخ و طولانی برده وار زیستن و جایگزینی حقارت - سرخوردگی- ابزار سُخره شدن و ... امروزی؛ با، وقار- اعتماد به نفس و غرور ملی دیروزین است.

حال سؤال این است، فرد یا خانواده ای که به امید ارتقاء سطح زندگی، بالاجبار جلای وطن شده و سالهای خود را در غربت سپری نموده، به هنگام بازگشت موقت و یا همیشگی به سرزمین مادری و دیدار با نزدیکان خود، کدامین اندوخته ی مادی و معنوی خود را می تواند به رُخ خودی های وفادار به آنا وطن بکشد؟! جُز رفتارهای حقیرانه ی نشأت گرفته از روح سرکوب شده اش، به مانند: تغییر در نوع پوشاک و نگاه تحقیر آمیز بر لباس ملی خود- بی اعتنائی و بی حرمتی به آداب و سُنن ملی خویش - تغییر ارادی لهجه ی خود به هنگام سخن گفتن به زبان ملی _ مادری - سُخن گفتن با فرزندان خود به زبان مسلط و بیگانه و... که ارزش انگاری این رفتارهای غیر طبیعی و ضد ارزش، تلاش حقیرانه ای است برای استتار نمودن عُقده های حقارتی که ارمغان برده وار زیستن در سرزمینهای بیگانه محسوب می شود.

۲- از دیگر دغدغه ها و اهدافی که سیاست گذران ملت غالب، در مسیر نابودی اقتصاد سرزمین ملت مغلوب دنبال می نمایند این است که، به رغم استیلای کامل نظامی - سیاسی، وضع موجود را به هر حال موقتی دانسته و چپاول آن سرزمین را به مانند غنیمت جنگی تلقی نموده و با امکانات غنیمتی، ساختارهای روبنایی و زیربنایی اقتصاد خود را هرچه بیشتر استحکام بخشیده و به تبع آن قدرت استحاله و سرکوب نظامی خود را افزون و اسارت ملت مغلوب را هرچه می توانند طولانی تر نمایند.

ج - فرهنگ)

عنصر فرهنگ را می توان بدون اغراق، ستون اصلی و حیاتی بنای اجتماعی هر ملت محسوب نمود. چنانکه تاریخ، پایه ی اصلی و اساسی آن است که با کوچکترین گسست از یکدیگر به هر دلیلی منجر به تزلزل در تمامی ارکان جامعه ی ملی گشته و تهدیدی بسیار جدی به نام بحران هویت را که به مانند سلسله اعصاب در میان طبقات و لایه های اجتماعی ریشه دوانیده به وجود می آورد که خود زمینه ی معضلات و آسیب های جدی فرهنگی- هویتی را فراهم خواهد آورد. تجربه نشان داده است، هجوم فرهنگی همه جانبه به یک ملت، با تلاش برای گسست آن، از تاریخ واقعی اش آغاز میشود و با جعل و تحریف آن، که حافظه ی تجربی ملتی به حساب می آید، آن ملت را از اصالت و هویت واقعی خود جدا و به موجودی بی خاصیت مبدل، و چون ماده ی خامی با قابلیت شکل پذیری بسیار بالا، مطروف هر ظرفی می نمایند.

یکی از اساسی ترین رکن رکن فرهنگ هر ملت، زبان ملی- مادری آن است که نشان هویتی آن نیز محسوب میشود، نشانی که مورد حملات سازماندهی شده از سوی عاملین فرهنگ غالب از طریق آموزش اجباری بوده، و در صورت عدم قدرت ساختاری - زبانشناختی، به سرعت مقاومتش در هم شکسته، به نفع فرهنگ و زبان تحمیلی عرصه را خالی خواهد نمود، یا چنانچه زبان مغضوب به لحاظ توانایی های زبانشناختی ذاتی، نه تنها خود بلکه قادر به حفظ و صیانت از دیگر عناصر فرهنگی نیز باشد، مهاجم در مانده، با دست یازیدن به روشهای غیر اخلاقی و تحقیر آمیز از جمله مورد سخره قرار دادن آن زبان، با ابزارهای دیداری- شنیداری - نوشتاری و با بهره گیری از تمامی ابزارها و تکنولوژی معاصر، دور افتاده ترین نقاط را نیز از این حمله ی سهمگین بی نسیب نمی گذارد.

البته این تهاجمات همیشه زُخت و خشن نبوده و بعضاً با پوششی به ظاهر زیبا و فریبنده، دلربایی می کنند، چنانکه زبان و فرهنگ مهاجم را علمی- مدرن و پُرکار بُرد و زبان بومی و مغلوب را غیر علمی و دُمِد معرفی نموده و راه توجیه را برای بیگانه گرایانِ اینه شده هموار می نمایند. بدینگونه، جای ارزش و ضد ارزش تغییر یافته و ملتی، فوج - فوج در تشبُه جُستن به ملت غالب، از یکدیگر سبقت می گیرند و این، همان کژراهه ای است که فرزندان ملتی بی دفاع و منفعل به زعم دور ماندن از تیررس تحقیرها و حملاتی از آن دست بر آن گام می نهند، غافل از آنکه مقصد و منزلی جز نیستی و نابودی در انتظارشان نمی باشد. تاریخ و وضع موجود ملل نشان می دهد که این مسیر پر حادثه دارای چنان گذرگاهها و گردنه های پر پیچ و خمی است که تأثیرات عمیق - مخرب و مهلکی را بر افراد جوامع تحت سلطه ی بیگانه می گذارد. تأثیرات جامعه شناختی و روانشناختی ای که از پروژه استحاله ی فرهنگی پدیدار می گردد، با رسوبات ذهنی - ژنتیکی بازمانده از استبداد شرقی عجین گشته و معجونی تلخ و مسموم به بار می آورد که اکسیری کشنده و یا در بهترین شرایط، خنثی کننده ی هر نوع اراده ای خواهد بود که برای رهایی ملل تحت سلطه، ضروری و حیاتی می باشد.

ملتی که روح ملی اش، آن چنان خدشه دار شود که نه تنها توده ی عام، بلکه اکثر خواص و روشنفکرانش نیز قادر به ترمیم جراحات و پالایش رسوبات مضر، از افکار و اندیشه های خود نباشند. طبیعی است که افعال و رفتارهایشان نیز نمودی از اسارت آنان در چنبره ی این اختاپوس بلعنده خواهد بود. آنگاه که روح جمعی و غرور ملی ملتی را در هم شکستند و بستری فراهم آوردند برای فراموشی کیستی و هویتش و ملت بودنش را بر او کتمان نمودند. فرهنگش را خرده فرهنگ، زبانش را آلکن، استعدادهایش را سرکوب، سرزمینش را سوخته و در نهایت عزت نفس و اعتماد به نفس اش را منکوب نموده و تکیه گاه اصلی و واقعی اش که همانا خود و استعدادهای ملی اش می باشد را از آن گرفتند و او را در مرحله ی خطرناکی از پروسه ی آسمیلاسیون یعنی الیناسیون (از خودبیگانگی) قرار دادند؛ عالمی بی بدیل، شمشیرزنی قهار و ایثارگری بی منت خواهد بود در تمامی عرصه ها برای حفظ و حراست منافع ارباب و آقای خود! این از خود بیگانگی رشته های زنجیر را از هم می گسلد و آن تن واحد، از ملت بودن به همشهری گری تنزل یافته، شهرهای خودی، هم زبان و هم ریشه، به سرعت مبدل به رقبای در حد دشمن شده افتراق و تفرقه بیداد خواهد نمود و حاکمیت غاصب و مرکزگرا با هر ابزار و حيله ای آتش بیار معرکه خواهد گشت، تا خیال خود را از خطر انسجام و اتحاد احتمالی ملت از هم پاشیده راحت نماید. اما فاجعه به این ختم نخواهد شد زیرا مکانیزمی که به کار افتاده، به مانند موربانه، تمامی رشته های پیوند

و وحدت ملتی را در خواهد نوردید، چنانکه همشهری گری نیز به هم محله، محله گری به خانه و خانه نیز به فرد معطوف و تقلیل خواهد یافت. بدینسان پروژه‌ی آتمیزه نمودن ملتی تکمیل و آحادی لاقید، بی تفاوت و خود بین که نه تنها در مسائل ملی و اجتماعی، چون موجودی بی تفاوت و خنثی ظاهر می شوند، بلکه در شرایط نامساعد، بر هر پستی و حقارتی تن خواهند داد. افراد خودبینی که به خاطر منافع شخصی بر نزدیکان خونی خود نیز پشت خواهند نمود و این یعنی سقوط تمامی ارزشهای انسانی در یک فرد که لاجرم به صورت اپیدمی فراگیر شده، نسلی بی تفاوت، بی خاصیت و پوچی را به بار خواهد آورد، که اینان بخشی از نتایج وابسته بودن و در اسارت زیستن یک ملت است.

در اینجا برای درک تاثیرات علت و معلولی «وابستگی» و «آزادگی» مثالی ملموس از دنیای حیوانات را بیان می نماییم (مقایسه‌ی این دو حیوان موضوع آثار ادبی نویسندگان بسیاری شده است): «سگ» که موجودی با قابلیت درندگی لازم برای دفاع از خود می باشد از دیر دورانی توسط انسان مهار و اهلی شده و به مرور در تمامی نیازهای زیستی خود به انسان وابسته گشت. این طرز زندگی و تربیت یافتگی به دست انسان - دوری از اصلت - فراموشی دوران طلایی آزادگی اش در دل طبیعت، هم چنین در اثر تغییرنسلهای متمدنی، و در نهایت پاک شدن ارزشهای آن دوران از حافظه‌ی ژنتیکی اش، و به تبع آن در اثر آینه و ذوب شدن در منویات انسان، روح وابستگی در جوهره‌ی وجودی اش نهادینه گشت. چنانچه بدون حمایت حامی خود حتی در ابراز و به فعل در آوردن قابلیت های ذاتی و فیزیکی اش دچار تردید و عجز می شود که عکس آن نیز صادق است. چنانکه تجربه نشان داده است، فقط با حمایت لفظی چوپان، تنها سگ گله توانسته است در مقابل دسته‌ای از حیوانات وحشی و مهاجم قد علم نموده و تا پای جان نیز ایستادگی نماید. اما دیده شده است به هنگام شب زمانی که خواب سنگین صاحب و حامی اش را به کام خود فروبرده، گرگی تنها بر دهکده هجوم آورده و ضمن جدال با چندین سگ مدافع اما بی انگیزه، با غلبه بر آنان یکی از مدافعین مرعوب و بی جرات را در غیاب صاحبان خود شکار و به عنوان طعمه با خود برده است.

در مقابل این حیوان (سگ) که مظهر وابستگی به حساب می آید، از موجودی به نام «گرگ»، با تشابهات و توانایی های فیزیکی بسیار نزدیک که قابلیت مقایسه با آن را نیز دارد، می توان نام برد، این حیوان تا کنون با رفتار و طرز زندگی خود نشان داده است که به هیچ عنوان، به قیمت از دست دادن گوهر «آزادی»، عافیت و امنیت زندگی «وابسته» را بر سختی و خطرات حیات وحش ترجیح نداده است.

چنانکه این طرز زندگی، خصلت آزادگی را در او جاودانه و روح فداکاری را به جزئی لاینفک از جوهره‌ی وجودی اش در آورده است که لازمه‌ی همه‌ی اینان، جرأت و جسارتی است که ستون خیمه‌ی آن بر فونداسیونی بسیار مقاوم به نام اعتماد به نفس استوار گشته است. موجودی آزاده و جسوری که به هنگام کمبود شکار در طبیعت، با اتکاء بر توانایی های خود، دل به دریای خطرناک (حریم انسان) زده و به رغم نگرهبانی چندین سگ، و چوپانی آماده، خود را به گله می زند و جالب آنکه، در آن جنگ و گریز بی امان، مسئولیت زندگی جمعی و اجتماعی خویش را فراموش ننموده، با شکار گوسفندانی چند، تلاش جانانه‌ای برای تهیه‌ی آذوقه‌ی جامعه‌ی کوچک خود می نماید. و با وجود غرایز و خصایل حیوانی، به کلّ غرق در خود و خودیت نگشته و در چنین برهه‌هایی، حس جمع گرایی و فداکاری برای هم نوعان را فراموش نمی نماید. که مهم تر از همه، آن صفات را از قوه، به فعل و عمل در آوردن اوست. حال، با تعمیم دادن این واقعیات بر عالم انسانی، می توان به این نتیجه رسید که تمامی این صفات والا را، فقط و فقط، می توان در آن روح بلندی جستجو کرد که در بستر زندگی «آزاد» پرورش، و تمامی زنجیرهای «وابستگی» را پاره نموده است.

(۱) مثال آن بچه فیلی است که بدن خود را از روی بازی گوشی و یا به هر دلیلی به تنه‌ی درختی کهن سال می ساید تا شاید آن را تکانی دهد، اما بعد از بارها زور آزمایی، نا امید گشته و بر قدرت درخت و ضعف خود در مقابل آن باور می کند. زمان می گذرد و آن بچه فیل بزرگ و به فیلی تنومند و پر قدرت تبدیل می شود اما هر گاه آن فیل تنومند را با طنابی حتی به شاخه‌ی کوچکی از هر درختی می بندند بدون هیچگونه تلاش برای رهایی در جای خود آرام میگیرد، چراکه از ابتدا بر قدرت نوع درخت و ضعف خود در مقابل آن باور نموده و تسلیمیت را پذیرفته است.

سرابی در کویر تاریخ

با گذری بر سیر تاریخ جوامع بشری در خواهیم یافت که تمامی مراحل گذار از جوامع ابتدای تا عصر مدرن، حاصل شکوفایی استعدادهای ذاتی و اکتسابی انسان و میزان خلاقیت در ابداع و بکارگیری ابزارهای تولید و بهره‌گیری از آن در به سلطه در آوردن طبیعت و محیط، در جوامع مختلف بشری بوده است.

سیری که در تمامی مراحل خود بی‌تأثیر از عوامل طبیعی و غیر طبیعی نبوده است اما در این سیر تکامل و پیشرفت؛ تعیین‌کننده‌ترین عامل جوهره‌ی وجودی خود انسان بود انسانی که هم مؤثر بود هم متأثر، موجودی هر چند خستگی‌ناپذیر در مصاف با طبیعت خشن، اما عمدتاً مقهور و مغلوب هنجارها و نا هنجارهای جوامع خود ساخته‌ی خویش.

چنانکه در دورانه‌های مختلف با پدیدار شدن گروه‌های اجتماعی مختلف و با ابداع، تصاحب و انحصار ابزارهای تولید در هر جامعه طبقات و لایه‌های مختلفی بوجود آمدند که هر یک منافع و مرزبندی‌های خاص خود را داشتند که در همیشه‌ی تاریخ شاهد استکاک و حتی جدالهای بی‌امان بین آنان می‌باشیم.

با وجود واقعیات موجود، روح عدالت طلب و آزاد انسان در تکاپو بود، همانند گروهی که در قلب کویر به ناچار به سوی هر سرابی می‌شتابند تا راه نجاتی بیابند. اما مدعیان نجات بشریت با بسته بندی کردن افکار آرمانی و قالبی خود و ارائه‌ی آن به جامعه‌ی بشری، نه تنها به مانند سراب فریبنده، بلکه مسلخی ساختند بر شور و شعور انسان و مانعی شدند بر سیر تطور طبیعی جوامع بشری.

منجیبانی چون مکتبهای ایده‌آلیستی و ماتریالیستی که با وعده‌های یوتوپیایی و آرمانشهری خود جوامع و گروه‌های انسانی مختلفی را به اسارت فیزیکی و فکری خود در آوردند، وعده و شعارهایی همچون «جامعه‌ی بی‌طبقه»، «عدالت اجتماعی»، «برابری»، «آزادی» و دیگر شعارهایی که انسان محصور در کویر زورمداری حاکمان مستبد و خودکامه‌ی تاریخ را وسوسه می‌نمود تا بر این ریسمانها نیز چنگی زنند.

در واقع تئوری و شعارهای این مکاتب در مرحله‌ی نفی سیستم حاکم از کارآیی بالایی در بسیج اقشار مختلف جامعه و ایجاد روح مبارزه برای احقاق آزادی و عدالت اجتماعی برخوردار است اما در مرحله اثبات و قبضه‌ی قدرت است که ماهیت واقعی آنان آشکار می‌شود، اما دیگر بسیار دیر شده است. زیرا

آن فرشتگان نجات به مانند عنکبوتی غول آسا تارهای خود را بر تمامی نهادهای قدرت و هژمونیک جامعه تنیده و تقریباً همه چیز را تحت کنترل خود در آورده اند.

با توجه به ماهیت قالبی و جزمی هر ایدئولوژی و مکتب و دارا بودن تئوری و آموزه های خاص خود، ضرورتاً گروه مفسرین آن ظهور می نماید که با گسترش تاثیر گذاری در جامعه و با تعمیق و پیچیدگی منافع مشترک، مبدل به طبقه ای نو بنیاد می شوند؛ البته کمتر تولید اشکال خواهد نمود اگر آموزه ها و تفسیر و تاویل های این مفسرین در حوضه های شخصی افراد جامعه باشد.

اما چنانکه وارد عرصه ی سیاست شده و صاحب قدرت سیاسی شوند همان منادیان جامعه ی بی طبقه، خود چنان در هیأت طبقه ای قدرتمند ظاهر می شوند که دیگر طبقات جامعه را یارای عرض اندام در مقابل آنان نمی باشد، زیرا شالوده ی تمامی ارکان و قوانین سیستم حاکم را نه بر اساس عرف، عقل و تجربیات بشری، که بر اساس ارزشها و باورهای ایدئولوژی حاکم پی ریزی خواهند نمود و اینجاست که آن طبقه ی مفسر، حاکم بلامنازع بر تمامی دستگاههای سیستم موجود و به تبع آن حاکم بر تمامی مقدرات آحاد جامعه خواهد بود.

نمونه های برجسته ی آن را به وضوح در تاریخ شاهد هستیم؛ نمونه ی الوهی یا تئوکراتیک آن را در اروپای قرون وسطی به عینه می بینیم که چگونه با ظهور طبقه ی کلریکال یا روحانی سالار نه تنها مقدرات دنیوی و اخروی انسانها را در دایره ی باورهای دگم و بسته ی خود تفسیر و تعیین می نمودند بلکه کیوتر اندیشه را نیز بر مسلخ بی دادگاههای انگیزسیون پرچیدند که حکایتی است تلخ و طولانی.

در طول تاریخ استفاده ی ابزاری از مکاتب و ادیان الهی با تفسیر به مطلوب قدرت مداران، متفکرین و فلاسفه را بر آن داشت تا ایده ی جدایی این ابزار خطرناک از قدرت حاکم را مطرح نمایند. هر چند موج برخاسته عکس العملی در مقابل دین ابزاری جائران و خودکامگان کلیسای کاتولیک بود اما اصرار دین ابزاران بر اینکه گفته و کردار آنان عین فرامین کتاب مقدس- مسیح و خداوند است باعث شد ضمن ظهور ایده هایی مانند «لائسیته» و «سکولاریسم» با اعتقاد بر جدایی دین از سیاست و حکومت، و «نظام اعتقادی ای به نام «دئیسم» که با حذف تمامی واسطه ها حتی کتاب مقدس، باور فطری و درونی به خداوند را اساس قرار می داد، ایده ای افراطی تری نیز به نام «آتنیسم» توسط فیلسوفان ظهور و قوت گرفت آنان هستی متعال و حتی لحظه ی آفرینش را نیز مردود دانسته و جهان هستی را ماده ی صرف که همیشه وجود داشته و نیازی به وجود آفریدگار ندارد و به کل از قوانین طبیعی متابعت می کند را پیش کشیدند و با استدلالهایی از این قبیل وجود خداوند را مردود دانستند.» [۱]

این پدیده ها ثمره ی قرن‌ها ظلم ، بی عدالتی ، فساد ، دروغ ، ریا ، تلاش برای ترویج خرافات و سرکوب آزادی های فردی و اجتماعی از جمله آزادی بیان، اندیشه ، اکتساب و تولید علم و زیرپا گذاشتن تمامی ارزشهای والای انسانی به نام دین و الوهیت از طرف دین ابزاران بود که موجی از شکاکان در جوامع بشری را پدیدار ساخت تا راه گسترش مکاتب مادی هموار شود.

اما این پروسه ی تاریخی تنها محدود به اروپا و مقطع زمانی خاصی نبود زیرا با توجه به قابلیت ابزاری هر دین و ایدئولوژی و اساساً تفکرات قالبی، در چهار گوشه جهان و به درازای تاریخ کمتر جوامعی را می توان یافت که دچار دین یا ایدئولوژی ابزاری نشده باشند.

نمونه های بارزی را نیز می توان از جوامع مختلف اسلامی مثال آورد، که چگونه بر خلاف تاکید و نص صریح قرآن، فرق مختلفی از دل دینی واحد سربر آورده و با تفاسیری مختلف از قرآن کریم بر جان و مال و مقدرات مسلمین مستولی گشتند.

چنانکه در آیات بسیاری آمده است که پیامبران مصیطر، چیره گر و جبار نیستند. به عنوان مثال، در خطاب به پیامبر میفرماید: «فذكر انما انت مذكر، لست عليهم بمصيطر». (پس یاد آوری کن و پند ده که تو پند دهنده ای و بس، بر آنان گماشته و چیره گر نیستی). (غاشیه ۲۱-۲۲) یا در آیات دیگری می گوید: «تو سلطه گر نیستی». (سوره ق/۴۵)

در این آیات ضمن اینکه بر پیامبران تاکید می شود، شما تنها یاد آور و پند دهنده اید، از سلطه و صیطره بر مردم نیز بر حذر داشته می شوند. یعنی اینکه آنان را از تصاحب ابزارهای سلطه و صیطره از جمله قدرت سیاسی منع می نماید.

اما با انکار روح و حقیقت آیات الهی و با ارائه تفسیر و نسخی مطلوب به رای نه تنها حاکمیت‌های الوهی و تنوکراتیک بنا نهاده شد بلکه تمامی آزادی های فردی و اجتماعی انسان را از او گرفتند، که این اعمال هیچ سنخیتی با روح و تعالیم قرآن ندارد.

چنانکه قرآن کریم در سوره ی بقره می فرماید: «لا اکره فی الدین» (بقره/۲۵۶) (در دین هیچ اکراهی نیست). یا به پیامبر می فرماید: «افأنت تکره الناس حتی یکونوا مؤمنین» (یونس/۹۹) (آیا تو پیامبر، مردم را به اکراه وامی داری تا مؤمن شوند).

این آیات میباید آنند که در حوزه ی دین و معنویت، اجبار و اکراه معنا ندارد. یعنی قرآن نیز گوهر آزادی انسان را گرامی می دارد و به هیچ بهانه ای، حتی در اساسی ترین مسئله ی دین آن را نفی و نقض نمی کند.

حال آنکه دین ابزاران قدرت مدار، برخصوصی ترین مسائل دینی و دنیوی انسانها دخالت، اجبار و اکراه می نمایند. نمونه معاصر آن، جامعه ی کنونی ایران است که بعد از دوام و گذشت سی سال از حکومت دینی، به عینه شاهد هستیم که چگونه بخش بزرگی از جامعه نه تنها دین گریز شده اند، بلکه نسلی در حال ظهور است که نفی و حذف هر نوع دین و مذهب، حتی در حوزه شخصی را تنها راه رسیدن به آزادی، عدالت و جامعه ای دمکراتیک و مدرن می داند و این وضعیت نه با تلاش مکاتب الحادی، که نتیجه ی اعمال دگمان داران دین است و بس.

این در حالیست که در جوامع مدرن و دمکراتیک، تأکید بر جدایی دین از سیاست و قدرت است نه بر حذف و انکار تمامی عناصر الهی و معنوی، که افتادن هر جامعه به این ورطه، قبل از بستر سازی فرهنگی و اجتماعی لازم و ارائه ی آلترناتیوی مناسب، خصوصاً در میان نسل جوان، خلاء عمیقی پدیدار خواهد شد که ثمره ای جز پوچ گرایی و نیهیلیسم در بر نخواهد داشت.

حال گریزی گذرا بر نمونه ای از ایدئولوژی های ماتریالیستی خواهیم داشت و بررسی خواهیم نمود که چگونه نقش خود را به مثابه مذهب زمینی بسط و گسترش داد. در ابتدای قرن بیستم، انقلابی سوسیالیستی در سرزمین روسیه به وقوع پیوست که علی رغم نظریات ایدئولوژی های مکتب سوسیالیسم بود. ایدئولوژی ها و تئوریهایی مانند مارکس و انگلس که تأکیدی این چنین داشتند: «به موجب مارکسیسم، انقلاب سوسیالیستی» انقلابی است که طبقه ی خاصی به آن اقدام می کند که همان طبقه ی کارگر صنعتی روزمزدی است که «پرولتاریا» نامیده می شود و در اوج تکامل جامعه ی سرمایه داری اکثریت جامعه را تشکیل می دهد و در یک حزب متشکل گشته و به مارکسیسم که فلسفه ای مادی است، معتقد می شود و آن را به عنوان «سوسیالیسم علمی» می پذیرد سوسیالیسمی که روابط و نظام سوسیالیستی را تابع شرایط مادی اقتصادی آخرین سالهای تکامل جامعه ی سرمایه داری می داند و تحقق انقلاب سوسیالیستی را پیش از پیدایش این شرایط مادی «عینی» اقتصادی محال می پندارد و افسانه و نوعی تخیل آرمانی و ایده آلیسم می شمارد که با «علم» و «واقعیت بیگانه است!» [۲]

اما تجربه ی انقلابهای سوسیالیستی در جوامعی که فاقد این شرایط و شاخصه ها بودند از جمله: مغولستان، یمن جنوبی، روسیه، چین، کره و ویتنام...؛ نقص نظریات مارکس و انگلس را در این

مورد به اثبات رساند. خطای در محاسبه ایشان، شاید از آنجا ناشی می‌شود که تنها بر شرایط «عینی» تمرکز نمودند و شرایط «ذهنی» یا روان‌شناختی جوامع مختلف را نادیده گرفتند و بدون اشراف بر قابلیت تفسیرپذیری مارکسیسم و نظریات سوسیالیستی، حکمی مطلق صادر نمودند. غافل از اینکه آخلاف به ظاهر اُرتدوکسشان برای تصاحب و حفظ قدرت، با تفاسیر مناسب و با وعده‌های دما‌گوژیستی و عوام‌فریبانه توده‌های زحمتکش ملل مختلف را با خود همراه خواهند ساخت.

طبقات و لایه‌های زیرین جامعه که در بدترین شرایط اجتماعی و برده‌وار و محقر، عمر سپری می‌کردند به یک باره نوری خیره‌کننده، بر دنیای ظلمانی‌شان تابیدن گرفت. نوری به مانند «دیکتاتوری پرولتاریا»، همان رویای دست‌نیافتنی بردگان، رُعیاء و تمامی رنجبران تاریخ. و چه گوارا رویاییست بزرگشیده شدن استثمارکنندگان و حاکمیت استثمار شونده‌گان.

آری شعار چنان آرمانی و خیره‌کننده بود که نه تنها توده‌ها را به وجد و حرکت در آورد بلکه چشمان برخی از اندیشمندان را نیز تار نمود تا از غور در عمق مسئله درمانند! انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ به رهبری ولادمیر ایلیچ لنین (۱۸۷۰-۱۹۲۴) به پیروزی رسید و «بلشویکها» زمام امور را در دست گرفتند، زمان موعود برای تحقق شعارها و وعده‌های قبل از انقلاب فرا رسیده بود. اما گذشت زمان آن تصاویر یوتوپیایی و خیالی‌ای را که در اذهان انسانهای ستم‌دیده نقش بسته بود را زدود و تصاویری تلخ اما عینی و واقعی را در بستر جامعه‌ی روسیه به نمایش گذاشت و ثابت نمود که نخستین شعار «دوران گذار»، یعنی شعار دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان تهیدست، هرگز چیزی جز یک «وهم» و وسیله تبلیغاتی نبود زیرا تمامی آن شعارها به گونه‌های مختلفی یا فراموش شدند یا با تفاسیر و توجیهاتی آنچنانی و با رنگ و لعابی مناسب وضع موجود ظاهر شدند. [۳]

آری آن شعارها و وعده‌هایی که دل مظلومان و زحمتکشان جوامع را به وجد آورد و آنان را به بهای خونهای بسیار به مثابه موتور محرکه‌ی ماشین انقلاب در آورد، به مرور رنگ باخت و با تفسیر و توجیهاتی و قیهانه از طرف سیاستمداران و ایدئولوگهای قدرت مدار تبدیل به سنگ آسیابی شد که استخوان همان «پرولتاریا» را بدتر و شدیدتر از نظام قبلی خرد نمود.

تناقضات رفتاری و پریشان‌گویی‌های رهبران انقلاب، چه قبل و چه بعد از پیروزی، نشان از تلاشی داشت که در راستای تثبیت بی‌قید و شرط حکومتی ایدئولوژیک، به راه انداخته بودند و آن نمی‌شد مگر با زدن صیغه‌ی تقدس بر آرمانشهرهایی چون دیکتاتوری پرولتاریا که خود ابزاری شد در دست حزب و پولیت برو برای سرکوب هر گونه تحرکات اعتراضی کارگران، آری دایره‌ی قدرت تمام توان

«عملی» و «نظری» خود را به کار گرفت تا با بزرگ نمایی خطر کاپیتالیسم جهانی، اهریمنی از آن بسازد تا براحتی بتواند موج سهمگینی از کشتار، سرکوب و استبداد عریان که تحت لوای سروری فرودستان در حال در نوردیدن تمامی ارزشهای انسانی بود را توجیه نماید. اما علیرغم این تلاشها شاهد اعتراضاتی خونین از طرف اکثر اقشار خصوصاً طبقه ی کارگر در آن برهه می باشیم: «از سال ۱۹۱۸ دیگر فرض بر این بود که بلشویکها نماینده تمام طبقه ی کارگر اند، اما صحت این مدعا تحقیق پذیر نبود، زیرا نهادی برای انجام این ارزیابی وجود نداشت. اما پرولتاریا کم کم به ابراز خشم و نارضایتی پرداخت که تندترین تبلور آن شورش کرنشتاد در ماه مارس ۱۹۲۱ بود و با خونریزی فراوان سرکوب شد.» [۴]

طبیعی است که برخورد هایی این چنین نوید آینده ای بهتر را نمی داد و هر روز که از تثبیت سیستم حاکم می گذشت با تصویب قوانینی دایره ی آزادی ها و حقوق مدنی در جامعه را تنگتر و حاکمیت استبدادی حزب را قانونی ترمی نمودند. «در این میان لنین به اقداماتی دست زد تا در آینده، از پیدایش گروه های اوپوزیسیون در درون حزب جلوگیری کند قوانینی در منع دسته بندی درون حزبی تصویب شد که در عین حال به کمیته مرکزی اختیار می داد که در صورت ضرورت، برخی اعضای آن کمیته را به رغم آن که برگزیده ی کنگره های حزب بودند، اخراج کند. و بدین سان دیکتاتوری پی که نخست زیر لوای طبقه کارگر علیه جامعه و سپس زیر لوای حزب علیه طبقه کارگر اعمال می شد در مسیر تحول طبیعی خود ناچار بر خود حزب هم حاکم شد و شالوده ی دیکتاتوری فردی پدید آمد» [۵]

یا به تعبیر دیگر؛ جامعه در خدمت ایدئولوژی، ایدئولوژی در خدمت قدرت و قدرت در ید یک فرد. و این گوشه ایست از تجربیات بشری که به مانثان می دهد چگونه ایدئولوژی و مذاهب با آن قابلیت تفسیر پذیری، هنگامی که با سیاست در آمیزند، مولودی نا میمون همچون قدرت سرکش و عریان که نیازی به مشروعیت و مقبولیت واقعی احساس نمی کند را به ارمغان خواهد آورد که ثمره ای جز جنایات قرون وسطایی کلیسا و قرن بیستمی "پولیت برو" نخواهد داشت.

هر چند بعد از گذشت آن دوران سیاه، خصوصاً در مورد متأخر با افشای آرشیوها و اسناد طبقه بندی شده، گوشه ای از حقایق تلخ آن دوران بر جامعه ی جهانی آشکار گشت. اما قبل از بر افتادن پرده ی آهنین و فروپاشی زندان ملل در طول آن چند دهه، سیستم حاکم ضمن کنترول و سرکوب داخل، تلاشی آغازیده بود برای صدور ایدئولوژی انقلابی خود در چهار گوشه ی جهان. ایدئولوژی ای که زمینه ساز ایجاد جهنمی به بزرگی اتحاد جماهیر شوروی بود، به یمن و مدد تبلیغات گسترده و گوش خراش اما پوشالی. حاکمان سرخ در بین جوامع مختلف خصوصاً ملل مستعد جهان سومی و عدم آگاهی و اطلاع آنان از آن سوی پرده آهنین، پایگاه هایی متعدد و گسترده ای در میان جوامع بشری برای خود دست و پا نمودند.

اوهامی که توانست سیلی از انسانهای فرهیخته و توده های جوامع جهان سومی را که به دنبال جرعه ای آزادی در کویر ممالک محصور در سیستم فئودالیت و نیمه برده داری بودند را پیرو خود نماید . پتانسیل عظیمی که با استثمار فکری در خدمت توسعه طلبی های جهانی شوونیسم و امپریالیسم روس قرار گرفت و چه کاری های خالصانه ایکه انجام ندادند و مصداق جمله ی «تلاشی پاک در راه پوک» شدند، غافل از آنکه حتی در صورت موفقیت ، آن دور تسلسل باطل ادامه خواهد یافت و مبارزین امروز راه آزادی و عدالت، فردای کسب قدرت، به مدد کارخانه ی توجیه سازی ایدئولوژی، مبدل به سلاخان آزادی و عدالت خواهند شد.

و این عینیت تاریخ است که تمامی آرمانشهرسازی های ایدئولوژیک، سرابی بیش نبوده و انتهای جز "مجمع الجزایر گولاک" در نوع زمینی و جنایت گاه هایی چون "کهریزک" در نوع آسمانی اش نخواهد داشت.

هر چند قلم فرسایی فوق در این مقال تلاش نیست در راستای نمایاندن قابلیت ابزاری ایدئولوژی و تفکرات قالبی، اما نمی توان در مقام نقد ایدئولوژی ظاهر شد و تاثیرات منفی و تخریقات جزمی و دگماتیستی آن بر جامعه و افراد را نادیده گرفت.

با مذاقه بر تجربیات بشری، خصوصاً در قرون اخیر، به عینه شاهد هستیم که درخت تنومند دمکراسی نه در جوامع بسته و لم یزرع فکری، بل در جوامعی پدیدار و تثبیت شد که انسانها نه فقط به لحاظ فیزیکی که به لحاظ فکری و اندیشه ای نیز آزاد بوده و اسیر اندیشه یا نحله های فلسفی قالبی نبوده اند. آری اگر استبداد جسم و جان انسان را برده وار در اختیار گرفت، ایدئولوژی ، با سیطره بر فکر و روح آدمی ، او را برده ی فکری و فیزیکی خود ساخت. انسان ایدئولوژیزه شده چنان اسیر در چنبره ی القائنات تئوریک مکتب خاص شده است که حتی در صورت رهایی تن و جسم خویش از بند، همچنان در بردگی و اسارت فکری و روحی باقی می ماند و مصداق آن زندانی سیاسی ای می شود که علی رغم گشوده شدن درب زندان به دست مردم و خروج تمامی زندانیان در بند از زندان، از تختخواب خود پایین نیامده و شرایط عینی و ذهنی جامعه را طبق آموزه های ایدئولوژیک خویش، مساعد بروز تحولات عمیق اجتماعی- سیاسی و انقلاب نمی داند و همچنان در «حصار در حصار» خویش غوطه ور می شود. و همان ایدئولوژیست که نه تنها تلاش دارد تمامی ایده ها و افکار مختلف بشری را در دایره ی تعریف خود ذوب و استحاله نماید بلکه بر روابط و رفتارهای اجتماعی و حتی خصوصی انسانها نیز دخالت و تعیین دارد و اینجاست که ماجرای آن اسطوره ی یونانی «پروکروست» [۶] در ذهنمان تداعی می شود.

حال در قیاسی ساده و با نگاهی بر اطلس جغرافیای سیاسی جهان، کشورهای را به لحاظ سیاسی-اقتصادی و اجتماعی در سطح عالی توسعه می بینیم که سیستم حکومتی فرا ایدئولوژیک - سکولار و دمکراتیکی را پی ریزی نموده اند و در مقابل، جوامعی که اسیر تفکرات بسته و ارتجاعی بوده و هستند، فاقد پیشرفت های واقعی در زمینه های مختلف بوده و عمدتاً مصرف کننده می باشند را شاهد هستیم.

سخن آخر:

از هر چه بگذریم سخن دوست خوشتر است و چه دوستی والاتر از حقیقت، حقیقتی به عظمت تاریخ آذربایجان، تاریخی پر افتخار اما سرشار از درد و حرمان، درد این تن پاره پاره از جور بیگانه و احوال و ضعف خودی های خود بین و خود خواه و خود باخته و خود مدار، و این «خود» و «خودی ها» بودند که در طول تاریخ، به مثابه پاشنه ی آشیل آذربایجان، مانع سیر سعودی، در بستر تاریخی این ملت شده و به جای همگرایی و همنوایی، همگریزی و نا کامی های درد ناک بسیاری را بر آن تحمیل نمودند.

متأسفانه علی رغم آگاهی و اشرافیت قشر روشن فکر و نخبگان سیاسی آذربایجان بر ضربات این پدیده ی شوم بر پیکره ی تاریخی این ملت، امروزه نیز آن خبط تاریخی در حساسترین شرایط زمانی در حال تکرار بوده و آستن مصائب جبران ناپذیر و ناگوار دیگری می باشد. معضلی که به تنهایی توانست آن عظمت باستانی را به ذلت و اسارت امروزین دنیای تورک مبدل نماید، امروزه به مانند ارث شومی از آن تن بزرگ بر رگ و سلول اجزای ضعیف و آسیب پذیری چون آذربایجان رسوب نموده که در عصر حاضر، یارانی خطرناکتر از خود نیز پیدا نموده است از آن جمله؛ کثرت و اختلاف ایدئولوژی های وارداتی در جامعه ی تورک آذربایجان است. بعد از کشتار و اشغال دوباره ی آذربایجان در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ توسط ارتش شاهنشاهی ایران، و متعاقب آن تشدید و اجرای سیاست و پروژه ی تورک زدایی با روشهای سخیف و غیر انسانی حکومت پهلوی خصوصاً در بستر آذربایجان، منجر به اُفت هر چند گذرای اعتماد به نفس و غرور ملی و به تبع آن، رقیقتر شدن روح ملی ملت آذربایجان شد و باعث شد تا خلاء عمیقی به لحاظ نظری و عملی در راستای احقاق حقوق ملی و مدنی ملت آذربایجان، در میان نخبگان و توده ی سرکوب شده ی جامعه ی آذربایجان پدید آید.

و این شرایط، فضایی ساخت مناسب برای رشد و میدان داری ایدئولوژی های مختلف، اعم از چپ و راست و معتدل و افراطی، که از اقبال بالایی نیز به دلایل فوق الاشار در جذب، آموزش و بهره گیری از آن پتانسیل منفعل و سرگردان برخوردار بودند. و اینگونه، جامعه ی آذربایجانی به تعداد تمامی گروه

های ایدئولوژیک، ازدرون پاره پاره شد. اما سالهای رخوت و سستی گذشت و به همت مردان و زنان داهی و روشنفکران و محققین جسور این سرزمین، آنانکه درد ملت خود داشتند، سوختند و شمع دنیای ظلمانی آنان گشتند و نسلی بارور ساختند با آرمانی مقدس، آرمانی چون آزادی و عدالت به گستره ی تمامی گیتی، و زندگی شرافتمندانه برای تمامی انسانها، اما نسل نوین آذربایجان با تیزبینی و واقعگرایی مناسب، تشخیص داد که برای اصلاح جهان باید از خود و سرزمین خود شروع کرد و با پای بندی به این اصل بود که تلاشهای تئوریک نخبگان ملی در راستای احیای هویت ملی، مبدل به جنبشی اجتماعی گشت که ضمن جذب نیرو های ایدئولوژیک جامعه و با گسترش و نفوذ خود در درون طبقات و لایه های اجتماعی ملت آذربایجان، موسوم به "حرکت ملی آذربایجان" شد، که اینک ضمن در نوردیدن مرزهای جغرافیایی آذربایجان شعشه ای از امید را بر دل تمامی تورکان ایران تابانیده است و این نوید از آن دارد که دوران گسستگی ملی رو به پایان است و روح خفته ی ملی در حال قلیان و بیداریست و این یعنی گامی بلند به سوی اتحاد و خیزش بزرگ ازسوی توده، علی رغم تشنت ایدئولوژیک و فکری هر چند خفیف نخبگان آذربایجان. البته حرکت ملی آذربایجان، هم در حوزه ی نظری و هم در حوزه ی عملی نشان داده است که نه تنها احترامی عمیق به تمامی ایدئولوژی ها قائل است بلکه به دلیل ماهیت فرا ایدئولوژیک خود، ظرفیت تعامل و قابلیت مدارا با تمامی ایدئولوژی مداران، دربنده ی حرکت ملی را داراست، اما به شرط لحاظ روح سکولار و دمکراتیک آن. باید توجه داشت که، اگر جوامع بشری بعد از هزاره ها و قرنهای تجربه ی گران بها به این نتیجه رسیده اند که تنها راه نجات بشر از استبداد و خود کامگی حکومتهای توتالیتر و اُلیگارشی، ایجاد جامعه ای مدنی با آزادی نهادهای مدنی و پایه ریزی سیستم های سکولار و دمکراتیک است. حرکت ملی آذربایجان نیز به دلیل دارا بودن ماهیت اجتماعی اش نمی تواند قواعد و تجربیات اجتماعی را نادیده بگیرد که در غیراین صورت محکوم به تکرار تجربیات تلخی خواهد شد. پس بر نخبگان و فعالین سیاسی حرکت ملی است که با بینشی مترقی و آزاد، ایده های مختلف دیگر همزمان خود را تحمل و تفکرات قالبی خویش را در حوزه ی شخصی خود تعریف نموده و با فراغ بال و با رهایی از قیود تفرقه انگیز و با سرلوحه قرار دادن منافع ملی ملت مظلوم تورک بر مبارزه ی بی امان خود بر علیه فاشیسم فارس ادامه دهند و مطمئن باشند که در صورت احیا و ساخت بستر وظرفی مناسب و سالم، تهیه ی محتوا و مظروفی رنگارنگ و پلورال برای آن، زیاد سخت نخواهد بود، که لازمه دست یابی بر این مهم، حرکت به سوی همگرایی واقعی ازطرف تمامی گروهها و تشکل های داخل و خارج است، که ضرورت تشکیل جبهه یا مجموعه ای واحد در هر عنوان و شکل، اما با ماهیتی فراگیر و ملی از تمامی نیروهای صادق و کارآمد آذربایجان را بر ما گوشزد می کند.

موصاحیبه لر

گوناز تی وی ایله دانیشیغی :

گوناز تی وی : آقای لیسانی ؛ سلام علیکم ؛ شرفلی انلیمیزین، اوبامیزین قوچاق اوغلو . چوخ خوش گلیب سیز بو وئرلیشه . من تشکور اندیرم کی بو دعوتی قبول انتدیز و گلدیز. اومورام کی چتین لیک اولماسین. بیز انلییه بیلک اوز سورغولاریمیزی سیزین له آرای یا قویاق و سیزین سوزلریزی کی دونیادا بو تلویزیون واسیطه سی ایله گورورلر سسیزی انشیده بیلسین لر. بویورون من بیرنجی سوزو سیزه وئریم سونرا باشلایم سورغولارا بویورون:

لیسانی: منده سلام عرض ائله بیرم سیزه و گوناز تی وی نین و اودلار یوردونون چالیشانلارینا. بو وسیله ایله دنیا سوییه سینده، دنیا مندیاسیندا یاشایان بوتون آذربایجانلی لارا سلامیمی و سایغی لاریمی سونورام. بویوروز من قوللوغوزدایام.

گوناز تی وی : خواهیش ائله بیرم. سیز گونئی آذربایجان ین میلی مسئله سین نجور گورورسونوز؟
نجور دیرلندیریر سیز؟

لیسانی: بو گونکو گونئی آذربایجان حرکتی آدیندا اولان بیر حرکت، هامیمیز بیلدییمیز کیمی بو گون یا بیر ایل یا اون ایل بوندان اونجه دن دوغولماییب دیر. بو ان آزی بیر یوز ایلک حرکت دیر. آنجاق موختلیف دونلار ده بیشدیره رک بو گون گلیب بیزیم الیمیزه چاتیب. بیر گون مشروطه حرکتی، بیر گون رحمتلیک شیخ محمد خیابانی حرکتی، بیر گون رحمتلیک سید جعفر پیشه وری حرکت ینده، بیر گون رحمتلیک آیت الله شریعتمداری حرکتینده و بو گون بو نسلین الینه چاتیب و بیز ده چالیشمالی بیق اوزونه و آذربایجان میللتینه لاییق اولدوغو کیمی قورویوب ساخلیاق.

ایسلامی اینقیلابدان سونرا رحمتلیک شریعتمداری حرکتینده کی تبریزده قان گولونه بوغولدو، آذربایجان ین میلی مسئله سی آغیر دوروما دوشمه سی بیر یننی مرحله یه کئچدی. آنجاق بیلدییمیز کیمی بو میللت ین ضییالی اوغول و قیزلاری، اگر بیر سیاسی حرکت ده کئچه بیلیمیش اولماسالاردا او گونلردن باشلادیلار موختلیف سوییه لرده یازیب ،یاراتماغا. ان آزی فرهنگی و ادبییات ساحه لرده بو میللتی آیلدیب و اوز کیملیینه قایتارماغا. بو اوزو اوزلویونده بو چاغداکی میلی حرکتین ان بویوک تمل داشلاریندان بیریدیر. یانی بویوک اوستادلار، رحمتلیک پروفسور دوکتور ذهتابی، بو گون یاشایان اوستاد دوکتور جاواد هئیت، رحمتلیک نطقی، رحمتلیک فرزانه و موختلیف ها بئله بویوک اینسانلار کی شمع تکین یاندیلار و چاغی دیرلندیریب و چاغا او یغون بویوک بیر حرکت یولا سالدیلار. میللتیمیزین کیملیین، وارلیغین، ادبییات و دیل و فولکلور ساحه لرینده قورویوب ساخلادیلار. بیز بو گونکو حرکتیمیزی او

بۆيۈك اينسانلار بۇر جۇيۇق. يانى بۇكى سىياسىتى دوغان ، اصل تىلى فرەنگ دىر. او بۆيۈك اينسانلار بونو پارا تىلار. دىمك اولار بو گوندن بىر از دالى قايىتساق او يازى و ادبىيات و دركى لىر ساحة سى آرديجيل اولاراق، زامان-زامان مىللى حركت يانى گونده لىك اله گنيردىيى گوجلره گۆره و آچىلمىش و يارانمىش فضالار گۆره ، فضالارى ده يرلندىرىب اوزونه يىنى بىر حركتلىر ياراتماغا باشلادى. او حركتلىرى بىرى و ان بۆيۈكو بابك قالاسى ايدى. بو مىللت ين ضىيالى او غول لارى او قهرىمانىن ادىلا تانىنان يىره توپلاشاراق آذربايجان مىللتىنىن قوشما و تاپىشما يىرى ياراداراق دىمك اولار مىللى حركتىمىزى يىنى بىر مرحله يه چكىدلىر. يانى مىللتىن تىماس تاپماغا، مىللتىن موماس اولماغا، مىللتىن اىچىنه گنتمه يه.

طبيعى دىر كى ۱۳۷۴-ده دوكتور چۆهره قانلى جنابلارى نىن چوخ سايدا راي گنيردىيىنه باخمايلاق دوستاق اولماسى، اينجىدىلمه سى، شىكنجه اولونماسى ، و بىر مىللتىن كى اوز وارلىغىن بىر شىخىن آدىنان اورتاي چىخارتمىشدىر رايى ياندىرىلدى و تىرىز مىللتى نىن سىچدىيى اينسان دوستاغا باسىلدى. او اوزو تىرىز مىللت يىدن بۆيۈك بىردنه عكس العمل ياراتدى اونون دالغالارى طبيعى دىر آزدا اولموش اولسا باشقا شىرلره يىنىشىدى. يىنه ده آذربايجان مىللى حركتى موختلىف شىرلره اوزه لىك له بىلىم يوردلاردا اۇيرنجى سل حركته باشلامىش اولدو. البته بو آنلامدا دىيىل كى قىباقچادان يوخويدور. لى بىر يىنى و داها گوجلو بىر آشاماي كىچه بىلدى. تا بوگون كى موختلىف مراسىم لىر او جومله دن مىللى قهرىمانلارىمىزى، ده يرلى اينسانلارى ده يرلندىرىمك له، قىبىر لىرى نىن اوستونه توپلاناراق و بو اينسانلار يىن آدىنا قورولتاي قورماق و موختلىف يادبود مراسىم لىر قورماق نان چالىشىلدى تا بو حركتى و بو سۆزلىرى مىللتىن اىچىنه يىرلىشىرىب و يىنىرلىسىن.

گوناز تى وى : ايران اسلام حوكومتى بىر امت چى حوكومتى اولاراق سىزىن گۆروشونوزله ندىن فارس شونىستىندن حىمايت اندىر و باشقا خالق لارىن مىللى حاقلارىن گۆرمور؟

لىسانى: طبيعى دىر وقتى بىر حوكومت امت گۆزو ايله باخىر مىللتلىرى رسمىيىته تانى يا بىلمه يه جك. سورون بو و يا هر حاكىمىيىت يانى تكجه بو و كىچمىش و گلجك سىستىمىنده دىيىل سورون دوشونجه سورونودور. اودا شونىستى و برترىيى دوشونجه سى دىر. بىز اگر دؤلت لىرى بىر سىياسى جوغرافىياسى اىچىنده ياشىيان مىللتلىرىن يا مىللتىن كىچىلمىشى و عصاره سى تانىساق هامان او دؤلت و سىستىمى قورانلار هامان دوشونجه نى داشىياچاق كى او مىللتىن بىنىينه يىر وئرىب دىر. ۸۰ ايل يا ۹۰ ايل ان آزىندان ۸۰ ايل، فارس مىللتىنه بو جوغرافىيادا تلقىن اولونوب دور كى سن ايراندا برترىن و اونون موقابىل يىنده توركه، عربه، بلوچا، توركمنه، خوراسان توركلرىنه، قاشقاي توركلرىنه موختلىف يوللارنان، قوندارما تارىخ ياراتماقنان، ادبىيات ين تحقىر اندىر مه يى نن، چوخ اؤنملى بوكى تحقىر يوللارى و اىزارلارى ايله چوخ دقىق قوللاناراق ۸۰ ايلدى چالىشىلىب دىر آچاق و اكسىلتمه يه. تا او گونه قدر كى بو مىللت لىر اؤزلىرىن اكسىك و فارسى برتر بىله جك لىر طبيعى دىر كى تهراندان هانسى سىستىم باش اوسته اولسا گونوموز بوندىن ياخى اولمايچاق. يانى هامان دوشونجه نى بىر تورك گندىب حتى يوخارى مقام لارا يىنىشىب اوتوراندىن سونرادا اوزون بىر فارس دان اكسىك بىله جك و تامام حاقلارى اوز اىچىنده اونا وئره جك دىر و فارسدا طبيعى دىر كى گلىب حاكىمىيىت ين بىر قولوندا اوز برترى طلبى داورانىش ين تامام اينسانلارنان كى بىر دؤلت تشكىل وئرىب لىر اونا تحمىل انده جك. بو تكجه بو گون دىيىل. پهلوى دده-بالاسىندان تىرىق اولونوب، بو گونه گلىب چاتىب. من بونو مىللتىمىزه سۆز وئرىره م تا بىر مىللت اوز وارلىغىنا اىنانىب و اوز غرور و اعتماد به نفس مىللى لىرىن اله گنيرمه يىب و اؤزلىرىنه اىنانمايىب لىر هر حاكىمىيىت كى تهراندان قورولسا دوروموز بوندىن ياخى اولمايچاق.

گوناز تی وی : سیزجه بیر گون بو حاکیمیت ده بییشلیسه بیز اؤز حاقلاریمیزا چاتا بیله ریک یا یوخ؟

لیسانی: یوخ ؛ اگر آذربایجان میللتی اؤز کیملیبینه قاییدا بیلمه سه نه تکجه بو رژیم اونلار جا سیستم تهراندا ده بییشله گننه ده حاقلاریمیزی آلا بیلمه یه جه بیک. حتی ان دموکراتیک ترین حاکیمیت ده، قدرت گورمه بینجه طبیعی دیر کی حاق وئرمه یه جک. بو قدرت بیر میللتین دیرچه لیب و اؤز میلی وارلیقلارینا بییه دوروب و ایسته مه بی دیر.

باخیز؛ بو گونلریم حتی خاریجه اوتوران اوپوزوسیونلاری بو حاکیمیتته اپوزیسیون تانیساق دا اونلار ایران حاکیمیتین قیناییر لار کی سیز قومیت لرله، اونلارین دیلیجه قومیت لرله، یوموشاق داورانیر سیز. یانی اونلار داها سرت چیخیر.

گوناز تی وی : یوز ایله یاخین دیر کی فارس شوونیسمی و اونون ائشیکده اولان حامی لری الی ایله بیزیم بوتون میلی وارلیقلاریمیز ضربه یئیب دیر. سیزجه هانسی یوللارنان ائله مک اولار یاتانلاریمیزی اویداق؟

لیسانی: بو بیر گوزل و کیلیدی بیر سوال دی. بو گونه قدر موختلیف یوللار تاپیلیب و هر تک-تکی اؤز یئرینده جاواب و نتیجه ده وئریب دیر. آنجاق بیز بو گون گوروروک کی یئنی بیر آشاما و مرحله یه کئچمه لی بیک. بیر میلی حرکت یانی بیر میللتین حرکتی. میللتین بوتون اقساری بوندا موشارکتی اولمالی دیر. بو بیر روشنیگری یا طبقاتی یا ایدئولوژیک حرکت دئیل و بونا رغماً ائله بیر میکانیسیم و یول سئچیلمه لی دیر کی بونلارین هامی سی کونوللو و آکتیو اولاراق قاتیلالار. ایر بوندان باشقا اولسا منجه دای اوند اوغور قازانماق بیر آز بیزه اوزاقدا گورسه نیر. بیز محفیلی حرکت لرده محدود قالمالی بیق.

من بوردا باش اییرم اویرنجی قارداشلاریمیزا و اونلار کی موفق اولدولار بیلیم یوردلارین بیتیرندن سونرا گلیب ائل ایچینه چالیشالار. یانی اونلار بونو دوشوندولر کی تکجه بیلیم یوردلاردا محدود قالمالی دیلار.

هر ساحه ده کی آذربایجان اینسانلاری و تشکیلاتلاری و گروه لاری دوزگون بیر یول گوتوروب و میللت نن ایلگی یه کئچدیلر شیددت نن بونون قاباغیندا دوردولار. بو گونلریم شوونیسم محفیلی حرکت لردن نیگران دئیل. بو گونلریم شوونیسم گروهگرایی حرکت لردن نیگران دئیل. بو گونلریم شوونیسم سوزون ائل ایچینه، خالق ایچینه و کوتله ایچینه گیرمکن نیگران دیر. اؤز نیگران چیلیغیندا زامان-زامان ان آزی موختلیف توتولانلارین قاباغیندا اعلام انده رک وحشتین گورسه دیب.

بیزیم الیمیزده بو ازیمیش میللتی اویاتماغا هژمونیک گوجلردن هنج نه یوخ. بیزیم تکجه بیر یولوموز قالیر اودا بوکی میللتین آنلایشیندان اوزاق یوخ بلکه میللتین اؤز دیلی نن یازیب و یایمالی بیق. بیز میللتین هضم ائله مه دیبی شوعارلاردان اوزاق گزمه لی بیک. بیز میللتین موختلیف قشرلرین حتی دؤولتی ساحه ده چالیشانلاری دا اؤزوموزه ساری چکمه لی بیک.

بیز یئنی بیر مکتب یاراتمامیشیق، بیز یئنی بیر ایده و تفکر گتیرمه میشیک، بیز یئنی بیر مانیفست یازمامیشیق، تا میللت یمیزه تانیس اولمایا. بو حرکتین و بو دردین مانیفستی هر آذربایجان لی دوغولاندا یازیلیب و اونون سینه سینده دیر. آنجاق شوونیست اونو موختلیف یوللارنان کور ائله بیب و سؤندوروب.

بو ایچینده بوغولان کوزو میللتیمیزین ایچیندن اودا دؤنדרمه لی بیک و بو یولدا هر هزینه یه عشق اولسون.

بو گون دونیادا ایتتیفاق لار سرعت له گنڈیر اگر بیز اوزوموزو او سرعت له قاباغا آپارانماساق تأسوفلرله ایسته دیبیمیز نتیجه نی آلا بیلمه یه جه بیک.

گوناز تی وی : ایچریده انشیکده کی لردن اوماجاغی نمنه دیر؟ انشیکده کی اولان فعاللار ، فرد لر و تشکیلاتلار میلی حرکتله گوره و لری ندیر؟

لیسانی: طبیعی دیر کی بو گون اوزللیکله بو چاغدا معمولاً هر حرکتین ایچری فعال لاری و دیشاری فعال لاری اولمالی دیر. سئوینجی سی بودور کی بیزیم ده آذربایجان میلی حرکتی ایستینا اولماییب و بیزده بو نعمت دن برخوردار اولموشوق. خاریجده گوجلو بیر پتانسیل واردی و میلی حرکتین چالیشیرلار قوللوغوندا اولالار.

هر نندن اؤنجه من بونو دئمه لیم کی باشقا گوجلره باغلی اولمادان کی سئویندیجی بودور کی میلی حرکتین انشیکده کی اویه لری بونا دیققت یارادیرلار، یالنیز ایچرییه باغلی اولالار. یالنیز ایچریده کی میلته باغلی اولالار. و بورانین تقویت ینده چالیشالار. آذربایجانین مظلوم میللتین سسین، بوغولموش و تاپدالانمیش میللتیمیزین سسین جامعه جهانی یه چاتدیرالار. ایچریده چوخ گوجلو حرکت لر اولوب و اولادا بیلر. آنجاق بونون سسی دونیانین قولاغینا یئتیشمه سه بیز لازیم و کافی اولان مقصدی آلا بیلمه یه جه بیک. بیز بونو بیلمه لیبیک دونیادا هنج بیر اورگوت حتی بشر حاکلاریندان دفاع ائدن اورگوت اوزون اوقدر مؤظف و وظیفه لی بیلیمیر کی ذره بین گوزله دونیادا حق تاپدالانمیش و ظولم اولونان میللت لری آختاریب تاپا. یعنی بیر میللت اوزو ده بریب و سسین دونیانین قولاغینا چاتدیرماسا دونیا سسین انشیتیمه یه جک. اوزونه ده بو زحمتی وئرمه یه جک تا او تاپدالانمیش میللتین سسین انشیتسین. و بو سسی چاتدیرماق بیرینجی اولویت ده بیزیم خاریجده کی قارداشلاریمیزین گوره وی دیر و بوینونا دوشور.

حرکتین بیینی ایچری ده اولمالی دیر تعارف سیز دئییرم او کس کی بنش گون زینداندان قالیر مسائل لر الیندن چیخیر هاندا قالا او کس کی ۱۰ ایلدی نجه ایلدی خاریجده یاشاییر. حرکتین و توپلومون دوروموندان و ایچ قاتیندان نه قدر خبری اولاجاق؟

باشقا بیر اؤنملی مسئله بو کی انشیکده کی قارداشلاریمیز شو عارلاردا و ایستیراتری اؤنره نده چالیشالار تا میلی حرکتین ایچریسیندن چوخ فاصیله آچمایالار کی بیله اولاندا چوخ مخرب و زییانیلی بیر حرکت اولا بیلر. یانی اگر ایچریدن اوزاقلاشسالار طبیعی دیر کی بیر مخرب و حرکتیمیزه ان بویوک ضربه اولا بیله جک.

سس یاراتسین لار، یعنی بو گون "گوناز تی وی" لر یاراتسین لار. اگر باشا بیلرلار موختلیف تی وی لر یاراتسین لار. اگر بو گونلریم ایمکان دایره لریندن خاریج دیر هر لحاظ دان، یارانمیش تلویزیونو تقویت ائله سین لر. بو گون آذربایجان میلی حرکتین انشیکده اولان اویه لرینین بیرینجی گوره وی، ایچری نین نظرین من عرض ائله بیرم، آذربایجانین تکجه اولان سسینین باتماغینین قاباغی آلمالی دیلار. یعنی بو گون لر گوناز تی وی میلی حرکت ییمیزده ان بویوک و اؤنملی نقشی اویناییر. اگر بونو خاریجده کی لر لحاظ ائله مه سه لر و اونا اویغون داورانماسالار منجه ان بویوک گوره وی اونوتوموش اولورلار. و ایچری نین ایسته بین پئرنه یئتیرمه میش اولورلار.

گۆردویونوز کیمی تورکییه دؤولتی بیزیم قارداش میللتیمیزین دؤولتی بیر آز فشارنان گوناز تی وی نی اوزاخلاشدیردی. یعنی او تورک ست مسئله سیندن اوزاخلاشدیردی. بو بیزه نچه دنه درس وئردی. بیری بو کی گوناز تی وی - نین تأثیری ایچریده گۆرسندی. یعنی نه قدر تأثیری مقبول ایدی نه قدر انرژی لر مصرف اولوندو تا بونو کوتله دن اوزاخلاشدیرالار. ایکینجی سی بو بیزه بیر موعاصیر چاغدا بیر درس اولدو. یالنیز و یالنیز اوزوموزه باغلانمالی بیق. بیزیم دوسلاریمیز و قارداشلاریمیز واردی دونیادا آنجاق دوخسان دیقه اویونو اوزوموز اوینامالی بیق. اینانیز دوخسان دیقه بیز اوینایاندان سونرادیرکی قارداشلاریمیز اوینایاجاق. ولی بو دوخسان دیقه نی اوزوموز اوینامالی بیق.

و انشیکده کی قارداشلاریمیزدان ان بویوک اوماجاق بودور. بیرلیگه دوغرو گنتسین لر. موختلیف تشکیلات لار چوخ گۆزل دیر. یانی تشکیلات لار اوزو بیر آشامالی بیر مرحله دیر بوتؤلشمه یه ساری.

دیقت ائله سک موعاصیر چاغدا و کئچمیشده ده موختلیف مکتب لر، ایده لر و حرکت لر یارانیب. بیر بویوک و موقدس هدفین اوغروندا. بو هدفه چاتماق اوچون موختلیف تشکیلات لار یارانیب. اینشعب لار اولونوب. ظاهرأ تکثر ولی نهایت ده گندیب گروهرگرای یه. نهایت ده بیر سکتاریسم حرکتیه دوغرو یؤنه لیب لر و نتیجه بو اولوبدور کی بویوک هدف اونودولوب. دوشمن اونودولوب. و گروهرگرای نتیجه سینده گروهی منفعت لر، میلی و یا ایدئولوژیک منافع دن اوستون گلیب. اونون دا نتیجه سیننه ضربه لر ووروبدور هامیسی موعاصیر چاغدا گۆز اؤنونده دیر. آماندیر بیز بئله بیر داورانیشا گرفتار اولمایاق. آذربایجان میلی حرکتی، عین حالدا کی بیر واحد تشکل نن یورودولمور، مسیر وئرلمیر. آما اینانمالی بیق کی بو گونون چاغین تکنولوژی سیندن یارارلاناراق عین زماندا موختلیف مقاطع ده بیر واحد تشکیلات تکی اورتایا چیخا بیلیر.

بیزیم اروپادا-آمریکادا موختلیف آدلارلا و مانیفستلرنن و موختلیف ایستیراتژی لر اؤنرمک لر له اورتایا چیخمیش تشکیلاتلارین هامی سینا حؤرمتمیز وار. آنجاق داها حؤرمتمیز و سایغیمیز اوندا آرتاجاق کی بیرلیگه دوغرو گنتسین لر. بیزیم دونیادا دوستوموز بیزیک. بیز بیرلشمه کله دوست تاپاجاییق بیز پارچا-پارچا اولماقلا دوست تاپا بیلمه ریک.

الان موختلیف قونشو میللت لریمیز "دیپازپورا" سی یانی خاریجده اولان قوللاری چوخ گوجلو دبرپرلر. یعنی غیر واقعی مسائل لری اؤز میللت لریندن اروپا میللت لرینه و سیاستچی لرینه ایناندیریب لار. بو گون یالنیز کیمسه نین قلبینه گلمه سین محفیلی حرکتلردن چکیلمه لی بیک.

بو گون اوردا یاشیبیرسین و اورداکی روش لرنن نجه ایشی قاباغا آپارماغی بیلمه لیسین. بو گونلریم اروپاداکی "کورد" یازارلاری باتی آذربایجان کورد شهری کیمی تانیتدیریر و اعلام انده بیلیر. ندن بوگون بیزیم کیلر بو ایشی گۆرمه یه؟ ندن بونلارلا مشغول دئییل؟ ندن درد فقط اینترنتی مسائل لر؟ اینترنت ین نه انبار تأثیری وار ایچری ده و انشیکده؟ اینترنت بیر گۆزل ایرتیباطی وسیله دیر و تاپیسین. آنجاق اؤز مانور و آلانی وار. بیز اینترنت له اؤز انرژی میزی تخلیه ائله بیب و چوخ اؤنملی مسائل لری اونوتماق بیزه بیر بویوک ضربه ووراجاق. بیز اروپادادا، اروپا میللتینه بیر لابی کیمی سؤزلریمیزی یئتیرمه لی بیک. سیاسی لری ایله ایرتیباط قورمالی بیق. باخیز ایچری ده موباریزه وار. ایچری ده موباریزلر وار. ایچری ده سیاسی فعال لار وار. آنجاق ایچری ده دیپلوماتیک ایشله میر. ایچری ده دیپلوماتیک مسائل ایش وئرمه یه جک. بو گورو انشیکده کی اولان قارداشلاریمیزین بوینوندادیر. بیر آز بعضی مسائل لردن گۆز یومماق نان، سلیقه لری قیراغا قویوب میلی مسائل اوسته گۆرمه ک نن اولار.

بیز اریمه لیبیک آذربایجاندا، بیز اریمه لیبیک بو درده، بیر میللتین اولوم-قالیم ساواشی بو گونلر بیر سیرا اینسانلارین بونونا دوشوب و گوره ولندیریب دیر. بیز اگر بو گوره وی دوزگون یئرینه یئتیرمه سک و دوزگون داورانماساق، تاریخ و میللتینین و گله جک نسلین قاباغیندا حتی فیکر انتسه ک کی خدمت ائتمیشیک بلکه جاییب و خطاکار اولاجاییق.

گوناز تی وی : قونشولو غوموزدا اولان ارمنی ایله کورد میللت لرینه سیزین گوروشونوز ندن عبارت دیر؟

لیسانی: بوتوو آذربایجان میللتی و میلی حرکتی بو قونشو میللت لردن آز ضربه گورمه ییب و تاریخی خاطیره لری داهادا چوخدور. آنجاق بیز بوردا او قونشولار الی ایله تاریخی مسائلی گننه تیکرار اولماقدا گوروروک. او سورونلار او ازمه لر او ظولم لری کی آذربایجان میللتینه آپاریب لار گننه تیکرار اولماقدا گوروروک و بونون ندنی وار. بونون ان بویوک ندنی بودور. سئوگیلی باجی قارداشلاریم بیر میللت اگر دیری دیر سه و گوجو وارسا و بیر بدن کیمی اعضالاری نین حس ین بیلیرسه و اوزون قوروماغی باشاریرسا اینانین بو میللت ین دوشمنی چوخ آز اولار. بیزیم میللت سای و جوغرافیایی و بویوک سیاسی تجربه لره مالیک اولان بیر میللت دیر. ولی بو گون ندن اوزو اولیه حقونو ال تاپمامیش میللت دن هجوم معرض قالیر؟ مثلا قونشو "کورد" میللت یندن.

بونو من آچیقلامالی یام بیزیم دونیادا هنج بیر میللت نن دوشمن چیلیبیمیز یوخدور. حتی ارمنی میللت ینن، حتی کورد میللت ینن کی تاریخی لحاظ دان مستند اولاراق آز ظولم و قتل و غارته آز آذربایجاندا ال قویمایب لار. قوناق گلیب، دوزو یئیب دوزقابین سیدیریب لار. آنجاق بونو اینانمالی دیلار آذربایجان میللت ینن یوخوسو بعضاً آغیر اولور ولی او یاناندا بیر آیری وضعیت ده او یاناجاق.

من "لئون ترئکوسیپان" ارمنیستانین پئرئزئدنت ینین بیر سوزون یادا سالیرام کی ارمنی دؤولتینه و تشکیلات لارینا و میللتینه بیر وصییت کیمی دئییب: "بیر سئری مسائلی تنزلیکله حل ائدین چون اگر بو حل اولماسا گونئی ده بویوک بیر اژدها یاتیب او او یاناندا سونرا بلکه بوگونکو اله گتیردیک لریمیزین ده آرزوسوندا اولاق". بو خیطاب ارمنی میللتینه دیر. بو بیر واقعیت دیر کی دوشمن اولاراق میللتیمیزی یاخجی تانییب دیر.

کئچیریک بوردا کورد میللتینه، ساین میللتچی باجی و قارداشلاریم بو گون اگر کورد میللتی و ارمنی میللتی جسارت تاپیر آز ساید اولاراق بو بویوک میللته هجوم ائدیب و توپراق ادعالارینا کئچه بو اونون گوجوندن یارارلانمیر. بو ایشکال بیزده و بیزیم میللت ده دیر. بیزیم تأسوفلر اولسون میللتیمیزین میلی روحلارین آشاغا سوییه ده گوردوکلرینه گوره نهایت سوء ایستیفاده نی ائدیرلر. آنجاق بونو بیلمه لی دیلر آذربایجان میللتی سورعت له او یانیشا ساری گنیر و جوغرافیایی لحاظدان بویوک اولدوغونا گوره، موختلیف بؤلگه لرینده موختلیف سوییه ده اورتایا چیخمالی دیر و چیخاجاق. بو گونلریم آذربایجانین مختلف بؤلگه لرینده بیزیم وظیفه میز بودور کی میلی حرکتیمیزی مدنی یوللارنان قاباغا آپاراق آنجاق باتی آذربایجاندا بئیله دئییل. من باتی آذربایجانداکی میللتچی قارداشلاریم و میللته اوز توتاراق بونو عرض ائله مه لییم. اگر مقابل نوقطه و دوشمنین یار اقلاندیغی یار اقلارا، یار اقلانماساز، اگر اونون الینده اولان ابزارلار بیزده ده اولماسا اینانیز بو دوشمن فرقلی دیر. بو دوشمن قاپی میزا احضارییه یوللامایاجاق، بو دوشمن قاپی میزا مأمور یوللامایاجاق، بازجویی اوتاقلاردا بیزلردن سوال ائله مه یه

جک، بو دوشمن قدار و تروریست بیر دوشمن دیر. بو دیواریمیزدان آشاجاق. حریمیمیزی آیقلا یاجاق. بو بیزیم توپراغیمیزی حتی ناموسوموزادا رحم ائله مییه جک. بو گون لر تعلل، خیانت دیر اوز آنا- باجی لاریمیزلارا و میللتیمیزه.

باتی آذربایجاندا اولان میللتچی لر توپلوسوندا "ماکی" شهرینده عرض ائله دیم بیزیم باتی آذربایجاندا اولان میللتچی لریندن او اندازه ده انتظاریمیز یوخدور کی میلی حرکتده بعضی میتینگ لرده بعضی پیکت لرده حتی "بابک قالاسیندا" اولسونلار. سیز تمام انرژی لریزی قویمالی سیز یاشادیغیز یئرده میللتی او یادیب تا کورد قاباغیندا لازیم اولان حاضرلیغا یئتیشدیره سیز.

بو گون یاتمامالی بیق قارداش. اینانیز بو گون جانیمیزلا-قانیمیزلا، اردبیل، تبریز، قارداغ، زنجان، هامیسی بونا نگران دیلار، هامیسی بونو بیر پرابلئم بیلیر.

آنجا قارداشیم بیر واقعیته دئییم. خط مقدم ده اولان قارداش، ان آزی اوزووو بیر هفته قورومالی سان تا من گلم سنه یاردیم ائدم. او بیر هفته یه حاضرلیغین اولسون قارداشیم. اگر گندیش کی بو جور گندیر و گوردوک کی عراقدا یاشایان تورکمن قارداشلاریمیزین باشینا نه او یونلار گندیلر. طبیعی دیر کی بوردادا ائله او یونلار گنده جک و گوردونوز کی تورکمنلرین آیین یازیسینی و باشینا گلن لری.

بیز تاریخدن تجربه آلیریق. ندن گوزوموزون اؤنونده گندن جیدی بیر مسئله دن تجربه قازانمایاق؟ تورکمن لر بیزیم قارداشیمیز. اوردا یاشایان ائله آذربایجان کؤکنلی بیر میللت دیلر ولی باخیز چاغین ایزارینا مسلح اولمادیلار. او زامان کی کورد، عراقین قوزئی ینده سیلاح لانمیشدی تأسوفله اونلار مدنی داورانماقلارلا چالیشیردیلار و اومود باغلامیشدیلار کی شاید تورکییه دؤولتی گلیب اونلارا یاردیمچی اولاجاق. خیر، هنج کیمسه سنی قورتارمایاجاق. اوزللیک له بو ایرمی بیرینجی عصرده بیرینجی یاردیمچی اوزون سن.

گلدیک ارمنی مسئله سینه. باخیز قوزئی آذربایجاندا موسلمان، شیعه و تورک توپراقلارینین بؤیوک بیر حیصه سی دونیا سوییه سینده هامی نین گوزو و اؤنونده و غربین، حتی بعضاً موسلمان اولکه لرینین حمایت چتری نین آلتیندا ارمنی یاشاردی او توپراقلاری اله گتیره. بیز دیققت ائله سک ایکی جیبه واردی. بیر سیرا میللت لر او جیبه لردن استیتنا اولاراق باشقا یئرلرده مغایر منافع لری واردیر، توقوشما حدینه قدر. یانی روس نان آروپانین اختلاف و بیر سئری رقابت لری شدیداً وار. آمئریکایان آروپانین، روسییه ایله آمئریکانین. ولی تعجب لو بودورکو قاراباغ مسئله سینه دؤنه نده، بونلارین هامیسی متفق القول و موثق العمل اولورلار. و تمامی ایله سیاست لری و داورانیشلاری بودور کی آذربایجان میللتین و آذربایجان توپراق لارین ارمنی نین مغلوبیت ینه اوغرادالار. اونون مقابلینده تأسوفلرله ایسلام دونیاسیندان هنج بیر سس چیخمیر. ام القرای موسلمین اولان ایران اولکه سی او کی ادعالاری واردیر، دونیا موسلمان لاریندان مودافعه ائتمک و بو آنا یاسالاریندا گلیب دیر. آنجا بو گون داورانیش لارا باخین، شیعه میللتی تاپدالانیر و اونو تاپدالایانا گازی، برقی موفته گندیر. اونو تاپدایانا موغاندا توپراق وئرمه ک ایسته بیر. گویا او قاراباغ توپراقلارینداکی نئچه رایونلار آلیب دیر بسی دئییمیش؟ آرازین بوبیری تاپیندادا ایمتیازلار وئریلیر. بو بیر وحشتاک سیاست دیر کی تأسوفلرله ام القرای موسلوموندن گؤروروک. موغان اکینی موختلیف یوللارلا ورشیکست چیخاردیلیر تا ایکی الی تقدیم اولار ارمنی لره و نه ایمتیازلار کی ایچری ده وئریلمه ییب. بو هانسی سیاست لره دایانیلیر. جیددی جه سورغو آلتیندادیر. و بو سیاست شدیداً میللتچی و آذربایجان میلیتی طرفیندن قینانلماقدادیر. هر زامان اعتیراض اولونماقدادیر و هزینه وئرمه یه ده حاضرلیق وار. بیزیم ارمنی میللت ینن یوخ ارمنی متجاویزین مسئله میز وار.

موغانا گوزو اولان ارمنی یزن مسئله میز وار. آنجاق کاش بو بیر شایعه اوللا. چونکو دوغرو اولموش اولسا باشقا بیر مسئله لر آذربایجاندا قاباغا گنڊیرمه لی دیر.

اگر بیر میللت جسارت انده آذربایجان میللتینه و توپراغینا گوز تیکه بو اوزاق سورمه یه جک و آذربایجان میللتی او آياقلاری و او گوزلری چیخارداجاق. و بونا اینانین منیم یا باشقاسی نین دنمه یی لازیم دنیلل. تاریخ نئجه میللت اولدوغونا شاهیددیر.

” گوناز تی وی : بابک قالاسی ” و هابنله باشقا پیکت لر قورماق ضروریتین سیز نجور گورورسونوز؟

لیسانی: بعضاً بعضی یئرلردن بئله سس گلیر کی بابک قالاسی جاواب وئرمه دی. بئله دوشونجه احتمیلاً اینسانلارین اوزونون شخصی خصوصیات لارینا قاییدیر. بابک قالاسی آذربایجان میللتینین اوزونه یاراتدیغی مخصوص روش موباریزه دیر. منجه یالنیش اولماسا دونیادا تایی یوخدور. یانی بیر میلی قهرمانی نین آدینان تانیمیش و موباریزه قلعه سی اولموش بیر یئر، بیر میللتین مظلومیت سسین دونیایا چاتدیرماغا بیر روش دیر. من بونو دا آرتیر مالی یام بابک قالاسی نه تکجه بوگون حتی آذربایجان میللتی بوتون حق لرینه ال تاپا و بوتون حق لرینه ال تاپاندان سونرادا داوام انتمه لی دیر و اوردا بیر توخانیمالزلیق و معصونیت یارانیمالی دیر و آذربایجان میللتی هر زمان اوز حاکیم لرینه اوردا آزدجاسینا نقد انتمه لی دیلر. یانی او بیزیم ابدی سیمبولوموز و موباریزه میز اولمالی دیر.

گلدی کئچدی الان نه سویبه ده اولماغینا. ۱۳۸۱-ه قدر موختلیف اینسان لار بابک قالاسی نا گنتمک اوچون چاغیرلانیب، سورغولانیب، اینجی دیلیب و تهدید لر اولونوردولار. یانی گنڊیلمه سین، اولماسین. نیبه کی اورا گلن عادی وطنداش بیر میللتچی اولوب و میلی دردلرنن تانیش اولوب و سرعتله قاییدیر. و اوردا مختلف فرهنگی، شعر لر، موسیقی و دانیشیق لار گنڊیر. بو او زامان قدر ایدی کی فارس شوونیزمینی جیددی توتماییب یانی بابک قالاسی حرکتین جیددی توتماییب و بعضاً طعنه لریده ووروردولار کی هئج بیر نتیجه آلانمایاجاق سیز. گوردولر کی نتیجه آلیندی. و ۱۳۸۲-ده علی رغم بو کی بیر لشکری تۆکدولر اورا. انتظامی قوه لردن، سپاه و مختلف امنیتی گوجلردن. بویوک بیر میتینگ لر و دانیشیق لار گنڊدی و دنمک اولار بابک قالاسی نین ان گوجلو قورولتای لاریندان اولان ایل اولدو. بو بویوک بیر ضربه ایدی فارس شوونیزمینا. ۱۳۸۳- ده فشاری داها چوخ آرتیردیلا. او ایلدن بری بابک قالاسی نورمال بیر شراییط ده قاباغا گنڊمیر. یانی قویمورلار گنڊیله. بو بیر اوغورو گورسه دیر. یانی بوکی فارس شوونیزمی قوللوغوندا اولان حاکیمیتین، سن ائلییه بیلیب سن کی چالیشه چکه سن. بیر بویوک اوغوردور کی صاحب اولوبسان. بو گون بابک قالاسی میللتچی لره بیر تمرین یئری اولوبدور. مقاومتی تمرین میئدانی اولوبدور و بو داوام انتمه لی دیر. من بیر بو میللتین کیچیک قوللوچوسو اولاراق بونو عرض ائله مه لی یم هر نه اولورسا اولسون، بابک قالاسی داوام انتمه لی دیر. بابک قالاسی ان بویوک سنگر لریمزدن بیری دیر.

بونو دنمه لی یم. ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴-ده ستارخان مراسیمینده تأکیدیمیز اولوبدور کی بابک قالاسین نامن ائتسز میللتیمیزین قوللوغوندا اولاراق شهرلره چکیله جه بیک.

آنجاق یئنی بیر روش من اؤنریرم. بو بیر آچیق اؤنردیر. نهایت ده بو آچیلیب و آشکارا قویولمالی دیر. شهرلرین بیری یا ایکسی سی یا اوچو سئچیلمه لی دیر. بلکه بیر شهر سئچیلیب. اوردا توپلانیب و بیر زاماندا، بیر مسیر ده بابک قالاسی نا دوغرو حرکت انتمه لی بیک. بونو بیز انتمه لی بیک. حتی اگر قاباغیمیزی آلسالار. بیرینجی شهره قاییدیب و شهرین فرمانداری سی، استانداری سی قاباغیندا

اوتورولمالی بیق. او اوتورمادا باشقا داورانیش اولمایاجاق. آوروپادادا شهره چیخان حرکت لر وار. بو گون آذربایجان دادا اولمالی دیر. جاوان باتومو بیبیر فقط آنجاق او جاوان بیبیر آنلایش لی باخیشلا باخیر او باتوم وورانین اوزونه. هنج بیبیر باشقا دیره نیش گورسنمیر. شوشه سینمیر، تهر اودلانمیر، هنج بیبیر اتفاق دوشمور، منطقی بیبیر مقاومت اولور. بو آذربایجان میللتینه یاراشان بیبیر حرکت دیر و ائله اولاجاق. بیبیر چالیشمالی بیق مظلومیت یمیزی دونیایا تانیتدیراق. اگر بیبیر دویوله جه بیبیر، وورولاجاییق قوی شهرده میللتیمیزین گوزونون قاباغیندا دویوله ک. بو ایش باش وئرسه بیبیر اوخ نان ان آزی ایکی نیشان ووراجاییق. هم حرکتی شهره چکیریک هم ده اینان اوبیری سی ایلده بابک قالاسی نین یولو اوتوبان اولاجاق. کی گلشین لر و گنتسین لر و بیبیر گنده جه بیبیر. هر زمان اگر امنیتی گوجلری نین وریندن بیبیر خطایی اولوب خوشبختانه آذربایجان میللتینین خئیرینه قورتاریب دیر.

گوناز تی وی : حرکتین فزین ده بیبیر سینه گوره سیزین گوروشونوزو من ایسته ردیم؟

لیسانی: مطمئنأ فاز ده بیبیر ک ائله اولمایاجاق کی بیبیر باشیمیزی میللتاریستی حرکت لره قورتارا. آنجاق باتی آذربایجاندا فرقی دیر. میلی حرکت، بیبیر میللتین سیویل اولماسی حرکت لر دئمک دیر. و بیبیر بونو باشاراجاییق. کسینلیکه آذربایجان میللتی و میللتچی سینین بیبیرینه خطور انتمه سین کی حرکتین فزین خوشنوته ساری چکیله و بیبیر میللتاریستی حرکت چکیله.

سئوگیلی باجی و قارداشلاریم؛ بیبیر شرایط یمیز ایراندا باشقا میللت لرنن فرق ائله بیبیر. بیبیر اقلیت دئییلیک، بیبیر اکثریت ده بیبیر. بیبیر تهرانی فتح انتمیشیک. بیبیر بوتون ایران-ایبیلیمیشیق. بیبیر آذربایجان اولکه سینده حق لریمیزی تثبیت لشدیرندن سونرا ایراندا یاییملانان تورک قارداشلاریمیزین دا حق لرین چالیشاجاییق بیبیرلیکه الدهه ائده ک. یانی بیبیر میللت اویانیشی ایله میللتی خییاوانا چکمک نن، سیویل داورانیشی ایله دونیایا گؤستره جه بیبیر. قوی وورسونلار، قوی تاپداسینلار، قوی ازسینلر، الی ایل بوندان قاباق دئییل. قوی دونیا گورسون کی بیبیر میللت قالخیب دیر ان بیبیرنجی حاقلارین ایسته مه یه. ائله حاقلار کی گئری قالمیش قونشولوغومزدا اولان افغانیستان-دا بو مسائل حل اولونوبدور. بوجور تاپدالانیر و دویولور و بیبیر بوجور دونیا سویبه سینه چیخاردا بیبیرلیک. بیبیر دونیایا بو جور گورسه نمه لی بیبیر. دونیا بیبیری ایسته بیبیر خییاواندا گوره. بیبیر میللت یمیزین ائولرینه گیره جه بیبیر، نجه کی دشمن و شوونبست ائولره گیریب. اگر بو گون بیبیر بالالاریمیزی تلویزیون لا و مدرسه ایله هوویبتین ازمه یه چالیشیر بیبیر اونون قاباغیندا دورمالی و موختلیف یوللار سنجمه لی بیبیر. بیبیر سی دی لرله یازی لارلا میللتیمیزین ایچینه گیرمه لی بیبیر. ایکی-ایکی، اوچ-اوچ بؤلوشوب قفه لره گنتمه لی بیبیر. نجه کی بو گونلریم فارس شوونبزمینین امنیتی قوه لری گندیب قفه لرده آذربایجان میللتی حرکتی علیهینه دانیشیب و تبلیغ اندیرلر. بیبیر اوزوموزو یانی آذربایجان میللتی حرکتی، ماهیتی ندیر، کیملر دیر بونلار و نه ایسته بیبیر، کی میللت ین اوز ایچیندن قایناییب چیخان بالالاری دیلار، تانیتدیرمالییق. یوخسا هامان اویون باشیمیزا گلجک کی ۱۳۲۵-ینجی ایلین ۲۱ آدرین ده گلدی. یانی میللت بر علیه میللت.

من ایسته بیبیر تجزیبه طلبی آچیلایم. ایرانین ۴۸-ینجی ماده سی دئییر کی گرک یئر آلتی و یئر اوزلو قاینالار نسبت فقره و اینسانلارین سای باخیمینا قراراً برابر پایلانیا. یانی فقر اولان یئرلره داها آرتیق وئرله. بیبیر گوروروک ایصفهانا ۴۸۰ میلیون دلار بودجه وئرلیب. اردبیله ۱۳ میلیون دلار. بو بیبیر

اورنگ دیر کی تلویزیون دان اعلام اولوندو. تجزیه طلب او بودجه نی بؤلندی. تجزیه طلب اودور کی اردبیل ده شیخ صفی بقعه سی ان آزی ۸ ایلدیر سؤکولوبدور و بو شهره قوناق گلن لر زارا گلیب دیر. دوزه نیلمیر. فقط دؤوره سینه حیصار چکیب لازیم اولانلاری قازیب آپاریرلار. آنجاق "بم" ده بوتون لجئستیکی گوجلر بسیج اولدو و بو گونلریم بم-ی بهشت اندیلر. تجزیه طلب کیمدیر؟ تبریز نن مییانا آراسی جاده قتلگاه دیر. ایکی ماشین یان-یانا گئندده بیر-بیرینه ده بیر. آنجاق یزدین و ایصفهان ین فرعی جاده لری ده اوتوبان دیر. تجزیه طلب او کس دیر کی بایرام تبریک ین یالنیز و یالنیز تکجه فارس میللت ینه دندی. بونلارا دونیا، آذربایجان میللتی قضاوت ائله سین.

بونو منه معاون بیر ایداره دندی. باخین گورون کیمدیر ایرانی پارچالایان؟ ایرانی پارچالایان او سیاست دیر کی بو گونلریم اردبیل ده بیر ایداره، بونلار آبدارچی دئییرلر، چایچی ایستخدام ائله ینده ۲۰۰ نفر آد یازدیریر و فاجعه اوندادیر کی ۲۰۰ نفرین ان آزی ۴۵ نفری لیسانس دیر. ۲۷ نفری فوق لیسانس چایچی لیغا حاضر دیر.

دده لریمیز بیر زمان آشاغی تحصیلات نان مجبور اولدولار فارس قاپی سیندا ایشله مه یه و دیدرگین دوشدولر. بو گونلر ایگیری می ایل تحصیل آلمیش جاوانلاریمیز مجبور دو گئده فارس قاپی سیندا ایشله یه. آیا او سیاست تۆکن لر نیگران دئییل لر کی بو میللت بیر زمان پاتلایا؟ آیا نه اندازه مطمئن دیلر کی بو میللت همشه یاتا؟ فیکر ائله میللر کی بو میللتین ایچیندن بیر سیرا اوغوللاری نئجه کی چیخدی و آیلدی و آیتدی و آیلماغا ساری گئدیر.

گوناز تی وی : منطقه و دنیا سیاست لرینده بو ثباتسین لیغا باخیشینیز نه دیر و نئجه ده یرلندیریرسیز؟

لیسانی: منطقه و دنیا زمان-زمان ثبات سیزلیق اولوب و هر زمان بو اول بیلمه بینه احتمال وار. آنجاق او دالغالار کی اورتادوغودا اسمکده دیر، طبیعی دیر بیزیم هامیمیزی ایلگی لندیریر. دنیا سیاست لری او قدر مرکب دیر و صاباحین نه اولاجاغی او قدر ابهام آلتیندادیر کی بویوک سیاستچی لرده دوغرو و دوزگون نه اولاجاغینا قرار وئره بیلمه بیرلر. آما بیر گئرچک وار. کئچمیشده و ایندیده بحرانی زمان لار، ائله کی بیر منطقه ده بحران یاراندی، یالنیز او میللت لر پای آپارا بیله جک لر کی دیری و اوزلرین دنیا گورسه ده بیلیمیش اولوب لار.

اگر صاباح بیر اتفاق دوشه جک بو فاصله ده بیزیم تکجه بیر وظیفه میز وار اودا میللتیمیزی چوخ سرعت له اویاتمالی بیق.

گوناز تی وی : ایچری ده میلی حرکتین اختلاف منظریندن دورومو نئجه دیر؟

لیسانی: ایچری ده مطلقاً پارچالانما یوخدور. ایچری ده ایکی قول وار. بیری فعالیت و بیری انفعال. اودا اوزونون اینانجینا باغلی اولاراق انفعالا چکیلیر.

گوناز تی وی : سیزجه قونشولو غوموزدا اولان تورکیه دؤولتی بو یارانمیش میلی حرکتدن ساوونماغی کئچر؟

لیسانی: بونو آچیق دئمہ لی بیک کی دونین بوتون اوجقار لاریندا یاشایان هر بیر تورک بیزیم قان قارداشیمیزدیر. آنجاق بودا طبیعی بیر مسئله دیر کی میللت لره حاکیم اولانلار، میللت لره لاییق اولماییب لار. تورکیه یه اگر بیز الان دیققت له باخساق اؤزونون نجه دنه بؤیوک پرابلم لری وار. تورکیه بو گونلر اؤز ایچینده اؤزونون دفاع ائدیر و بو گلیب ایندی خطرلی دوروما چاتیب دیر. تورکیه نین الان اؤزونون هویتی گنڈیر سورغو آلتینا. تورکیه نی بیر سیرا مغرض سیاست لره گؤره اوروپا قاپی لاریندا سینسیتمه یه چالیشیر لار. بونودا ایناناق کی اوروپا هنج زامان تورکیه نی اؤز ایچینه آلمایاجاق مگر بو کی میلی و مذهبی هویتین آرادان آپارا.

من بونودا دئمہ لی یم کی گوناز تی وی "تورکست"-ه گلنده چوخ تعجب لندیم نه اینکی تورکست دن آیریلاندا. بو گون تورکیه اؤز ایچینده قالیب دیر. اینانیز بیز میللتیمیزی یولا گتیرسک حتی دونیادا بیزی تانیمايانلارا و قبول ائتمه یه نلره ده اؤزوموزو تحمیل ائده جه بیک.

گوناز تی وی : ایران-عراق ساواشیندا چوخلو آذربایجانلی لار گنڈیب شهید اولدولار، سیزجه هامان دوروم گلجک ده باش وئره آذربایجانلی لار نجه داوراناجاقلار؟

لیسانی: الان ایراندا سراسری هر سوییه ده یارانان منتقد تشکیلات لار، اولموش اولسون اپوزوسیون لار یادا کی اصلاح چی لار، نجه ایل آغیر سرمایه قویاندان سونرا قیسیر قالدیلار. نهایت ده نیرولاری تۆکوله رک کاملاً منفعل اولدولار. بونون ندنی بودور کی بو گون خوزستان، تورکمن، بلوچ و آذربایجان سیاسی فعال لاری بو نتیجه یه یئتیشدیلر کی ایر او سراسری تشکیلات لارا قاتیلسالار نهایت ده استحال اولوب آرادان گنٹمه لی دیلر. یانی بو گونلریم مرکز دن قیراق اولان نخبه لر اؤز دردلرین چکیرلر. بو اؤزو بیر معیار اولسون سورغونون جاوابینا.

گوناز تی وی : سیزجه بیز او سست عنصر انسانلارنان کی آدلارین فعال کیمی گؤستریرلر نجور بیرلیک ائده بیرلیک؟

لیسانی: بیز بیرلیک دنئیریک. آنجاق کیمنن بیرلیک؟ او کس کی میللتینه و توپراغینا صادق دیر. سست عنصر و ضعیف اینسان لارنان مطلقاً بیرلیک ائتمک اولماز. ضعیف اینسان لار اؤز متنینین علیهنه قایتاریلا بیرلر.

گوناز تی وی : باشقا سون سوؤوز وار بوپورون؟

لیسانی: بیر سیرا توطئه لر حرکتی تهدید ائدیر. من بونو ایچری یه و دیشاری یا اوزو توتوب و عرض ائله بیرم.

بیر سیستم و حاکیمیت کی مینلر کیلومتر اقیانوسدا یاشایان خاریجده کی اپوزیسیون بؤیرونده موازی جریانلار یارادیر. نهایت ده مختلف یوللارنان بیر خطرناک ساییلانی لوس ائله بیر گؤرون بو اؤز قلمرو ووندا نه لر ائدر. موازی جریانلار حرکتی خطرناک بیر جریانلاردیلار.

فارس شوونیزی بوگون لر بونو گؤرور آذربایجان میلی حرکتی گونو-گوندن هم درینله شیر هم سایه چوخالیر. آنجاق بؤیوک مأموریتی بودور کی پارچا-پارچا ائده رک قویمایا بیرلشه سن.

نهایت ده سؤزون سونوندا گوناز تی وی نین چالیشان لارینا تشکر و سایغی لاریمی بیلدیریره م.
خاریجده اولان قارداشلاریم چاغیریشیم وار. ایچریدن گوناز تی وی یه یاردیم اولونان دا بیر آز دوشونه ک. ایچری چالیشیر گوناز تی وی یه مالی یاردیم انله یه. بو گونلر آوروپادا و باشقا یئرلرده اولان لاریمیز بیر آز گلیرلریندن قیراغا قویاراق مالی یاردیم ائتسین لر. بو سس باتمامالی دیر. بو سس گنیش سوییه ده یایملانمالی دیر. گوناز تی وی نی دیرچلتمه لیبیک. باشارا بیلیریک گوناز تی وی لر یارداق. باشارمیریک گوناز تی وی یه یاردیم انده ک. احمد اوبالی ایله اختلاف سلیقه ن، وار آما بو گونلر گوناز تی وی آذربایجانین تکجه سسی دیر. اوبالی نین سسی دنیل. چوخ ساغ اولون

سون.

آچیقلاما :

بو دانیشیق، عابباس بی لیسانی نین تلفون واسطه سیله "گوناز" تی وی ده ۲۰۰۶-جی ایل (۱۳۸۴) آپریل آیی نین ۱۴- اونجو گون تاریخینده، جانلی حالدا یایملانان وئرلشین ، یازی فرما سی دیر.

رادیو فردا ایله آذربایجان میلی قیيام یندان سونرا آپاریدیگی دانیشیق :

رادیو فردا: آقای عباس لسانی در رابطه با اتهام های وارده چنین می گوید :
لیسانی: اتهاماتی که به ما وارد شده تبلیغ علیه نظام، اقدام علیه امنیت ملی، مشارکت در اخلاص نظم عمومی، این ها اتهامات کلیشه ای است که به ما زده اند. معمولاً اتهامات فرق می کند با محتوای فعالیت های ما.

رادیو فردا: آقای لسانی میشود یک توضیحاتی درباره محتوای فعالیت هایتان برای ما بگویید؟
لیسانی: حرکت ملی آذربایجان امروز و یا چند ماه قبل شروع نشده است این پروسه بلند مدتی بود که به مرور زمان مربوط است. با نام ها و عناوین مختلف در عرصه آذربایجان ظاهر شده است. در ۲۸ سال پیش بعد از تغییر نام نظام سلطنتی به جمهوری اسلامی اوایل فضاهایی ایجاد شد و به امید نخبگان آذربایجان به روش های مدنی و نوشتاری و گفتاری حرکت هایی و فعالیت هایی انجام شد تا ملت آذربایجان به حق و حقوق خود برسند. متأسفانه روز به روز این فعالیت های مدنی و فرهنگی را تلاش کردند امنیتی تر بکنند. یعنی فرهنگ و تاریخ آذربایجان شد مسئله امنیتی. حرکت ملی آذربایجان حقوق انسانی ملت آذربایجان از جمله فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خود را طلب می کند. ما در چهارچوب قوانین داخلی و بین المللی تلاش می کنیم تا به حقوق خود برسیم. هر انسانی حق دارد به زبان مادری خود حرف بزند. بنده در زمان حرکت و اعتراض و راهپیمایی مردمی بارها موفق شدم سخنرانی بکنم. در این سخنرانی ها تمام تلاش بنده بر این بود تا ملت را به آرامش دعوت بکنم و از حقوق ضایع شده ملت آذربایجان صحبت بکنم. اگر سندی در دست اینها باشد سندی ارائه نکرده اند. فیلم هایی توسط اداره اطلاعات و عوامل شان ضبط کرده بودند. تمامی تلاش ها در چهارچوب فعالیت های مدنی بود. اما متأسفانه با همه اینها برخورد شد.

رادیو فردا: شما چند مدت در بازداشت گاه به سر بردید؟
لیسانی: من حدود سه ماه و بیست روز در بازداشتگاه بودم. پنجاه و هشت روز در سلول انفرادی قرنطینه در حالت اعتصاب غذا بودم.

رادیو فردا: علت اعتصاب غذایی که کردید چه بود آقای لسانی؟
لیسانی: بد رفتاری شدید. شکنجه دستگیر شدگان و حرکت های بی رحمانه ای که از طرف خصوصاً اطلاعات نیروی انتظامی به فعالین و ملت آذربایجان که برای اعتراض مسالمت آمیز در شهر ظاهر شده بودند و در حالت اعتراض بودند.

رادیو فردا: می شود راجع جریان پرونده تان یک توضیحی بدید که الان در چه مرحله ای هست؟
لیسانی: عده ای بوسیله وثیقه آزاد شدند و حکم هایشان صادر شده است. شانزده ماه زندان پنجاه ضربه شلاق. اما قابل تجدید نظر هستش. بیست روز فرصت دارم اعتراض کنم، با وکیل ام آقای فقیهی، که اعتراض خواهیم کرد.
سون.

آچیقلاما :

بو دانیشیق آذربایجانین میلی قیيامی (۱/۳/۱۳۸۵)-یندان سونرایا عایید اولونور.

رادیو فردا ایله رحمتلیک چنگیز بی بخت آور جیناب لارینین یاس توره نی نین باغلی اولایلاری آچیقلاماسی مونسایب ایله آپاردیغی دانیشیق :

رادیو فردا: روز سه شنبه در تبریز در جریان مراسم تشییع و خاک سپاری چنگیز بخت آور یک فعال مدنی آذربایجان، عده ای از مأموران با حمله به شرکت کنندگان در این مراسم چند نفر را بازداشت کردند.

لسانی: آقای چنگیز بخت آور یکی از فعالان حرکت ملی آذربایجان چند روز قبل در اثر سکت قلبی ظاهراً فوت کردند و امروز مراسم تدفین جنازه اش بود. تعداد کثیری از شهروندان آذربایجانی و فعالین حرکت ملی آذربایجان برای تشییع جنازه ایشان شرکت کردند و مراسم بسیار پرشوری بود. اما مسالمت آمیز و آرام. در عین حال که مراسم آرام بود و بدون هیچ گونه تنش و هیچ مسائل و سخنان تحریک آمیزی، بعد از تمام شدن مراسم متأسفانه عده کثیری از لباس شخصی ها حدود سی – چهل نفر هجوم آوردند به شرکت کنندگان و بسیاری از دوستان و شهروندان آذربایجانی را تحت ضرب و شتم قرار دادند.

رادیو فردا: آقای لسانی شنیده ام که به شما هم حمله کرده اند و به صورتتان گاز فلفل پاشیده اند آیا این صحت دارد؟

لسانی: بلی؛ صحت دارد. هم گاز فلفل پاشیدند و هم هرچه قدر دوست داشتند کتک هم زدند. البته مسئله ای هم نیست شیوه ای امروزی اینطوری است.

رادیو فردا: آیا کسی را هم بازداشت کرده اند؟

لسانی: تعدادی بازداشت شده اند ولی دقیق در دستمان نیست که بدانیم از اینها چند نفرشان آزاد و چند نفرشان الان در حبس و یا اسارت هستند. اما چندین تن از دوستان و من مورد ضرب و شتم قرار گرفته ایم.

رادیو فردا: شنیده ام که قبلاً هم در تماس تلفنی با شما و چند نفر دیگر تماس گرفته اند و گفته اند که در این مراسم تشییع جنازه شرکت نکنید؟

لسانی: بله؛ و بعد از ضرب و شتم دوباره زنگ زدند و تهدید کرده اند که اگر تبریز را ترک نکنی جنازه ات را در اردبیل تحویل می دهیم.

رادیو فردا: علت اینکه شما را تهدید کرده اند فکر میکنید برای چی هست برای چی؟

لسانی: باید از خودشان بپرسید که علتش چیست. ولی ظاهراً اینها از حرکت های مسالمت آمیز و هویت طلبانه آذربایجان بیش از حد نگران هستند.

رادیو فردا: یعنی چی؟ مأموران امنیتی و اطلاعاتی در تبریز نگران اند؟ حرکت شما چی هست مگه؟

لسانی: حرکت ملی آذربایجان حرکتی است هویت طلبانه که در راستای احقاق حقوق ملی ملت آذربایجان حقوق اقتصادی و حقوق فرهنگی اش سالهاست که فعالین و شهروندان آذربایجانی تلاش می کنند و فعالیت می کنند و در سال ۱۳۸۵ بخاطر اعتراض به کاریکاتور موهن روزنامه ایران، شهدایی هم تقدیم حق طلبی ملت آذربایجان کرده است.

رادیو فردا: آقای لسانی ممکنه بفرمایید تلفن هایی که به شما شد پیش از تشییع جنازه و پس از تشییع جنازه به شما چه گفتند؟
لسانی: متأسفانه الفاظ رکیک توهین آمیز و تهدیدها. مثلاً کشتن و غیره

سون.

آچیقلاما: بو دانیثیق رحمتلیک چنگیز بی بخت آور جیناب لارینین دفین مراسیمینده امنیتی قوه لر طرفیندن میلی فعاللارین دؤبولن زامانینا عایید دیر.

آمریکا سسی ایلہ آنا دیلی گونو و حسن روحانی نین سیاست لری ایلہ باغلی آپاردیغی دانیشیق

آمریکا سسی: دیرلی دینله ینلر پروقیرامیمیزین بو گونکو قوناغین چوخلاریز تانییرسینیز. عابباس بی لیسانی اردبیل شهریندن پروقیرامیمیزا قاتیلیر. عابباس لیسانی فعالیت لری اوزریندن دفعه لرحه توتولوب، محاکمه اندیلیب، ایشکنجه لره معروض قالیب و ایللرحه مختلف شهرلرین زندان لاریندا ساخلانیلیب. حبس اولدوغو زمان لاردا اولوسلار آراسی تشکیلاتلار و بیرلشمیش میللت لر اونولا باغلی بیانات یاییب و اونو وجدان محبوسو تانییب لار. بو گون بیز عابباس بی ایلہ ان سون حبسی ایلہ دانیشاجاییق. اهر شهرینده باش و نرن حبس لر ، آنا دیلی گونو ایلہ باغلی و آپریجادا حسن روحانی نین سیاست لری ایلہ دانیشاجاییق.

آمریکا سسی: نه لر اولدو اهرده ؟

لیسانی: من هر نندن اونجه سلام دئییرم بوتون دینله بیجی لریزه. و سور غونوزو بئله جاواب لاندیریرام کی دونیالیق آنا دیلی گونو بیلدیبینیز کیمی یونسکو سازمانی-نین طرفیندن تانییمیش بیر گوندو کی دونیادا بو گون رسمییته تانییب و ایران اسلام جمهوریتی ده بونو رسمییته تانیانلاردان بیری دیر. طبیعی دیر کی او گون کئچمیش ایللرتکین مختلف یئرلرده ده یرلندیرمه سینده تۆرن لر قورولدو. اهر شهرینده ده اسفندین بیرینده اهر شهرینده ده یرلی فعاللاری طرفیندن بیر بیغینجاق اولدو. بیزده اورا چاغریلدیق. اوردا بیر سئری آنا دیلی نین ده یرلندیرمه سینده مختلف زاویه دن باخیلدی. دانیشیقلا کئچیریلدی. طبیعی دیر کی ساز ایلہ سۆزلر گئدیلدی. شعرلر اوخوندو. کی بو مراسم داوام اندرکن خبردار اولدوق اولدوغوموز ائوی ساریب لار. بونلارا باخمایاراق مراسم داوام اندیلدی. نهایت ده توره ن قورتارانندان نچه دیقه سونرا ائوه هجوم گلیندی. کوبود وضعیت ده. اینسانلارنان کوبود و قابا داوراناراق و بعضاً بعضی به یه نیلمز داورانیش لارلا چالیشدیلار اینسانلاری توتوقلایالار. هر حالدا میلی فعاللاریمیز کی یوزه یاخین اینسانلاریدلار بو قانونسوزلوغون قارشیسیندا دایاندیلار، دیره ندیلر و نهایت ده مجبور ائله دیلر مجوز و حؤکم-و کی جلب اوچون اول، گرک اورتایا گله. انتظامی و امنیتی مأمورلاری مجوزی گۆرسه دن دن سونرا فعال لار یولا دوشرک ماشین لارا میندیریلیب کلانتری لره ساری گۆندریدیلر.

آمریکا سسی: عابباس بی او دندییز مجوزی گتیردیلر یوخسا یوخ؟

لیسانی: اونو گتیردیلر و متأسفانه امنیتی اولدوغو اوچون، اوزاقدان گۆرستدیر. بونلارین معمولاً بو مسائل لری واردیر. معمولاً مجوزی اوزاقدان توتارلار تا او مجوزه دخیل اولان مأمورلارین آدی گۆرسه نیلمه سین. هر حالدا جمعین قراریلا ائشیه چیخالار. آنجاق بو شرط ایلہ کی ان آزی او مقطعی زاماندا مجبور اولدولار دوستلارنان یوموشاق داورانالار.

آمریکا سسی: اونلار سیزه دندیلر کی نه اتهام لا توتوروق ؟

لیسانی: یوخ اتهام دئمہ دیلر و فقط دندیلر کی جلب حؤکوموز واردی. تجمع غیر قانونی و بئله شئیلر آغیزلارینا گتیردیلر و اوزلری ده مطمئن دئییل دیلر کی اتهام مننه دیر. تجمع غیر قانونی ملأعام دا اولای بیلر و اونوندا قانونو آنا یاسادا واردیر. هئج لزومودا یوخدور تا بیر مجوز خاص سازماندان آلینا. چون آنا یاسادا صراحت له دئییلیب کی تجمع لار ایسلام مبانی لریننه مخل اولماسا اوزگوردو. اوزللیک له بیر بئله ائوده ده اولاندا هئج بیر مجوزه نیازی و گره کی یوخدور. بونلار بیر مأمور تکین و اوزلری چوخ شئی دن خبری اولمادان تأسو فلرله مأمورینلرین انجام وئر مکده یدیلر.

آمریکا سسی: محکمه سیزه نئجه بیر ایتیهام ایره لی سوردو؟

لیسانی: محکمه ده هامان تجمع غیر قانونی، تشکیل گروه و دسته جات درجهت بر هم زدن امنیت ملی. یکی بونلارین ادعاسی واریدی کی سیز اوردا توپلانیب سیز و اوردا توپلاناندان سونرا هماهنگ اولاراق چیخیب شهری قاتماق فیکیرینده یدیز. یانی بئله بیر ظن ایله اینسان لاری گلدیلر، توتدولار و آپاردیلار. بئله بیر اتهام کی اتفاق دوشمه میشدی یانی او جرم-ون نه مادی و نه معنوی و نه قانونی بویوتو باش دوشمه میش، اینسان لاری متهم انله دیلر و بو مسئله یه خاطر قرار صادر انله دیلر.

آمریکا سسی: سیزین دندیبیز اتهامی شرقی آذربایجانین محکمه سینین رسمی سایتی دا یازیب. یازیب، اونلار اهرده آنا دیلی گونو ایله برابر، البته اونلار ۵۹ نفرین توتولماغین تصدیق انله بیبدر، توتولانلار، ایرانین میلی گون لی یینی پوزماق هدفی ایله چالیشان گروه لاری ایره لی سورمک اتهامی ونریلیب دیر. اونلار دنییرلر کی توتولان لارین اتهام لاری، بیر سیراسی کنچمیشینه گوره و بیرده اطلاعاتین حاضرلادیغی سندلر اساسیندا وورولوب. ایندی بونلارین حاضرلادیغی سندلر هارداندیر؟ کنچمیشده حاضرلاییب لاری یا او مراسم ده؟

لیسانی: دندیبیز خبری منده سایتدا گوروب و تأسوف لندیم. هر حالدا بو اوزو اوزلری طرفیندن یاخچی بیر اقراردی کی انسانلاری آنا دیلی اوچون توره ن کنچرینده توتولاییب لار. آنجاق تأسوفله نه تکجه بو پرونده لرده، کنچمیشده ده و الان دا دوام اندیر، قوه قضاییه نین مسؤل لاری، قاضی لر و بازپرس لار و یا دادیارلار، متهم یین علیینه سند و مدرک دن سوز اچاندا اداره اطلاعاتین و انتظامین گزارشینه دایانیرلار. بو ایش ده هر نندن قابق قوه قضاییه نین استقلال یین سوال آلتینا آپاریر. هنج بیر سند و مدرک یوخدورکی انسان لار اوردا چیخیب ائشیه و بیر ایشی گوره جه بیبیلر. بیز امنیت و قضایی نیرولاریندا اوردا جاواب وئردیک کی بئله بیر شئی منطیقه اویمور. اگر قرار اولسا خیاوانا چکیله اونون بیر آیری یولو وار و کنچمیشده ده او متد لاردان اولوبدور. بیز حاق لاریمیزدان و میلی مسائل لریمیزی دفاع ائتمک اوچون میللتیمیز ایله او متدلارا ال وورموشوق. حوکم یئمیشیک و حاقسیز اولاراق جزالانمیشیق و یا تبرئه ده اولموشوق. اما بوردا اتفاق دوشن مسئله بودور کی ائوده بیر سیرا انسان لار بیغیشاراق مدنی حالدا آنا دیلینه گوره دانیشیق و علمی مباحثه لر آپاریب لار.

آمریکا سسی: سیز و بیر نچه باشقا فعال اهر دادستانی نا مکتوب یازیب و نجه ایشکنجه یه معروض قالدیغینیزی بیلدیرمیشدیز. او مکتوب حاقیندا سیزدن انشیده بیلردیک؟

لیسانی: یوخاری تعداددا اینسان لار توتولاراق ۲۴ ساها ت کلانتری لرده و پاسگاه لاردا ساخانیلاندان سونرا بیر سیرا اینسان لاری تله سیک اولاراق بوشلانیلاندان سونرا ۵۰-۶۰ نفره یاخین اینسان قالدی کی بونلاردا بازپرس بازجویی ائدن دن سونرا دوستاغا گوندریلدی. اورا گوندریلندن سونرا بیر یاریم ساها ت چکمه یره ک یئددی نفرین آدی اوخوندو و دندیلر کی گلرسیز. بیز گتندیک هر حالدا امنیت نیرو لارین توسطی ایله داورانیش چوخ کوبود بعضاً آباق باغلاماق، قوللاری دالدان باغلاماق کی معمولاً عرف دنیل و امنیت هر بیر متهم کونترولو اولماغی اوچون خطر ده بیلر هر حالدا بیزی میندیردیلر بیر ماشینا و آپاردیلار بیر طرفه دوغرو کی سونرا بیلدیک اورا تبریزی و تبریزین شهردن ائشیک بیر منطقه دیر کی اوردا امنیت قوه لر کی هله ده بیلمیریک او امنیت قوه لر سپاه گوجونه یا وزارت اطلاعاتا عاید دیر. اوردا بیر سیرا هم روانی و روحی شیکنجه لر و همی ده فیزیکی شیکنجه لر اینسان لارا اولدو.

آمریکا سسی: بو ایل اهر شهرینده گنیش اولسادا تکجه آذربایجان دا یوخ بلکه تهران دا و خوراسان تورکلرین ده حبس اولدو غوندان خبرلر یایمیلاندی و بودا حبس لری پیلانلی اولدو غون دنیه نلری حاقلی چیخاردیر. سیز بو خصوص دا نه دنییرسیز و بو حبس لری حسن روحانی نین زامانین دا نجه ده یرلندیریرسیز؟ چونکو حسن روحانی زامانی بو توپلاشلارلا بیر داها آرتیق ایذین ونره جه بییک مسئله لری اورتایا چیخدی. آنا دیلی مسئله سی اورتایا چیخدی. حتی غیر فارس انتتیک لره باغلی حسن

روحانی بیر یاردم چى تعيين انتدى و آيرى طرفدن وطنداش ليق منشورونو يايديلار كى او منشورون ايچينده عمومى اولسادا بئله حاقلار ايشاره اولونوبدور. بوتون بونلارى نجه ده يرلنديريسينيز؟

ليسانى: من قيساجا اوز باخيشلاريمى حسن روحانى نين نجور ايش اوستونه گلمه سين عرض ائله ييم. ۱۳۸۸-ينجى ايلده سئچكى لر عرفه سينده اولان زامان حاكيمييت و سيستم جيده بير بحرانا اوغراي. بو جيده بير بحراني هر نه ايله اولموش اولسايدى باشيندان آتمالى ايدير. آجى تجروبه نى داها بيرده ياشاماق اوچون كسينليكه تدبير لر توكولمه لى و ايشه كنجيرمه لى دير. يانى ياشيل حركتئين آر خاسين بوغماق اوچون يئنى بير ايش اورتاي اچيخاتمالي دير. ۱۳۹۲-ينجى ايلين سئچكى لر ينده ان آزي سئچكيلردن قاباق جادا بلله نمه سه آنجاق كيمين سئچيلمه يى بلله نديردى كى بير سيرا سنار يولار ياز يليب و اوستونده ايشله نيب و چوخ مهارت له يئر ينه كنجير يلى. جناب آقاي روحانى يار اقلي بير سئچه نك كيمي بو مأموريتى داشييا بيلر. قاباجادان دانيشيلميشدير و قراره گلينميشيميش كى حتى ظاهرأ بير-بير ايله توقوشما وضعيت ينده اولان و اوز ادبيات لارى ايله دنيه ك زرگرى، زنگين ساواشى ايچينده اوست مسؤل لارين بو دوزه ليشمه و آنلاشما نتيجه سينده كى ياشيل حركتينه بير پادز هر وورماق گر كلى دير تا او انفجار اجتماعى كى اتفاق دوشه بيلر خنثى انديليجى پادز هر وورولا. هر حالدا كوردوبوموز تكين جناب آقاي حسن روحانى بير سيرا ترفندلرنن عرصه يه كتير يلى و نهايت ده او نقشى كى واريدى ياخى جاسينا آيار ير قاباغا.

آمريكا سسى: سيزين فيكرينيزجه جناب حسن روحانى نين وئرديبى سوزلر او سناريونون دوغرولتوسو ايستيقامت ينده سوزلردى، يانى او سوزلرين عملى اولماغينا اينانمير سيز؟

ليسانى: جناب حسن روحانى ماهيت اولراق هئچ فرقى يوخدور. فقط شكل اولراق ده بيشيك ليك لر كورسه ده بيلر. يانى آقاي حسن روحانى دنمك اولار بير باخيمدان آقاي هاشمى و خاتمى و احمدى نژاد ين، اوچونون جمع يندن بير وجوددور. كى هر اوچونون خصوصياتين و قابليتئين داشيماق وضعيت ده دير. هم پوپوليسى و همده اصلاح طلبى شوعارلار وئر بيلر و همى ده دونيا ايله تعامل انده ك و ايچرى نى سر كوب انده ك سياستين قاباغا آيارماق دادير. اما اونلار هر تك- تكي اكر كنجميشده بونلارى بير- بيرينه قاتماياراق قاباغا آيار يديلر. ايندى جناب آقاي حسن روحانى بوتون بير- بيرينه قاتاراق و طبيعى دير كى پارادوكسيكال وضعيت گلره ك قاباغا آيار ير. بير ياندان "گفتگوى تمدن هاى" آقاي خاتمى نين داواميندا ميللت لره و اقوام لارا حقوق، باشقا يئر ده پوپوليزمى آقاي احمدى نژاددان كوتوره رك گلير بير سئرى كوتله به يه ن شوعارلار قاباغا آيار ير. گليب سئچكيلر عرفه سينده و بوردا نچه آي پئر نژادنت ليك وظيفه سين داشيماقدا اولراق بير سئرى شوعارلار وئر يير. شوعارلارى كى هله هئچ بير يميز عمل ساحه سينده كورمه ميشيك. منجه بو شوعارلار بير سوپاپ اطمينان دير تا زامان آلماق و اينسانلارين و ميللت لر ين، قازانين قباغين كوتوروب و اونون بخاريني آلماق كيمي بير شئى كوره بيليرم. اما بو آقاي روحانى نين اوستونده تفاهما يئتيشن مسؤل لار و باشداكى ليذر لر كى نجه بير پيلان و سناريو ياز يليدير و قاباغا آيار يلماق دادير سانيرام. بعضاً آشاغا دوزه بينده اوتوران مسؤل لار بونلارنان هماهنگ ليك يا بعضاً آقاي حسن روحانى نين شوعارلارينا بعضاً ده بيزيم بعضى آيدين لار يميز اينانيب و اونون شوعارلارين جيده آليب و بير سئرى نگران اولورلار. او جومله دن اورنك اوچون آنا ديلي گونو اولان توره ن لرى سر كوب انتمك نن، چير يماق نان سانير لار كى جناب آقاي حسن روحانى نين باشلادىغي بير يولون قاباغينا داش ديغير لادير لار. غافيل بوندان كى بونو آقاي حسن روحانى يوخ بلكه فشار لار و ايستك لرى كى بوتون ميللت لر طرفيندن واردى جناب آقاي حسن روحانى لرى مجبور انديب تا بير سئرى ان آزي شكلى و ظاهر ي ده اولموش اولسا سوزلرى و شوعارلارى وئر. اما امنيتى گوج لر و آشاغيداكى دوزه يده كى مسؤل لار بو ايستك لر ين او شوعارلارين دوغرولتوسوندان نگران اولوب و بو سر كوب لارا بعضاً سانيرام اوز باشيناليقلارا ال آتير لار تا بعضى مسائل باب اولماسين و نوظفه ده بوغسون لار تا بو ايشلرين قاباغين آلا بيلسين لر.

من سوندا بونو عرض ائله ييم كى بو آنا ديلي گونو و بونا تاي گننل ميللى مسائل لر خصوصاً آنا ديلي گونونده اولان مراسيم لر بيزه كورسه تدى كى بوتون سليقه لر ين تفاوتونا رغماً بيزيم فعال لار و اينسان

لاريميز تامام اختلاف و سليقه لرین گوز آردی ائده رک بير يئره توپلاشيپ و هر زامان بير بؤيوك ايش باشار ماغا قاديرديلر. بوتون گروه لاريميزدان، تشکيلات لاريميزدان، جريان لاريميزدان و فردلر لاريميزدن ديققت ائله سز بو مراسيم لرده اولوبلار، وارديلار و گلجک ده ده اولاجاق لار. يانی گروه لاريميز، تشکل لاريميز، شخص لاريميز و جريان لاريميز کی حرکت ميللی آذربايجان دا بير مقدس هدف دوغرولتوسوندا ايره لی له بيرلر، بونلار بير يوموروغون بارماق لاريديلار. بونو هم دوستلار انشيتسين لر سئوين سينلر همده دوشمنی کی بیزی اؤزونه دوشمن بيلير انشيتسين و دؤيونسون.

آچيقلاما :

بو دانيشيق آمريکا سسی ايله ۱۳۹۲-ينجی ايلين دونيا آنا ديلي گونواهر شهرينده توتوقلانيپ و آزادليغا چيخاندا سونراکی دانيشيغا عاييد دير.

آزادلیق رادیوسو ایله آنا دیلی گونو فعالیت لرله باغلی توتوقلانیب شرطی آزادلیغا چیخاندان سونرا آپاردیغی دانیشیق :

آزادلیق رادیوسو: عابباس بی نجه اولموشدور کی سیزی توتوب حبس ائتمیشدیلر؟
لیسانی: اهرده فعاللارین بیرینین ائوینده آنا دیلینه گۆره بیر مراسیم قورولاراق تدبیر سیز و مجوز سیز
هجوم اندیب بیزی توتدولار. فعاللاردان سانیرام ۶۰ نفردن آرتیق واریدیر.

آزادلیق رادیوسو: بوراخیلانلار ایندی بونلاردان واردی؟
لیسانی: هامیسی بوراخیلیب دیر.

آزادلیق رادیوسو: نه یه گورا توتدولار عابباس بی؟
لیسانی: آنا دیلینه گۆره. آنا دیلینه گۆره کی مراسیم واریدی و آنا دیل ایستک لرین اوردایله گتیرمک و
نهایت ده آنا دیلی ده یرله ندیرمه سینده علمی مباحیثه لر اولدوغونا گورا گلدیلر و توتدولار.

آزادلیق رادیوسو: حاضیردا نجه دیر تورک دیلینین وضعیتی اوردای؟ کوتله آراسیندا معلوم دور کی آدام
لار دانیشیرلار. دؤولت باخیمیندان؟ ایران سفیرلی یی ده بوردا دئییردی کی آذربایجان دیلی اوچون
آرتیق مکتب لرده یول آچیلیر؟
لیسانی: تأسوفله یالان دئییب لر. قزنت ژورنال لار و اؤیرنجی سل ژورنال لار چیخیر آما اودا بیر
خاص بیر کانال ایچینده.

آزادلیق رادیوسو: نجه بیلیر سیز بیر نجه دؤورون سونرا آنا دیل اینکیشافی مومکون دور؟ ایندی
بونون اوچون نه ائتمک لازیم دیر؟
لیسانی: البته منطیقی سی بودور کی اؤز آنا یاساسیندا اولان اصول لاری رعایت ائله یه او جمله دن
۱۵-ینجی اصلی ان آزی ایراندا یاشایان میللت لرین آنا دیلینه حؤرمه قایل اولاراق بو مسئله نین ایره
لی لنمه بینه و اینکیشافینا زمینه یارادا. تأسوفله هله ده بونا دار باخیلیر. گۆردویوز کیمی دونیالیق آنا دیلی
گونونده اینسانلاری توتوب، ووروب و ایشکنجه اندیرلر. نییه کی سیز آنا دیلیزی تحصیل ائتمک ایسته
بیرسیر.

آزادلیق رادیوسو: عابباس بی سیز و توتولان دیگر دوستلارا ایشکنجه اولدومو؟
لیسانی: اولوبدور. اونا خاطر بیز بیر یازی یازمیشیق.

آزادلیق رادیوسو: هانسی شیکنجه لردن ایستیفاده اندیردیلر؟
لیسانی: هم جیسمی و همده پسیکولوژیک و سایکولوژیک.

آزادلیق رادیوسو: عابباس بی ایندی آرتیق ائوینیزده سینیز. نجه دفعه لرنن حبس اولونوب
چیخمیسینیز؟

لیسانی: تا وطنده، توپراغیمیزدا و آذربایجاندا آنا دیلیمیز و اینسان حاقلاریمیز آزاد اولمایینجا بیزیم
ائشیکده، عاییله ایچینده اولماغیمیزین آنلامی یوخدور. من اؤز پاییمای عرض اندیرم منیم اصل راحت
چیلیغیم دوستاغین ایچینده دیر. اوندادیر کی ان آزی عذاب وجدان چکمیرم. دیلیم و هر بیر زادیم اسارنده
اولاراق، اؤزوم ظاهیری بیر آزادلیقدان برخوردار اولورام. آنجاق کسینلیکله اسارت ده بیک.

آزادلیق رادیوسو: باکی یا کلمک پیلانیز یوخدور؟

لیسانی: چوخ گؤیلوم ایستیر وطنیمین بوتون اوجقارلارین گزه م. او طرفله ده گلم. ولی تأسوفله چوخ ندن لره گؤره هله مصلحت بیلیمیره م. بیر بالاجا آتدیمیزی اویانا آتماق برابردی چوخ بیزه انگ وورماقلارلا.

سون.

آچیقلاما :

۱۳۹۲/۱۱/۱-ینجی گونونده (فوریه نین ۲۱) "اھر" شهرینده دونیا آنا دیلی گونو موناسیبت ایله توره ن قورولموشدور کی سونوجدا امنیتی قوه لر واسیطه سی ایله هجوم انده رک او توپلانتي دا حضور تاپان میلی و مدنی فعالار توتوقلادیلار او توقلانلارین ایچریسینده اولان عابباس بی لسانی جینابلاری مارتین ۵-ینده شرطی آزادلیغا چیخاندان سونرا آزادلیق رادیوسونا او باره ده معلومات وئریر.

آمریکا سسی ایله اردبیل محکمه سیندن آچیق محکمه قراری ایسته دییی اوچون آپاردیغی دانیشیق :

آمریکا سسی: دیرلی دینله ین لر گوننی لی تانیمیش فعال و سابق سیاسی محبوس دفعه لر له زیندانلار دا اوچمله دن اردبیل ، اهر و یزد شهرلرینده ساخلانیلیب دیر. عابباس لیسانی یننه ده دولایی محکمه لرده محاکمه سی اولاجاق. بو سئری عابباس لیسانی مکتوب یازاراق محکمه نین آچیق کنچیریلمه سینی ایسته ییب و آچیق کنچیریلمه سه او محکمه یه قاتیلماغینی دنییب دیر. بیز بو گون اردبیل دن عابباس بی لیسانی یه باغلانمیشیق و اونون محاکمه لری حاقیندا دانیشاجاییق. همچنین اوتن گونلرده عابباس بی ین اوغلونودا تهلوکه سیزلیک ایداره سینه چاغیرمیش دیلار. اونون دا حاقیندا سوروشاجاییق. اونون عاییله عضولرینی نه اوچون چاغیریب لار.

آمریکا سسی: عابباس بی خوش گوردوک. من انله ایسته بیردیم اونجه دن بو محکمه کی واردی و سیزی محاکمه انده جک لر او محاکمه نین موضوع سو حاقیندا دانیشاسینیز. سونرا سیزین یو یازدیغیز مکتوبا اشاره انده ک ؟

لیسانی: من هر نه دن اونجه سلام عرض انله بیرم بوتون دینله بیجی لره و تشکور انله بیرم کی بو فرصتی منه وئریب سیز. بو محکمه ۱۳۹۰ دا شهریور آییندا اورمو گولونه اعتراض اولاراق اردبیل ده بیر سیرا بیانیه لر یاییلیب و اینسانلار خییوانا دعوت اولونموشدو. او مسئله ده تقریباً ۱۶۰ نفر توتولان اولدو. اونوندا بیری بنده اولاراق مختلف پرونده لر اولوب و گلیب قورتاریب. آنجاق بیزیمکی سورونوب و اوزانیر.

آمریکا سسی: اتهام بللی می ؟

لیسانی: تقریباً پرونده نین سئیرینده اورمو گولو کولگه آلتیندا قالب دیر. دئمک اولونار اورمو گولو مطرح اولونمور. کئچمیشده بیر سیرا گورونن ایشلر کی اونلارین دادگاه یندا اولونموشوق و حؤکم وئریلیب دیر و ظاهراً اولارین عینینه جزالاندریلیمیشیق دا. او پرونده لر یئرینده قالب دیر. بیر سیرا یازی لار گئیریپ لر قاباغا. مجازی فسادا و حقیقی فسادا. اصلینده اورمو گولو مطرح اولونمور و پرونده آیری جوره چئویریلیب و آیری جوره سونوج لاندیرماغا ساری آپارماقدادیلار.

آمریکا سسی: سیز مکتوبوزدا اشاره اندیب سینیز کی آچیق محکمه سیزین حاقینیزدی. و اوردا بیر سیرا ماده لره اورنک اوچون ایران آنا یاساسی نین ۱۶۸-ینجی ماده سینه اشاره اندیب سیز و ایسته ییب سینیز کی بو محکمه آچیق کنچیریلسین. تام اولاراق مومکون اولسا انله ایسته یینیز ندیر او مکتوبدا، اونو اونجه آچیقلا یاسینیز؟

لیسانی: بو ایلین، تیر آیینین ۱۹ - دا من بو مکتوبون بیرینجی سین اصلینده لایحه، بیرینجی شعبه یه دادگاه انقلاب دا وئردیم. اوندا گننیش آچیقلامیشام کی من بوندان سونرا داها علنی محکمه و هئیت منصفه نین حضورو اولمادیغی شراییطده هئج بیر باغلی قاپیلی دادگاه لاردا حاضر اولمایاچام. کی بیز مکتوبوموز وئردیک و سوال لارا جاواب وئرمه دیک. دادگاه اولمادی و نهایت ده بیزیم قانون چارچوبوندا انتظاریمیز واریدیر بیر هفته یه قدر حؤکم وئریله و غیابی بیر حؤکم اولاجاغیدی اوزلرینه ربطی واریدی. آنجاق حؤکم وئریلمه یه رک نئجه آیلاردان سونرا الان هامان پرونده یه چاغریلیمیشیق.

یانی بو گون اوچ ایلیدی. کچن بنش - آلتی گون بوندان اونجه کچمیشده کی لایحه یه ایشاره انده رک هامان دلیل لری یئنی دن ایشاره انتدیم کی بو علنی دادگاه منیم مدنی و شهروندی حاقیم دیر. من دوسلاریمیزا بیرینجی دفعه یئتیردیم نماینده دادستان و مدعی العموم اورادیدی بویوردولار کی حاشیه یاراتماق ایسته بیرسن. دندیم کی یوخ. حاشیه دنیلل بو عین متن دیر. اگر بیز قانون چرچیوه سی ایله آتدیغیمیز آتدیم لاری حاشیه حنساب لاساز تأسوف لر اولسون. او ادعالار کی ایل لر بویو میلی فعال لارین علییهه واردیر کی هارا باغلی دیر و باشقا زادلار . بو گونلر قاپیلار آچیلین و بیز آچیق بیر محکمه ده اولاق و بیزیم نه اولدوغوموزو اینسان لار هامی سی بیلین. بیز اگر سؤزوموزده و ایسته بیمیزده منطبق یوخدور و دوغرو حاقلاریمیزی ایسته مک حالیندا دئییلیک و باشقا بیر مسئله لر وار آرادا، آچین قاپی لاری آزاد خبرنگار لار ایله قزئته چیلر گلکین، عموم مردم و هئیت منصفه اولسون و محکمه اولونسون. ندن چکینیریک؟

اگر هارالارا باغلی بیق آچین اووجوموز اوخونسون.

آمریکا سسی: سیز کچمیشده ده محکمه ده تورکجه دانیشماق ایسته دیبیز اوچون دیلماج ایسته میشیدیز آجاق سیزجه بو ایستکلی اوز تجروبه لریزنن آیدین لاشدیرین نجه نتیجه آلیب و نجه دوشونورسونوز؟

لیسانی: هر بیر اولکه نین بیر شهروندی طبیعی دیر کی اوز حاق و حقوق لارینی تانیمالی دیر. خصوصی ایله آیدین اینسان لارا داها آرتیق اوز حق و حقوق لاریندان دفاع انده لر. اگر بیز بیر شهروند اولاراق بوتون تضییق لره، زوراکلی لیق لارا و باسقی لارا باخمایاراق بو جرأتی اوزوموزه وئرمیشیک کی بو میللتیمیزین حق و حقوق لارین ساووناق. ندن بیزیم قولوموزا بیلکلیک وورولاندان سونرا او حقلی اعتراض روحوموز اونودوب و لاک دیفاعی یه یانی اوز قینیمیزا گیریب ویانی صیرف اوزوموزو ساوونماغا گیریریک؟ اودا نه حالدا؟ اودا مظلومانه .

بیر فعال اولاراق من اوز پاییمما شخصاً بو گونه قدر قولوما بیلکلیک وورولان زاماندان اوزومه داها آرتیق مسؤلیت حفظی تانیمیشام و مبارزه نین باشقا فازینا گیرمیشم. بیزیم قولوموزا بیلکلیک وورولاندان سونرادیرکی تزه مرحله موباریزه میز باشلانیر. بیز اگر خییاوانلاردا، مؤیدانلاردا، مجازی فسادا هر زمان میللتیمیزین حقین هایقیرماقداییق نه دن او ابتدایی و وضع اولونموش حق لریمیزی کی بیر شهروند اولاراق بیزه ده شامل دیر اولاری اونودوب و یادیمیزدان چیخاردیریق. بعضاً بعضی اینسان لار بئله سانیرلار کی گوده گلکم لری ایله از ضربه و اینجی دیله جک لر، منیم یادیمما بیر زاد سالیر. بیر ناشی دؤیوشچویه بنزه بیر کی دؤیوش مؤیدانیندا حریقی نین ضربه لرین دوزگون ساوونمور و اوزوندن یاخجی دفاع انتمیر و وورمور کی نه اولاجاق داها او منی برک وورار. نتیجه بو اولور کی بو اوزون دایاندراراق یانی خودسانسوری انده رک، نهایت ده حریف بونو ناک اوت اندیر.

خیر قارداشیم. بیز بوتون ظرفیت لر کی آنا یاسا و باشقا قانونلار بیزه او حقی وئریر ان آزی حاکیمیتین چارچوبوندا بونلار وضع اولونوبدور، بیز بو ظرفیت لردن نهایت استفاده نی ائله مه لی بیک. اگر بو گونلر مملکت ده "امر به معروف و نهی از منکر" مسئله سی قاباغا گنڈیر. بیز او قاضی نی معروفاً امر ائله مه لی بیک یانی قانون مدارلیغا و قانون سیندیرماقدان اوزاقلاشدیرمالی بیق. منکر دن ده نهی ائله مه لی بیک. بو بیزیم میلی فعال اولاراق وظیفه میزدیر. من مطمئنم اولار کی احساس ائله بیرلر گوده گلکسک ضربه لر ضعیف اولار و تصمیم گیری لرده مؤعجوزه باش وئر بیز قورتاراق. من اوز تجروبه لریمه دایاناراق عرض ائله بیرم کی بو یالنیش بیر دوشونجه دیر. نجه کی عکسینه چئوریلیر، اینسان لار نوقطه مقابلی سینمیش حیس انده نده داها ازیر تا داها باشین قالدیرماسین.

آمریکا سسی: سیز عابباس بی باشینیزا گلن لری گونده مه گتیریب سینیز و اونلارا اعتراض ائتمه ک له اونلارین خبرین ده یاییب سینیز بو خصوص دا نه دئییر سینیز؟ سیزین فیکرینیزجه محبوس لارین خبر یاییملانماسی نه قدیر اونملی دیر؟

لیسانی: کسینلیک له اگر بیز بیرینجی بیر میللتین حق و حقوقوندان دفاع ائتمک وضعیتینده بیک. بو حقی ده اوزوموزه تانیمالیبیک کی بو یولدا هر بیر ایتیفاقا و باسقی یا معروض قالاندا میللتیمیزینده خبری اولسون. بیز هنج آشامادا میللتیمیزنن ایریلمامالی ییق. بیز شفاف و آیدین داورانمالی ییق. بیزی شیکنجه ائده نلر و حاقلی سوزلریمیزی آیقلایب کئچن لر همیشه توصیه لری بودور کی خبری دئمه یین. فلان خبرگزاری لره دئیین بیزیم خبریمیزی وورماسین لار. بو توصیه لری قبول ائتمک یانی اوزوموزو خودزنی مرحله سینه آپارماقدان باشقا بیر زاد دئییل. اونون گویلو ایسته بیر سنی بوغا، خفه له په و هر جوره سنین حق و حقوق لاریوی آرادان آپارا تا سنین سسین هنج یئره چیخمایا.

بو گونلر هانسی عصرده یاشاییریق بیز. اگر او کی ایسته میر خبری یاییلمایا و بیر زیندانی نین خبری گئتمه په بیرینجی ظولم ائله مه سین و ظولمو تعطیل ائتسین و عدالت لی داورانسین، مطمئن اولسون کی او خبرلری کی اونو ناراحات ائدن دی گئتمه په جک.

آمریکا سسی: اوغونوزو تهلوکه سیزلیک قوروملارینین هانسی سی و نییه چاغیریب ؟
لیسانی: من اوزوم ائوده یوخ ایدم اما خبریم اولدو کی ائوه زنگ ووروب لار و حیات یولداشیم جاواب وئریب دی. اوختایی ایسته ییب لر کی ایداره اطلاعاتا گلسین. سونرا رقیه خانیم دئییب دیر کی اگر غیرقانونی بیر ایش گوروبسه حکم قضایی ایله گلین آپارین. بودا باشقا توتولان لارین بیر تای.

من بونودا عرض ائله ییم هنج کیمسه اوزونه اجازه وئرمه سین کی غیرقانونی ایستک لره بویون بورسون. احضار تلفنی غیرقانونی دیر. خصوصاً اداره اطلاعات طرفیندن. بونا بویون قویان فعاللاریمیز منجه ضعیف بیر موضع ده قرار وئریرلر و ضعیف موضع ده اولان دا نقطه مقابل سوء استفاده ائله مه دیبینی ائلییه جک.

سون سوز اولاراق رجاء اندیرم دوسلاردان و فعال لاردان کی میلی حرکتیمیز حاقلی بیر حرکت دیر. حاقلی ایستکلری وار. بوندان هنج چکیمه مه لی بیک. اگر اوزوموزو حاقل تانیبیریق و مئیدانا گیرمیشیک و هر بیر زادیمیزدان کئچمه په حاضر اولموشوقسا آتدیم لاریمیزیدا اونا اویغون و مؤحکم آتاق. هزینه دن چکیمه یک. مبارزه نین هزینه سی وار.

او دیسکورس کی تأسوفله بو نچه ایل لرده چالیشیلدی حرکت حاکیم اولا بعضی لایه لرده تأثیرین قویبودور. بوندان اولماز. بو نوع داورانیش و مبارزه ایله کی بیر سیرا دوست لاریمیز توتوبدور بوندان میلی حاقل لاری آلا بیلیمه ریک. نه تکجه بلکه اوزوموزده بعضی شراییط لرده اولاندا اوز شخصی حاقل لاریمیزادا بییه لنه بیلیمه ریک. روح مبارزه، میلی حرکت ده دیرچلمه لیدیر. عین عقل و عقلانیت دی میللتین حاقلیدان دفاع ائتمک. عین عقل و عقلانیت دیر میللت و حقیقت و عدالته خاطر اولمک. بیز نه دن چکینیریک. نه اتفاق دوشوب. بو اندازه اینجه لیک بعضی لایه لرده حرکت ده تبدیل اولوب تأسوفله گفتمان حرکت، هژمونی ی- گفتمانی په. بو خطرناک بیر وضعیت دیر. میلی روح اویانماق اوچون میلی مبارز لر ایسته بیر. روحلو مبارز لر ایسته بیر کی میللتی اویادا و میللتی دیرچلده و میللتی ان چتینلیک لره اوز آزادلیغینا خاطر دوزمه په ایاق اوسته قالدیرا. بوندان باشقا اولماز. میلی فعال بیر میللتی دیرچلده جک.

یولداشلار غرق اولمایاق مجازی فسادا. مجازی فضا چوخ گوزل دیر. چاغیمیزین تکنولوژیسی و بیر حیاتی مسئله سی دیر. آما اونون اوزونه اوزگور بیر ایشلری وار. اوتنان میللتی اوپادا بیلمه ریک. میللت نن فاصله آچمایاق.

بو میللتین سیزین تکین آیدین و دیره نیش گوجو اولان اینسان لارا احتیاجی وار. لوظفا و لوظفا بؤرکوموزو قاضی ائده ک و اوزوموزن دوشونک. کیمسه هزینه وئرمه یه مئیدانا گیرمه ییب. آما ایش گورن لره هزینه تحمیل اولور. بیر زمان بیزیم گنج لریمیز زیندانا دوشنده بعضی دوسلار کی دوست آدی دییه بیلمه یینه دای چکینیرم بعضی یئرلردن سو ایچیب و خط آلیب لار، دندیلر فلان گنجین یا فلان کسین عشق زیندانی وار. کیمین عشق زیندانی اولا بیلر؟ هانسی گنج بو چاغدا اوزون حصارا سالماغا عشقی اولا بیلر؟ یوخ. او آزادلیق اوغروندا بیر گنج و بیر اینسان دیر کی اوز آزادلیغین قوربان وئریر تا میللتی آزادلیغا چاتسین. سنین تحقیر آمیز باخماغین منجه زامانی یئتیشیدیر کی بو جور روحدان سارسیلدیجی و سست-آلیدیجی ادبیات قینانیلا. بعضی مسائل لر بیزی چؤکومتکده دیر. سئوینج یئری بودورکی حرکت ابتر دئییل و دوغماقدادیر. اگر دوغماسایدی بیز فلاکت ده ییدیک. سئویندیجی بودورکی یئنی گنج لریمیز اورتایا چیخیب و چکیمه دن هر نه ایشی کی میللتینه خاطر لازیم دیر آتیرلار. آما او بیر لایه یی کی بعضی سست عنصر اینسانلارین توسط ایله سم پاشلیق اولوندو و بئیین لری یویولدو و اوزلرین چکدیلر قیراغا تا عاقیبت ده قالیب او زمان نلر گلنده نه منه لر اولالار. کی بوردا رحمت لیک صابیرین شعری یادیم سالییر.

دینمه – دانیشما یات بالا

آرخا سو دولماییب هله

سن دئیه ن اولماییب هله

بو ادبیات لا مئیدانا چیخان یولداش لاریمیز بیر داها فیکیرلشسینلر. بو گنج لری سست- آلتماسین لار. بو اینسان لاریمیزی روحدان سالماسین لار. بو آذربایجانین سون ساواشی دیر. بو ساواشدا یاخچی عسگر و ساواشچی اولمایان لوظفا و لوظفا دوشونسون و اوز یئرین تانیسین و اوز یئرین تاپسین.

آچیقلاما :

بو دانیشیق عابباس بی لیسانی جیناب لارینین اردبیل محکمه سیندن آچیق محکمه ایسته دیینه عابید اولونور.



محکمه یازی لاری

متن اعتراضیه عباس لسانی به احکام دادگاه کلیبر

بگذار برای جهان ثابت شود:
درايران ملتی را به جرم تورک بودن،
تورکی صحبت کردن و تورکی نوشتن
تحت انواعی از مظالم قرار میدهند !

بسمه تعالی ۱۱ / ۷ / ۱۳۸۴
اعتراضیه ؛

ریاست محترم دادگاه تجدید نظر استان آذربایجان شرقی

با سلام:

احتراماً اینجانب عباس لسانی نسبت به دادنامه شماره ۶-۸۴/۶/۹ که در آن به اتهام تبلیغ علیه نظام مستنداً به ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی به تحمل یک سال حبس محکوم شده ام معترض بوده و به دلایل ذیل تقاضای رسیدگی مجدد و نقض دادنامه صادره را دارم.

۱- همانطور که می دانید جرم مورد نظر قانونگذار در ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی در دو حالت محقق می شود:

الف - انجام فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران

ب - تبلیغ به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام

بنابر این در هر دو حالت مخالفت با نظام نقش اساسی در تحقق جرم مورد نظر را دارد. اما بی تردید مخالفت با نظام به هر گونه انتقاد و یا مخالفتی نمی تواند اطلاق شود. در واقع آن نوع مخالفتی مورد نظر قانونگذاری باشد که به قصد براندازی و یا در حد و اندازه براندازی باشد به طوری که در نتیجه آن اعمال مجرمانه، حداقل یکی از ارکان نظام مورد تردید و یا انکار واقع شود لهذا قاضی صادر کننده حکم بدون لحاظ نظر قانونگذار و بدون تعیین اینکه کدامین عمل من موجب براندازی بوده اقدام به انشاء رای نموده است.

همچنین اگر قاضی محترم نظر به شق دوم ماده ۵۰۰ داشته، حداقل انتظار این می باشد که گروه و یا حزب مورد نظر را اعلام نمایند، مخالف بودن آن گروه یا حزب را با نظام احراز و در نهایت فعالیت تبلیغی اینجانب به نفع آن گروه و یا حزب را هم با دلایل مستند اثبات کنند، این در حالی است که چنین حزب و گروهی وجود خارجی ندارد و ضمناً بنده یک فرد کاملاً مستقل بوده و به هیچ حزب و دسته ای وابستگی ندارم .

۲- قاضی صادر کننده رای، دفاع کتبی به زبان ترکی (زبان ملی و مادریم) توسط اینجانب را بهترین دلیل مجرمیت من قلمداد نموده است. این موضوع نه تنها داخل حوزه ی عناوین مجرمانه نیست بلکه مجرمانه نگاه کردن به زبان ملی و مادری یک فرد، خود نقض بارز حقوق بنیادین و انسانی آن متهم و نیز اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می باشد.

۳- همانطوریکه مستحضرید اینجانب در راه استیفای حقوق فرهنگی و اساسی خود بارها از طرف محاکم قضایی تحت تعقیب قرار گرفته ام و به خاطر این مساعی، احکام متعددی اعم از مجرمیت و یا برائت در خصوص من صادر شده است لذا با لحاظ احکام سابق، صدور حکم محکومیت توسط شعبه یکم دادگاه انقلاب اسلامی کلیبر خالی از وجهه قانونی بوده

است و در واقع مستنداً به بند پنجم ماده ۶ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری اعتبار امر مختومه را پیدا نموده است. لذا از آن مقام محترم قضایی صدور قرار موقوفی تعقیب مورد درخواست می باشد.

۴- اگر مسئولین محترم قضایی اعتقاد به اعتبار امر مختومه در مانحن فیه را ندارند قطعاً امر داخل در نهاد کیفری تعدد جرم موضوع قسمت آخر ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی می باشد. در مورد تعدد جرم هرگاه جرائم ارتكابی مختلف باشد برای هر یک از جرائم مجازات جداگانه تعیین شود و اگر مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین می گردد و در این قسمت تعدد جرم می تواند از علل مشدده کیفر باشد... لذا نظر به اینکه برای اینجانب به خاطر همین اتهام و به اتهام تبانی جهت بر هم زدن امنیت ملی و به جهت همین اعمال از طرف دادگاه انقلاب اردبیل شعبه اول، یک بار حکم برائت و بار دوم یک سال حبس در تبعید (شهرستان مسجد سلیمان!) تعیین گردیده، لذا صدور حکم یک سال حبس مجدد به خاطر همین اتهام خالی از وجاهت قانونی است. به این ترتیب از آن مقام محترم قضایی تجمیع آرا و صدور حکم واحد و نهایت برائت اینجانب مستنداً به ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و رای شماره ۶۳۱-۲۴/۱۳۷۸/۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مورد درخواست می باشد.

حال پس از اعتراض و دفاع حقوقی بر حکمی کاملاً سیاسی و غیر حقوقی، تلاش خواهم نمود هر چند به اختصار نگاهی ماهوی بر حکم صادره توسط شعبه اول دادگاه عمومی کلبر داشته باشم:

الف - شرکت در تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران با عنایت به مجموع اوراق و محتویات پرونده، گزارش معاونت اطلاعات هنگ مرزی کلبر!

همانطور که می دانید سالهاست اتهام فوق الذکر علی رغم فقد مصادیق مادی (عملی) و معنوی (نیت) آن در حرکت ملی آذربایجان، تاکنون دست آویز احکام سیاسی صادره برای اکثر فعالین مدافع حقوق مدنی ملت آذربایجان بوده است. هر چند که در هر فرصتی اعلام نموده ایم که حرکت ما ماهیتاً نه با حاکمیت نظام موجود بلکه با شوونیزم جاهل و جاعل آریایی- فارسی رودر رو است که متأسفانه در برخی از مراکز نظام لانه کرده است. این گفته نه یک موضع گیری ظاهری و یا تاکتیکی بلکه جزئی از استراتژیهای حرکت ملی آذربایجان است و طبعاً گفته بدان معنا نیست که صد در صد سیستم موجود مورد تأیید ما می باشد.

چگونه می شود سیستمی را مورد تأیید صد درصد قرار داد در حالی که نه تنها از اجرای برخی از اساسی ترین قوانین خود سر باز می زند و از شنیدن آن وحشت دارد بلکه خواستاران اجرای اصول آن را با بهانه های مختلف تحت تعقیب قرار می دهد. گواه این مدعا صدور احکام صادره از طرف دادگاههای مختلف بخصوص دادگاه کلبر می باشد که در این اواخر حکم های فله ای بر علیه فعالین حرکت ملی آذربایجان صادر نموده است.

با لحاظ تجربیات روند سیر تاریخ بشر و اصول تقریبی حاکم بر علم جامعه شناسی، اصل به اثبات رسیده ای وجود دارد و آن این که دول مسلط بر هر جامعه به صورت نسبی حاملان بار فرهنگی، عقیدتی همان جوامع می باشند. یعنی اگر امروز سیستم حاکم موضع گیری های شوونستی در قبال ملل غیر فارس از خود نشان می دهد نتیجه اعمال سیاست آسمیلاسیون و آپارتاید فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هشتاد سال گذشته در این سرزمین است که امروزه بصورت مکانیزمی خودکار و درون سیستمی ظهور و عمل می کند.

بلا شک تا وقتی که از یک طرف ملت در اقلیت فارس به دلیل امتیازات اعطایی و زاینده تبعیض، خود را برتر (حاکم) و از طرف دیگر ملل در اکثریت غیر فارس به جهت محرومیت های اعمالی حاکمان، منزلت خود را فروتر (محکوم) بدانند، مسئله ی غیر قابل تحمل موجود، لاینحل تر و بارزتر از گذشته خواهد شد و به خاطر مداومت دوران چرخهای کارخانه جهل و جعل شوونیسیم و وهم و وهن فاشیسم، تلقی مصنوع و مذموم امتیازات، حق من فارس و محرومیتها، حق تو غیر فارس!، بصورت سلسله ای از اباطیل ادامه خواهد یافت.

ب- تحقیقات معموله از ناحیه مرجع انتظامی، گزارشهای مورخ ۱۶/۱۵-۸۴/۴/۴ معاون اطلاعات نیروی انتظامی مضبوط در صفحات ۸۳ و ۹۷ اقرار متهم در تحقیقات مقدماتی کیفر خواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب، ... همانطور که در این قسمت از دادنامه ملاحظه می فرمایید با کلی گویی و بدون اشاره دقیق به محل و زمان دست گیری، نوع جرم و اسناد و مدارک اثبات جرم، تنها به تحقیقات و گزارشهای مرجع انتظامی آن هم بدون کوچکترین اشاره ای به جزئیات آن اکتفا شده است.

لازم به ذکر است اینجانب در مورخ ۸۴/۴/۹ ساعت ۵ عصر در مقابل هتل بابک بدون ارائه حکم جلب و تفهیم اتهام بدنبال محاصره نیروهای بی شماری اعم از بسیجی و انتظامی و ضد شورش، توسط افراد لباس شخصی به زور ربوده شدم و در اعتراض به این عمل غیر قانونی از لحظه ی بازداشت دست به اعتصاب غذا زده و به هیچ نوع بازجویی جواب نداده ام.

حال در اینجا این سؤال پیش می آید آیا مرجعی که اعمالی کاملاً غیر قانونی را در حین بازداشت اینجانب شاهد و حتی مطیع دستورات سیاسی آنان بوده است مرجعی قابل اعتماد، موثق و حقوقی می تواند باشد؟ و آیا صرف حضور در مکانی (همچون قلعه بابک) که هیچ نوع ممنوعیت قانونی ندارد جرم تلقی میشود!؟

و اما در رابطه با شق دوم این قسمت از اتهامات باید بگویم: خواستهای ما حق است و قانونی و هیچ دلیلی بر انکار آن نمی بینم و طبیعتاً مطالبات شفاف مبارزات شفاف می طلبد و اگر قاضی صادر کننده رای آن را اقرار می نامد، مختار است!

ج- وجود سوابق متعدد فعالانه ردیف اول در تحریک و تشویش اذهان عمومی و تبلیغ علیه نظام توجّهاً" به لوایح ارسالی از زندان توسط متهم ردیف اول و مفاد لوایح ارسالی مؤید اقرار وی به ارتکاب بزه موصوف داشته ...

بعد از ربوده شدن و حبس در سلول و افتخار حضور و همراهی با حدود ۱۰۰ نفر از فرزندان پاک و غیور آذربایجان و گذراندن ۲۸ ساعت با آن عزیزان، در دادگستری کلیر در اتاق بازپرسی مورد بازجویی قرار گرفتم، جالب آن بود بازپرس جوان به جای تفهیم اتهام، از من سؤال نمود که به چه علت بازداشت شده ام؟ من که به سختی توانسته بودم جلو خنده ام را بگیرم، گفتم: این شماست که باید جواب این سؤال را بدهید یعنی باید قبل از هر سؤالی به متهم تفهیم اتهام نمایم، متأسفانه یا خوشبختانه علی رغم اسرار اینجانب بر این مهم، ایشان نتوانستند اتهامی مطابق قانون برای اینجانب دست و پا کنند و از من خواستند تا چند دقیقه ای در بیرون اتاق منتظر باشم!

(البته این نه تقصیر ایشان، بلکه قصور آنانی بود که پرونده ای ساختگی و بی اساس را به باز پرس جوان و بی تجربه ای محول نموده بودند!)

بعد از آنکه بازپرس جوان دو باره مرا به اتاق بازپرسی دعوت کرد ظاهراً توانسته بودند اتهامی هر چند مضحک برای من دست و پا کنند؛ به این ترتیب: "طبق گزارش مراجع امنیتی انتظامی شما عنصری نامطلوب و حضورتان در قلعه بابک موجب تحریک و تشویش اذهان عمومی میباشد"

با خود گفتم باللعجب از این قبیل اتهامات! سؤال نمودم: آیا عنصر نامطلوب بودن بر پیشانی من نوشته شده است؟! هم اینکه در کدام دادگاه صالحه ای این حکم کذایی بر علیه من صادر شده است؟! ...

و باز متأسفانه جوابی منطقی و محکمه پسند نشنیده و ادامه دادم که من در گذشته فعالیتهای قانونی متعددی در راستای احقاق حقوق ملت آذربایجان انجام داده ام و پرونده های متنوعی در این رابطه بصورت مفتوح دارم و بدون شک در آینده نیز مساعی وسیعی در چهار چوب قانون خواهم داشت، حال سؤال من این است حداقل امروز که هیچ فعل خلافی از من سر نزده، برای چه بازداشت شده و به کدامین اتهام محاکمه می شوم؟! ... که باز دریغ از یک جواب منطقی. و اکنون با کمال تعجب باز همان اتهامات (تحریک و تشویش اذهان عمومی) را در رای صادره می بینیم بدون آنکه اشاره ای به نحوه ی ارتکاب این اعمال توسط این جانب شده باشد.

د- شیوه تقریر دفاع به زبان ترکی در جلسه دادگاه توسط ردیف اول!

یکی از روشهایی که در بررسی و صدور حکم در دادگاهها برای فعالین حرکت ملی آذربایجان در گذشته به صورت سیستماتیک اعمال می شد، تبلیغ اتهاماتی نامربوط و غیر کارشناسانه برای بایکوت ماهیت مطالبات ملت آذربایجان بود. خوشبختانه این "داد نامه" که بدون شک "اعترافنامه" ای بزرگ و به تبع آن موفقیتی بزرگتر برای حرکت ملی آذربایجان محسوب میشود تلالوی شعاع نوری از حقایق و وقایع تحریف ناپذیر حرکت مقدس آذربایجان از سیاه چاله های بی عدالتی است

این شعاع ظریف اما نافذ، کلیت انگها و برجسبهای ناجوانمردانه ای را که بر فرزندان پاک آذربایجان تحمیل می شد را کنار خواهد زد و بر جهانیان ثابت خواهد نمود که در ایران ملتی را به جرم تورک بودن، تورکی صحبت کردن و تورکی نوشتن تحت انواعی از مظالم اعم از شکنجه، زندان، تبعید، تحقیر و دهها روش غیر انسانی دیگر قرار داده اند تا به حیات معنوی و شاید فیزیکی آن خاتمه دهند.

مجرمانه تلقی نمودن و به تبع آن صدور حکم حبس به خاطر تکلم و تالیف به زبان ملی و مادری یک تورک آذربایجانی، بدون شک ضربه ای بیدار گر برای هر وجدان غفلت زده ای از اجتماع عدالت جوی بشری خواهد بود و نیز تبدیل به سندی غیر قابل انکار و اغماض برای مجامع مدافع حقوق بشر خواهد شد.

خلق انسان و لسان او است. شاید بتوان صدور این حکم محیرالعقول را در ردیف مجموعه ای از احکام نادر صادره در طول تاریخ بشر دانست که در تناقض کامل با مشیت الهی در

در جلسه دادگاه کلیبر جواب اولین سؤال قاضی صادر کننده حکم، آقای نعمتی که خود را تورک آستارا معرفی کرده بود را بصورت کتبی و به زبان شیرین مادریم تورکی آذربایجانی که زبان مادری قاضی و متهم بود را نوشته در مقابلش گذاشتم. بعد از مرور چند لحظه ای قاضی در آن نوشته، با کمال تعجب متوجه شدم که به یک باره رنگ رخسار قاضی سرخ، و رفته-رفته به کبودی گرایید. با مشاهده ی آن صحنه حیرت انگیز تصور نمودم که ایشان به خاطر ناتوانی در خواندن زبان مادری خود از فرط خجالت به این حالت دچار شدند، اما زمانی که قاضی سکوت خود را شکست، دریافتم که اقدام کاملاً طبیعی من وی را دستخوش تغییر اعصاب کرده است و ایشان نه از خجالت بلکه از شدت عصبانیت دچار چنین حالت غیر طبیعی شده اند!

ایشان با سخنان و حرکاتی که دور از شأن یک قاضی بود، مکرراً با لحن بسیار خشن به نوشته های تورکی من اعتراض کردند.

حال یک سؤال بسیار اساسی مطرح است که چه می شود قاضی نعمتی را؟! چه بر او رفته است که با دیدن مکتوبی از زبان مادری خود چنین بی تابی می کند؟! به کدامین علت او همانند اکثریت قریب به اتفاق اهالی تورک آستارا که در عشق و تفاخر به زبان و مدنیت تورکی و آذربایجانی بر هم سبقت می گیرند نیست؟! دلیل اجتناب او از زبان ملی-مادری خود چیست؟!

اگرچه بیشک بر قاضی نعمتی به عنوان یک تورک ایراد و انتقاد شدیدی وارد است، اما ما مواجهه بسیار منفی ایشان با زبان مادری خویش را عملی مجرمانه تلقی نمی کنیم، زیرا از نظر ما او یک قربانی است به مانند هزاران قربانی دیگر شونیسیم فارس؛ آنان قربانی صیادانی هستند که صیدهای خود را نه بر زیر ساطور سلاخی که بر تخت بردگی فکری بند می زند تا مگر بتوانند ملتی را به دست معدود فرزندان مسخ شده ی خود اسیر و تحقیر و شکنجه کنند و این شیوه صید، مکانیزم مزورانه ای است برای نابودی ملتی با تمدنی کهنتر از تاریخ!

طبعا این مسخ شدگان فریب خورده خودی، به رغم قلت تعداد، کارایی و شدت عمل بس خطرناکتری از خود شونیسیم فریبکار فارس دارند، چراکه مطابق نصایح حکیمانه پدران جهان دیده ما؛ "بالتانین سایی اوزوموزندیر." "انتظار ما از قربانیان سیاست الیناسیون و آسیمیلاسیون شونیستهای آریایی این است که تا دیر نشده به آغوش ملت خویش برگردند و اجازه ندهند دانسته یا نادانسته ابزار سرکوب و چپاول سرمایه های مادی و معنوی ملت خویش قرار گیرند. چراکه صحیح آن است اینان بقول سیدالشهدا(ع) دست کم آزاده مرد باشند.

در خاتمه چنانچه در لوایح ارسالی از زندان کلیبر عنوان نموده ام از دادگاه تجدید نظر انتظار می رود، به مصداق آیه شریفه ی فاعتبرو یا اولوا الابصار؛ باشد که عبرت گرفته و قلم عدالت را از عدل عدول ندهند چراکه در غیر این صورت به دست خود تیشه مصلحتی خواهند یافت که نه موجب تقویت اساس ملک، بلکه سبب تزلزل ارکان مملکت خواهد شد. با احترام

متن اعتراضیه عباس لسانی به حکم دادگاه انقلاب اسلامی اردبیل

بسمه تعالی

اعتراضیه

ریاست محترم دادگاه تجدید نظر استان اردبیل

با سلام:

احتراماً این جانب عباس لسانی در خصوص رای صادره برای پرونده کلاسه ۵۰۳/ش-۸۳ از طرف دادگاه انقلاب اسلامی اردبیل که با استناد به ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی و تعیین مجازات یکسال زندان و تبعید (در شهرستان مسجد سلیمان) صادر شده است را حکمی غیر حقوقی و سیاسی دانسته، معتقدم این حکم که در اصل دو نوع مجازات محسوب میشود، کاملاً غیر عادلانه بوده و فاقد پایه و اساس قانونی می باشد، که ذیلاً به استحضار میرسد:

۱- در تعریف جرم آمده است: فعل یا ترک فعلی که قانون مقرر کرده باشد و همچنین عناصر تشکیل دهنده ی جرم عبارتند از: مادی- معنوی و قانونی که فقد یا خلاء هر کدام از این عناصر مانع از اطلاق جرم بر فعل یا افعال متهم می باشد. اکنون این سؤال پیش می آید که قاضی صادر کننده حکم از کدامین اعمال و افعال فیزیکی اینجانب و با استناد بر کدامین مدارک مستند، برنیات درونی اینجانب پی برده اند و جرم تبلیغ علیه نظام را محرز و اعمال من را کاملاً منطبق با ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته است؟ این در حالی است که مفهوم صریح ماده فوق الذکر به موضوع فعالیت تبلیغی علیه نظام اشاره داشته و مجازات قانونی وقوع چنین جرمی را از سه ماه الی یک سال معین نموده است! از سوی دیگر موضوع بسیار سؤال بر انگیز، تعجب آور و تامل برانگیز در رای صادره این است که مجازات تبعید را قاضی پرونده بر کدامین جرم و با استناد بر کدام یک از مواد قانون مجازات اسلامی تعیین و اقدام بر صدور چنین حکمی نموده اند؟! که این خود مؤید بی دقتی، بی توجهی و ضعف مستندات حقوقی در رای صادره بوده و دلالت بر صدور حکم نه با تکیه بر اسناد و استدلالات که بر احساسات و استنباطات شخصی ایشان میباشد.

۲- در متن رای صادره از جمله اتهامات و موارد تلقی جرم، حضور اینجانب «در قلعه بابک، تشویق و ترغیب مردم برای حضور در قلعه بابک و تهیه انواع پلاکاردها با ابعاد مختلف به زبان تورکی و لاتین با اشعار قومگرایی و تهیه مقالات و اشعار و قطعنامه و قرائت آن در تجمع غیر قانونی قلعه بابک» آورده شده است! الف- طبق اصل بیست و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «تشکیل اجتماعات و راه پیمائیهها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است». با وجود این اصل صریح قانون اساسی و با بررسی ماهوی پرونده، فعلی که در آن مراسم دال بر اخلال در مبانی اسلام باشد به هیچ وجه مشاهده نمی شود. با این شرایط حتی حضور فعالانه در قلعه بابک نمیتواند عملی مجرمانه تلقی شود. ب- حضور خود جوش و گسترده مردمی از سالها قبل در قلعه بابک وجود دارد و بنابراین نیازی به تشویق و ترغیب فرد یا افراد ندارد، حتی اگر تشویق یا ترغیبی هم صورت گرفته باشد چون حضور در آن مکان رسماً غیر قانونی اعلام نشده است باز نمیتواند جرم محسوب شود. ج- آزادی بیان و قلم حق مسلم هر انسان است و استفاده از پلاکاردها، شعر و یا صدور قطعنامه از مصادیق بارز اعتراضات مسالمت آمیز و مدنی می باشد و استفاده از زبان های مختلف از جمله زبان ملی و مادری (تورکی آذربایجانی) هیچگونه مغایرتی با قوانین داخلی و بین المللی ندارد.

۳- از جمله اتهامات اینجانب در رای صادره «تهیه، توزیع و انتشار تقویم پان تورکیستی» بیان شده است! حال این سؤال پیش می آید علی رغم وجود اصول ۱۵ و ۱۹ مندرج در قانون اساسی و روح مساوات طلبانه حاکم بر آن، انتشار تقویم به زبان تورکی آذربایجانی که طبق آمارهای رسمی دولتی ۲۸ میلیون و آمارهای غیر دولتی اما موثق بیش از ۳۵ میلیون متکلم و در حقیقت اکثریت مطلق شهروندان کشور را در بر می گیرد، آیا می تواند عملی مجرمانه تلقی شود؟! قاضی صادر کننده رای از کدامین موارد مندرج در تقویم مذکور بر پان تورکیستی بودن آن حکم داده اند؟! نکند قاضی محترم آن چهار اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی (۹-۱۵-۱۹-۴۸) مندرج در صفحات تقویم که جهت آگاهی ملت تورک آذربایجان از حقوق قانونی خود درج شده است را خطرناک دانسته و رای بر پان تورکیستی بودن آن صادر نموده اند؟! حتی اگر تفسیر به مطلوب قاضی پرونده از آن تقویم بر فرض محال درست بوده باشد، در کجای قوانین جمهوری اسلامی تفکر پان تورکیسم به عنوان جرم تعریف شده است؟!!

۴- دیگر اتهام اینجانب در رای صادره «ارتباط نزدیک با همفکران و هواداران و تشکیل جلسات متعدد در شهرهای مختلف جهت ترویج پان تورکیست(تورکیسم)! و قوم گرایی و تجزیه طلبی و نیز ارتبات تلفنی با همفکران خود در خارج از کشور و ارسال پیامهای اینترنتی در سایتهای مربوطه» درج شده است. الف- در اصل بیست سوم قانون اساسی آمده است: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمیتوان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد» ملاحظه می فرمایید داشتن عقیده آزاد است، حال آنکه عقاید ما همان خواستههای بر حق ماست که در چهارچوب قوانین داخلی و بین المللی جزو حقوق اولیه ی بشر شناخته شده است، خواسته های ملت آذربایجان به قدری شفاف و زلال و قانونی می باشد و در مقام دفاع از آن خواسته ها شفافیت کامل وجود دارد، که این موضوع بصورت کاملاً آشکار و علنی نیز تبلیغ و ترویج میشود و نه تنها با هیچ یک از اصول شناخته شده حقوق بشر مغایرتی ندارد بلکه قسمت اعظمی از آن را شامل می شود. ب- برای اینجانب مشخص نیست که قاضی پرونده چه تعریفی از پان تورکیسم که در متن حکم به غلط پان تورکیست آورده اند، دارد؟! اگر ایشان خواستههای برحق اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی سی و پنج میلیون تورک آذربایجانی که سالهاست از حقوق اولیه انسانی خود به طور کاملاً ظالمانه محروم مانده اند را به مصلحت، ترویج پان تورکیسم می نامند پس جایگاه عدالت را در کجای مسند قضاوت می توان جستجو کرد؟! ج- در رابطه با اتهام ترویج «قوم گرایی»: باید عرض نمایم، طبق تعریف و روح حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی، «ایران کشوری است کثیرالمله»، یعنی در ایران اقوام و ملت های مختلفی زندگی می کنند. حقایق علمی و همچنین مستندات تاریخی بخوبی حکایت از آن دارند که در ایران نه اینکه قوم، بلکه ملت تورک آذربایجان زندگی میکنند، که در پهنه ی جغرافیایی و حوزه جمعیتی بسیار وسیع، وجود فرهنگی برجسته و حیات اجتماعی- سیاسی فعالی دارند. با این اوصاف اصطلاح «قوم گرایی» کارایی خود را از دست می دهد و اصطلاح «ملتچی» مناسبتر و علمی تر از آن خواهد بود، که در هیچ کجای دنیای آزاد و دمکراتیک و نیز در هیچ قانونی از قوانین آسمانی اسلام عشق به ملت، سرزمین، زبان، تاریخ و فرهنگ خودی، جرم محسوب نمی شود. د- در اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: «... هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند». اتهام تجزیه طلبی در رای صادره، بدون استناد بر کوچکترین سند و مدرکی که مصداق قانونی داشته باشد. آیا با این اصل مسلم و آشکار قانون اساسی مغایرت ندارد؟! چنانکه از مراحل اولیه این پرونده تا آخرین دفاعیاتم که بصورت کتبی در پرونده درج شده است ابراز نموده ام و باز تکرار می نمایم، تجزیه طلب نه اینجانب بلکه آمران فارس پرست مرکز نشینند که با بی توجهی بر حقیقت بزرگ، یعنی حقوق غیر قابل خدشه ملتها، خصوصاً ملت آذربایجان، کشور را در سرآشویی فروپاشی قرار داده اند و بارها گفته و نوشته ام، اگر فریاد حق طلبانه ملل ایران خصوصاً ملت تورک آذربایجان شنیده نشود، کشور ایران فرو خواهد پاشید و قطعاً مسبب اصلی آن نه ملل ستم دیده، بلکه تفکر شوونیستی، فاشیستی و مدافع آپارتاید قومی حاکم بر ارکان و نهادهای ذی مسئول کشور است. چرا که؛ الملک بیقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم!

دادگاه محترم تجدید نظر، چنانکه مستحضرید در صدور رای، عناصر جرم خصوصاً عنصر قانونی آن در نظر گرفته نشده و بدون اتکا و مجوز قرار دادن تمامی مندرجات قوانین مصوبه ی مجلس شورای اسلامی و بدون اقتناع وجدانی اقدام به صدور رای شده است. حال در اینجا این سؤال پیش می آید علت صدور چنین حکمی چه بوده است؟ شاید تلاش برای تنبیه و یا منصرف نمودن متهم پرونده و یا شاید زهرچشم گرفتن از دیگر فعالین حرکت ملی آذربایجان و یا حتی ملت آذربایجان، که ظلم را بپذیرند و دم بر نیاورند.

آنچه که مسلم است چنین تلاشی نه تنها مؤثر نخواهد بود بلکه نتیجه ای عکس خواهد داشت، گواه این مدعا پیشینه تاریخی ملت بزرگ آذربایجان است، ملتی که در طول تاریخ پر افتخار خویش بسی غیر ممکن ها را ممکن ساخت. باید به این نکته مهم توجه شود که با نادیده گرفتن حقایق و واقعیت های موجود نمی توان پرده ی کتمان را تا ابد بر روی آنان کشید. از مصادیق قابل ذکر می توان همین رای صادره از طرف دادگاه انقلاب اسلامی اردبیل را مثال آورد، رأیی که بیش از نتیجه اش، اعترافات درون آن برای اینجانب جالب توجه و مهم می نماید.

چنانکه به نظر اینجانب عنوان این نوشته را به جای «دادنامه» باید «اعتراف نامه» گذاشت، زیرا پس از گذشت سالیان دراز از فشارهای پشت پرده و آشکار (اما با برجسب و اتهامهای نامربوط که در این رای دادگاه نیز مشهود است)، به ناچار مجبور به اعترافاتی بزرگ در این حکم شده اند. آنان در گذشته تلاش داشتند قورولتای خود جوش و چند صد هزار نفری ملت تورک آذربایجان را که همه ساله در اواسط تیرماه و در سالگرد تولد قهرمان ظلم ستیز خود «بابک بزرگ» که در قلعه ی بڈ و قصر جمهور برگزار می شود، حرکتی بی هدف و تفریحی برای ملل جهان و سازمان های حقوق بشر نشان دهند، غافل از آنکه حضور ملت آذربایجان در قورولتای کبیر بابک، نتیجه ظلم و ستمی است که طی سالیان دراز بر این ملت روا داشته شده است، قورولتای بابک بغض ترکیده ملت آذربایجان است که متأسفانه به جای شنیده شدن پیامهای حق طالبانه و هویت خواهانه اش از جانب صاحبان زر و زور و تزویر تلاش برای خفه نمودن آن می شود و چه اشتباه بزرگیست! اگر بجای برخورد صحیح با حرکات مدنی ملت آذربایجان، روشهای نامعقول در پیش گرفته شود، با چشمان خود روزی را می بینم که با وزیدن کوچکترین نسیم موافقی، خاکستر از روی آتش زده و آتشفشان عظیم ملت آذربایجان سر بر خواهد آورد و آن روز کاخهای ظلم و تبعیض و آپارتاید فرو خواهد ریخت.

- استفاده از اصطلاحات پان تورکیسم و تجزیه طلب در متن حکم صادره بیش از آنکه هزینه ای را بر حرکت ملی آذربایجان تحمیل کند، علیرغم بایکوت و کتمانهای سالیان دراز، وجود ملت تورک و حرکت ناسیونالیستی مثبت در آذربایجان را تایید می کند، که این خود موفقیت بزرگی برای ملت آذربایجان چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی محسوب می شود.

- از جمله اعترافاتی که در حکم صادره آمده، جرم تلقی شدن انتشار «تقویم تورکی» است، که نشان دهنده برخورد ظالمانه با فرهنگ و زبان سی و پنج میلیون ملت تورک آذربایجان در محدوده ایران است و این نمونه ی بسیار کوچکی از پروسه و پروژه «نسل کشی فرهنگی» است که طی هشتاد سال گذشته کمابیش از جانب سردمداران پان آریانیست در حال اجرا بوده است. مطمئناً این واقعیت تأثیر منفی در پرونده کشوری که عضو سازمان یونسکو محسوب میشود خواهد گذاشت. در اینجا سخنی چند با تمامی عوامل نظری و عملی مؤثر در صدور این حکم خواهم داشت، اینجانب باتمام وجود خود ایمان دارم که: ملت بزرگ آذربایجان خاموش نخواهد ماند!

- ملت آذربایجان چگونه میتواند خاموش باشد در حالی که تک- تک سلولهای هر آذربایجانی مظالم اقتصادی را درک و لمس میکند!؟

- آذربایجان چگونه میتواند خاموش باشد در حالی که چپاول منابع رو زمینی و زیر زمینی خود و همچنین استثمار نیروهای فکری و کاری خویش را شاهد است؟!

- آذربایجان چگونه میتواند خاموش باشد در حالی که نه تنها سرمایه گذاری های کلان دولتی در آذربایجان در حد صفر است بلکه جلو سرمایه گذاری های خصوصی را با هر وسیله ممکن میگیرند، و او اکنون شاهد آن است؟

- آذربایجان چگونه میتواند خاموش ماند در حالی که سرزمین بهشت گونه آذربایجان در اثر تبعیض های بی رحمانه اقتصادی روز به روز در حال تبدیل شدن به فقیرترین منطقه کشور است و به تبع آن مفاسد اجتماعی بر ملت شرافتمند آذربایجان تحمیل میشود؟!

- آذربایجان چگونه می تواند خاموش باشد در حالی که روستاهای آن در معرض تخریب و انهدام کاملند، شهرهایش در عقب ماندگی شدیدی بسر می برند و میلیونها تن از جوانان آن در اثر فقر و فلاکت راهی دور افتاده ترین شهرهای کشور می شوند؟!

- آذربایجان چگونه ساکت بنشیند که در سرزمینش رسیدن مواد مخدر بسیار سهلتر از دسترسی به یک قلم و یا یک ورق کاغذ است؟

- آذربایجان چگونه خاموش باشد در حالی که با اعمال سیاستهای غلط و مودیانه و با اجرای روشهای ظالمانه و خبیثانه در مناطق مختلف، بدون حرمت گذاشتن به مرزهای تاریخی- جغرافیایی آن هر از گاهی قسمت بزرگی از سرزمین عزیزش را با اسامی ای که فاقد نام ابدی آذربایجان است تفکیک می کنند و یا حتی به استانهای همجوار پیش کش می کنند و در این مورد هیچ از این ملت صاحب حق نمی پرسند؟!

- آذربایجان چگونه خاموش باشد در حالی که نسل کشی فرهنگی را که در حال اجرا با تمام قدرت، از طرف شوونیسیم فارس است را به عینه می بیند و به جان لمس میکند؟!

- آذربایجان چگونه خاموش باشد در حالیکه هجوم وحشتناکی در راستای تغییر نامهای ملی و بومی اش از تورکی به فارسی آغاز شده و حتی در این راستا به نامهای قصبه های کوچک و نهرها و تپه هایش نیز رحم نشده است؟!

- آذربایجان چگونه خاموش باشد در حالی که شوونیسیم فارس دانشناکهای ارمنی را بعنوان متحد استراتژیک خود بر گزیده و فعالان حرکت ملی آذربایجان را در اعتراض به چنین اتحاد شوم ضد اسلامی و ضد ملی مورد ضرب و شتم قرار داده، به زندان افکنده و شلاق برایشان تدارک می بیند؟!

- آذربایجان چگونه خاموش بنشیند که نمی گذارند ملتش برای شهدای قاراباغ مظلوم و عزیزتر از جاننش مراسم سوگواری بر پا کنند؟!

- آذربایجان چگونه خاموش باشد که تریبونهای رسمی همه بسیج شده اند تا بگویند توی آذربایجانی هر چه می خواهی باش اما هرگز تورک نباش؟!

- آذربایجان چگونه ساکت بنشیند درحالی که سردمداران آپارتاید هر نوع دفاع از هویت تورکانه آذربایجانیها را نوعی پان تورکیسم معرفی کرده و در مقابل بصورت کر کننده ای خود بر طبل فارس پرستی و آریایی تازی می کوبند؟!

- آذربایجان چگونه ساکت بنشیند در حالیکه به اطفال مظلوم وبی دفاعش در مهد کودکها و مدارس تلقین می کنند که تورک وحشی و خونریز است و فارس مدنیت ساز و تمدن پرور؟!

- آذربایجان چگونه ساکت بنشیند در حالیکه حق ندارد بر مزار بزرگان و مفاخر و مشاهیر خود در قبرستانها و کوهستانها رفته و فاتحه ای بخواند؟!

- آذربایجان چگونه ساکت باشد که گرفتار تعداد بیشماری از مدیران غیر بومی و آنتی تورک در پستهای مدیریتی خویش است؟!

- آذربایجان چگونه ساکت بنشیند که در بخشهای مرزی قلمرواش بتدریج غیر تورکان را مستقر کرده و در حال بر هم زدن توازن بسیار حساس جمعیتی آن هستند؟!

- آذربایجان چگونه ساکت باشد در حالیکه ابنیه تاریخی و آثار باستانی او به عمد مورد بی اعتنایی و نابودی قرار می گیرند و تاریخ غرور انگیزش و موسیقی آسمانیش و فرهنگ جهانیش تحریف و تحقیر و تضعیف می شود؟!

- آذربایجان چگونه می تواند خاموش باشد در حالیکه برای بسیاری از فرزندان آن در چهار سوی آذربایجان حبس، تبعید، شلاق، اخراج از کار، تهدید... در نظر گرفته اند؟!

ملتی که حق ندارد به زبان ملی و مادری خود آموزش ببیند- برنامه تلوزیونی داشته باشد- اسامی تورکی بر فرزندان خود بگذارد- در صدا و سیمای مرکز حتی شبکه های محلی فرهنگ، زبان، تاریخ و ادبیات خود را به سخره ببیند... چگونه خاموش بنشیند؟ که این سکوت محال با روح ظلم ستیزی ملت آذربایجان متنافر است!

... و مظالم فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بیشمار دیگر که از حوصله ی این «لایحه» خارج است را ببیند و دم برنیورد؟! آری آذربایجان خاموش نخواهد نشست و تمامی زنجیرها را پاره خواهد نمود چرا که تاریخ گواه آن است. ملت آذربایجان معجزه گر است، آن زمانها که دیگر ملل ایران در مقابل استبداد سر تسلیم فرود آوردند، باز آذربایجان بود که برخاست و دیگر ملل ایرانی از جمله قوم فارس را از بردگی رهانید. اما بیش از حد صادق بود زیرا بعد از هر منجیگری باز سنگ زیرین آسیاب شد. امروز ملت آذربایجان با وجود کوله باری از تجربیات تاریخی و سیاسی خویش دیگر تصمیم خود را گرفته است و درد ملی- هویتی خود را دارد. آری آذربایجان زنجیرهای بی عدالتی را پاره خواهد نمود و در این راه مقدس «مبارزه ای مدنی» را در پیش گرفته است.

فرزندان غیور و شعورمند آذربایجان در این مبارزه مدنی آماده پرداخت هر نوع هزینه در راه آزادی ملت خویش هستند. آنان را از چه میترسانید؟ از زندان و تبعید؟!، مگر نه این است که آنان فرزندان بزرگ مرد تاریخ «صفر خان» هستند که با صبر و استقامت ۳۲ ساله ی خود در زندانها و تبعیدهای مختلف، استبداد و ظلم را به زانو در آورد. آیا از مرگ می ترسانید؟! که شهادت است و شربت گوارا در راه ملت و وطن، چه باک از شهادت برای ملتی که ذره- ذره می میرد، چه باک از شهادت برای فرزندان ملتی که در مذهبش سیدالشهدا را دارد و در تاریخش مادران و پدرانی چون تومروز آنا، زینب پاشا، نیگار، هجر، بابک بزرگ، کوراوغلو، قوچاق نبی، عباس میرزا، ستارخان، خیابانی، احمد جاواد و هزاران شهید دیگر که مرگ سرخ را بر زندگی ننگین ترجیح دادند. در خاتمه بیٹی از یکی از شاعران بزرگ آذربایجان را می آورم تا فرهنگ حاکم بر روح ملت آذربایجان را شاهد باشید. باشد که شما را به اندیشه وادارد.

بیز وطن مجنونو، ائل عاشیقی، صلح عسگریک

بیز وطن آدینا اولسک، دیریلردن دیربیک!

لذا دادگاه محترم را به صدور رای منصفانه با لحاظ روح ملت بزرگ آذربایجان می طلبم.

با احترام؛ عباس لیسانی (۱۷ شهریور ۱۳۸۴)

اعتراض عباس لیسانی به حکم پرونده ۶ خرداد اردبیل

بسمه تعالی

اعتراض به حکم پرونده ششم خرداد

شماره ثبت ۱۳۸۵/۰۷/۲۹

ریاست محترم دادگاه تجدید نظر استان اردبیل ۱۹۳

با سلام

احتراماً اینجانب عباس لیسانی در خصوص رای صادره برای پرونده کلاسه ۱۰۵/۸۵-۵۴۶ که از طرف شعبه ۱۰۵ دادگاه عمومی جزایی اردبیل که با استناد به مواد مندرج در دادنامه شماره ۶۳۰-۸۵/۷/۵ از قانون مجازات اسلامی و تعیین مجازات ۱۶ ماه زندان و ۵۰ ضربه شلاق صادر شده است را حکمی غیر حقوقی، غیر عادلانه، سیاسی و کاملاً ظالمانه دانسته و فاقد پایه و اساس قانونی می دانم، که ذیلاً به استحضار می رسد:

۱- در متن حکم صادره اولین اتهام این جانب «شرکت در اخلاق در نظم و آسایش و آرامش عمومی جامعه از طریق حرکات غیر متعارف و ایجاد هیاهو و جنجال با شرکت در تجمعات و راهپیمایی غیر قانونی عصر شنبه مورخه ۶/۳/۸۵ در سطح شهر اردبیل»

الف- طبق اصل بیست و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «تشکیل اجتماعات و راه پیمانیها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است». با وجود این اصل صریح قانون اساسی و با توجه به نحوه و علت حضور مردم در آن حماسه ی ملی که در اعتراض به اهانت بی شرمانه ی تریبون رسمی و دولتی (روزنامه ایران) به ساحت مقدس ملت تورک انجام شد نه تنها غیر قانونی نبود، بلکه قانونی ترین، محقترین، نجیبانه ترین و مسالمت آمیز ترین عکس العملی بود که به جرات می توان گفت تنها شایسته ی ملتی متمدن، بزرگمنش، صبور و نجیب تورک آذربایجان بود که آمران، عاملان و تمامی مجرمان را فرصتی دیگر بخشید.

ب- در قسمتی از اتهامات آمده است «شرکت در اخلاق در نظم و آسایش و آرامش عمومی جامعه از طریق حرکات غیر متعارف و ایجاد هیاهو...» متأسفانه قاضی و عوامل تاثیر گذار بر حکم صادره چنان در گرداب عطش محکوم نمودن گرفتار گشته اند، که متوجه نیستند اتهام مطروحه به هیچ عنوان نمی تواند بر قیام مقدس ششم-خرداد-هشتاد و پنج مصداقیّت داشته باشد. زیرا فلسفه حضور و شرکت چند صد هزار نفری مردم اردبیل در آن حماسه ی عظیم و تاریخی به مانند دیگر شهرهای آذربایجان و مناطق تورک نشین، نه «اخلال در نظم» که برای ایجاد نظم و آسایش و آرامش بر عموم ملت آذربایجان و پایان دادن به آناشیزم موجود، که در نتیجه ی فقد امنیت فرهنگی و اقتصادی در جغرافیای سیاسی ایران برای ملل غیر فارس به ویژه ملت تورک بود.

۲- دیگر اتهام اینجانب در حکم صادره چنین آمده است «معاونت در تخریب و تحریق عمدی اموال عمومی دولتی و خصوصی از طریق تحریک و ترغیب و تشویق افراد و برانگیختن احساسات تجمع کنندگان غیر قانونی مورخه صدرالذکر که نهایتاً منتهی به تخریب و تحریق نزدیک به شصت و شش بانک دولتی و خصوصی ایراد خسارت به اتومبیلهای عبوری متعلق به مردم خصوصاً خودروهای با پلاک انتظامی تهران و فروشگاه رفاه و تحریق پاسگاه راهنمای و رانندگی در سطح شهر اردبیل» الف-

در تعریف جرم آمده است: فعل یا ترک فعلی که قانون مقرر کرده باشد و همچنین عناصر تشکیل دهنده ی جرم عبارتند از: مادی- معنوی و قانونی که فقد یا خلاء هر کدام از این عناصر مانع از اطلاق جرم بر فعل یا افعال متهم می باشد. واژه ی معاونت فارغ از معنای لغوی، در اصطلاح حقوقی به آمر و محرک به فعل یا افعال گویند که در اتهام دوم اینجانب بر آن تاکید شده است.

چنانکه همگان می دانند در عصر ششم خرداد سال جاری بیش از دویست هزار نفر از مردم غیور و آگاه اردبیل در اعتراض به چاپ کاریکاتوری توهین آمیز به ملت بزرگ تورک، همانند دیگر نقاط آذربایجان به صورت خود جوش و سیل آسا در خیابانها حضور یافتند تا با اعتراضی مدنی و با رعایت روح مسالمت جوی ملت آذربایجان، با دادن شعارهای مدنی اعمال نژاد پرستان فارس را محکوم نمایند که در این فاصله زمانی اینجانب به خواستهای مکرر مردم حاضر سر فرود آورده و اقدام به سخنرانی هایی در محکوم نمودن مظالم فرهنگی و اقتصادی که طی یک قرن بر ملت مظلوم آذربایجان رفته است و با تاکید بر اینکه این اعتراض و خروش عظیم نه فقط بر کاریکاتوری موهن، که بر سیاستهای شوونیستی حاکمان فارس میباشد، ایراد نمودم. اما متأسفانه به مانند همیشه ی تاریخ عاملان جور، منطق را برنتابیدند و با وارد نمودن نیروهای سرکوبگر غیر بومی به عرصه، اقدام به سرکوب مردم بی دفاع با تمامی ابزار از جمله باتوم، چماقهای مخصوص، گاز اشک آور و با شلیک تیرهایی آن فضای مدنی را به صحنه جنگ مبدل نمودند.

هر چند فعل معاونت در آن حرکت وسیع و بسیط کاملاً غیر ممکن می بود اما چون تصمیم گیرندگان پرونده سخنرانی ها و دیگر حرکات من را دلیل بر این مدعا آورده اند باید بدانند که تمامی افعال اینجانب از جمله سخنرانی هایم در محضر مقدس مردم آگاه و تیزبین اردبیل اتفاق افتاد و اکثریت حاضران شاهدند که تمامی تلاش اینجانب برای فرو نشاندن خشم ملت بود که تا لحظه هجوم نیروهای سرکوبگر تقریباً موفق بودم.

حال اگر تصمیم گیرندگان بر پرونده بدون ارائه دلیل و سند (فیلم و صدای سخنرانی اینجانب) بر ادعای خود، تلاش نمایند اینجانب را در چهار دیواری دادگاههای غیر علنی محکوم نمایند، اعلام می نمایم اگر لازم بدانم، شاهدان چند ده هزار نفری در ششم خرداد را برای شهادت بر حقیقت به خیابانهای منتهی به دادگاه فرا خواهم خواند، زیرا ملت بزرگ آذربایجان در هیچ مقطع تاریخی فرزندان فدایی خود را تنها نگذاشته است.

البته امروز نه فرزندان حق طلب آذربایجان، بلکه آنانی باید محاکمه و مجازات شوند که تلاش دارند با هر وسیله ی ممکن فرهنگ و اقتصاد ملت آذربایجان را به نابودی بکشانند، آنانی که موجبات سُخره، تحقیر و توهین بر ملت تورک را در رسمی ترین تریبون دولتی (روزنامه ایران) فراهم آوردند.

و آنانی باید محاکمه و مجازات شوند که بعد از آن توهین بی شرمانه نه تنها به خود زحمت دادند تا از محضر مقدس ملت تورک آذربایجان عذر خواهی نمایند بلکه فرمان سرکوب ملت آذربایجان را صادر نمودند، که با شهید و زخمی شدن فرزندان بی شمار این ملت به پا خاسته به انجام رسید، این برخورد وحشیانه و ننگین خاطره ی تلخ قتل عام بیش از هفتاد هزار تن از پدرانمان را در بیست و یکم آذر ماه هزار سیصد و بیست پنج زنده نمود که تنها گناهشان خواستن سر فرازی و حقوق انسانی برای ملت آذربایجان بود.

و باید مجازات شوند آنانی که اعتراض مدنی و مسالمت آمیز ملت تورک آذربایجان را به خاک و خون کشیدند و هزاران نفر را با بی رحمانه ترین و وحشیانه ترین روشها در بازداشتگاههای اداره ی اطلاعات و اطلاعات نیروی انتظامی تحت شدید ترین نوع ضرب و شتمها، آزار و اذیتها و شکنجه های فیزیکی و روحی قرار دادند و این همه، تکرار پیام شوم و همیشگی نژادپرستان فارس بر ملت

تورک آذربایجان است که تو آذربایجانی اگر یوغ بردگی من فارس را به گردن بکشی حق حیات خواهی داشت اما اگر روزی به خود جرات بدهی و هوس آن کنی که حیاتی شرافتمدانه با قامتی راست داشته باشی حسابت با سُرَب داغ و شکنجه و چماق است .

مَلت آذربایجان می تواند ببخشد اما نمی تواند فراموش کند آنانی را که در نیمه ی اوّل خرداد ماه برده وار جسم و اندیشه ی خود را در خدمت فاشیزم فارس قرار دادند و کمر همّت به بدترین همّت ها یعنی سر کوب ملت به پا خاسته ی خود بستند. و چه آسان و ارزان پشت به مَلت خود کردند آن " بسیجی و سپاهی " که بازیچه ای بیش نبودند در دست سیّاسانی که این قشر از فرزندان آذربایجان را، ابزار سیاست سخیف و مُلوث مردم بر علیه مردم خود قرار دادند.

آری مَلت آذربایجان می تواند ببخشد اما فراموش نمی کند آن صدای درد آور و جانکاه را، یعنی صدای شکستن استخوان برادری آزاد و بیدار به دست برادری اسیر و مسخ شده ی شوونیزم فارس و ننگ ابدی باد آن سیاست شومی را که ملتی را به دست فرزندان نا آگاه و الینه شده ی خود اسیر و سر کوب می نماید.

آری ملت بزرگ آذربایجان نه تنها خاطیان بلکه خائنان را نیز می تواند ببخشد، اما اگر پیام نیمه ی اول خرداد را درک نموده و به آغوش مَلت خود باز گردند . «فاعتبرو یا اولوا الابصار»

تمامی عوامل زر و زور و تزویر در نیمه اوّل خرداد دست به دست هم داده بودند تا از همگامی فرزندان ساوالان با دیگر مناطق آذربایجان جلو گیری کنند و هر روزی که می گذشت سرمست از پیروزی مبهم خود به همدیگر تبریک می گفتند و به مرکز مخابره می کردند که « در اردبیل هیچ اتفاقی نمی تواند بیافتد » تا اینکه در عصر ششم خرداد با فداکاری دلاوران گم نام این خطه رویاهای شیرین خود باخته گان و مانقورتهای در هم شکست و فرزندان ساوالان نشان دادند که در صیانت از کیان و شرف ملت تورک در چهار چوب حرکت دموکراتیک و مدنی، حتی قادر به سبقت گرفتن از دیگر مناطق آذربایجان نیز هستند.

آری علی رغم تمامی دسیسه ها فرزندان ساوالان اعتماد به نفس و غرور ملی باز یافته ی خود را با وقار و صلابت تمام به نمایش گذاشتند و به همّت والای خود موجبات آشکار شدن ماهیت ضد تورک و فاشیستی برخی از مسئولین و چهره های استان را فراهم آوردند، از جمله می توان از واعظ جمعه ی شهر اردبیل (سید حسن عاملی) سخن به میان آورد، واعظی که در هر خطبه از وعظ خویش، خود و دیگران را به تقوی دعوت می کند، در عرصه ی عمل و امتحان و انتخاب، سیرتی متفاوت از صورت به نمایش گذاشت.

نقشی که واعظ جمعه ی شهر در سرکوب بیرحمانه ی مردم به پا خاسته و حق طلب اردبیل در ششم خرداد و بعد از آن حماسه ی تاریخی ایفا نمود بر همگان واضح است، او بود که از تمامی ابزار حکومتی و فن بیان آنچنانی خود سود جُست تا فرزندان بیدار ساوالان را در مقابل بی شرمانه ترین و ناجوانمردانه ترین هجوم فرهنگی به انفعال بکشاند و او بود که تلاش نمود در افکار عمومی فرزندان مبارز و شرافتمند این مَلت را مزدور و عامل بیگانه معرفی نماید و باز او بود که با وارونه نشان دادن حقیقت و تبلیغ سوء بر علیه فعالان حرکت ملی آذربایجان، "بسیج و سپاه" را که خود نیز قربانی سیاستهای تبعیض نژادی و شوونیستی مرکز نشینان می باشند را ترغیب و تهییج نمود تا خون برادر بریزند و شرمنده و رو سیاه آنا وطن خود باشند .

و این همه برای آن بود که تا صدای آزادی خواهانه و به حق آذربایجان را خاموش کنند، چه خام و خود فریبند آنانی که خیال می کنند خروش حق طلبانه ی ملتی را می توان با چماق و شکنجه و گلوله خاموش کرد، چنانکه در یکی از دفاعیاتم در سالهای قبل به کُرّات نوشتم که:

«ملت بزرگ آذربایجان خاموش نخواهد ماند»

و علل آن را به اختصار بیان نمودم و امروز با اطمینان قلبی کامل اعلام می‌نمایم که :

«ملت بزرگ آذربایجان آزاد خواهد شد»

زیرا حماسه‌ی بی‌بدیل خرداد بشارت از آن دارد

زیرا علی‌رغم قتل عام‌های نژادی و فرهنگی که در طول یک قرن گذشته توسط فاشیسم فارس بر این ملت رفته است امروز شاهد توانمندتر شدن حضور مادی و معنوی این ملت در میان ملل دیگر هستیم و این خبر حاکی از شکست سیاست‌های نژادپرستانه‌ای که به صورت سیستماتیک بر ملت آذربایجان رفته است می‌باشد. و در دیگر دفاعیاتم بر این مهم تاکید نمودم که:

«اگر به جای برخورد صحیح با حرکات مدنی ملت آذربایجان، روش‌های نامعقول در پیش گرفته شود، با چشمان خود روزی را می‌بینم که با وزیدن کوچکترین نسیم موافقی، خاکستر از روی آتش زدوده و آتشفشان عظیم ملت آذربایجان سر بر خواهد آورد و آن روز کاخ‌های ظلم و تبعیض و آپارتاید فرو خواهد ریخت و این فرمان تاریخ است.» اگر آن روز مستی قدرت و تکبر شوونیستی، گوشه‌ها را سنگین نموده بود تا نشوند و با «حماسه خرداد» دنیای پر زرق و برقشان را تیره و تار ببینند، شاید امروز فرصت باقی مانده را درک و این سخنان را جدی بگیرند!!! «فاعتبرو یا اولوالابصار»

حماسه تاریخی خرداد پیش‌لرزه‌ای بود از آن آتشفشان موعود که اگر شنیده نشود، با انفجاری بس عظیمتر و مهیبتری، اوقیانوس ملت تورک آذربایجان به حرکت در خواهد آمد و نه با امواج که با سونامی‌های بنیان‌کن، کاخ‌های نژادپرستی و آپارتاید قرون وسطایی فارس را از تهران ریشه‌کن و به اعماق کویر، همان سرزمین گذشتگان‌شان هدایت خواهد نمود.

و سخن آخر اینکه تاریخ مبارزاتی ملت آذربایجان ثابت کرده است که هر زمان این ملت بزرگ بر مهمی اراده نموده، با قدرت تمام بر آن دست یافته و هیچ نیرویی توان بازدارندگی در مقابل آن را نداشته است و امروز نیز چنین خواهد بود و بر عاقلان است که آزموده را نیازمایند و دست‌آزار و اذیت و زندانی کردن فرزندان مبارز این ملت بردارند که نتیجه‌ای برای آنان در بر نخواهد داشت جز پخته و بُرنده‌تر شدن فرزندان تاریخ‌ساز آذربایجان.

چکیچ آلتیندا محقر از یلیبر گونلرجه

بیر دمیر پارچاسی بیر تیغ مهیب اولماق ایچین عباس لیسانی ۱۳۸۵/۰۷/۲۹

درخواست عباس لسانی برای برگزاری دادگاه علنی

ریاست محترم شعبه ی اول دادگاه انقلاب اسلامی اردبیل

با سلام:

نزدیک به دو دهه است که نیروهای امنیتی با پرونده سازی های متعدد وبا تلقین اوهمات و تحمیل تصمیمات غیر حقوقی و مغرضانه ی خود بر نهادها و مسئولین قضایی موجبات حبس و تبعید های طولی المدت در شهرها و زندانهای دور افتاده را بر این جانب فراهم آورده اند که با مذاقه بر محتویات پرونده مورد بحث - ادبیات بکار رفته در کیفر خواست و تغییر شکل و ماهیت آن به اشکال گوناگون در طی روند رسیدگی به پرونده، می توان بر نیات- رفتار و مواجهه ی غیر حقوقی و نگرش سیاسی و مغرضانه ی عوامل و دست اندرکاران آن پی برد که در راستای سیاستهای گذشته به اجرا در می آید.

به عنوان مثال: علت بازداشت من در مورخه ۱۳۹۰/۶/۱۹ طبق تفهیم اتهام اولیه؛ تلاش و سازماندهی برای تجمع اعتراضی در شهر اردبیل به مسئله ی خشک نمودن دریاچه ی اورمیه بوده است.

و باز با نقش آفرینی نیروهای فرا قانون که مقصودی جز اثبات اتهامات و ادعاهای واهی مستقبل و همچنین توجیه بی قانونی و بیدادگریهای خود نداشتند، بدون ارائه ی هر گونه حکم تفتیش و یا بازداشت صادره از سوی مراجع ذیصلاح، به منزل این جانب هجوم آوردند. هر چند آنان به صورت کاملا غیر قانونی بعد از انتقال این جانب به بازداشتگاه اداره اطلاعات و در غیاب من اقدام به تفتیش منزل کردند اما به رغم این بی قانونی ها، بدون کشف حتی یک مورد سند- مدرک و ادله ای برای اثبات ادعاهای بعدی خود منزل را ترک نمودند.

بی قانونی ها ادامه یافت و دو ماه در بدترین شرایط در سلول انفرادی وزارت اطلاعات تحت اسارت قرار گرفتم که در اعتراض به این بیدادگری ها - رفتارهای فرا قانونی و قلدر مآبانه ی مامورین امنیتی و همچنین اطاعت بی چون و چرای مقامات قضایی در اجرای منویات نیروهای فوق الذکر، دست به اعتصاب غذا زده و به مدت ۱۷ روز به آن ادامه دادم. حال آنکه در رسیدگی های بعدی به این پرونده، تنها موضوع و مورد اتهامی از سوی مقامات قضایی- امنیتی به این جانب همانا مسئله ی نابود شدن عمدی دریاچه ی اورمیه بود، که به کل از متن پرونده و به عنوان سئوالات مطروحه ناپدید گشت.

شاید علت این اقدام و روی کرد، آشکار شدن و اثبات حقانیت هشدارهای به موقع و اعتراضات قبل از بروز این فاجعه ی عظیم، توسط فعالین حرکت ملی آذربایجان بر افکار عمومی جهانیان بوده است و همچنین امنیتی نمودن اعتراضات قانونی مردمی به خشک نمودن دریاچه ی اورمیه و سرکوب آن از سوی مسئولین امنیتی و قضایی که نتیجه ای جز هموار نمودن مسیر بخش عظیمی از پروژه - پروسه و سیاست در حال اجرای سرزمین سوخته توسط شونیزم فارس بر علیه ملت آذربایجان نداشته است، و صد البته علت این فرار به جلو، نه شرمساری و احياناً عذاب وجدان به دلیل کارگذاری و عاملیت در نابودی سرزمین خود، بلکه اصرار بر اجرا و عملی نمودن سناریو ی است که از سوی مقامات امنیتی به عنوان تهدید مبنی بر تدارک حبس و تبعید طولی المدت در نقاط دور افتاده بارها به هنگام بازداشت در سلول انفرادی وزارت اطلاعات به این جانب گوشزد شده بود و با همین نیت موضوع و اتهام اصلی پرونده ی این جانب دست خوش تغییر گشته و اتهامات واهی- بی ربط و کاملا غیر قانونی دیگری را بر این جانب تفهیم نمودند.

همچنین اطاله ی بیش از حد دادرسی، در حدود سه سال حاکی از آن است که پرونده ی اتهامی مفتوحه ی حاضر نیز مستثنی از اسلاف خود نبوده و سناریوهای تکراری گذشته را در ذهن و عین تداعی می کند. با این اوصاف تنها راه عقلانی و منطقی برای من پا فشاری بر حقوق و قوانین نقض شده از سوی بی دادگاههای گذشته می باشد که حداقل در این مورد فرصت برگزاری جلسه ی دادگاه نمایشی- فرمایشی دیگری را از ناقضان قانون برای پایمالی حقوق خود را گرفته باشم و همچون گذشته شاهد جمله ی معروف و تکراری: «دفاعیات بلاوجه وکیل و موکل» در بیدادنامه ای دیگر نباشم. که با تکرار غیر مدلل این جمله و جملاتی مشابه، خط بطلانی غیرمنصفانه بر تمامی دفاعیات مستند، مستدل، قانونی و

مشروع که با ارائه ی لوایح مختلف از سوی این جانب و وکلای محترم- عالم و وارد در پرونده های مختلف این جانب، بیدادنامه های خود را انشاء نمودند.

لذا برای پیشگیری از تکرار بی عدالتی های گذشته که اساساً با سوء استفاده از تشکیل و برگزاری جلسات غیرعلنی و بدون حضور هیئت منصفه و دور از چشم افکار عمومی اعمال شده است. به شرط رعایت و اجرای اصل ۱۶۸ قانون اساسی که تاکید بر علنی بودن جلسات محاکمه با حضور هیئت منصفه و خبرنگاران و عموم را دارد، در جلسه ی دادگاه حاضر و نه از خود، بلکه از حقوق پایمال شده ی ملت تورک آذربایجان دفاع خواهم نمود زیرا این مهم تنها علت اعمال فشارها، تحت تعقیب قرار دادن ها، شکنجه ها و زندانهای طویل المدت بر من و بر تمامی فعالین مدنی و مدافعان حقوق فرهنگی- سیاسی -اقتصادی- محیط زیستی و ... ملت تورک آذربایجان بوده است و بس.

پس با ایمانی راسخ و تصمیمی بی بازگشت اعلام می دارم، در صورت عدم برگزاری جلسه ی علنی به معنای واقعی حقوقی و قانونی آن، سکوت اختیار خواهم نمود و دست شما را بیش از گذشته برای صدور احکام دل خواهتان باز خواهم گذاشت. با این تفاوت که این بار نقشی در سناریوی نمایشی و تظاهر به عدالت شما ایفا نخواهم نمود.

در پایان متذکر می شوم، قصور و تخطی مسئولین نظام جمهوری اسلامی در تعریف جرم سیاسی و مصادیق آن، نافی برگزاری دادگاه به شکل علنی و با حضور هیئت منصفه نمی باشد چون ماهیت اتهامات وارده به این جانب ذاتاً سیاسی است.

عباس لسانی ۱۳۹۳/۳/۱۹

متن کامل دفاعیات حقوقی عباس لسانی در برابر اتهامات انتصابی دادگاه انقلاب اردبیل

ریاست محترم دادگاه های تجدید نظر استان اردبیل

و تمامی وجدانهای بیدار و آزاد

با سلام: (قبل از ورود به بحث لازم به توضیح است به دلیل آنکه در پرونده های قبلی با اتهاماتی از این قبیل مواجه شده و دفاعیات و اعتراضات دقیق حقوقی و قانونی متعددی بر موارد مختلف و مشابه انجام داده ام و معمولاً دادگاهها ی محترم با درج جمله ی: «دفاعیات بلاوجه...» در دادنامه ها اقدام به صدور احکام مصلحتی نموده اند، مرا بر آن داشت در این مورد از ورود به آن ورطه ی بی حاصل و تکرار مکررات خود داری نمایم.)

با اندکی تأمل در سیر و نحوه ی رسیدگی به پرونده های قضایی خود در طی سالیان گذشته در شهرها و استانهای مختلف بر این باور و نتیجه رسیده ام که سیستم قضایی حاکم بر کشور مصداق عینی و بارزی است بر مثل معروفی از کهکشان امثال بیکران ملت آذربایجان به این مضمون، که: «ده بیرمان بیلدیگین ائده ر چاخ چاخ باشین آغریدار» اما باین تفاوت که ده بیرمان یا همان آسیاب طبق مکانیزم تعریف شده، وظیفه ی ذاتی خود یعنی آرد نمودن غلات و تسهیل در چرخه ی غذایی نوع بشر را به انجام می رساند، حال آنکه سیستم قضایی کشور حداقل در مواردی که خود شاهد بوده ام، درست در جهت عکس و خلاف وظیفه ی ذاتی خود حرکت نموده است، چنانکه روز به روز به یمن مصلحت اندیشی ها، قامت ظلم و ظالم بر افراشته تر و کمر مظلوم و عدالت خمیده تر و خردتر شده است. آنگاه که در یکی از دفاعیات خود در اعتراض به حکم صادره در پرونده های گذشته خود تصریح نمودم که: «اگر خامه ی عدالت را از عدل عدول دهید تیشه ی مصلحتی به کف خواهید یافت که نه موجب تقویت اساس ملک، بلکه سبب تزلزل ارکان مملکت خواهد شد». اما اینک باید اذعان نمایم که آن جمله حاصل خوش بینی من بود، زیرا اینک بعد از سالها به این نتیجه رسیده ام که آن خامه، نه خامه ی عدالت که خامه ی مصلحت بوده است و بس و آن نیست جز مصلحت نظام، نظامی که مقدس! است و بقایش ایجاب می کند حقوق تمامی ملل، اقوام، طبقات، لایه ها و اقشار جامعه تعطیل و منکوب شود.

یکی از مصادیق ادعای فوق، همین پرونده ی جاری است که با نگاهی منصفانه در پروسه و روند آن؛ مانند: نحوه ی بازداشت از سوی مأمورین اداره ی اطلاعات (بدون ارائه ی مجوز ورود به منزل) – مکان بازداشت (منزل شخصی) که به رغم تفتیش منزل بدون حضور اینجانب (بعد از بازداشت من و انتقال به بازداشتگاه به رغم اعتراض خانواده اقدام به تفتیش منزل نمودند) به غیر از برداشتن کیس کامپیوتر از کارافتاده و فاقد چندین قطعه ی سخت افزاری از جمله «هارد»، دست آوردی از تفتیش آنچنانی خود نداشتند. اطاله ی معنی دار و بیش از حد دادرسی حدود سه سال و نیم- تقض و زیر پا نهادن اصل ۱۶۸ قانون اساسی به رغم تأکید و هشدارهایی که طی لوایحی جهت برگزاری جلسه ی دادگاه به صورت علنی و با حضور هیات منصفه، خبرنگاران و عموم مردم ابراز نمودم – تشکیل جلسه ی دادگاه بدون حضور اینجانب و صدور رای بر محکومیت و جالب توجه آنکه رای صادره را در دادنامه حضوری اعلام نموده اند.

اینها جزئی از مواردی می باشد که به مثابه رفتارها و افعال ناقض و نافی قوانین اساسی و قضایی و همچنین حقوق فردی و شهروندی اینجانب بوده است که خود مؤید سطور بالا بوده و به خودی خود سالیانتماد و قطع امید هر شهروند در اجرای عدالت از سوی مراجع ذیصلاح خواهد بود. با این اوصاف و با مطالعه ی دادنامه ی صادره از سوی دادگاه بدوی به سهولت می توان به این نتیجه رسید که هدف قاضی محترم و گردانندگان پشت پرده، به رغم پریشان گویی ها در متن دادنامه، محکوم نمودن این جانب به هر بهانه ای، حتی با استمساک بر موارد خلاف واقع و فاقد هرگونه سند، مدرک و ادله ی اثباتی معتبر و محکمه پسند و صرفاً با استناد بر گزارش اداره ی اطلاعات که ید طولایی در پرونده سازی

های هدفمند و مغرضانه ی متعدد، طی سالیان گذشته بر علیه فعالان ملی- مدنی آذربایجان دارد؛ اقدام به صدور رای بر محکومیت این جانب نموده است و این خود یکی از عللی بود که مرا و ا می داشت در اجرای اصل ۱۶۸ قانون اساسی پا فشاری نمایم تا حد الامکان تاثیر خبط و عمد های مغرضانه در سیر رسیدگی به پرونده و صدور حکمبه حداقل برسد، که متأسفانه با عدم قبول تقاضای مشروع و قانونی من بر علنی بودن دادگاه و صدور حکمی غیابی و کاملاً غیر عادلانه، خانه ی عدالت خود مسلخی گشت برتن نحیف عدالت.

حال با آوردن برخی از نکات دادنامه پرداختی هر چند گذرا بر آن خواهم داشت اما نه به امید نجات عدالتی که در زیر پای مصلحت قربانی شد، بلکه مخاطب من آن وجدانهای بیدار و آزاده ای است که در جای جای این کره ی خاکی صدایم را می شنوند، و یا حتی آنانکه در همان مسلخ و قربانگاه عدالت، ظلم را می بینند اما درد نان و نام و پُست و مقام دارند، و نه تنها دم بر نمی آورند بلکه کار گزار ظلم و بی عدالتی هستند بر علیه ملت خود.

-در متن دادنامه در پرداخت به یکی از اتهامات این جانب آمده است: «... فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران بدین توضیح که تقارن زمانی رد لایحه ی دوفوریتی طرح آب رسانی به دریاچه ارومیه، عناصر تجزیه طلب استان فعال و مردم را به تجمع اعتراض آمیز در میدین و مراکز اصلی شهر دعوت و فراخوانی نمودند...». در ابتدا لازم می دانم سئوالی که در پرونده های گذشته ی خود به صورت کتبی و شفاهی از قُضات و مسئولین قضایی نموده ام را تکرار نمایم: آیا ماهیت و یا مانیفست مستتر نظام، تعاریفش بر علیه موجودیت و منافع ملت تورک آذربایجان است؟ یا منافع و حقوق ذاتی، طبیعی و ملی ملت آذربایجان است که در صورت احقاق و احیاء امنیت نظام را به خطر می اندازد؟! البته در توضیح عنصر مادی مورد اتهامی در دادنامه، به قسمتی از سوال من جواب داده شده است به این صورت که: اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام ...» به دلیل فراخوانی مردم در اعتراض به خشک نمودن تعدمی دریاچه ی اورومیه تفهیم و حکم صادر شده است!

چنانکه در مراحل ابتدایی پرونده نیز گفته و نوشته ام و باز تاکید می نمایم که هر چند به علت بازداشت زودهنگام، سعادت همیاری با فعالین و مبارزین مدنی آذربایجان را نداشته ام و اتهام وارده را طرحی بی اساسو مغرضانه از سوی اداره ی اطلاعات می دانم، اما به صراحت اعلام می کنم: دست آن مبارزین غیور و آگاه را می بوسم که در مقابل بی تفاوتی برخی، و موضع گیری مغرضانه و عامدانه ی اکثر دولتیان و مجلسیان مدیحه گوی و منتصب، لاقید نمانده و تلاش نمودند تا جلوی نابودی نگین آذربایجان را بگیرند، تلاش و صدایی که اگر شنیده میشد امروز شاهد افسوس های نمایشی و در حدّ تظاهر دولت مردان در رابطه با خشک شدن!!! دریاچه ی اورومیه نبودیم. حال چگونه به خود جرات می دهند آنانکه شاهد و حتی عامل مظالم و تبعیضهای بی شمار بر علیه ملت آذربایجان بوده و هستند، استفاده از ابتدایی ترین حق انسانی، ملی و قانونی این ملت تحت ستم را که همانا حق اعتراض است و به صراحت در اصل ۲۷ قانون اساسی نیز مندرج شده است را عملی مجرمانه دانسته و با زدن اتهاماتی واهی اقدام به سر کوبی فرزندان این ملت می نمایند، ملتیکه تحت بیرحمانه ترین نوع استثمار و بهره کشی انسانی- اقتصادی قرار دارد و موجودیت مادی و معنوی خود را در حال نابودی می بیند و تنها راه نجات خود را در شکستن سکوت سیاه و ننگین، و روی آوردن به فریاد سرخ یافته است. بالین اوصاف اقدام فعالین حرکت ملی آذربایجان نه تقارن بوده است و نه تصادف، بلکه عکس العملی بوده است بر اقدامات ضد آذربایجانی عاملانشو نیزم فارس.

-در دادنامه آمده است: «... اداره ی کل اطلاعات استان با اخذ دستور قضایی نسبت به بازرسی و تفتیش منزل متهم که از عناصر محرز TV اصلی بوده اقدام، کامپیوتر شخص متهم بررسی، ارتباط مستمر مشارالیه با تجزیه طلبان مقیم خارج و شبکه ماهواره ای گوناذ و از طریق فضای سایبری در خصوص تجمع و گرد همایی در مرکز استان، دریاچه ارومیه، تمرکز نیروهای تجزیه طلب، مباحثی رد و بدل و...». قاضی محترم پرونده، بدانید و آگاه باشید متنی که از سوی اداره ی کل اطلاعات استان تنظیم و توسط شما به عنوان دادنامه به این جانب ارائه شده است، متشکل است از اوهام و غرض ورزی

های ایشان در مواجهه با موجودیت جنبش حق طلبی ملت آذربایجان- تناقض گویی ها و قلب حقیقت و ... که هر وجدان بیداری با مروری بر آن پی به ماهیت و نیت مستتر و آشکار تنظیم کنندگان آن خواهد برد. اما برای آگاهی شما و افکار عمومی باید چنین گفت: آن به زعم شما "تجزیه طلبان مقیم خارج..." به رغم متاثر شدن از فضای خارج و فاصله گرفتن از واقعیت های موجود جامعه ی آذربایجانی در داخل و بعضا به دلیل پمپاژ مغرضانه و هدفمند خبرها و اطلاعات مسموم و خلاف واقع از سوی عوامل تحت فرمان نیروهای امنیتی، جهت اجرای تاکتیک مثلثی خطرناکی چون: "داده ی غلط"- "تحلیل غلط"- و در نتیجه سوق دادن به سمت-"عمل و عکس العمل غلط"، تلاش دارند تا بازوی خارج از کشور حرکت ملی را تحت کنترل و یا به انحراف بکشند، و آن نیز حاصل خفقان موجود در داخل است که مانع اصلی گردش آزاد و شفاف اطلاعات بوده و نتیجه ی آن بعضا فاصله گرفتن فعالین مقیم خارج با متن توده ی ملت آذربایجان شده و باعث موضع گیری های رادیکال و دور از واقعیت و همچنین انتظارات خارج از ظرفیت و پتانسیل موجود جامعه ی آذربایجانی، از سوی برخی فعالین و مجموعه ها می شود که در هر فرصتی مورد نقد و حتی مخالفت های فعالین داخل بوده و خواهد بود. اما آنان کسانی نیستند جز فرزندان و پاره های تن این ملت، که در نتیجه ی اختناق و خفقان حاکم بر جامعه، عرصه چنان بر آنان تنگ شد که چاره ای جز مهاجرت و یا تبعید خود خواسته نداشتند. آنان وجدانهای بیداری هستند که به رغم سختی زندگی در غربت، آناوطن را فراموش ننموده و هر کدام به وسع و توان خود در رساندن صدای مظلومیت ملت آذربایجان از هیچ تلاشی فرو گذار نبوده اند و همین ایفای نقش بسیار مثبت است که آنان را در هیبت یکی از بازوان پر قدرت حرکت ملی آذربایجان و یا در اصل یکی از دو بال پرنده ی آزادی آذربایجان ظاهر نموده است. گردانندگان "گوناذ TV" نیز از این قاعده مستثنی نیستند آنان خلف همان اسلافی هستند که حتی هفته ای یک ساعت را برای رساندن صدای این ملت مظلوم مغتتم می شمردند. بدون شک با وجود تمامی دسیسه ها و سنگ اندازی ها، پتانسیل انسانی عظیم آذربایجان در خارج، اجازه نخواهد داد که این ملت بدون رسانه بماند. آری روزی با نام "اودلار یوردو" TV به مدیریت خانم "اکرم تباری" و آقای "رحمان اسدالهی" و روزی دیگر با عنوان "آنا یوردو" TV به مدیریت آقای "علی رضا نظمی افشار" و امروز نیز با نام "گوناذ TV" به مدیریت آقای "احمد اوبالی" دوام یافته است و صد البته TV ها، رادیوها، سایتها و تشکلهای و انجمن های حقوق بشری، چه در گذشته و چه در حال حاضر همانند "آسمک"، "آداپ" و... در فضای مجازی و حقیقی صدای رسای این ملت بوده و خواهند بود.

البته چه جای تعجب است بر این همه حساسیت شما نسبت به این رسانه ها؟، وقتی ملتی را با بسیج تمامی رسانه های داخلی در چنبره های تبلیغات مسموم و خلاف واقع احاطه نموده و هویت آنان را نشانه رفته آید و تنگ نظری و تمامیت خواهی را به آن حد رسانده آید که پخش هر از گاهی چندین برگ اعلامیه و سیدیحاوی حقایق آگاهی دهنده در متن جامعه و توده ی مردم را بر نتابیده، عاملان آنرا به هنگام بازداشت، تحت شدیدترین نوع شکنجه ها قرار می دهید و صد البته با این عمل، وحشت خود را از بیداری ملی و آگاهی سیاسی ملت آذربایجان که به مثابه پاشنه ی آشیل شوونیزم فارس است را آشکار می کنید. با این حساب نوع و شدت مواجهه ی شما با رسانه های فوق الذکر که نه تنها رسالت خبر رسانی را به نحو احسن انجام می دهند، بلکه در آگاهی ملی ملت آذربایجان سهم به سزایی دارند، قابل تصور است. شما در مقاطع و زمانهای مختلف ارتباط و یا مصاحبه با این رسانه ها را برای فعالین ملی به عنوان جرم تفهیم اتهام نموده آید که هدفی جز قطع ارتباط فعالین ملی با دنیای خارج و قلع و قمع آنان را متصور نتوان بود. و اینک نیز گوناذ TV ذهن شمارا چنان مشوش و مشغول نموده است که به خود اجازه داده آید چنین جمله ای در حق من به کار برید: «... از عناصر TV اصلی بوده ...» معلوم نیست آیا این جمله غلط تاپیی است یا خیر و منظور از TV "اصلی" چه بوده است و آیا "TV فرعی" کدام است؟ اما من به این جمله ی مبهم جوابی دقیق خواهم داد حرکت ملی آذربایجان ققنوسی است که از خاکستر ویرانه های تراژدی بزرگ قرن بیستم یعنی نسل کشی ملت آذربایجان در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ شمسی سر بر آورد، که حاصل اتحاد شوم نژاد پرستی فارس، به رهبری "محمد رضا پهلوی" و قدرت تازه به

دوران رسیده ای به نام آمریکا، به رهبری “ترومن” و اتحاد جماهیر شوروی، به رهبری ژوزف استالین بود. ملتی که به عنوان اولین وجه المصالحه ی جنگ سرد قربانی شد و کام نژاد پرستان فارس را شیرین نمود. اما دیری نپایید و حرکتییه مثابه آتش زیر خاکستر به همت آزاد اندیشان و روشنفکران ملی دگر باره قور (گر) گرفت و اوجاق رو به سردی گذاشته ی هویت ملی ملت آذربایجان را با گرمایی ملایم اما مداوم و مقاوم، جان و روح تازه ای بخشید چنانکه فرزندان خلف آن خونهای به ناحق ریخته شده، به میدان آمده و طرحی نو در انداختند و با سر لوحه قرار دادن مبارزه ی مسالمت آمیز و مدنی خواستار تحقق حقوق پامال شده ی ملت آذربایجان شدند که من نیز به عنوان سرباز کوچک این عرصه، زابیده و محصول این موج بیداری از درون هستم. بیداری ای که یک علت داشت و یک عامل، علت آن، اعمال مظالم همه جانبه و عینی بر ملت آذربایجان است و عامل آن، روشنفکران ملی در عرصه های مختلف که مانع قطع ارتباط بین نسل سرکوب شده و نسلهای بعدی این ملت شدند.

پس آشکار است هیچ عامل خارجی در ظهور و بروز حرکت ملی آذربایجان دخیل نبوده است بر عکس با قدرت گرفتن حرکت ملی و به مدد پیشرفت تکنولوژی و همچنین بارزتر شدن فعالیت‌های فعالین داخل، چنان تأثیری در فضای بین المللی گذاشت که انگیزه های لازم را در آذربایجانیهای مقیم خارج برای رساندن صدای ملت در بند خود ایجاد نمود. یعنی در اصل تمامی مجموعه ها، رسانه ها و تشکلهای محصول حرکت داخل بوده و تا جایی که من میدانم اکثر آنها ریشهدر داخلدارند و به عنوان وظیفه ی ملی تلاش دارند، از خطوط ترسیم شده توسط فعالین ملی داخل، تخطی ننمایند.

سوال دیگر از مسئولین اطلاعاتی اینکه؛ در سال ۱۳۹۰ شما به هنگام بازداشت دو ماهه ی من در بازداشتگاه اداره ی اطلاعات در رابطه با همین پرونده مدعی شدید که اسنادی به دست آورده اید که نشانگر وجود اختلاف شدید و در حد دشمنی من با مدیر شبکه ی “گوناذ” TV می باشد و نتیجه گرفتید که: «درست است به دلیل کارهایی که طی این سالیان انجام داده ای نظام دل خوشی از تو ندارد اما می توانیم بر علیه دشمن مشترک خود یعنی “گوناذ” TV متحد شویم» که من به این تقاضای سخیف شما شدیدترین عکس العمل را نشان دادم. شما آن روز رفتید اما روز بعد با پرونده ای قطور برگشتید و ادعا نمودید که: «با این اسناد و مدارک به راحتی می توانیم برایت حکم محارب از دادگاه بگیریم و یا حد اقل ۱۵ الی ۲۰ سال زندان در شهر زاهدان و یا بدتر از آن را تدارک ببینیم و اگر اینها هم کارگر نیفتند، می توانیم مسئله ی اخلاقی برایت ترتیب دهیم و نابودت کنیم» و باز در مقابل سوال من که: چگونه می توانید چنین کاری انجام دهید، در حالی که من از خود مطمئن هستم؟. یکی از شماها با خنده ای آنچنانی گفت: «کاری ندارد فردی تقریباً شبیه تو را با کمی کار بر روی چهره اش می توان در نقش تو ظاهر نمود و فیلمی تهیه نموده و همه جا پخش کرد و تا تو بیایی ثابت کنی که تو نیستی کار از کار گذشته است. اما راه دیگری هم هست که به راحتی می توان از اینها در گذشت». شما مرا تهدید نمودید، میدانید چرا؟ چون شما قصور کرده و از همکاران بازنشسته ی خود، شناخت کافی از من به دست نیآورده بودید و یا پرونده های گذشته ی مرا به درستی مطالعه ننموده بودید. من این عدم شناخت را در یافته به ظاهر نرم شده و پرسیدم: خوب آن راه چیست؟! و شما موضوع بحث روز قبل را بیشتر باز نموده و گفتید: «ما تو را با وثیقه ی سبک آزاد می کنیم و تو به تنهایی و یا با خانواده، به خارج می روی و پس از سپری شدن مدت زمانی، یک شبکه ی تلویزیونی راه می اندازی و به این طریق هم مقابل دشمن مشترکمان می ایستی و هم با تلویزیون به وظیفه ی ملی! خود عمل میکنی». گفتم: من نه توان مالی آن را دارم و نه تجربه ی چنین کاری را دارا می باشم. شما ادامه دادید: «نگران مسئله ی مالی نباش، نیروی لازم و متخصص را نیز در اختیار خواهی داشت» از شما سوال نمودم: شما که در خارج از کشور به ادعای خودتان افراد کافی دارید دیگر چه نیازی به من است؟. شما یک جمله گفتید: «فقط سن احمد اوبالی نین آنگین سیندیرا بیلرسن». در هر حال سخنانی چند رد و بدل شد و مرا به سلولم برگرداندید تا فردا زمینه ی کارها را فراهم نمایید. فردا رسید و من آنچه را که لازم بود دریافته بودم و دیگر نیازی به ادامه ی آن نقش نبود. آن روز اولین سخن شما این بود: «آیا فکرهایت را کردی؟ امید واریم عاقلانه عمل کنی» در جواب، این سخنان را شنیدید: شما می توانید مرا زندانی کنید، اعدام کنید و حتی با آبروی خود و

خانواده م بازی کنید، تحمل اینها سخت است اما نه به سختی تحمل پستی و حقارت ناشی از خیانت، جان من و آبروی من چه ارزشی دارد در مقابل عظمت آزادی ملت آذربایجان. و شما برافروخته شدید و تلاشتان برای پنهان نمودن خشمتان بیهوده بود. عصبانی شدید، همچون عصبانیت بازی خوردگانی که تیرشان به سنگ خورده است، و این شایسته ی شما بود. چگونه به خود اجازه دادید چنین تقاضای ننگین و سخیفی را از من داشته باشید؟ البته آن چیزی که شمارا به این سمت سوق داد، باز از عدم شناخت کافی شما از من بود، شما نقدهای منطقی، تند و بی تعارف مرا که جزئی از وظیفه ی ملی خود میدانم را به حساب دشمنی با فلان مجموعه و یا شخص گذاشتید، غافل از آنکه در راه رشد، پویایی و سلامت حرکت ملی آذربایجان هر فعالی وظیفه ی ملی خود می داند که بدون کوچکترین ملاحظه ای نقد کند و نقد پذیر باشد، در قید و بند حب و بغض ها نباشد. یعنی میزان، منافع ملی ملت آذربایجان است و تمامی مجموعه ها، تشکلهای اشخاص و رسانه ها تا زمانی موردتایید فعالین و ملت می باشند که در راستای منافع ملی ملت آذربایجان قدم بردارند و نقد های بجا و منطقی را بپذیرند در غیر اینصورت به خودی خود ایزوله خواهند شد. حال بعد از شرح این وقایع، این سوال پیش می آید: شما را چه شده است که چرخشی صدو هشتاد درجه ای نموده و به ادعای خودتان دشمن مشترکمان “گوناذ ” TV را در دادنامه از نزدیکان من معرفی می نمایید. آیا این از عقب بام افتادن است یا تلاش برای تسهیل صدور مجرمیت از سوی دادگاه و یا سوژه دادن به دست عوامل تحت کنترل و مورد ادعایتان در داخل و خارج؟، همان معدود افراد حقیری که توان مقاومت در مقابل فشارها و ترفندهای شما را نداشته و شده اند غلام حلقه به گوشتان، تا ماموریتهای محوله از سوی شما را به نحو احسن انجام دهند. هم آنانکه در لولها و کسوتهای مختلف و متفاوت و با نقابهای چشم نواز، از جمله: در هیبت روشنفکر! و نظریه پرداز، هر از گاهی در بزنگاههای حساس و حیاتی حرکت ملی ظاهر شده و با طرح خروجی های اتاق فکری اداره ی اطلاعات، به عنوان “گفتمان” های به ظاهر علمی! و عقلانی!، اقدام بهمخدوش نمودن حیاتی ترین عنصر حرکت ملی، یعنی روح مقاومت و مبارزه نموده و زمینه را برای مهار و انحراف حرکت ملی آذربایجان فراهم می نمایند.

-در دادنامه موارد بسیاری است که بی پایه بودن آن محرز میباشد اما قسمتی را جالب دیدم تا اشاره نمایم: «... از عوامل و مرتبطین و مطلعین بصورت علی حده تحقیق، حکایت از این دارد که اعلامیه های مربوط به رد لایحه ی دوفوریتی طرح آبرسانی به دریاچه ارومیه را آقای عباس لسانی برای توزیع در اختیار عناصر تجزیه طلب قرار داده است.» باید تاکید نمایم من به هیچ عنوان حتی یک فعال تجزیه طلب را نمی شناسم، بر عکس، فعالینی که من می شناسم شدیداً مخالف هر گونه تجزیه هستند علی الخصوص تجزیه ی سرزمین مادریشان آذربایجان که با سیاستی مغرضانه در راستای اهداف اختلاف افکن و مناقشه برانگیز با همسایه گان سرزمینی هر از گاهی از سوی حکومت مرکزی قسمتی از آن جدا و به همسایگان پیشکش می شود. و در رابطه با اعلامیه ها، خود بهتر می دانید که هیچکدام از اشخاصی که به عنوان مطلع به دادگاه احضار نمودید ادعاهای سربازان گمنام را تایید نکرده اند.

-مورد تعجب بر انگیز در دادنامه: «اعلامیه ای با مضامین و تاکید بر تشکیل دولت آذربایجان و نابودی شونیسیم فارسی و...» غیر از قسمت آخر این اتهامات، یعنی “نابودی شونیسیم فارس” تمامی آن به مانند دیگر اتهامات کذب محض است و هیچ گونه پایه و اساس حقوقی ندارند اما متعجب از آنم که تنظیم کنندگان دادنامه با چه منطقی نگرانی خود از نابودی شونیزیم فارس را با طرح آن به عنوان اتهام مجرمانه بر علیه این جانب مطرح نموده اند؟ آیا حمایت ایشان از “برتری طلبی فارس” ناقض و نافی اصل ۱۹ قانون اساسی نمی باشد؟

-در دادنامه آمده است: «با صدور کیفر خواست علیه متهم از سوی دادسرای محترم عمومی و انقلاب اردبیل، صورت جلسه ی مورخه ی ۱۳۹۰/۶/۱۸ مرجع انتظامی که متضمن کشف کیس کامپیوتر حاوی مسایل مطالب قومی اعم از اعلامیه، مقاله با مضامین تجزیه طلبی می باشد.» و باز ادامه داده اید: «تحقیقات و گزارش هایجامع و مبسوط اداره کل اطلاعات استان اردبیل از نامبرده و مطلعین و مرتبطین در خصوص فعالیت تبلیغی علیه نظام و تهیه ی اعلامیه مربوط به رد لایحه ی دو فوریتی

طرح آبرسانی به دریاچه ی ارومیه که با عبارت مهیج و محرک تنظیم و بصورت گسترده در سطح شهر اردبیل توزیع و مردم را به ایجاد اغتشاش و نا آرامی تشویق و ترغیب و اقدامات معنونه را از طریق ارتباط اینترنتی برای عناصر تجزیه طلب خارج از کشور به منظور بهره برداری تبلیغی و تخریبی ارسال نموده...» در رابطه با کشف کیس کامپیوتر باید بگویم: کیسی که ایشان موفق به بردن آن شدند فاقد سخت افزارهای لازم خصوصا فاقد «هارد» بوده است و تمامی اسناد مورد ادعا، واهی و جعلی بوده و یا اصلا وجود خارجی ندارند. و اما در رابطه با ادعای تحقیقات از «نامبرده» یعنی اینجانب، یاد آوری و تاکید می نمایم از اولین دور بازداشت خود توسط اداره ی اطلاعات در بهار سال ۱۳۷۶ شمسیبا مقاومت و تاکید بر اصل قانونی، مبنی بر اینکه شاکی به هیچ عنوان حق ندارد از مشتکی عنه بازجویی کند؛ بر روی حق قانونی خود در بدترین شرایط ایستاده و به هیچ عنوان در طول سالیان متمادی، در هیچ یک از پرونده های خود در بازداشتگاهها ی اداره ی اطلاعات، بازجویی پس نداده ام و ادعای فوق را شدیداً تکذیب میکنم و اعلام می دارم اگر یک سطر، آری فقط یک سطر از بازجویی من در اداره ی اطلاعات از کل پرونده های من را رو نمایید تمامی اتهامات گذشته، حال و آینده را قبول و در مقابل هر حکمی معترض نخواهم بود. و اما در مورد قسمت آخر مطلب داخل گیومه: شما به تاریخ ۱۳۹۰/۶/۱۸، درست چهار روز قبل از تاریخ فراخوانی، در منزل مرا بازداشت نمودید، حال چگونه می توانستم به رغم اسارت در بازداشتگاه اطلاعات با عناصر تجزیه طلب! به وسیله ی اینترنت ارتباط برقرار نمایم و باقی قصه... آیا قاضی محترم متوجه تناقض گویی تنظیم کنندگان کیفر خواست نشده اند؟ -در قسمتی از دادنامه آمده است: «تهیه و توزیع مقاله با عنوان «سرابی در کویر تاریخ» که متهم با طرح لزوم برقراری نظام لائیک و سکولار، دین گریزی جوانان را حاصل سی سال حکومت دینی قلمداد نموده است.» قبل از هر چیز باید گفته شود طرح این گونه موضوعات در دادنامه به عنوان عمل مجرمانه بر علیه متهم، خود عملی است مجرمانه از سوی دادگاه محترم که در وحله اول ناقض حق آزادی بیان و مصداق بارز تفتیش عقیده می باشد، که هم در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر و هم در اصول قانون اساسی به صراحت به آن پرداخته شده است. اما در رابطه با مقاله ی «سرابی در کویر تاریخ»؛ در اینجا از قلم فرسایی در مورد آن به این بسنده می کنم: تقاضا دارم بار دیگر آن مقاله را به دقت بخوانید و منصفانه قضاوت نمایید، آیا مصادیق عینی آنرا در منطقه و هر جای دنیا که شرایط محیا بوده، شاهد نیستید؟ من در آن مقاله نه تنها «دین ایزاری» بلکه هر ایدئولوژی زمینی را نیز که در حوزه ی قدرت تعریف شود خطرناک برای بشریت میدانم، به این دلیل که همگی قابل تفسیر و تعبیر به مطلوب هر انسانی می تواند باشد و آن یعنی تیغ تیز به دست زنگی مست سپردن.

همچنین در فرازی از دادنامه آمده است: «توجهها به سوابق متعدد متهم در خصوص فعالیت قومی گرایی و تحریک و تشویق مردم به اعتراضات خیابانی به بهانه ی مناسبت های مختلف که اکثرا به ایجاد نا امنی منتهی شده و انکار و تکذیب بلاوجه مشارالیه و سایر قرائن و امارات موجود در پرونده، بزه کاری نامبرده را محرز و مسلم دانسته...» آنگاه که بعد از سرکوبی رحمانه ی قیام مسالمت آمیز و برحقمالت آذربایجان در خرداد ۱۳۸۵ در اعتراض به توهین روزنامه ی دولتی «ایران»، با غل و زنجیر به پای میز محاکمه کشیده شدم، جمله ای را در آنجا بیان نمودم: «فاعتبروا یا اولی الابصار» بدانید و آگاه باشید و از این قیام عبرت بگیرید که این گوشه ای از خشم ملت آذربایجان است و تا احقاق حقوق خود فراز و فرود خواهد داشت، اما خاموش نخواهد شد. اما گذر زمان نشان داد که مستی باده ی قدرت بسیار عمیق تر از باده ی شراب ناب است. قدرتی که سراب گونه است و توهم زا و مجنونش را در ورطه ی خطاهای عظیم به ناکجا آباد سوق می دهد. قدرتی که منبع و علت اصلی آن را نه در صاحبان و متوهمین آن، که باید در جای دیگری جستجو کرد و آنان به دلیل همان سرمستی، از تشخیص آن عاجزند. آنان عاجز از آنند تشخیص دهند که قدرت به ظاهر روز افزونشان، جزء و بخشی از پروژه و سناریوی عظیمی است که در منطقه به اجرا گذاشته شده است و یکی از ابعاد و اهداف مهم آن، مهار «فاندمنتالیزم» اسلامی همان بنیادگرایی اسلامی در منطقه است که از اواخر دهه ی هفتاد میلادی جهت مقابله با هجوم سرخ کشور شوراها-چه به لحاظ نظامی و چه به لحاظ ایدئولوژیک- توسط آمریکا در

منطقه پی ریزی شد و علی رغم میل حامیانش، موجودیت این پروژه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نه تنها از موضوعیت نیفتاد بلکه با دگر دیسی استراتژیکو تعریف دشمن جدید، نوک پیکان خود را متوجه غرب نمود. و اینجا بود که آمریکا و متحدانش برای مهار هیولای خود ساخته، سیاست خود را در منطقه استراتژی "دین آسمانی بر علیه ایدئولوژی زمینی" که در مقابل با مکتب سوسیالیسم اتخاذ نموده بود را در مواجهه با بنیادگرایی اسلامی (سنی و شیعه) ضد غرب، به استراتژی میان مدت «مذهب بر علیه مذهب» که میراث و حربه ی چند صد ساله ی جهان غرب بر علیه دنیای اسلام بود، روی آورد و به مدد شبکه های ماهواره ای تندرو که نقش کاتالیزور را با احیا و بروزرسانی مباحثات بی سروته و اختلاف افکنند میان مذهبین شیعه و سنی بر عهده داشتند را نیش قیر و احیا نمود. یکی از اساسی ترین شروط اجرای این پروژه برای دوام و قوام این آتش خانمان سوز، برابری و بالانس قدرت در میان طرفین بود که با حذف و نابودی دشمنان ضد شیعی جمهوری اسلامی ایران یعنی طالبان در شرق و صدام در غرب، بالانس قدرت در منطقه چنان چیده شد (البته در حال حاضر نیز مواظبت تا این بالانس در هیچ نقطه ای از این جبهه ی وسیع به هم نخورد) تا این زور آزمایی خارج از اختیار زور آزمایان، در قالب و بازه ی زمانی مورد نظر غرب، تا رسیدن به اهداف مطلوب از جمله رفع و دور نمودن کامل خطر بنیادگرایی اسلامی با معطوف و محصور نمودن آن به سرزمینهای مستعد اسلامی، و با ترغیب و سرازیر نمودن فاناتهای مسخ شده ی آموزه های آنچنانی از چهار سوی جهان، بالاخص از اروپا و آمریکا برای حضور در کانونهای حادثه، خصوصا منطقه ی خاورمیانه با هدف حفظ امنیت غرب و اسرائیل و همچنین به حد اقل رساندن تتمه و تبعات منفی دوران گذار "شبه قرون وسطایی" دنیای اسلام به اجرا گذاشته شده است در این جا لازم می دانم تاکید نمایم که این دوره ی گذار به یاریبازهای رسانه ای و آگاهی دهنده ی فوق مدرن عصر، بر خلاف تصور آنانکه بقا و قوام خویش را در ادامه ی وضع موجود می بینند، بسیار کوتاهتر خواهد بود. همچنین اینجا اشاره ای گذرا بر این مهم نیز خالی از لطف نخواهد بود که جنبش ها و حرکت های مردمی اخیر در منطقه، خصوصا در ممالک عربی، برخاسته از پتانسیل عظیمی بود، که به دلایل فوق الاشاره و همچنین باهدف هموار نمودن بستر، برای نیل به آن استراتژی و پروژه یکلان-با تغییر جهت و هدایت عوامل بازی ساز و بازیگر منطقه در روند آن، نه تنها هیچ یک از آن خیزشها به نتایج مطلوب ملل دمکراسی خواه منتج نشد، بلکه با گسترش هر ج و مرج، بهار دلنشینی به دیکتاتورهای منطقه هدیه نمودند. چنانکه آنان نیز با مغتنم شمردن حوادث جاری، اقدامات لازم در برجسته تر نمودن وحشیگریهای گروههای درگیر توانستند با تبلیغات در حد مغز شویی، توسط لشکر رسانه ای و دیگر امکانات خود، به موفقیتی هر چند زود گذر در القاء اینکه: "هرگونه حرکت آزادی خواهانه، ضد استبداد و انقلابی در نهایت منجر به حوادث مشابه خواهد بود!" و به این طریق توانستند با تغییر ارزشها ی مطالباتی جوامع تحت حاکمیت خود، موجب تنزل مطالبات ملل از ارزشهایی چون آزادی، عدالت، حقوق بشر، دمکراسی و ...، به امنیت و مقوله های خنثی و محافظه کارانه از این دست، موفق به بالا بردن سطح تحمل توده های مردم در مواجهه با مظالم و تبعیضات گسترده ی خود شده و اعتراضات در شرف وقوع را موقتا آرام نمایند. و اینگونه شد که بهار عربی، هر چند بصورت زود گذر، به بهار دیکتاتورها مبدل گشت. البته تحلیل و مباحثه در رابطه با مسائلی از این دست، از جمله پروژه ی داخلی تزریق "امید کاذب بر اتفاقات پیش روی" و حاکم نمودن "جو انتظار" بر جامعه و نیروهای سیاسی دگراندیش در مقاطع و مراحل زمانی مختلف، با ایجاد بحرانهای ساختگی و تحت کنترل و همچنین بهره برداری مناسب از بحرانهای واقعی، با هدف خنثی نمودن هر نوع کنش و واکنش سیاسی-مدنی اعتراض آمیز در متن جامعه، مجالی بیش می طلبد، که ...

سخن آخر در رابطه با اعلام حکم به محکومیت اینجانب از سوی دادگاه بدوی: می خواهم به صراحت اعلام نمایم اگر شکنجه ها- حبس ها و اعدامها قادر به تغییر اراده ی ملتها بود، مطمئنا صفحات تاریخ به گونه ی دیگری رقم می خورد. تاریخ شاهد است اگر چه قدرتمداران در مواردی توانستند بر جسم حق گویان غلبه کنند اما همیشه مغلوب اندیشه های حق طلبان بوده اند و خواهند بود. چنانکه "ارنستو چگوارا" می گوید: «آنان به خیال خود ما را دفن می کنند غافل از آنکه ما را همچون بذر میکارند» و

بدون شک رویشی خواهیم داشت تصاعدی، آری شما به راحتی محکوم می کنید نه تنها مرا، بلکه طی سالیان متمادی صدها و بلکه هزاران فعال ملی-مدنی آذربایجان را که با روشهای دور از خشونت و مسالمت آمیز گرم نبردی هستند نا برابر، با شوونیزم فارس. اینک سوال این است: به کدامین جرم؟! تمامی این پرونده سازی و اتهام زنی ها برای چیست؟ آیا آنان چیزی غیر از حقوق انسانی - ملی ملت خود را خواستارند؟ آن حبس های طویل المدت برای چیست؟ کدام عمل تروریستی از آنان سر زده است؟ کدام فعال ملی راضی است حتی خونی از دماغ شکنجه گرش ریخته شود؟ چرا نمی خواهید واقعیت و ماهیت انسانی و مسالمت آمیز حرکت ملی آذربایجان را درک کنید؟، آنانکه اکنون در زندان شوونیزم فارس هستند چه گناهی مرتکب شده اند جز تلاش برای احیا هویت ملی ملت خود که تحت شدیدترین تهاجمات نژاد پرستانه، در حال نابود شدن است؟، مگر چه کرده بود "سعید متین پور" که "هشت" سال از بهترین دوران جوانی اش را از او گرفتید، اما چون کوه ایستاد و خم نشد؟. به کدامین جرم "آیت مهر علی بگلو" و هم رزمانش به "نه" سال زندان محکوم شدند آیا تلاش دیگریز ایجاد تشکل در چهار چوب قانون و فعالیت قانونی داشتند؟ آنان نیز ایستاده اند و خواهند ایستاد، همچون سهند و ساوالان. راستی "علی رضا فرشی" دیگر چرا؟؛ او که فرزند شهید است و مانند پدر بزرگوار شهیدش سر می دهد اما سر نخواهد داد او که غیر از جمع آوری امضا و تسلیم آن بر استانداری جهت اخذ مجوز قانونی برای برگزاری مراسم روز جهانی زبان مادری، کار دیگری نکرده بود، همان مجوزی که از اعراب و اکراد دریغ نشد. به راستی این چه مرضی است در میان فارس پرستان که دشمنی بخصوصی با "تورکان" دارند؟ این مرض تورک ستیزی در لایه های مختلف حاکمیت به چه معنا است؟ و سوال آخر اینکه؛ این به ظاهر خودی های تورک نمای تورک ستیز، چه بر سرشان آمده است که این همه ظلم و تبعیض- به لحاظ فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و سرزمینی را بر علیه ملت خود می بینند و نه تنها دم بر نمی آورند بلکه خود کارگزار سیاستهای نژاد پرستانه بر علیه ملت خود هستند .

عباس ایسانی

۲۵ فروردین ۱۳۹۴ شمسی

زندان دا یازدیقلاری مراجیعت لر

عباس لیسانی-نین گونئی آذربایجان میلی قیامینین ایل دونومو مناسیبتی ایله
آذربایجان خالقینا موراجیعتی

«اولو تانری نین آدی ایله»

بؤیوک، باشی اوجا، آیدین و غیرتلی آذربایجان تورک میللتینه، تاریخ بویو حماسه یارادیب باشقا میللتلره اؤرنک اولان، بشریتین ایلکین مدنیتی نی قوروان، سون زمانلاردا علیینه اولان ساییز توطئه و چتیلیکلره باخمایراق دونیادا، اؤزلیکله شرق دونیاسیندا ایلک دونه اولاراق دموکراتیک حوکومتلر و سیستم لر یارادان میللته سالام اولسون.

عشق اولسون او میللته کی شرق دونیاسیندا ایلک دفعه اولاراق دموکراتیک بیر جمهوریت قورموش، قادینلارا سئچیب و سئچیلمه حاققی تانیمیشدیر، بو بیر حالدا اولموشدورکی هله بیر چوخ مترقی سانیلان غرب اولکه لرینده خانیملار ان ایلکین حاققلاریندان محروم حالدا یاشاییردیلار. آذربایجان تورک میللتینین بئله تاریخی بیر باشارینی گئرچکلشدیرمه سی نه اینکی تعجوبلو گؤرونمه میشدیر، بلکه اونون اوزاق کئچمیشیندن آخیب گلن درین مدنیت و کولتورو کیمی تظاهور ائتمیشدیر. بای .

ایفتیخار اولسون او بؤیوک و قهرمان میللته کی روس و تهران ایستیدادینی سیندیریب یئنه ایلک دفعه اولاراق شرق دونیاسیندا شاه و شاهلیغی مطلق گوج اولماقدان ائندیریب، مشروطه آدی ایله تانینان پارلمانتاریستی بیر سیستمه دامغاسینی وورموشدور. بو گرچکده، اونون تاریخیندن بؤیوک و دموکراتیک روحوندان قاینقلانلانماقدا ایدی. چونکو آذربایجان تورکلو یونون تاریخینده اولو بابالاری یاراندیغی خاقانلیقلار و چئشیدلی ایمپراترلوقلاری و دؤولتلری گه بیشمک اساسیندا یعنی « قورولتای» سیستمینه دایاناراق یونه تمیشدیر. بک.

آقبش لار اولسون او میللته کی اوسطوره لشمیش اولو قهرمانی اولان بؤیوک « بابک خورمدین» دن ایلهام آلاراق یئتمیش مین شهید باهاسینا ۲۱ آذر کیمی پارلاق بیر صحیفه نی ایفتیخارلی و غرورلو کئچمیشینه آرتیردی .

ایندی سن ائی بؤیوک آذربایجان تورک میللتی، بونو بیلمه لی سن کی، اولو بابالارین بو و بونلارا تای و حتی داها بؤیوک باشاری لار و حماسه لری یاخین و اوزاق کئچمیشده یاراتمیشلار.
بونلار اولو بیللمزدی و اولمادی مگر او چاغ داکی تورک کؤکره ییب اوزونه دونموشدور.

آنحاق نندن بو دوروما دوشدوک؟! نندن آغالیغیمیز اسارته دونوشدو؟

بو سورولارین جاوابی بللی دیر. تاریخیمیزدن درس آلمادیق، اؤزوموزو اونودوب اؤزگه لره بنزه مه یه چالیشدیق و سونوجدا پارچالانیب یابانجیلارا قول اولدوق .

آنجا اولو تانرییا شوکورلر اولسون کی، ایلر بویو تاریخ و دولغون ادبیاتیمیزی بوتون یاساقلارلا رهما میللتیمیزه تانیدیران داهی بیلگینلریمیزین چالیشلار ی بوشا گنتمه میشدیر. نجه کی بو گون آیدین، دوشونجه لی و میللتچی بیر نسل اورتایا چیخمیش، بوتون گوج و درین ایناملا فارش فاشیزمین ظالمانه سیاستی سونوجوندا یاتیردیلیمیش گونئی آذربایجان میللتینی اویادیب، اوزونه و تورکلویونه قایتارماق اوغروندا هر بیر چتینلیه قاتلاشماغا حاضریدیرلار.بای.

اونلار تورک تاریخین بویوک خاقانی اولان « بیلگه خاقان» بابالارینین داشدا قازیلیمیش اویود و وصیتلرینی اونودمامیشیلارکی دنیر: « ائی تورک میللتی کؤکره و اوزونه دؤن! چونکو کی سن اوزون اولاندا بویوک اولورسان». ایلر بویو بو اؤنملی تاریخی منسازین اوغروندا چالیشان دوزگون و صداقتلی میللتچی لر بیر چوخ آشاملاری چنشدیلی ساحه لرده باشاری ایله آشدیقان سونرا، سونوندا او بویوک و تاریخی گون گلیب چاتدی. و سن، ائی آذربایجانین آیدین و قهرمان میللتی، کؤکره بیب و اوزونه دؤندون، بویودون و داها دا بویودون. ائله کی «خورداد» حماسه سی بویوکلویونده عظمتلی بیر تاریخ یازدین. ائله بیر سس و فریاد سالدین کی دنیا سنی گوروب و ائشیتمه یه مجبور اولدو. او بویوک و تاپسیز قیام ساده جه کئچمیشده ده بنزلرینه راستلانیدیغیمیز بیر تحقیره قارشی عکس العمل دنیلدی. بو بویوک ملی قیام اسارت زنجیرینی قیرماغا قارشی باشلادیلان میلی مباریزه نین گؤسترگه سی ایدی.بک .

آنجا یازیقلا اولسون کی او حاقلی و مدنی اولان اعتراض سسینی دنیا ائشیدسه ده، او بویوک پارتلیشی فارس شوونیزی دویمادی و دویماق دا ایسته میر. بلکه ده بو، تاریخدن گلن بیر قایدادیرکی ایستیناسی دا آز اولوب ، اودا بودورکی، میللتلر هر نه قدر درین یاتیردیلیمیش اولسالار دا، اویانیشلاری ظالم و مستبید حاکیملره قارشی داها دا سرت اولموشدور. بو اویانیشدان قورتولوشلار دوغور. نجه کی ۱۳۸۵-اینجی گونش ایلین خوردا آییندا آذربایجان تورک میللتینین میلی قیامی بو میللتین اوزگه لردن هارای اوممادیغینی و یالنیز اوز قورتولوشونو تاریخدن آدیقی بیر درس اساسیندا اوز قیامیندا گوردو و بنله ده اولمالی دیر.

ایندی ائی آذربایجان میللتی آیدینجا سئچدیگین بو حاقلی دیره نیشده داها یاخشی بیلیرسن کی سندن باشقا سنه یاردیم ائدن یالنیز اولو تانری دیر. بونو بیلمه لی سن کی نه کئچمیشده نده بو گون اوزگورلوک، هنج بیر میللته پای اولراق وئرلیمه میشدیر. آزادلیق هر زمان بویوک مباریزه نین، بویوک و سارسیلماز ایراده نین نتیجه سی اولموشدور.

آنجا بو گون دنیا ده یشیب. دیکتاتورلارلار مدنی حرکتلری تاپتاییب و ازمه یه مدنی دنیا ایمکان وئرمیر. اوزللیکله بویوک میلی ایراده یه دایانان مباریزه منتودونو مغلوب ائتمک مومکون دنیلدیر .

ائی اولو میللت! سن بو گون گوجلوسن. چونکو اوزونه دونوموسن، اوزونو درک ائتمیسن و داها گوجلو اول بیلرسن. اگر بیر سس اولسان، بیر یومروق اولسان و هر بیر « من » « بیزلیک» دنیزینده بیرلشسه گوجلو، گوجلو و داها دا گوجلو اولارسان. سن ای آذربایجان بونو باشاراجاقسان. بو ایل خوردا آیینین بیرینده (۱۳۸۶/۰۳/۰۱) آخسام اوستو ساعات ۵- ده آذربایجان شهرلرینده و ایران آدلانان اولکه نین هر بیر یئرینده یاشایان تورک، اوزللیکله تهران شهرینده میلی قیامین ایل دنومونو مدنی و باریشجیل یوللا قئید ائدرک، فارس فاشیزمین تاریخی بیر درس وئره جکسینیز.

ایندی ائی یوردومون میللتچی و چالیشقان قیزلاری و اوغولاری بونو یاخشی بیلیرسینیزکی، آذربایجان میلی حرکتین تریبونو و سسی بیر TV و اینترنت سیته لری دیرلر کی، اونلار دا تاسوفلرله فارس

شونیزمی نین یاساقلاری و بیر سیرا ایمکانسیرلیقلارا گوره خالق آراسیندا یاییلماسی جتینلشمیشدیر. یعنی بونلارین اومودو ایله میلیتی گنیش میقیاسدا خیابانلارا چکمک اولان ایش دنیل.بای .

اینانیرام بو بوشلوغو میلیتچی و چالیشقان ایگیلرین بو فاصیله ده گنجه-گوندوز، یازی، سی دی، دیوار یازمالاری و ائل ایچینده اولوب آیدینلا تیجی دانیشمالاری دولدوراجاقدیر.

ایندی ائی قهرمانلار یوردو اورمو، تبریز، زنگان، اردبیل، همدان، قزوین، ماراغا، اراک، سولدوز، قوشاچای و ائی تهران، سهند و ساوالاندان گوج آل دالغالان، لپه لن و یئنی تاریخ یارات، چونکو قورتولوش یولون آنجاق و آنجاق بودور:بیرلیک و مدنی دیرنیش.

خوردادین بیرری آخشام اوستو ساعات ۱۷:۰۰-ده باشینی اوجا توت و هایقیر دوشمنه قارشی و اوز میلی حاققینی طلب ائيله. سؤیله کی:

گوزون تیکمه یوردوم آذربایجانا

کی دالغین دنیز دیر باتارسان قانا

اولوبدور مگر تورکون آلپ ارلری

یئتنن چاققالا یورد اولای یئرلری

سؤزومون سونوندا اوجا آذربایجان میلیتی اؤنونده باش اه بیر، درین سایقیلاریمی سونورام و اؤنده گلن بؤیوک دیره نیشین باشاری ایله سونوجلانماسینی آرزو اندیرم.بک.

اردبیل زیندانی

نامه سر گشاده عباس لیسانی به دادستان کل استان اردبیل

فرستنده : عباس لیسانی
جرم و اتهام : معاونت در اخلاف تاریخ آخرین مرخصی :-
نام پدر : اسد مدت محکومیت : ۳۰ ماه زندان - ۳ سال تبعید میزان جریمه:
تاریخ ورود به زندان : ۸۵/۳/۱۵ مدت حبس : ۶ ماه کد نامه :
موضوع : اعتراض به بی عدالتی و اعلام اعتصاب غذا
گیرنده : دادستان کل استان

سلام علیکم

گویند زمانی که اسکندر مقدونی با نبوغ سرشار خود قسمت وسیعی از سرزمینهای شرق را تصرف نمود. طولی نکشید خود را در مقابل واقعیتی تلخ که سخت ترین مشکل دوران فتوحات او بشمار می رفت، یافت و ناچار روی به دانای پیر عصر خود آورد و چاره ی کار جست. اسکندر مشکل خود را با استادش چنین طرح نمود: سرزمینهای زیادی را به تصرف در آورده ام، که ملل گوناگونی در آنها زندگی می کنند اما نیروی کافی برای حفظ و اداره ی آن ممالک در میان لشگریان خود ندارم. استاد گفت: " مطمئناً" در میان هر ملتی یافت می شود اشخاصی که به خاطر قدرت و ثروت و مکنت، پشت به ملت و سرزمین خود نمایند، آنان را بیاب و بر سر ملتهای خودشان بگمار، که بهتر از تو و لشگریانت مردم خویش را مهار خواهند کرد."

بعد از حماسه ی نیمه اول خرداد هشتاد و پنج برخی از مسئولین فارس زبان منطقه به صورت تاکتیکی و با هدف عوام فریبی و فرو نشاندن خشم ملت مظلوم آذربایجان توسط حکومت مرکزی فرا خوانده شدند و بجای آنان به اصطلاح خودی ها !!! را بر سر ملت آذربایجان گماردند که مقام دادستانی اردبیل نیز از آن جمله می باشد. البته این جای هیچگونه تعجبی ندارد، زیرا در طول تاریخ هر استعمارگری، ملل تحت استعمار خود را با روش اسکندری فوق الاشاره اداره نموده است و آذربایجان نیز نمی توانست از این قاعده مستثنی باشد.

اما علل مقدمه چینی. هنگامی که با خبر شدم مسئولین زندان اردبیل در مورد مرخصی اینجانب از خود سلب مسئولیت نموده و دستور کتبی دادستانی را شرط قرار داده اند، در دل به چنین سیستم قضائی که بزرگترین هنرش سرکوب نمودن هر صدای مخالف و بحق میباشد، احسنت گفتیم؟! سیستمی که اجازه میدهد آنکه دستور سرکوب ملت آذربایجان در نیمه اول خرداد را صادر نمود و آنکه بیش از سه هزار نفر از فرزندان ساوالان را که در آن اعتراض بحق بازداشت شده بودند را به دست جلادان و شکنجه گران اداره اطلاعات و اطلاعات نیروی انتظامی سپرد تا هر چه می خواهند بر سر غیور مردان حق طلب آذربایجان بیاورند.

او که هم شاکی است هم باز جو؟!، او بود که مجوز فله ای در اختیار سرخوردگان و مغلوبین(نیروهای امنیتی) آن حماسه می گذاشت تا جبران مافات کرد، و هر چه عقده دارند در راستای خوش خدمتی به نژاد پرستان فارس بر سر فرزندان ساوالان سرفراز بریزند و یک بار دیگر این پیام را به نژاد پرستان فارس برسانند که " نگران نباشید اگر شما کلاه بخواهید ما سر خواهیم آورد". آری سیاست شیطانی شونیزم فارس چنان سیستم خطرناک و شومی را جا انداخته است که دیگر نیازی به حضور مستقیم خود نمی بیند زیرا شما و امثال شماها مجریان پروسه و پروژه استحاله و سرکوب ملت ستم دیده ی خود هستید. ملتی که جز حقوق انسانی و ملی خود بیش نمی خواهد، ملتی که در نتیجه ی تبعیض اقتصادی هر روز فقیر و فقیرتر می شود.

آقای دادستان آیا علل روز افزون شدن مفساد اجتماعی در آذربایجان را نمی دانید؟ آیا علل انواع بزه های اجتماعی که روز به روز باعث پرشدن زندانها می شود را نمی دانید؟ چرا خوب می دانید، اما دیگر چنان فاصله ای از توده مردم و ملت مظلوم خود گرفته اید که آنان را لایق آنچه هستند می دانید. شما بودید که محله های فقیرنشین اطراف شهر را بی فرهنگ خواندید و حضور گسترده ی آنان در قیام

۶ خرداد اردبیل را بی ارزش . شما این سخنان را در اولین مباحثه مان بر زبان آوردید، که لازم می دانم نکاتی را در این نامه ی سر گشاده یاد آوری کنم ، جواب من به شما این بود: چه شد پس ان شعارهای فریبنده و پوپولیستی : "حکومت پا برهنگان - حکومت مستضعفان - یک موی کوخ نشینان را به دنیای کاخ نشینان عوض نمی کنم و..." چه شد آن تعهدات انقلابی و اسلامی؟! آقای دادستان پیامبر اسلام دست پینه بسته را بوسید، نه پیشانی کبود از ریا را، آیا فراموش کرده اید آن سخن گوهر بار امام علی (ع) را که فرموده است: "پروتی انباشته ندیدم مگر اینکه در کنار ان حق مظلومی ضایع شده باشد". حال چه شد که حق گویان و مظلومان ، مغضوب نظام اسلامی شماست، چه شده است که امروز سخن گفتن از حقوق ملت آذربایجان تبلیغ علیه نظام محسوب می شود؟! آیا ماهیت نظام مغایر با حقوق ملت آذربایجان است؟! حداقل مواجهه ی خصمانه با حق طلبان آذربایجان، نمایانگر آن است . آقای دادستان یاد آوری می کنم آن سوال صریح شما را در روز مباحثه مان، که خطاب به اینجانب گفتید: "آیا شما اصلا" نظام جمهوری اسلامی را قبول دارید؟"، جواب خودم در آن روز را باز تکرار می کنم: نه تنها جمهوری اسلامی بلکه خود اسلام نیز اگر فاقد عدالت باشد قبول ندارم، زیرا مبنای خلقت عدالت است، فلسفه ی وجودی تمامی ادیان الهی تحقق عدالت است . دین هدف نیست ابزار است، اما نه برای استثمار و اسارت و نقض حقوق انسانها ، بلکه وسیله است برای رسیدن بشر به سعادت ابدی . آیا هیچ می دانید؟ اسلام قشری شما که ابزار حکومت کرده اید چه ضربات جبران ناپذیری به دین محمد (ص) وارد آورد؟ تنها به یک مورد اشاره می کنم: هفتاد سال با انواع و اقسام ابزارهای تبلیغی، مکتبهای ماتریالیستی نتوانست کوچکترین خللی در باورهای توده ی مردم ایجاد نماید . اما اگر عینک خوش بینی را از چشمان خود بردارید، خواهید دید که اکثر جوانان این ملت نه تنها دین گریز بلکه دین ستیز نیز شده اند . و این یکی از دست آوردهائی است که دنیامداران دین ابزار برای این ملت به ارمغان آورده اند . با این حساب هم هویت ملی هم هویت دینی شان در خطر است، هر کدام به نحوی.

آقای دادستان خلاصه کلام اینکه مسئولین زندان در مورد مرخصی اینجانب از شما استعلام کرده اند، شما که از هیچ تلاشی برای نقض حقوق قضائی و انسانی من و خانواده ام فرو گزار نبودید. هم شما بودید که کیفر خواستهای شدید و بلند بالائی را بر علیه من تنظیم و به دادگاهها ارائه کردید و باز از هیچ ضربه ای فرو گزار نبودید در آخرین کیفر خواست شما به صراحت از دادگاه تجدید نظر خواسته اید تا مجازتهای قانونی را کافی ندانسته و بصورت کاملاً" غیر قانونی مجازات ۳ سال تبعید به کویر طبس را بر علیه من تدارک ببینند و جالبتر آنکه اجرای آن حکم نیز از فرط وحشت بصورت غیر قانونی و قبل از ابلاغ به خودم با بازداشتی آن چنانی، که خود نیز از آن سوی خیابان ناظر بودید، انجام شد؟! لازم به توضیح است این دو مورد، تبعید به کویر و بازداشت غافل گیرانه ی من، هر دو عللی داشت.

مورد اول: در اعتراض به حکم دادگاه بدوی آخرین پرونده ام، در قسمتی از لایحه نوشته بودم اگر فاشیزم فارس رفتار ظالمانه با ملت آذربایجان را ادامه دهد با قدرت ملت آذربایجان به کویر ، همان سرزمین پدریشان باز گردانده خواهند شد . در آن مطلب یک حقیقت و جبر تاریخی را یاد آوری کرده ام که حتی با وجود مرگ فیزیکی من در طبس آن اتفاق خواهد افتاد زیرا شوونیزم فارس منطق از کف داده است. هر چند هر حرکت فاشیستی خالی از منطق است .

مورد دوم: در متن آن لایحه آورده بودم، اگر مرا در دادگاههای در بسته و فرمایشی محکوم نمایید مردم حاضر در قیام ۶ خرداد را اگر لازم بدانم برای شهادت و حمایت فرا خواهم خواند . باید می دانستید که "لیسانی" چنین اجازه ای به خود نمی دهد تا مردم شریف و قدر دان ساوالان را به خاطر خودش به زحمت اندازد و این بلوف سیاسی بیش نبود تا عمق وحشت شما را از ملت آذربایجان بسنجم و چه زود جا زدید. ملت آذربایجان نه هر روز خدا بلکه بعد از آن نمایش قدرت در نیمه اول خرداد که لرزه بر اندام نژاد پرستان فارس انداخت. به همت فرزندان بیدار خود آن شور عظیم را مسلح به شعور و خود را آماده زدن تیر خلاص بر پیکر نحیف نژاد پرستی فارس می نماید . حال بر نظام حاکم است که با چرخشی ۱۸۰ درجه ای حساب خود را از فاشیزم و نژادپرستی فارس جدا نماید زیرا ملت آذربایجان در طول تاریخ پر افتخار خود ثابت نموده است هر قله ای را که اراده کند فتح خواهد نمود.

آقای دادستان، اینک حقوق قانونی من در زندان از جمله مرخصی در اختیار شماست، شما که بازوی پرتوان شوونیزم فارس در سرکوب قیام ۶ خرداد فرزندان ساوالان بودید، آنان که تنها گناهشان اعتراض مدنی به اهانت بی شرمانه ی تریبون رسمی و دولتی (روزنامه ایران) بر ملت شرافتمند تورک بود. آری شما به خیالتان آن صدا را خاموش کردید غافل از اینکه حرکت ملی آذربایجان در نیمه ی اول خرداد به بیش از اهداف تعیین شده اش در آن مقطع زمانی دست یافت، که این به ظاهر خاموشی نه از قدرت سرکوب شوونیزم بلکه از مصالح و تاکتیک های حرکت ملی سرچشمه می گیرد. آقای دادستان چگونه می توان انتظار داشت شما که در ان مباحثه اعتراف نمودید " ما هیچ کاره ایم و از مرکز دستور می گیریم". بتوانید مستقلانه، حتی اگر غرضی هم در کار نباشد در مورد مرخصی من تصمیم بگیرید. لازم به ذکر است نه استعلام مسئولین زندان از شما و نه کسب تکلیف شما از رئیس قوه قضائیه، هیچکدام توجیه کننده ی کارگزاری شما بر ظلم در پیشگاه خداوند و ملت آذربایجان نخواهد بود.

در خاتمه می خواهم آب پاکی را به دستتان بریزم. به امید خداوند و با پشتیبانی ملت بزرگ آذربایجان اگر تا پایان عمر در اسارت شما باشم برای گرفتن حقوق ملت که خود نیز جزی از آن هستم، خواهش نخواهم کرد و با مبارزه ای بی امان برای ستاندن هر حقی اقدام خواهم نمود. پس با سر بلندی و غرور نشأت گرفته از بزرگی ملت اعلام میدارم اگر تا بعد از گذشت ۳ روز از ابلاغ این نامه، با مرخصی اینجانب موافقت نشود دست به اعتصاب غذای نامحدود خواهم زد و اگر لازم بدانم آن را به اعتصاب خشک تبدیل خواهم نمود و تا خود مرگ پیش خواهم رفت و دنیا را به دنیامداران و قدرت طلبان خواهم سپرد و هیچ نگرانی از آینده ملت تورک آذربایجان نخواهم داشت زیرا ملتی که به بیداری ملی و بلوغ سیاسی رسیده باشد زنده و پویا خواهد بود.

سون سوزوم کوکوموزو کسمکده اولان بالتالارین ساپینا :

بو چاغدا کیملیگین بیر اوجوز بهایه ساتان

اینان صاباح بیر آغیر گونده سسلر آی دین آلان

اردبیل زندانی

نامه عباس لسانی به رئیس زندان مرکزی اردبیل

ریاست محترم زندان اردبیل آقای انزابی

چند روز قبل یکی از مسئولین مددکاری زندان به نام آقای عباسیان با مراجعه به اینجانب در محل قرنطینه، کپی داد نامه محکومیت مرا خواست. علت آن جویا شدم، گفت: برای عفو لازم است. سؤال نمودم کدام عفو؟! گفت: عفو برای شما. با تعجب گفتم من از کسی عفو نخواسته ام. گفت: تنها شما نیستید. ما هر از گاهی اسامی تعدادی از زندانیان را از طرف زندان اردبیل به تهران می فرستیم و شما نیز جزو آنان قرار داده شده اید. باز تکرار کردم، من هیچگونه عفو یا بخششی از کسی نخواسته ام. ایشان جواب دادند: این نوع عفوها با تشخیص زندان است و به تقاضای زندانی ربطی ندارد. شما فقط کپی داد نامه خود را می دهید تا ضمیمه پرونده و به تهران ارسال شود. جواب آخرم این بود که من نه کپی داد نامه را به شما می دهم و نه هیچگونه عفوی (با هر عنوان) را نمی پذیرم. ایشان گفتند تصمیم نهایی با زندان و از اختیارات مسئولین زندان می باشد و رفتند.

آقای انزابی! این گفتگو مابین من و مسئول مددکاری زندان بود. حال این سؤال پیش می آید که چه کسی یا کسانی می خواهند مرا عفو کنند؟! آنان که سیاست دیکته شده از سوی استعمار انگلیس بر حاکمان پهلوی را نه تنها مو به مو اجرا می کنند بلکه با بهره گیری از تکنولوژی معاصر شدت و حدتی صد چندان به آن بخشیده اند؟ همان سیاستی که هدف نهایی اش نابود کردن عنصر تورک در منطقه، خصوصا در ایران بود. استعمار انگلیس به خوبی دریافته بود که با وجود روح عصیانگر، ظلم ستیز و ضد استبدادی ملت تورک آذربایجان، استثمار دیگر ملل ایران غیرممکن خواهد بود. اینک دو راه برای اجرای پروژه شوم خود در پیش رو داشت: روش اول؛ نسل کشی فیزیکی. روش دوم؛ نسل کشی فرهنگی. اما برای اجرای این ماموریت بسیار مهم به سرسپردگانی نیاز داشت و چه گزینه ای بهتر از خاندان پهلوی. استعمار با این انتخاب، در جهت اهداف خود نشانهایی دیگری را نیز می زد. بعد از ورود اسلام به ایران بعد از هزار و اندی سال، حکومت را از دست اکثریت تورک غصب و به دست اقلیت فارس سپرد و این شگرد موزیانه از سیاست های خطرناک استعمار پیر بود که در اکثر ممالک تحت نفوذ خود اعمال می کرد؛ مسلط نمودن اقلیت بر اکثریت. بعد از بر سر کار آمدن رضا پهلوی هر دو روش فوق اشاره با تمام توان به اجرا گذاشته شد و اعمال آن سیاست بعد از عزل او و نصب پسرش نیز به شدت ادامه یافت. چنانکه در ۲۱ آذر ماه ۱۳۲۵ محمدرضا پهلوی با یاری و دخالت مستقیم نیروهای آمریکایی قیام ملت آذربایجان را به خاک و خون کشید که منجر به شهادت بیش از هفتاد هزار نفر از فرزندان غیور و آگاه این ملت مظلوم و حق طلب شد. اما این نیز برای رسیدن به استراتژی مورد نظر کارساز و کافی نبود. زیرا ملتی به آن بزرگی (به لحاظ جغرافیایی و جمعیتی) را نمی شد با قتل عام ها نابود کرد. لذا روش کارسازتری که از اوایل به قدرت رسیدن رضا پهلوی آغاز شده بود با بی رحمی تمام ادامه یافت؛ یعنی سیاست هجوم همه جانبه به تمامی ارکان فرهنگ این ملت مغلوب و مظلوم. تحقیر زبان تورکی در همه ابعاد و ممنوعیت تدریس آن در مدارس و حتی منع استفاده از آن در اماکن عمومی و دولتی به صورت نوشتاری و گفتاری و تحریف تاریخ این ملت با سرمایه گذاری کلان با مدد جستن از قلم به مزدان داخلی و خارجی از جمله آثار جعلی یهودیان اعمال و اجرا شد. آنان هجمه های فرهنگی را نیز کافی ندانسته و اقدام به نابود کردن اقتصاد آذربایجان نمودند تا موجبات در به دري فرزندان این ملت و کوچ آنان به استانهای فارس نشین جهت به دست آوردن لقمه نانی و متعاقب آن شکستن غرور ملی و از دست دادن اعتماد به نفس ملی و بروز فاجعه ای بزرگتر به نام خود کم بینی ملی را موجب شوند که نتیجه آن استحاله و نابود شدن کامل است. آری! شوونیسم فارس منابع زیرزمینی را چپاول و منابع رو زمینی را با روشهای مختلف نابود کرد. این در حالی بود که سرمایه گذاری ملی در آذربایجان عملا ممنوع شده بود و سرمایه گذاران شخصی و خصوصی با انواع و اقسام روشها از منطقه دور نگه داشته می شدند.

اینها فقط ذره ای از مظالمی است که در طول یک قرن بر ملت آذربایجان رفته است و برای بیان بیش از این اکنون مجال نبود.

آقای انزابی! آنچه بر سرزمین ما آذربایجان رفت بدتر از ممالک تحت استعمار و استثمار مستقیم بود و حال همگان شاهدیم که بعد از سقوط شاهان نه تنها وضع تغییر به مثبت نکرده بلکه بدتر هم شده است زیرا حکومت اسلامی نیز تداوم دهنده آن سیاست شوونیستی و فاشیستی می باشد اما با مکانیزمها و ابزارهای بس خطرناک. اینها همه و همه برای آن بوده و هست تا ملت آذربایجان را در معرض الیناسیون که در نهایت منجر به آسیمیلاسیون و استحاله فرهنگی می شود قرار دهند و به همان هدف نهایی شوونیسم فارس یعنی نابودی معنوی ملت تورك آذربایجان نائل آیند که در بسیاری از مناطق آذربایجان قربانیانی هم گرفته شده است. قربانیانی چون استانهای همدان، اراک، قزوین و استانهای در معرض قربانی شدن از جمله: زنجان، اردبیل و آذربایجان غربی که با سیاست خطرناک و شوم تر دیگری در حال واگذار شدن به کردها می باشد. این گونه سیاست های شوونیسم فارس گام به گام به ثمر می نشیند و اینها نشد مگر در نتیجه از خود بیگانگی ملت ما با از دست دادن عرق ملی، غرور ملی و اعتماد به نفس. اما برای جلوگیری از این فاجعه ملی، آگاهان و بیداران این ملت طی سالیان گذشته برای بیداری ملی این ملت تلاشهای فراوانی انجام داده اند که خوشبختانه ثمراتی نیز داده است و یکی از آن دستاوردها قیام و خروش ملی ملت آذربایجان در نیمه اول خرداد ماه ۱۳۸۵ (اطمینان دارم ملت آذربایجان آن روزهای تاریخی را فراموش نخواهد نمود و روز اول خرداد هر سال را برای ایجاد وحدت، انسجام و قدرت بیشتر در تداوم قیام و همچنین ارج نهادن به استارت جسورانه مردم قهرمان تبریز در آن تاریخ و آن روز به عنوان روز قیام ملی گرامی خواهد داشت.) بود و به رغم برخورد وحشیانه با آن حرکت مدنی و مسالمت آمیز کاخهای فاشیزم فارس را لرزاند. اما آزاردهنده تر از هر چیز اینکه سرکوبگران، محاکمه کنندگان و زندانبانان آن قیام، برادران!!! تورك ما بودند. آنان نیز قربانیان سیاست های شوونیسم فارس بوده و هستند. اکثر عوامل سرکوب و خفقان خودی های از خود بیگانه بودند و هستند. از جمله شما آقای انزابی رئیس زندان مرکزی اردبیل که هم اکنون زندانبان من هستید و شاید یکی از افتخارات زندگی خود خواهید دانست که: "لیسانی را که اقدام به اعتصاب غذا نموده بود در دمای زیر صفر درجه در قرنطینه نگهداری می کردم." آری! شما نیز قربانی آن سیاست شده و ملت خویش را فراموش کرده اید و فقط به مقام و قدرت و امیال دنیوی که همگی گذرا هستند می اندیشید و چه خواب شیرین شما را در بر گرفته است اما بیداری بس تلخی را پشت سر دارد.

اما عفو برای من از طرف چه کس یا کسانی؟ آنان که این همه بلایا را بر سر ملت آذربایجان آورده اند می خواهند مرا عفو نمایند؟! قاتلان فرزندان آذربایجان؟! اصلاً جرم من چیست؟ در کدام دادگاه بی طرف و عادلانه محاکمه و محکوم شده ام؟ کدام دادگاه علنی و صالحه ای مرا محکوم کرد تا امروز مورد عفو قرار بگیرم؟ دفاع از حقوق ملت آذربایجان اگر جرم است من به این جرم افتخار می کنم. آقای انزابی! قرار دادن قرار دادن پرونده ام در میان مشمولین عفو را نه تنها توهین به خود می دانم بلکه اهانتی بزرگ است به تمامی فعالین حرکت ملی آذربایجان و به خصوص ملت بزرگ و سربلند تورك. اما باید اعتراف نمایم که هر دو طرف نیازمند عفو می باشیم آن هم از خداوند بزرگ و ملت ستم دیده آذربایجان. اینجانب به خاطر قصور و عدم توانایی ام برای همگامی با فرزندان آذربایجان در این مبارزه مقدس و بر حق و طرف دیگر به خاطر مظالم بی شماری که در حق ملت آذربایجان روا داشته اند که کار بس دشوار و حیاتی در پیش رو دارند. به خصوص خودی های خود باخته که تا دیر نشده است به آغوش ملت بازگردند تا عفو خداوند و ملت آذربایجان شامل حال آنان شود. بشتابید که خشم خلق خطرناک تر از خشم خالق است.

"ابدی ننگ اولسون منه، اگر میلتمه ظولم اندلردن باغیش یا عفو قبول ائتسم."

نئجه ایسته بیرلر منی عفو ائتسینلر بیر حالدا کی، بئش گون مورخصی وئرمدن قورخورلار."

"یاشاسین ایچری و ائشیکده دورمادان و سوسمادان میلتمیزی اویاتماغا چالیشان اوغول و قیزلاریمیز"

نامه عباس لسانی به شورای طبقه بندی زندان اردبیل

فرستنده : عباس لسانی	جرم و اتهام : معاونت در اخلاق	تاریخ آخرین مرخصی: -
نام پدر : اسد	مدت محکومیت : ۳۰ ماه زندان - ۳ سال تبعید	میزان جریمه :
تاریخ ورود به زندان : ۸۵/۳/۱۵	مدت حبس : ۶ ماه	کد نامه :
موضوع : اعلام اعتصاب غذا		
گیرنده : شورای طبقه بندی زندان		

چنانکه مطلع می باشید نامه ی سرگشاده ای خطاب به مقام دادستانی کل استان اردبیل نوشتم، که در آن نوشته اشاره ای به برخی از مسائل شده بود، حال فرصتی پیش آمد تا سخنانی صریح با شما اعضای شورای طبقه بندی زندان اردبیل داشته باشم . از سالها پیش حرکتی مردمی و ملی در آذربایجان با روشهای مدنی و مسالمت آمیز با اشکال مختلف اما ماهیتی حق طلبانه در عرصه ها و مناسبتهای مختلف سیری آرام و رو به جلو داشت هر چند در اوایل این حرکت عدالت خواه از طرف دشمنان نژادپرست و توتالیتر و برخی دوست نماهای که در همیشه ی تاریخ بلای جان ملت خویش شده اند، جدی گرفته نمی شد اما بعد از قیام تاریخی و بی سابقه ی ملت تورک آذربایجان در بیش از ۲۵ شهر در اعتراض به اهانت زبیده بر توهین کننده (روزنامه ایران و مسبین) و آن هم در محدوده ی زمانی مشخص (نیمه ی اول خرداد سال جاری) لرزه بر اندام شوونیزم فارس و ایادی آنان انداخت که بلافاصله با روشهای غیر انسانی اقدام به سرکوب ملت آذربایجان، آن هم بدست فرزندان مسخ و الینه (خود بیگانگی) شده ی خود و همیاری نیروهای غیر بومی نمودند.

دردآور و جانگداز بر ملت آذربایجان، اما گروهی نیز هستند که ندانسته ابزار دشمن شده و مانع تحقق حقوق ملت خود می باشند. اما زمان آگاهی و بازگشت به خویشتن خویش که همانا قرار گرفتن در میان ملت ستم دیده و دوری از ابزار شدن بر علیه آن است . اما شما اعضای شورای طبقه بندی زندان اردبیل، شما نیز یکی از خطوط مقدم مواجهه با فرزندان آذربایجان قرار دارید که لازمه خروج بی دردرس از این بحران دقت و هوشیاری است تا ناخواسته در مقابل ملت خویش قرار نگیرید هر چند شاید بعضی از شما آقایان و دیگر اشخاص پرسنل زندان ، مقابله با حرکت ملی آذربایجان را جز فرایض دینی خود بدانند و در سرکوب فرزندان ملت خود جهت خوشایند نژاد پرستان فارس از هیچ فعلی دریغ نمایند . اما لازم است بدانند، که حرکت ملی آذربایجان عصیان دسته و گروه کوچکی نیست که در راستای تحقق اهداف ایدولوژی خاص و یا اندیشه های وارداتی خارج از مرزها قدم بردارند و یا به ادعای دشمنان آزادی این ملت از خارج تحریک و آنتریک شده باشد. حرکت ملی آذربایجان جنبش سیل آسای ملتی است که سالها تحت ستم بوده و دیگر کار در را در استخوان خود می بیند. پس محرک و علت اصلی این حرکت ظلم و تبعیضات اقتصادی و فرهنگی است و تا ریشه کن شدن آن در آذربایجان ادامه خواهد داشت . زیرا حرکتهای مردمی به شهادت تاریخ، با شهید و اسیر شدن حتی چندین هزار مبارز، خاموش نشده و راه رسیدن به پیروزی نهائی را مصمم تر از پیش پیموده است که حرکت ملی آذربایجان نمونه ای بارز و جاری آن است. پیروزی ملت آذربایجان در مقابل شوونیزم فارس قطعی است . این جبر تاریخ است که از دو ۲ حقیقت سرچشمه می گیرد. اول : وعده و اراده ی خداوندی بر تحقق عدالت بر روی زمین. دوم : بیداری و اراده ی خلل ناپذیر ملت آذربایجان در راستای حق تعیین سرنوشت خود. ملتی که حرکت و قیام ظلم ستیز اش حقیقتی است در شرف وقوع و واقعیتی است سرشار از حقیقت. روشی راحت و کم هزینه برای دشمن

حال بر فرزندان درون سیستمی آذربایجان است که راه خود را از مخاصمان این ملت جدا و خود را ابزار شوونیزم فارس قرار ندهند که در غیر این صورت، خائن به ملت خویش شناخته شده و ننگ ابدی را در پیشگاه خدا و ملت خود به پدک خواهند کشید، ما از آنان انتضار نداریم در این وضعیت که اقتصاد آذربایجان فلج شده است استعفا داده و بر سیل بیکاران آذربایجان ببیوندند. اما حدالامکان بر خوردهای خصمانه ای که برخی از اعضای پرسنل زندان به هنگام بازداشت های فله ای و شکنجه فرزندان ۶ خرداد آذربایجان با اداره ی ضد مردمی اطلاعات همراهی نمودند تکرار نکنید. آقایان اعضای شورای طبقه بندی حال در زندان شاهد و ناظر مسائل گوناگون از جمله حرکات و سکنات شما هستیم. شما که در توزیع امتیازات و حقوق زندانیان، ارجعیت را به فارس زبانان داده اید. آنانکه جرمشان چپاول آثار تاریخی و میراث فرهنگی آذربایجان است. آنانکه تاریخ ملت مرا به یغما می برند، با حد اعلا الطاف قاضی به حداقل حبس و یا جریمه محکوم می شوند و شما نیز با مرخصی ها و الطاف گوناگون ارادت خود را به چپاول گران اثبات می نمایید. در یک بند ۱۵۰ نفری اگر یک فارس زبان باشد مسئول و همه کاره ی بند قرار می دهید. به اخلاگران اقتصادی فارس زبان که چه بال و پرهائی که نداده اید. آری شما خود را ملزم به چنین مواجهه ای می دانید زیرا حس خود کم بینی با روح هر آینه شده ای اجین شده است، اما دیدید که در مورد مرخصی اینجانب شما را به هیچ گرفتند، شما نیز مسئولیت از گردن انداخته نقش نظاره گر بی اختیار را بازی می کنید که این نشانگر عدم استقلال شما در حیطه ی مسئولیتتان است. دادستان کل مسئولیت را از شما خلع و به خود تنفیذ نمود در حالی که خود نیز اختیار کافی نداشت. تنها کاری که توانست بکند احضار خانواده ام بود، بخصوص پدر همسرم به صورت کاملاً غیر قانونی و با تلاش برای گرفتن تعهد یا ارعاب و تهدید که همراه با بی احترامی و جسارت بر محضر خانواده ام بود.

او با این عمل خود مرتکب اشتباه بزرگی شده است. کجای قانون به او چنین حق و اجازه ای داده است تا خانواده ی محکوم در زندان را احضار و تعهد بخواهد تا جواب مثبت از رئیس قوه قضائیه برای مرخصی من بگیرد.

چرا زمانی که برای باز دیدبه زندان آمده بود در بند ۷ حاضر نشد و با من سخن نگفت؟! و موضوع تعهد را مطرح نکرد؟! زیرا جوابی که از من دریافت می نمود را خوب می دانست. همان جواب دندان شکن که از خانواده ام گرفت.

در هر حال آقای دادستان باید مواظب رفتار خود در مواجهه با خانواده مبارزین حرکت ملی آذربایجان باشد و سنجیده تر عمل کند.

در پایان از مسئولین زندان می خواهم چنانکه در نامه سرگشاده به دادستان ابراز نموده ام برای فراهم آوردن شرایط اعتصاب غذای از پیش اعلام شده سلول انفرادی برای ثبت دقیق اعتصاب غذای اینجانب در نظر گرفته و تا ۳ روز بعد از ابلاغ این نامه مرا به قرنطینه انتقال دهید.

تاکید می نمایم تا زمانی که با مرخصی که جز حقوق من است موافقت نشود به اعتصاب خود ادامه خواهم داد.

(یاشاسین آذربایجان میلی حرکتینین قوتسال یولو)

اردبیل زیندانی



قورولتای لاردا و توره ن لرده کی دانیشیغی

بابک قالاسی

یئر اوزونه مختلف میللتلر جالاییب هر بیرری سین اوز ایراده سینه بوراخان تانرینین آدینان.

بیر میللتین آلین یازیسی ده بیشیلمز مگر اوز اراده سیله. بوگون بو بویوک بیغیناجاق دا بیر میللت، بیر آریا گلیب تا مین ایکی یوز ایل بوندان قاباق آزادجا یاشاییب، آزادجا شهید اولوب و بوتون مسؤل لارا اوزگورلوک درسی وئرن، غرور قهرمانینا، او بویوک انسان قهرمان لار قهرمانی اولو بابک-ینه، آغیرلاما توتسون. او بویوک انسانین استیبادا قارشی آپاردیغی قانلی دویوشو، مین ایکی یوز ایل شهادتیندن سوووشورسادا هله او قان جوشوب قایناییر. بونا اینانمالی بیق کی بشر تاریخینده بوتون توپولملار اولوب آنجاق آزاراق قهرمان لار، ایگید بابک تکین ظلم سارایلارین تیتره دیب و سارسیدا بیلیمشیدیلر. ظالیم لر دونن قیلینج لاری ایله ازیردیله، بوگون آردین توتورلار.

بوگون گوزلویو گوزوموزدن گوتوروب، بیر بویوک تاریخی حادیثه نی دوغرو، دوزگون اینجه له بیب، آراشدیرمالیبیق. بیر ایگید قارانلیغین کؤکسون یاریب سونسوز پارلا سین و بوتون گلجک ده کی اینسان لاردا بنله گورسون. بیز بابک-ه اصلینده باخاندا تکجه بابک لری گورمه مه لییبیک. بونا گوره کی:

چوخ قهرمان لار دوغوموشدو دونیا آناسی

غم آرخاسی باتمایینجا چیخیب دیر سسی.

بابکی، بابک ائدن، قارداش ائلیدی

جان دئییب قلعه بابکده کی ایگیدلریدی.

تکجه بابک دئییلدی، بیر ائل دایانمیشدی آراخاسیندا. هر عصریده هر میللت اوزونه یاراشان قهرمانلار دوغار. بیز بوردا هنج اولکه نین و هنج میللتین تکلیفین ایسته میریک. آنجاق بونودا گوزدن آتماق اولماز کی میللت لرین باشینا گلن بیر سنری اوپونلار یا حادیثه لر، اونلارین بوینونا قویلموش اولماسادا، اونلارین ایچینده اوزگورلوک دویغوسون سوندوره بیلیمیر.

تک ال دن سس چیخا بیلیمز. بوتون ایران تورک لری و خصوصیه آذربایجان تورک لری، بیر سس اولمالی دیر. اوزلرینه اینانمالی دیرلار. اوندادیر کی ایلر بوپو پامبیق لا بوغولموش بولاق لار آچیلیب و بونو آنلایاجاق لار کی بیر میللتین وارلیغین دانماقلا او میللتی سوسدورماق اولماز. آنجاق آرزوموز بودور چوخ گنجیشمه میش بو آنلابیسی تاپا بیلیمیر. بو خالقین ایستکلرین دوغرو، دوزگون آنلابیسی اونا ده یر وئرسینلر. اگر بیر نچه ایل بوندان اؤنجه ایران خاقلاری خصوصی ایله تورک میللتی قانون اساسی نین ۱۵-جی اصل ین طلب ائدیله، بوگون تکجه قانون اساسی دئییل بلکه حقوق بشر اعلامیه سینده گلیمیش، بوتون انسان حاقلارین طلب ائدیله. اگر کؤچمیشده کی تک، بوگونکو ایستک لرده ائشیدیلمه سه گلجکده بو ایستکلر نه لره دؤنه بیلرلر تانری بیلیر.

تأسوفلرله بو گون پهلوی دؤنمیندن قالان شووونیست و کوت بئیین قالینتی لار نظام ایچینده یئرین برکیدیب و اؤز آلچاق دوشونجه لرین نظامین بئیینه یئدیردیب، شوم هدفلر کی هامان نظامین آراسینا فاصله سالمقدیر، چاتماق ایسته بیرلر. کی تأسوفلرله چوخ زامان لار بونا موفق اولموشدولار. بو گون یوخاری، اورتا و آشاغی یئر آلمیش شرف لی، غنیرتلی و وجدانلی مسؤل لار مسئله نین حساسیتین آنلابیب بو چوروک بئیین و فاشیست افرادین سؤزلری ایله اویناماسین لار.

چونکو تورک خالق تاریخ بویو بو سیناق لاردان باشی اوجا چیخا بیلیمیشدیر. هر نه قدر فشار، تهدید و هدفمند سیاست لری نن یوخسوللوغا دامن ده وورسا گونو-گوندن آیدین لاشیر و بوتون گونده مده کی مسائل لری ذره بین آلتینا آپاریرلار. او بونو یاخجی گؤرور کی ارمنی وحشی لرینی قاراباغدا توره تدییب فاجعه لر، او جومله دن خوجالی فاجعه سینین ایل دؤنومونده مسؤل لارا مراجعه اولونسادا، بو گونه دک هئچ بیر مجوز وئرلمه ییب، تا اوتایدکی شیعه و تورک باجی قارداش لاریمیزین یانیندا شریک اولوب و نیفرتیمیزی ارمنی داشناک لارینا بیلدیرک. آما اونون مقابلینده هر ایل ارمنی لر آوریلین ۲۴- ده چوخ آسانلیقدان رسمی مجوز آلیب و انتظامی نیرولارینین امنیتی چترینین آلتیندا، آزی ۷ میلیون یاشایان بیر شهرده، یعنی تهراندا ارمنیستان نقشه سین گؤتوروب اولوم اولسون تورک-ه شوکاری نی وئریرلر.

ایران تورکلری خصوصی ایله آذربایجان تورک لری تبعیضی گؤزو ایله گؤرورلر. او جومله دن هر ایل مذهبی مراسم آدینان، دونیانین دؤرت بیر بوجاغیندان تۆکولوب گلن ارمنی لر، اؤز آنا تورپاغینین گؤبه بینده یعنی قارا کیلیسا دا، آذربایجان میللتی علییه یوروتدوکلری شوم حرکت لری دیقتله ایزله ییب و تأسوفلرله حاکیمیتین بو شوم حرکت گؤز یوموب و اونلارین آسایشیندان اؤترو لریندن گلنی اسیرگه مه دیبینی آیدین و آشکار گؤروب. اونون مقابلینده ۳۵- میلیوندان آرتیق آذربایجان تورکو، مدنی، فرهنگی و یوموشاق بیر حرکت له اؤز میللی حقلرینی ایسته مک دن اؤترو، بویوک قهرمانیمیز بابک ین دیرنیش سیمگه سینه دؤنن "بذ" قالاسینا بیغیلماغا ساییسزجا اینجیمکلره معروض قالیر. خالقیمیز بونلارا تانیشدیر و ساییب آچیقلاماغا گرک یوخدور. آنجاق بوتون دونیا بونو بیلمه لیدیرکی آذربایجان میللتی اوزاق و یاخین کئچمیشینده، گوجلو بیر سیاسی مبارزه اوزه چیخاریب و بویوک تجروبه لر الدهه ائتمیش دیر. کی بوگونه بابک قالاسیندا او تجروبه لری ایشه آپاراجاق. ان آزی بو دؤنمده و بو میللی حرکت ده باشقا فیکیرلره و باشقا خالق لارا کؤرپو و سکوی پرتاب اولمایاجاق دیر.

آچیقلاما : بو دانیشیق ۲۰۰۲-جی ایله کی آذربایجان قهرمانی بابک-ین دوغوم گونونون قورولتایینا عایید اولونور.

ستارخان آنیم توپلانتی سی

اولو تانرینین آدیلا

موغان یایلاغی، خبیوو دایاغی، اردبیل بوخاری، داغلار خاقانی، یئکه ساوالان دان سیزه سلام کتیر میشم

آذربایجانین ایگید اوغول و قیزلاری بو آغیر شرایط ده تشریف کتیریب سیز بو بویوک سرداریمیز ستارخان ین ایل دؤنومونون آغیرلاییب و ده یرلندیره سیز. او سردار کی نه تکجه آذربایجان نه تکجه ایران بلکه شرق میللتینه اؤز زامانیندا شرف وئردی، استبداد و ظولم قاباغیندا دایانماغی درس وئردی، آنجاق گؤرورسوز بو گؤرونوسو، محقرانه قبر، باشینا ییغیشانلار شدیداً و آغیر وضعیتده تضییق آلتیندا.

ستارخان و سیلاحداشلاری او زامان بویوک بیر دوشونجه ایله آچیق بیر کؤکسوله نه تکجه اؤز میللتینین بلکه بوتون میللت لری، ایراندا یاشایان میللت لری نظره آلیب و استبداد علی ینه بویوک دؤیوش آپاردی. انله بیر دؤیوش کی دونیادا هنج بیر تاریخچی و هنج بیر یازیچی اونا احسن دئمه دن کئچه بیلمه ییب دیر و اوزاق سورمه دی. دیری چاغی یاشایاراق "اتابک پارک"-یندا اؤدول لندی. دیزیندن قورشون گول له و نهایت ده هامان یارا ایله شهادته یئتیشدی. بو گؤروننوده شهادتیندن سونرا اونا وئریلن اؤدولدو. آياقلار آلتیندا گلیب-گئندن آياقلايیر. ستارخان آياقلانمیر، آذربایجان میللتی آياقلانیر. آذربایجانین غرورو آياقلانیر. بئله آلالار غرورو بیر میللتدن. بو بیزیم تاریخیمیزین بیر صحیفه سیدیر. ستارخان بیزیم تاریخیمیزین بیر صحیفه سیدیر بیر ورقی دیر. آنجاق بو عبرت درسی دیر، عبرت آلمالی بیر تاریخین بیر گوشه سیدیر. بلی بو عبرت آلمالی تاریخ دیر. نئجه کی اوندان سونرا گلن و یارانان حرکت لر آذربایجان دا عبرت آلدیلار و دون دیشدیره رک مختلف سوییه لرده اورتایا چیخدی. رحمتلیک شیخ محمد خیابانی حرکتینده، رحمتلیک شهید سید پیشه وری حرکتینده و دون دیشدیره رک بو گون گلیب چاتیب بیزیم الیمیزه. آنجاق نه سیلاح نان نه قورشونلار دانیشا، نه مرمی لر دانیشا. قلم لر دانیشدی، دیلر دانیشدی، سؤز مئیدانی اولدو، بحثه گیریلدی، یازیلدی و اؤزونه اؤزگور، زامانینا مخصوص، اؤزونه مخصوص بیر حرکت باشلاندى بو عصیرده بو دؤنم ده.

طبیعی دیر هر حرکتین اؤز زامانین و اؤز مکانینا گؤره مختلف فاکتورلاری اولار. آذربایجان میللی حرکتینین ان بویوک فاکتورلاریندان بیری استیراتژی اوغروندا گنتمک، استیراتژی اوغرون چاتماق وسیله سی اولاراق، بیر تاکتیک "بابک قالاسی" سنجیلدی. بابک قالاسی بیر مدنی حرکت، بیر دانیشیق حرکت، بیر فرهنگ حرکت نمایش لرله چیخیلدی. دانیشیقلا گنیدیلدی. چوخ یوموشاق و مدنی سوییه ده. نئجه ایلردی بو چوخ یوموشاق سوییه ده گنیدیر. آنجاق ایکی ایله یاخین دیر البته تضییق لر اوندان قاباق دا واریدی ایکی ایله یاخین دیر کی جوی پلیس لشدیریلر. ۸۲-ده نهایت گوجلرین ووردولار. ۸۳-ده متأسفانه بیر عده اینادجیل یولداشلاریمیز وسیله سی ایله حرکتیمیزی شاققالایا بیلدیلر و بوندان نتیجه آلدیلار حرکتی ضعیف لتدیلر. گلدیلر اوردان دئمک اولار ظاهری موفقیتته ال تاپدیلار و بوندان سرمست دیلر. آنجاق بو کئچری دیر. چوخ کئچری. او مدنی حرکتی تحمل انده بیلمه دیلر گلدیلر سرکوب انله دیلر. بو سرکوب نه تکجه آذربایجان ایگید اوغول - قیزلارین اوتورتماییب بلکه اؤز یولوندا و مقاومت

یولوندا گوجلندیریب دیر. چوخلاری توتولدو، چوخلاری زیندانا گنتدی، آغیر وثیقه لر وئرلیدی. آنجاق بودا بیزی دوشوندورور. بو شرایط و بو وضعیت ، ائله برخورد بیزی دوشوندوردو.

اگر قراردی ایسه بو هزینه لر وئرله

اگر قراردی ایسه قول سینا، قیچ سینا، قابیرغا سینا، باش یاریلا، زیندان گوروله

داغلار نه په گرک دیر؟

داغلار نه بیمیزه گرک دیر؟

بیز دویوله جه بیکسه مطمئن اولسونلار ال آچمایاجاییق. اصلاً خوشونته ساری گنتمه په جیبیک. رادیکال داورانیشیمیز اولمایاجاق. اگر دویوله جه بیک، خیبوانلاردا دویوله جه بیک. "ائل گولو"-نون نه ایرادی وار، اردبیل "شیخ صفی"-سینین قباغینین نه ایرادی وار یا اورمییه نین مئیدانلارینین بیری یا زنجانین مئیدانلارینین بیری. هئج مسئله دئیل.

اگر قراردی سا بو هزینه لر وئرله، مدنی داورانیشلاری، شاید دوسلاریمیز بونا درس وئرپرلر، شاید دوسلاریمیز یول گوزله بیرلر کی مدنی حرکت مدینه لرده اولار. یانی شهرلرده. اولسون شهرلره چکیلر ریک. بیز بونو اردبیل ده دئمک اولار بیر سیرا ایگید اوغوللارین وسیله سی ایله تقریباً گورموش اولدوق. آنجاق مچیدلره ده رحم ائله مه دیلر. مچیدده ده قان توکولدو. مچیدده ده ووردولار. مچیدده ده آغیر یامان لار گنتدی، آغیر فحاشی لر اولدو. هئج انتظاریمیز اولمایان وضعیت ده. ولی اونو انشیت سینلر و بیلسین لر مچیدین ایچینده و چؤلونده آز یول وار. دویوله جه بیک، وورولاجاییق، ازیله جه بیک و بونلار لا میللتیمیزه پیامیمیزی یئتیره جه بیک.

بیزیم یولداشلاریمیزی، حرکتچی لری اوتوردانمیرلار. ائولرینه زنگ وورماقلا اوتوردانمایاجاقلار. آنالارین-باجی لارین ، عاییله لرین قورخوزماقلا اوتوردانمایاجاقلار. تامام اوغول-قیزلاری ایگیدلری خنثی ائلییه بیلسه لر بودا کنچری دی، بودا نتیجه آلمیاجاق.

بونو عرض ائله بیم بیزی زنگ ووروب و بعضی حرکت لرنن، ایشدن چیخماق نان، آجلیق نان ، یوخسوللوق نان قورخوتماسین لار. چون یوخسوللوق نان بویوموش و یوخسوللوغا عادت ائله میش بیر میللت بیلر نجه یاشایا. یونجا ایله استیداد آراسیندا یونجانی سئچن بیر میللت ائله په بیلر گنته ده او ایش لری گوره. مطمئن اولون بیزی زیندانلارلا، دوستاقلارلا قورخوتماسین لار. چون دونیانین سیاسی زیندانی لرینین رکوردو آذربایجانلی لارین الینده دیر.

معاصر زاماندا و معاصر چاغدا ایگیدلریمیز گندیب لر و ایگید تکین، اصلان تکین زیندان چکیب، چیخیب لار. بونو گله جک گورسه ده جک کی گنته ده اولاجاق. بیزی اولومدن ده قورخوتماسین لار چون اولومدن قورخسایدیق بو گون یاشامازدیق. اولومدن قورخاسایدی بو گون آذربایجان یاشامازدی. مطمئنم بوردا اولان باجی-قارداش لار هر تک-تکی دونیا مبارزاتینی و اوز تاریخینی یاخچی بیلیر.

سون.

آچیقلاما :

بو دانیشیق ۲۵/۸/۱۳۸۳ -جی گونونده، میلی سردار "ستارخان"-ین شهادت گونونون انیم توپلاننسینا عایید اولونور.

رحمتلیک دوکتور محمد علی فرزانه جینابلارینین توپراغا تاپشیرما توره نینده

اولو تاترینین آدیلا

من بو ایتگینی بوتون آذربایجان-ا و عایيله سینه تسلیت و باش ساغلیغی دئییرم.

بو بؤیوک کیشی نین بؤیوک روحونا لاییق اولان بیر مجلس بئله اولمایاقدیر. بو کیشی نین روحونا یاراشان مجلس اون مینلرجه آذربایجانلی نین بوردا حضورو ایله اولمایدی. البته بیز بیلیریک کی بوتون بئله اولماغی، گونونون تعیین اولونماغی و نجه و هاردا بؤیوک اینسانیمیزین توپراغا باسدیریلماسی میللتیمیزین و عایيله سینین الینده اولماییب دیر.

تأسوفله بو مراسیم، اولاری کی موختلیف یوللارنان بو کیشی نی سورگون سالمیشدیلا اونلارین الی ایله اولدو. طبیعی دیر کی بئله آپاراجاقلار قاباغا. چون ایگیدلرین، بیلگین اینسانلارین اولوسوندن ده قورخورلار.

بیز بوردا میللتیمیزین ایچینده سؤز وئریریک او اولو روحلارا، ایگیدلره و آیدین لاریمیزا بیر گون آذربایجان بویدا اونلارا آغیرلاما توره نی یاراداجاییق. او گون طبیعی دیر بیر سئری مسئله لری سوووشدورمالی اولاجاییق.

بو بیلگین اینسانی، بو شمع تک یانیب و ارییب و میلته ایشیق ساچان اینسانین توره نی بئله اولمامالی دیر. بو ائلینه ایشیق ساچیب اوزو گون گورمه یین اوستادین، روحونا سؤز وئریریک بیر گون بوتون ایسارت زنجیرلرین قیریب، چتین لیک لری آشیب، بیر سیرا مسئله لر کی توره نیلیب و توره نیلیر آشیب و بؤیوک و آذربایجان بویدا بیر توره نی بوتون بؤیوک روحلاریمیزا بوتون بؤیوک لریمیزه بو توپراقتا توتاجاییق.

یاشاسین آذربایجان

و یاشایاجاق آذربایجان

بو تضییق لرنن بیر میللتی سوسدورماق اولماز.

سون.

آچیقلاما :

بو دانیشیق رحمتلیک اوستاد دوکتور محمد علی فرزانه نین دفین توره نینه عایید اولونور. آذربایجان یین گورکملی عالیم، ارشدیرمان، یازار و فولکور اوزمانی دوکتور فرزانه گوتنبرگ شهرینده دونیاسین ده بیئدی ، وصییتینه اساساً تبریز شهرینه گوندریلیب تورپاغا تاپشیریلدی. اوستادین جنازه سی ۱۳۸۴- ینجی ایلین دوندوران (بهمن) آبی نین ۱۸-ینده تبریز شهرینین "وادی رحمت" ادلی مزارلیقتا دفن اولوندو. اوستاد فرزانه عومرونون بیر حیصه سینى آذربایجان میلی حوکومتینه وفادار اولدوغوندان دولای دوستاقتا قالدی. اوستاد فرزانه دن ان آزی ۴۰ جیلد کیتاب و چوخ سایدا مقاله ایشیق اوزو گوروب. آرتیرمالییق او بویوک اینسانین حیاتی بیتدیکن سونرا "گذشته چراغ راه آینده است"، ادلی کیتابین یازارلارینین بیرسی اولدوغو بیزلره بللی اولموشدور.

ستارخان آنیم توپلانتی سی (۲)

تارینین آدیلا

باسدیغین یئرلره توپراق دئییه رک کئچمه تانی
دوشون آلتیندکی مینلرجه کفن سیز یاتانی
سن شهید اوغوسان اینجیتمه یازیق دیر آتانی
وئرمه دونیانی آساندا او جنت وطنی

کیم بو جنت وطنین اوغرونا اولماز کی فدا
شهدا فیشقیراجاق توپراغی سیخسان شهدا
جانی-جانانی بوتون وارمی آلسان دا خدا
ائتمه سین تک وطنیمن منی دونیادا جدا

دالغالان گویده شفق لر کیمی ای شانلی هیلال
توکولن قانلاریمیز هنپ سنه اولسون حالال
ابدیین سنه یوخ، عیرقینا یوخ، ایزمی هیلال
چاتدی بیر حقی تاپان میللتیمین جاه و جلال { ۱ }

بو یوک و اولو اوئدریمیز، اولو سرداریمیز، شرق دونیاسینا شرف وئرن سرداریمیز؛ قبرینین اوستونه
توپلانمیشیق. بو شرایط ده بو دوروم دا و نه منه ابزار اولونوب تا حقیق ین سسی کسینه. بیر میللتین
سسی کسینه یه ایلاهیات { ۲ } ابزار اولونوب منجه بو او آیه لره بنزیر کی....

(امنیتی قوه لری عابباس بی لیسانی دن ایسته بیرلر اکولا دانیشماسین.

بو آندا توپلانتی یا بیغیلانلار سسله نیرلر : قوی دئسین

عابباس لیسانی توپلانتی یا بیغیلان لارا دئییر: کیم ایسته بیر بو اکو قالا یاشاسین آذربایجان دئسین.

توپلانتی یا بیغیلانلار سسله نیرلر: یاشاسین آذربایجان ، یاشاسین آذربایجان

عابباس لیسانی بیر داها دئییر: کیم کۆنولدن تایید ائدیر یاشاسین بیرده دئسین.

توپلاننتی یا بیغیلانلار سسله نیر: یاشاسین آذربایجان.

عابباس لیسانی امنیتی قووه لره اوز توتوب اکو ایله دئییر: مردم ایستیر.)

بسدیر بو قدر اینسانلاری بیر میلته قیسدیز، بسدیر. بودا میللت دیر بودا ایرانا شرف وئرن فارسین، لرون، عربین، بلوچون هامی سی نین شرفین قورویان عصاره لریدیر. بوردا بو بئله سایقی سیزلیق اولماز. نورمال بیر وضعیت ده دانیشیق آپارا بیلمه یه جه بیک. همیشه بو وضعیت ده گنده جک. بیز هئی چالیشریق نورمال وضعیت ده اورتام دانیشیق آپاراق ولی نه یازیق کی اولمور.

سئوگی لی وطن داشلار، سئوگیلی سویداشلار، عزیز میللت چی لر اوزاق یئردن و تهران چئوره سیندن، تهراین اوزوندن گلن بوتون تورک قارداش لار و باجی لار چوخ خوش گلیب سیز و لوطف ائله بیب سیز و بو بؤیوک سرداره و غریب سرداره ان آزی بیر گون بوردا غریب لیکن چیخار دیب سیز .

سئوگیلی قارداش لار و باجی لار بو دوروم لار و بو شرایط لر و وضعیت لر کی بیزیم باشیمیزا گلیب. نچه ایل لردی چالیشریق هر ساحه ده هر زمان هر چاغدا میللته سسیمیزی یئئیرک اونون قباغی آلینیر. یانی بوگونلر سنین سؤزوندن قورخورلار. سنین یازیندان قورخورلار. بو گونلری توتالیتیر رژیم لر و دیکتاتور حاکیم لر و میللت لری سایماییب و حاققین تانیمایان حاکیمییت لر سیزین سؤزلریزدن قورخورلار. گوله لردن قورخورلار. مرمی لردن قورخورلار. بو گون لر مدنی و عاغیلی حرکت لردن و میللتین سئیراتی کئچمه سیندن قورخورلار. گوردوبونوز کیمی بیر سیرا اینسان لار توپلانیب ان آزی سرداره (... سس انشیدیلیمیر)

سئوگیلی باجی و قارداش لار سئوگیلی میللتچی لر بیز ایسته بیمیزه، بیز بؤیوک ایستک لریمیزه، بیز مدنی حاق لاریمیزا، بیز اینسان حاق لاریمیزا حتی دونیا سیاست لرینین علییهنه ده اولموش اولسادا چاتاجاییق. اونا شکیمیز اولماسین. آنجاق بو هدفه، بو ایستک لره چاتماق اوچون گوج الدهه ائتمه لی بیک گوجسوز هنج بیر حاقی الدهه ائتمک اولماز. بو گوج دئییل مگر میللتیمیزین گوجو؛ بو گوج دئییل مگر بوگون میللتیمیزین اوپانیسی. بیز تماماً هم و غمیمیزی بوتون تارشوله میزی بوتون ابزارلاریمیزی گورونتو تکنولوژی سیندن، سس تکنولوژی سیندن، یازی تکنولوژی سیندن هر نمه کی واردی گرک میللتیمیزی اوپاداق. نمونه اوچون بونلار بیزیم سسیمیزدن یار ایدیلا. چون سؤز حقیقت دیر، بو سؤز حقیقت دیر. اونا گوره قورخورلار.

گوج الدهه ائتمه بینجه کیمسه هنج نه وئرمه یه جک. تعارفات نان اولماز. بولار هر زمان گوجلری اولوب بیزلری ازیب. هر زمان کی او یئرده کی ائلییه بیلمه بیب و گوجلری اولماییب بیزی اوتاندریماغا چالیشیب لار. اینانین بو گون ده چالیشرلار بیزی اوتاندریلار ولی بو اولماز. خواهیش نن اولماز. سن گلیب منی بوردا سسیمی کسمه یه خواهیش ائده بیلمز سن. { ۳ }

بیز چالیشریق بو مدنی حاق لاردان استیفاده ائله یک. سؤز حاقی بوتون دونیایا تانینمیش بیر حاق دیر. بیز بو سؤز حاقی نین مدنی حاق لاریمیزین، مدنی سس قالدیرماغیمیزنان چالیشریق میللتیمیزه و ان آزی اگر ائشیتیمیش اولماسالار کی من مطمئنم ائشیدیب لر سسیمیزی چاتدیراق. بو نچه ایله حاکیمیته و باش دا اوتوروب اوزلرین یوخولوغا وورانلارا ائشیتدیره ک. بیز بوگون لر اعلام ائله بیریک بو سسی ائشیتمه لیدیلر. بو سسی ائشیتمه سه لر، بیز سسیمیزی دونیایا ائشیتدیره جه بیک و دونیایا سسیمیزی

انشیتدیرمه بی داها یاخچی بیلیریک. بیز قاباغیمیزا آخار چاییق. آذربایجان میلی حرکتی بیر آخار سودور. گۆل دنیلل، لیلله نمه یه جک. هر یئردن ده قاباغین آلسان آخیب دا سنله دونه جه بیک. بیز شهرلرین منیدان لاریندان و شهرلرین خیاون لاریندان و آسفالت لارین اوستونده سسیمیزی دونیایا یئتیره جه بیک .

سنوگیلی وطن داشلار بیر میلیتی بیر حرکتی بیر نهضتی همشه تاسف لرله اوزونون اوزو یوخ و باشقا آدلار قویارق باشقا بیر چئوریم لر یاپارق همشه طولم ائدن حاکیم لر و حاق وئرمه ین حاکیم لر ازیب لر و داغیدیب لار. بیز بونا کی بویوک تحلیل میز بودورکی میلیتیمیزی اویاداق، میلیتیمیزی آیلداق. بو اویانیشین ایچیندن ان بویوک وظیفه میز ده بودور کی آذربایجان میلی حرکتین اولدوغو کیمی میلیتیمیزه تانیتدیرمالی بیق. چون اگر بیز بو ایشی گۆرمه سک ایرانین حاکیمیته گۆره جک و اوز گویلو ایسته دییی کیمی گۆره جک.

من تبریک دئییرم آذربایجان میلیتینه. بویوک بیر تبریک. بو یاخینلاردا بو نئچه ایلین عرضینده مختلیف حؤکم لر و تنبیهی حؤکم لر وئریب لر. من اونا اینانیرام و سیزده مطمئنم اینانیرسیز. او لحظه دن کی او حؤکم لر او ایگیدلرین ائونه گلیب دیر و اللرینه چاتیب دیر هر تک-تکی ساک لارین حاضیرلایب لار تا او مقدس دوستاغا یوللانالار. دوستاق مقدس دئییل. دوستاق طولم دوستاگی دیر. ولی بو یول بو کورپو او دوستاق کورپوسو کی آزادلیغا یول آپاراجاق بویوک و چوخ مقدس دیر.

صفر خان بالالارین دوستاق لار لا قورخوتمایین، ستارخان بالالارین اولوم نن قورخوتمایین. بو گون بیزیم چوخ ده یرلی قهرمان لاریمیز وار آد چکمک ایسته میرم. گۆردوز کی نئجه دوستاق چکدیییندن سونرا بو گون الان ایگید کیمی سینه سین وئریب قاباغا و یاشاییر و حرکتین ایچینه بویوک رولو اولور. اویانییرلار و اویانیاجاق لار و بو ایشی ده قاباغا آپاراجاق لار. دوستاق لار لا میلیت سارسیلمایاجاق و من بیر آدیم اؤته سین گئدیم چوخ ایره لی گئتمه بیم. بیزی اولومدن ده قورخوتماسین لار.

بابک قالاسی آذربایجان میلی حرکتینین ان بویوک سنگرلریندن بیر دیر. هر قیمته اولسا آذربایجان اوغول لاری آذربایجان قیزلاری آذربایجان ایگیدلری سنگری قورویوب و ساخلاياجاق لار.

سون.

{۱} - "Mehmet Akif Arsoy"-ون بیر پارچا شعیری دیر کی الان تورکیه جومهوریت ینین ایستقلال مارشی سی دیر. کئچمیشده بو شعر آذربایجان تورکجه سینه اویغونلاشیب دیر.

{۲} - "ستارخان آنیم توپلانتي"-سیندا دانیشان لارین سسی اکو ایله اوردا اولان انسانلارین قولاغینا یئتیشمه مک اوچون باندلار واسیطه سی ایله حاکیمییت وریندن نوحه آچیلیر. کی عابباس بی لیسانی بو مسئله یه دانیشیق لاریندا توخاناراق ایشاره ائدیر کی ایلاهیاتی دا بیر میلیت ین سسین باتیرماق اوچون ابزار ائدیب لر.

{۳} - عابباس بی لیسانی ایشاره ائدیر دانیشیغینین باشلانغینا کی امنیتی قوه لری وریندن چالیشیلیردی دانیشیق گئدیلمه سین.

آچیقلاما :

بو دانیشیق ۲۵/۸/۱۳۸۴ - ینجی گونونده، میلی سردار "ستارخان"-ین شهادت گونونون آنیم توپلانتي سینا عابید اولونور .

رحمتلیک چنگیز بی بخت آور جیناب لارینین توپراغا تاپشیرما توره نینده

بو یوک آلاھین آدیلا.

ھامی میز اوندان اولدوق و اونادا دوغرو قابیداجاییق.

گننه ده وطن عشقی ایله، آذربایجان عشقی یین دویونن اورک ایریلدی. آما او عشق او سئوگی او وطن قایغیسی اوندولمایاجاقدیر. کسینلیکله او درین عشقیله سئوگی، او وطن اوغروندا دویونن اوره یین ایچیندن قوپوب و بوتون آذربایجانا یاییلاجاق. بو قبرستان دا چوخ قولدور لاریمیز یاتیپ و یاتاچاق. آما بیزه بویوک درس و ئریب، بویوک اینسانلارین گنتمه لری. گنتمک دوغرو دور، کؤچمک دوغرو دور. ھامیمیز او توپراغا گننه جییک. پس اوزوموز موقتی و کؤچری، فقط و یالنیز آذربایجان دوشونمه لی ییک. او میلی منافعیمیزی دوشونمه لی ییک. وطنی دوشونمه لی ییک. نجه کی بوگون توپراق آلتیندا اولان بویوک قهرمانیمیز چنگیز بی بخت آور اوجور دوشوندو. کسینلیکله او انسانلاریمیزین و نجه آدلیم انسانلاریمیزین و امانی قارداش لارینین یولو داوام اندیب و انده جک. نه قدر آذربایجان دا اورک دویونوبسه، آذربایجان عشقینه وورولوب و وورمالی دیر. نییه کی آزادلیق اوغروندا اینسانلار یئر اوزونه قدم قویوب و گنتمه لی دیر. وطن عشقینده هر نه بیمیزی اوندوب هر بیر وارلیغیمیزی اوندوب، وطنی دوشونمه لی ییک.

یاشاسین وطنیمیز.

یاشاسین آذربایجان.

عزیز و بویوک انسانلاریمیزی توپراغا تاپشیران دان سونرا، قبری اوستوندن ایریلاراق مطلق او فیکیر لری اونوتما یاق. او فیکیر لر اورکلرده یاتیپ، او فیکیر لری پایلاشاجاییق. دقت انله مه لی ییک گلجکده حساس شرایط اولاراق آدیم لاریمیزی داھا دوغرو و داھا دوزگون، احساسات لایوخ، ۸۹ – جو دیقه ده چوخ گوجلو آتاجاییق.

یاشاسین آذربایجان.

باشیز ساغ اولسون.

سون.

آچیقلاما :

بو دانیشیق ۸۸-جی ایله سیاسی و مدنی فعال، رحمتلیک چنگیز بی بخت آور جیناب لارینین تبریزین مارالان مزارلیغیندا توپراغا تاپشیرماق توره نینه عاید اولونور.

رحمتلیک فرهاد سروناز پریخانلی جیناب لارینین توپراغا تاپشیرما توره نینده

آلاهین آدینان

یننه بیر قهرمانی وطن باغرینا باسدی. فرهادیمیزی. بیزیم فرهاد. تاریخده انشیتدیپیز فرهاددان باشقا. قلم قاشلارا، اینجه بئلره اویمایان فرهاد. داغ یارمادی، داش یارمادی آما بوتون گوجون بوتون دوشونجه سی ایله نفسی ایله سسی ایله سوزو ایله آغزی ایله و قلمی ایله بیپرانمیش و اپریمیش بئین لره جومدو. ائلینین دردین دئدی. ائلیندن دئدی. ائلینین بالاسی اولدو.

بیزیم فرهاد باشقا. بیزیم فرهاد داغ یوخ بلکه دونیانین بئش گونلوک طنطنه سینه اویان بئین لری یارماغا چالیشدی. اوزوموزدن اولوب اوز قارشیمیزدا اولانلار، اوزوموزدن اولوب اوزوموزو چیرپان لاری آیتماغا چالیشدی. وطن دئدی. آنا دیل دئدی. توپراق دئدی و نهایت ده آذربایجان دئییب آذربایجانین باغرینا باسدیلار.

بوتون تاریخ بویو شرفلی اینسان لار یاشاییب لار و دونیالارین ده بییشیب لر. آما بوتون تاریخ ده قالارغی اولوب لار. بیزیم فرهاد اینانیز او فرهادلاردان دیر کی تاریخ بویو قالارغی اولاجاق. بو شرفلی اوغول، بو شرفلی ایگید، شرفلی و ناموسلو چورک قازاناراق دونیاسین ده بییشدی. آما فیکری داوام ائدیر. یولداشلاری و اونون فیکیر داشلاری اونون یولون داها مؤحکم، گوجلو داوام ائده جک.

میللتیمیزه و بو شرفلی اوغولوموزون عایله سینه دوزوم و بویوک تانریدان بو ایگیده رحمت دیله بیریک.

آلاه رحمت ائله سین.

سون.

آچیقلاما :

بو دانیشیق خیوو شهرینده ایش یئرینده حایاتین بیتیره ن آذربایجان ین میلی و مدنی فعالی رحمتلیک فرهاد سروناز پریخانلی-نین ۱۳۹۱-ینجی ایلین قیروو آبی نین ۱۰-جو گونونده توپراغا تاپشیرماق توره نینه عایید اولونور.

سولدوز شهيدلری نين ، آنيم توپلانتي سی

تانری نين آدينان

يوردون اوددان يارانيب دير سؤنه بيلمز اوجاين،
اسماعيل شاه ايله بابک گتيريب دير قوچاغي،
قهرمانلار ياتاغي اولموش اونون هر بوجاغي،
چکير حسرت بوتون عالم بو گؤزل توپراغي.

حسرت چکن چوخدور و ديش قيچيردان دا چوخدو. اومودلارين سؤنن چايندا اومود يانديران ايگيدلريميز اوچدو. شمع کيمي يانديلار. قارانليغين و ظولمتين کؤکسونه جومدولار. اومود وئرديلر. ساوالان عظمتده دبرديلر. سهنده غبطه يئديرتديلر. توپراغا قالدیلار. آما چوخ بؤيودولر. ميللتيميزين باشين اوجالتديلار. آذربايجانی ميللت کيمي دونيايا تانيديرديلار. ميللتشديک دئيه، آخيردا اوددوق. هاراي-هاراي من تورکم دئديک. دونيادا انشيتدی. اونا گؤره کی

بايراق لاری بايراق ائدن اوستونده کی قان دير

توپراق اگر اوغروندا اولن وارسا وطن دير.

بورا وطندير. وطنين گؤبه يی دير. داها عظمت لی داها باش اوجا داها شرفلی داها غيرتلی. ساوالان غبطه يئيب. سهند غبطه يئيب. اورمو گولو لپه له نيب غبطه يئيب. کاش سولدوز اولايديم. کاش سولدوز تک آذربايجانا شرف، شوکت قازانايديم.

اوج ايل بوندان اونجه ياتانلاريميزی اوياتديلار. پارتلايش ياراتديلار و دونيايا سس سالدیلار. نييه؟

شرفلی بير ميللتين شرفينه توخانيلميشدی. هشتاد ايل تحقير آلتيندا ياشايان داها آرتيق حقارت ائله ميشدی. هجوم ائتديلر. آما نه يازيق کی قدرت مدار لا و قدرت صاحيب لری مظلوم خلق لردن داها گنج اويانيرلار. داها گنج باشا دوشورلر. چون گوجون سرمستی اولوب لار. هله بيلمه بيرلر مينلر بنله شهيديميز آياق اوسته وار. مينلر بنله ايگيدلريميز آياق اوسته ديري دير. آدديم آتير و زامانيندا چيتلاياجاق.

ياراشيلماز آلچاق ايشلره ال ووردولار. آلچاق جا داورانديلار. چون آلچاقليقدان دوغولوب لار. چون دوغوش يئرلری آلچاقليق دير. کؤله ليک دن گليب لر.

قول ایدیر بیزه گون دوغان ، گون باتان،

او قوللار نندن اولدو توپراق باسان،

دونن باش این تورک-ه بیر آز یالا،

گلیب ایندی یوردومدا اولموش آقا.

گلیب ایندی یوردومدا آقالیق ادعاسی ائدیر. دونن کؤله لیبینده یالینین و کوتویون دالیسیجا گزن لر. اونا گؤره کی بیز وطن یولوندا اولمه یی باشارمیریق.

بونلار(شهیدلر) بیزه درس وئریلر، اوستادلاریمزدیلار. بوردا اوستادلاریم منیم چوخدولار هر تک- تکینه باش اییرم اما منیم اصیل اوستادلاریم بونلاردیلار. منیم اوردولاریم، منیم اؤندرلریم، منیم لیدرلریم، رهبرلریم بونلاردیلار. بونلاردان درس آلیرام. بیرینجی اوستادیم بونلاردیلار و جاوانلاریمیزدا بونلاردان اؤرنک آلاچاق لار. یوخسا وطن قورونماز. وطن-وطن دئمک له وطن قورونماز.

سؤز آراسیندا دئییرم تامام دانیشتیق لاریمین مسؤللیتی اؤز آیاغیما. شهید عایيله لریندن من عذر ایسته بیرم. باشلاری اوجا اولسون بو تک سیزه تعلق یوخدور. هنج خانواده بو شهیدلره احساس مالکییت انله مسینلر. بو بوتون آذربایجانین دیر. هامیز چکیلیب بوردان گنتسه یدیز من بوردا قالیب دانیشاجاغیدیم. بونلارین اؤزو ایله دانیشاجاغیدیم.

بو سئری ده او شووونیزمین چیرکین الی، چیرکین توفاله لری داها مدعی لرینین آغزیندان چبخدیب. بیر گؤروننتو پاییلدی گوردوز، چیرکین اوزلری اوزه چبخدی. بیلیمیرم اؤزلرین یانسیلایب لار یا بیزلری!؟

هر حالدا بو آچاق داورانیشین، تورک میللتینین شرفینه توخانان اینسان لارین و او جمعی کی او فیلم ده گؤرسنیلیر، خاتمی باشدا اولمق اوزره، هم عذر ایسته یه جک لر. هم محاکمه اولماچاق لار. یوخسا گنجی- تنزی وار خوردادین حسرتینده اولماچاق لار. خوردادین آرزوسوندا اولماچاقلار کاش خورداد تکی اولما. بو سئری سؤنمه یه جک

یاشاسین وطنیمیز .

یاشاسین میللتیمیزین چیراغین ابدی یاندران شهیدلریمیزین یادی و خاطیره سی .

اولوم اولسون باشقا میللت لری تحقیر ائدن دوشونجه یه .

اولوم اولسون اؤزون اوستون گؤرن میللت باشچی لارینا.

یاشاسین آزادلیق.

یاشاسین باش اوجا و آزاد آذربایجان .

سون .

آچیقلاما :

بو دانیشتیق ۱۳۸۸/۳/۴ – ونجو گونونده، سولوز شهیدلرینین ایل دؤنومو موناسیبت ایله انیم توپلانتی سینا. عایید اولونور

رحمتلیک عادل ارشادی فر جیناب لارینین توپراغا تاپشیرما توره نینده

اولو تانرینین آدیلا

بیرده گورورسن کی آچیلان سولور،
دوشمن بیر بئین، بیرده توپراق اولور،
بیر یاندان بوشالیر، بیر یاندان دولور،
سیرینی وئرمه ییب سیراداشا دونیا.

بویوک عالیم، تاریخ اوستادی، قلم قهرمانی، معاصر چاغدا تایی آز تاپیلان اینسان رحمتلیک " عادل ارشادی فر " ، بوگون توپراغا تاپشیردیق.

آما بونو بیلمه لی بیک عادل ارشادی فر و اونون سلاله سی و عادل ارشادی فر نسل یندن اولان هر بیر یازیچی بیزیم اوره بیزیمده هر زمان یئری واردیر. بوگون عادل ارشادی فر جیسا اولراق توپراغا تاپشیریلسادا روحی هر زمان آذربایجان نان دی. نییه کی روحی، جیسمی و جانی و قلمی، قانی مرکب اولوب گنج-گوندوز یاتماییب یازیب شمع تکین یانیب ارییب و بیر میللته ایشیق اولوب.

محقق، تاریخچی، دانشمند چوخ اینسان لارا آد وئرمک اولار. چوخ انسان لارا صیفت وئرمک اولار. آما عادل ارشادی فرلر فرق ائله بیر لر. عادل ارشادی فر کیمی اینسان لار خصوصی ایله بو کیشی قلمین، بیلگیسین، علمین قودرت مدارلارین قوللوغوندا یوخ بلکه مظلوم میللتین قوللوغوندا قویدو. اونون یاراتدیغی اثرلر هر زمان جاویدانه قالاجاق و آدی تاریخ بویو دیری قالمالی دیر. نه قدر آذربایجان وار، عادل ارشادی فرلر واردی و اونون یولون داوام ائدن ایگیدلر اولاجاق.

یاشاسین وطنیمیز.

یاشاسین عادل ارشادی فر لر تکین قلم و سوز ساحه سینده چالیشیب و میللتیمیزی آییق ساخلایب و آسیمیلسیون سیاستینین علیهینه آیاق اوسته ساخلایانلار.

سون.

آچیقلاما :

بو دانیشیق اردبیل شهرینده ماشین قضاسیندا ۱۳۸۸-ینجی ایلین قوراپشیرن آیی نین ۳۱-ینده حایاتین بیتیرن یازار و موحقیق، رحمتلیک عادل ارشادی فر جیناب لارینین توپراغا تاپشیرماق توره نینه عابید اولونور.

ساوالان قورولتایی

باشلانیش دا گۆزل سۆزلر، شعرلر و دانیشیق لار اولدو. بیر نچه سۆزله بولداس لارین قوللوغوندا اولاجاغام. آما ساوالان دا اولوب قاراداغ ین بؤیوک شاعیری، آذربایجان ین بؤیوک شاعیری "عابباس بارز"-ین ساوالان شعیریندن نچه بند اوخوماسان اولماز.

هر زامانکی باخیرام باشینا قار وار گۆرورم
اوغلو اولموش آنا تک گۆزلرین آغلار گۆرورم
هر طرفدن چکیلیب سینهوه داغلار گۆرورم
آی آلان اوستونو غم چپسگینی، هر یانی دومان
آی یاغان باشینا غملر اودو، یاسلی ساوالان

ساکیت اول، آغلاما قوی بیرجه چکیلسین بو دومان
گون چیخیب طولمتی بیر یوللوقا قوسون بورادان
نبی گلکسین، بوز آت اولسون یینه داغلار آتیلان
هجرین بلکه بیغیلکسین گۆزو یولدان، آناجان
آی یاغان باشینا غملر اودو، یاسلی ساوالان

بابکین گنتدیسسه بوش قالمادی آما قوجاغین
دولودور مین انله اوغلان لاریلا هر بوجاغین
نه قدر یئل اسه طوفان قویا سؤنمز اوجاغین
ای بلالر سپری، خالقا یامان گونده آمان
آی یاغان باشینا غملر اودو، یاسلی ساوالان

چنلی بئلده دلیر قوی یینه قورسون بوساطی
قوچ کوراوغلو یینه جولانه گتیرسین قیر آتی
هئچ زامان اصلین ایتیرمز او کی دوزگوندو ذاتی
آند اولو آدیوا، آی گۆزلری آغلار یاشی قان
آی یاغان باشینا غملر اودو، یاسلی ساوالان

آما ساوالان باشیندا دومان وار. ایللر بویو، اون ایللر بویو، بعضاً قرن لر بویو. اولوب، گللیب، کؤچوب، گندیب. هئچ دومان ساوالان باشیندان اوز باشینا گنتمه ییب. دومان کی کؤچورتک لازیم دیر. اودا گۆزل یازیلیمیش پلاکارت لاردان گۆرسه نیر. بیرلیک و گوج بیر اولماقدادیر. ساوالان گوج اولو بیلیمز مگر اینکی سهند قارداشی ایله ال-اله وئره. مگر اینکی سوتوندن یانان اورمو گۆلونون قایغیسینی چکه. سنوگیلی دوسلار زنجان، قزوین، همدان، تهران، کرج اولکه نین بوتؤو بیر یومروغو اولمالی دیر. بیر یول و بیر هدف اوغروندا، آذربایجان آزادلیغی یولونون اوغروندا، مبارزه آپارمالی دیر. بو گوجو گۆرمک ایسته مه یئلر وار. زمان-زمان قهریبه قوه سی ایله باتوم نان، یومروق نان، زنجیر ن، آغاج

نان، دويمک نن. اما اولار ايش وئرمه يه جک. آذربايجان اويانيب و قالخيپ و ميللي حاقلارين آلمايينجا اوتورماياچاق. توتماق لار، ايشکنجه لر، دوستاق لار بوتون اينسان لاريميزا کي بوتون وارليق لارين آذربايجان يولونون اوغروندا قويوب لار، اوتوردا بيلمه يه جک. گوزو ايسته مه ينلر اوزون زمان لاردان بوتون آزادليق اوغروندا گئدن حرکت لرین ايچينده بير جريانلاري ساليب لار و بودا بوگونون دئييل. قارشيميزي کسه بيلميرلر. قاباغيميزي کسه بيلميرلر. ميللي حرکت بير کيچيک گروه دئييل کي ايچيندن بير ايکي نفر تاپيب ايشلري خنثي انده لر. بويوک بير ۳۰ ميليونلوق اجتماعي جرياندير. بو حرکتين ايچينده موازي جريان لار ياراتماغا ال قويوب و مينلر تأسوفله اوز ايچيميزده اولان ضعيف، سست عنصر و قورخاق اينسان لارين بئنينه کئچيرديلر. تعريفلر، ده يرلر ده بيشيليب. جسارت تاپيلمير. قورخاق ليغين آدين عقلانيت قويور. وطن اوغروندا گنجليبين قويان اينسان لاري تقبيح اندير. اينسان لاريميز اينانير. آرام اولاغين. مدني داوراناغين. تأسوفله بو سياسي اويونلارا اويان صاف و ساده اينسان لاريميز دا وار. هرزادي فقط مجازي دونيادا تعريف انديب لر. مجازي دونيانين بيزه چوخ گرکليبي وار. بو گونکو ايمکانلار، بوتون تکنولوژيک ابزارلار ايستيفاده اولماسا ميللت قورتانيلماياچاق. اما اويونلاري دئييل. مئيداني ايشلر لازيم دير. تمرين لازيم دير. بو گنج لر گرک تمرين گوره، مئيدان گوره. ۱۳۸۵- جي ايلده خرداد آييندا ضربه گوره ن شووونيست دوشونوب بو ضعيف لري سالدی حرکتين ايچينه.

دئيير لر: هر شئي حل اولاجاق. سو گلنده يولون تاپاجاق. خئيير قارداشيم. اوزووو برکيتمه سن، اوزووو حاضيرلاماسان. آييلماسان، دونيادا گئدن اويون لاري تانيماسان، منطقه ده گئدن اويون لاري تانيماسان، ميللتيني آييلديب گوجلنديرمه سن، چون تکجه دينين، بيرينجي آلاه ايکينجي ميللتين دير، بو ميللتي حرکت گتيره بيلمه سن، هنج بير کس بير ايش گوره بيلمز. ميللي حرکت داوام انده جک. البته موفق اولو و نتيجه آلا. ميللي مبارزه ميزده دفعه لر ادبيات ده بيشيليب. تأسوفله بعضاً کيملرين آدينان؟ ميللي منافع گوز آردی انديب، شخصي منافعين دوشون اينسانلار. بو گون اگر عابيله وي پرابلمين وار، چتين ليبين وار نسخه يازما حرکت. ميللي حرکت بئله مئيدانلارنان امتياز آليب و مطمئن اولون داها بويوک مئيدانلار گوروب و نتيجه آلاجاق. اما اومودوم وار آلانان لاريميز نئز آييليب و ميللي حرکتين قوجاغينا گلسين لر. اوز شخصي منافع لرین يوخ ميللي منافع لرین دوشونسون لر.

وارسا غئيرت هره ميز بير سس اولاق

يوخسا داييم لال اولاق، دينمز اولاق

آتيلان توپراغا ديسکينمز اولاق

بو صدا صابيرين اولمز سسي دير

بو صدا بابکين اولمز سسي دير

بو بوتون آزادليق اوغروندا جان وئريب، قان وئريب، توپراق آلتيندا اينسان لارين سسي دير. بو سسه- سس وئرمه لي بيک. بيزيم قورتولوش يولوموز يالنيز و يالنيز جسارت، شهامت و ميللي منافع اوغرونديدير.

سون.

آچيقلاما :

بو دانيشيق ساوالان داغينداکي ۱۳۹۰-جي ايلين توپلانتيسينا عاييد دير .

دونیالیق آنا دیلی گونو مونا سیبتینده

آلاهین آدینان

یولداشلار بیرینجی بو کی آذربایجانین گۆزل قار اداغ بؤلگه سینده اولدو غومدان و آنا دیلینه گۆره قورولان توپلومدان و اوزومون بوردا اولما غیمدان فخر اندیب و بو ایشین تشبث گۆسترن لریندن دونیا لار جا تشکور ائله بیرم. ساغ اولسون لار.

آنا دیلی و دیل؛ مختلف باخیم لاردان، باخیلدی و مطمئناً ائله یولداشلاریمیز و بیلگین انسانلاریمیز وار کی وقت اولسایدی حتماً داها آرتیق آچا بیلر دیلر. فلسفی باخیمدان باخیلدی. مختلف زاویه لردن باخیلدی. منده ایسته بیرم باشقا بیر زاویه دن باخام.

دیل میللت لرین و یا فردین هویت ینین یا فرهنگ ینین معنوی بؤلومونون اورتا دیره بییدیر. بو اورتا دیرک چکیلسه و گۆز آرد اندیلسه نلر اولار، هامیمیز یاخچی بیلیریک. دیل انتزاعی وطن اولاراق، وطنین لاپ جان یئری دیر. آما هامان دیل قورونوب، ساخلانیلما یاندا، هامان دیل بیر میللت ایچینده خسرانا او غرو یاندا، کسینلیکله حقیقی وطن کی هامان توپراق اولور ساخلانا بیلینمه یه جک.

اورتا دیرک سارسییاندا، توپراغی قوروماق دا جیددی لیک دن دوشور. تاریخ بویو میللت لر اولوب لار کی دیل لرین ایتیریپ، یئر اوزوندن محو اولوب لار، یوخ حسیابیندا اولوب لار. فقط ساده جه تاریخ آراشدیرجی لاری نین گۆزونه، تاریخ صحیفه لرینده راست گلیر لر. اونون عکسینه هانسی میللت اوز هویت ین، وار لیغین اوزل لیک له دیلی قورویوب، ساخلاییب سا، اگر توپراق لاریندان دیدرگین دوشوب لرسه آما زمان-زمان نهایت ده توپراق دا قازانیب لار. بیرینجی اؤرنک دن دیبه بیلیریک آروپا اولکه لرینده، قونشولوق لاریندا وار. او جومله دن آلمان یاندا، فنلاندییا، مجارییا، بلغاردا و... کی تورک کؤکنلی اولاراق ایتیب لر. کی بو گونلر کیمسه اونلارین کیمسه اولدو قلاریندان خبر لری یوخ. اونون مقابلینده یهودی لر دیلین قورویوب ساخلادی و توپراق صاحیبی ده اولدو.

معاصر چاغدا قونشولوغوموزدا اولاندا وار. اودا کورد لر دیلر. گنیمین، موسیقیسین، عنعنه لرین، هر تک-تک ین بلگه ائله دی و دونیا اؤنونده گۆرسه تدی. آما فقط گنیم له و فقط دیل قوروماقلا اولمادی. کوردون گنجی، کوردون PHD -سی اولان اینسانلاری آروپانین او بخته ور دن بییلن یئر لریندن دور دو گلدی و داغلاردا-داشلاردا میللتین قورویوب و توپراق قازانماغا بیر اووج قووورقا ایله هفته لرله داغلاردا آج قالدی. بو گون نه سویبه ده اولدو غونو گؤروروک. او قدر مغرور و متوهم اولوبلار کی بوتون قونشولور او جومله دن بیزلره ده توپراق ادعاسی ائدیر لر. سئوگیلی قارداشلار بو جسارت تکجه اونلاردا یار انماییب. بو گون تالیش اردبیلده نقشه چکیر و اردبیلی چکیر نقشه نین ایچینه. بو اگر یوزده بیر اونلارین توهم لاریندان گۆزه له نیرسه، یوزده دوخسان دوققوز بیزیم دوروموزدان آسیلی دیر. قونشولاریمیز بیزیم نه سویبه ده اولدو غوموزو یانی بیزیم لاقیدلی یی میزی توپراغا و حقیقی مسائل لره بیزدن تأسوفلرله تنز تانیدیلار. بیزیم میللتیمیز ین مختلیف ازار لار لا آسیمله اولماق عینی حدینی بیلدیلر و جسور لاندیلار.

تأسوفلرله بعضی میللتچی لر بئله جیددی مسئله لردن اوزاقلاییب و میللتی حاضیر لاما ق یئرینه بعضاً وخت لاریمیزی و زمانیمیزی و بیر چوخ هزینه نی لازیم اولمایان انتزاعی بحث لرنن و تأسوفله بعضاً

دندی-قودولارنان و تأسوفله بعضاً گروه-گروهو و شخص-شخص نن ، تشکیلات-تشکیلاتی و بعضاً تشکیلاتلاری مذاکیرری یه و نقده و آلاه ائله مه میشکن بعضاً تخریبه معروض قویماق نان و اختیمیزی سوووشدوروروق. آما توپراق مسئله سی گلنده جیددی بیلیمیریک. نندن سه؟ اینسانلار گرک اوزلری جاواب وئره لر.

بیزیم گوجوموز میللتیمیزده دیر. بیزیم باشقا بیر گوجوموز یوخدو و اولسا شکیمیز اولا بیلر. چون یاتمیش میللتین، یاتمیش میللتچی نین، اوزوندن گوج سرگی یه قویا بیلمه میش میللتین و اونون میللتچی سین، کیمسه دونیادا جیددی آماز. دنیا منافع اساسیندا قورولوب. اولوسلار اورتایی ایلشکی سی منافع اساسیندا قورولوب. دونه نه قدر داغدا-داغدا تانینمایان قوم لار و میللت لر بو گون لریم جیددی آلینیرلار. نییه کی اوزلرین جیددی گورسه دیلر. چونکو یاخچی اوز منافع لرین قورویوب و شریک لری نین ده یاخچی منافع لرین قورویان میللت کیمی گورسه ندیلر. بیزه اوزاقدان باخان بیزه دنیا سوییه سیندن باخان بئله گورمور.

بیزیم ان اوج زامانیمیز ۱۳۸۵، بوتون وارلیغیمیزدان دفاع اوچون، او زامانان جیددی یه آلینمایان میللی حرکت و مختلف اوزوموزه گورولن رقیب لر وریندن جیددی آلیندی. آنجاق مختلف اویونلار اوینانیلدی. حرکتی مبارزه مؤیدانی ندا مغلوب ائده بیلمه بیرلرسه، روانی بیر جنگ اوینانیلدی. تأسوفلرله بعضی یئرلرده بونو باشاردیلار. میللتچی قارداشلار اگر سیاست مؤیدانیندا آلدانساق، آدیم لاریمیزی شوونیست ایسته دییی کیمی گوتوروب و بیر انقباض اجتماعی یه اوز وئره جک. تأسوفلرله کی ایندی بو دوروما گلیب و چاتدیریب دیر.

آنا دیلی ایستکی گرک موختلیف شهرلرده بیر محدود اینسان لارین طرف یندن اولونمایا و اگر اولونسا اوندا نخبه لرین ایچینده و بو مسئله نین قایغیسینی چکه نلرین ایچینده قالاجاق. میللتین اراده سی و ایسته یی لازیم دیر. بو ایسته میللتی اویاتماق دان کنچیر و میللتی اویاتماقدا هزینه ایسته بیر، مبارزه ایسته بیر.

ساعات لارجا او گوزل فسادا، اگر دوز ایستیفاده اولونا بیلسه او گوزل فسادا کی بو عصرده سودان واجیب اولوبدور او مجازی فسادا اوندان دوز فایدالانیلسا یانی بوکی اوندا یازاق، یازدیراق و اوخویوب و اوختدوراق و انشیدیب و انشیدیرک. آما اون، گنج ایبیرمی گنج دورور آنا دلیینه خاطر بیر یازی پایلاشیر و درحال توتور. آچیق دنییلسین یاتیمیشام و اویانماغا قویما یا جاغام. یاتیمیشام میللتی، ایلردیر هزینه قویموشوق، سرمایه وئرمیشیک، اریتمیشیک، تأسوفلرله قویما یا جاغام دئییر. گننه بیز بونو گوره رک مقابل نوقطه نین گوردویو ایشلردن درس آلمایارق آیری مسائل لرنن مشغولوق.

بیز میللتی اویاتمالی بیق و میللتی اویاتماغا دا میللت نن دانیشماق لازیم دیر. میللت نن دانیشماغا بیزه باشقا بیر تریبون یوخدور. اودا اوز اراده و ایمانیمیزدان آسیلی دیر. میلی مبارزه بیر جیددی مبارزه دیر و تأسوفلرله بعضاً چالیشیلیر بونو جیددی اولماقدان سالالار. تأسوفله مجازی فسادا بو روحدان سالماق مسئله گندیر قاباغا. گندیریک اوردان تبادل افکار ائله یک، آیری مسائل لر گلیر قاباغا. اوردان گلشیمک یئرینه دایجا تۆکوروک. اوردان احساس اولونور بیر ایش گوردک و اقتناع اولونوروق.

میللت نئجه اولدو. میللت نن دانیشماق نئجه اولدو. بیر زمان نمنه دیوار یازان دئییلیردی. بیر زمان نئجه آدلار قویلدو او اینسانلارا کی هزینه وئردیلر تا میللتی آیلدالار. بیز کیمسه لرین دانیشیغی ایله و تحقیر آمیز و اوزلری باشامایب و اوزلرینین جرأتی و جسارتینده اولمایان ایشلری چیماقینان، بیزلره تأثیر ائتمه سین. اگر یولوموزا اینانجیمیز وارسا، اگر یولوموزو اینانیریق سا، باشیمیز سالامات قالما یا جاغاق. تعاریفیمیز یوخدور. بو مؤیدان جیددی بیر مؤیداندیر. تحصیلیندن قالانلار وار. ائولی لیک دن قالانلار

وار. عؤمور قویانلار وار. جاوان عؤمرون بو یوللاردا قویانلار وار. جانین قویانلاردا وار. هنج نه بوردا پایلانیمیر فقط هزینه دن سونرا. باشقا بیر شئی ده تبلیغ اولونسا اینانمایین.

صابیر رحمتلیک دئییر :

"جانیم چیخسین گوزومدن قانمایایدیم،

جهالت نوقطاسین سن قیرمایایدین،

عوام الناسی دان آیریلمایایدین،

ایندی باشین سات لارا هئیهات، هئیهات."

عزیز قارداشیم اگر قانمیثیق سا، اگر دردی دوشونموشوک سه، بو درد بیزیم جانیمیزی کئیتمه لی دیر. گورمه بیب سیز اینسان هیجانلی زمان لار آغری نی بیلمز. هانسی آغری سنه تأثیر اندر کی بوندان بویوک درد داشیبیرسان. بیر میللتین دیلین، وارلیغین الیندن آلبیلار و اسارت ده ساخالیبیرلار. دیل هجوم دا، توپراق هجوم دا، گول قورودولور، هر نمه گونو-گوندن قالدیریلیر و بیز مشغولوق آیری بیر ایشلرنن و بعضاً منییت لریمیزنن و بو بیزی سانیرام پیس دوروما آپارماقدادیر. عزیز دوسلاریم اوتوراق و اوزوموزله تکلیف یمیزی بللی ائده ک . بو حیصارلاردان چیخمالی سان.

بیرینجی حیصار، اوزونسن و اوزونسن و اوزون. اوزونان تکلیفو بللی ائله کی موباریزه ائله مک ایسته بیر سن و یا نوماییش. ایکینجی حیصار، عابیله دیر. عابیله نن اگر بیلمه سه سن هانسی موقدس یولدا ساواشیرسان و سنین له بو یولدا یولداشلیق ائله مه سه، اینان بویوک باتلاغا باتاجاقسان.

بو ایکی حصاردان چیخمایینجا منجه هنج بیر کیمسه اوزونه ایجازه وئرمه سین چیخا میللت ایچینده مبارزه دن دانیشا. چون کسینلیکله فونداسیون ضعیف اولدوغو اوچون چؤکه جک سن و چؤکدون تأسوفله ان آزی بیر مجموعه نی ده بیخاجاقسان.

بیردنه مسئله یه ده دیققت ائده ک. بیزیم هنج بیر میللت لرنن ایدئولوژیک و مذهبی مسئله میز یوخدور تکجه تورپاق مسئله میز وار. توپراق اودا ساوونما حدینده. کیمسه یه ادعای اراضی میز اولماییب و اولمایاجاق. آما تأسوفلرله بعضی یازی لاردا گورسه نیر اودا بوکو مسئله نی شیعه و سنی مسئله سینه چکمک ایسته بیرلر. بیزیم هر تک-تک یمیزین مشترکات لاریمیز وار بیرینجی تانری ایکینجی قرآن و اوچونجو پیامبر. بیز شیعه و اهل تسنن عالم ینه احترام گؤستره رک هنج بیر ایدئولوژیک و مذهبی مسئله میز یوخدور. بیزی او مسئله یه چکمک ایسته بیر لر. بیزیم یولوموز آغیردیر و بو یولون دردینه درمان لازیم دیر و تعاریمیز یوخدور بونون درمانی بیلن لریمیزین الینده دیر. و بیلن لریمیز و اوخویان لاریمیز ایندی سیز سینیز و نه سوییه ده اولساز میللی حرکتیمیز ده او سوییه ده اولاجاق و اوچور گورسه نه جک. گون او گون اولسون کی آنا دیلینده تحصیل لریمیزی آلاق و اوز مقدراتیمیزا بییه لیک ائلییه بیلک. او گونون عشقی ایله هامی نیزی آلاها تاپشیردیم. سون.

آچیقلاما :

بو دانیشیق (۱/۱۱/۱۳۹۲) دونیا آنا دیلی گونو موناسیبت ایله اهر شهرینده قورولان توپلانتي یا عایید اولونور.

حسن بی دمیرچی جیناب لاری، آزادلیغا چیخاندان سونراکی گوروشونده

آلاهین آدینان

رحمتلیک یحیی شیدا-نین، تبریزین گوزل شاعیری نین شعیری ایله باشلاپیرام.

"ای اصلانلار اوولادی، شیرلر یاتاگی

آزادلیق اولکه سی، قهرمان تبریز

ایمده قلمیم وار، دیله بیم وار

باغلا سین آدلاری دستان تبریز"

دوغرودان دا تبریز قهرمان لار اولکه سی. اصلان لار یاتاگی، دوشونن بیین لر یوردو. آذربایجانین دویونن اوره بی. هر زامان دوشونن بیین لر، چیرپینان اوره ک لر، قورخماز و دایاناق لی اینسان لار دوغوب و توره مکده دیر. انله او اوزدن بوتون آذربایجانا اوزه للیکله تبریزه، فارس شوونیزی طرفیندن جیددی هجوم وار. آذربایجانین کؤکون قازماغا و تورکچولوگون کؤکون قازماغا. بو هجوم فقط فیزیکی و قبا و کوبود هجوملارنان دئییل. بو هجوم تأسوفله بعضاً تانینمایان و بللنمه ین قوللارنان، دنمک اولار بیر نوع نرم افزاری هجوم لاردی، تبریزی چؤکوشدورمه یه، تبریزی دوردورماغا و اونون آردینجا بوتون آذربایجان دوردورماغا و محو انله مه یه .

تبریزی سیلاح لار، قیلینج لار تاریخده گورسه نیلن کیمی سوسدورماییب. معاصر چاغدا دوستاقلار سوسدورماییب. قهرمان اینسان لار دوغوب و دوغاجاق. تبریزی یالنیز و یالنیز اگر سوسدورا بیلسه و مطمئناً فارس شوونیزی بونا موفق اولمایاجاق اوز ایچیندن بو ایشی گورمه یه چالیشیر. تفرقه سالماق. اینسانلاری بیر-بیرین قباغیندا قویماق. بیر واحد جیبه نین عسگرلرین بیر-بیری ایله ایگشدریمک مقصدی ایله فیکری اوتاقلاردا پیلانلار تۆکولوب و تأسوفله ضعیف و سست عنصر اینسان لارین الی ایله منیدانا کچیردیرلر. تبریزی دایاندریماق اولماز مگر باتلاغا باتیراسان. بو باتلاق اوز ایچیندن اولار بیلر. آما من مطمئنم و اینانیرام و سیزده بونا اینانیرسبز تبریزین گنج لری و فعال اینسان لاری، دوشونن انسان لاری کسینلیکله تجروبه لی لریمیزین، آغ ساققال لاریمیزین تجروبه سیندن یارار لانیب و بو آغیر آشامانی و بو آغیر مسئله نی ده گئری ده قویا بیله جک لر.

هر حالدا اینانیریق کی آذربایجان، اوزللیکله تبریز و تبریزین دوشونن انسان لاری، آغیر-آغیر دؤنگه لری دؤنن اینسانلاری بو آشامانی دا آشا بیله جک لر. بیرلشه بیله جه بیک. حتماً بوتون جوانیب ده بیرلشه بیله جه بیک. آما بیرلییین بؤیوک بیر آچاری وار. بیرلییین ان بؤیوک آچاری بیر-بیریمیزی اولدوغوموز کیمی قبول ائتمک دیر. دموکراسی شعاری وئره رک دموکراسی اصول لارینا اویماقدیر. او دموکراسی نین ان بؤیوک اصول لاریندان بیری تکتردو. مختلف مبارزه روشلر و سلیقه لر هر تک-تکی بیزه

مؤخترم سانئلمالی دیر. کیمسه نی تخطئه انله مه یه چالیش مایاجاییق. بوتون گروه لار و تشکیلات لار آذربایجان میلی حرکتی نین قولو و بئینی دیر. بیزه فرصت دیلر، تهدید دئییل لر، رقیب دئییل لر. دوست لار. بیزه وورولان باتوم لارین و کؤتک لرین یاری سیندا اولار چکمه لی دیلر و چکیرلر. یانی پایلاشیریق. حذفی دوشونمه یک. هئچ کسی حذف ائتمه ک اولماز مگر اینکی اوزونون عملکردی حذف لندیره.

تبریز و آذربایجان بونو باشاراجاق. اولدوغو کیمی بونو قبول انده جه بیک. آزمون-خطالار اولاجاق. مختلف گروه لار، مختلف تشکیلات لار مختلف آزمون لار و سیناق لاری کئچیرده جک تا آذربایجان میلی حرکتین کلپیت ین خطرہ سالمایا.

بونو باشقا بیر بؤیوک آچارنان بو قالانین قاپی سین آچاجاییق. اودا اینانج دیر. و اینانجیدان سونرا سئوگی دیر. وطن سئوگی سی. حقیقت سئوگی سی. حقیقتده ، وطنده ذوب اولماق.

نئجه کی رحمتلیک واحد دئییر:

"عشق جوروندان قوتارماق

بیر سارالمیش دردمیش

من بو دردین چاره سین

اولمک له آسان ائتمیشم"

و بو دردین چاره سی وطن و میللت آزاد اولانا قدر دؤیوشمک و نهایت ده توپراغا قوجاق آشماق دیر.

سون.

آچیقلاما :

بو دانشیق حسن بی دمیرچی جیناب لارینین تبریز دوستاغیندان آلتی آی موددتینده حبس چکیب آزادلیغا چیخاندان سونرا گوروش توره نی نه عایید اولونور.

یازار و شاعیرلر گوروشونده

هر نندن قاباق هر تک-تکیزین آلتیندان اوپورم و باش اییرم کی اوزاق یولندان و یاخین یولندان تشریف گتیریب سیز. من کیچیک قارداشیز اولادیم ؛ اردبیل ده کی هم رزم لریزی و میلی فعاللارین باشین اوجالیدیب سیز. ساغ اولون و چوخ خوش گلیب سیز. باشیز اوجا اولسون.

آنا دیل مسئله سی

اؤنوموزه گلن بیر مهم مسأله آنا دیلی دیر. منده آیری زاویه دن و آیری باخیشدان آچماق ایسته بیرم. دوستلارین هر تک-تکی دئییر لر کی دیل و کولتور هر بیر میللتین هویتی نین اساس دیره بییدیر. بو اساس دیرک یانی بو اورتا دیرک چکیلنده کسینلیکله اوبیری دیرک لرده یانی قیراقدکی دیرکلرده بیخیلمالی دیر. دیل میللت لرین تاریخینده چوخ بؤیوک بیر رول اویناییب و بونا مصداق لاریمیز، میثال لار و شاهیدلریمیز دنیا سوییه سینده چوخ – چوخ دور. بؤلگه ده حتی آوروپا اولکه لرینده. بیز تاریخده میللت لر تانییریق، دیللرین قورویوب ساخالاییب لار. تامام آنا توپراق لاریندان سورگونلوکلرینه رغماً، تاریخ بویو قیریلیب و داغیدیلارینا رغماً، بئرسیز و توپراقسیز یاشایاراق. آما کولتور و دیل لرین قورویوب و ساخالاییب لار. بو میللت لر بارماق سایجا میللت لر وار کی نهایت توپراق صاحیبی اولوب لار. بونون عکسینه بیر سیرا میللت لر توپراقلی و بئرلی اولاراق کولتور و اساس یوکونو یانی دیللرین ایتیریپ و اودوزوبلار. دئمک اولار الان تاریخ صحیفه سینده پوزولوبلار یوخ حنسابیندایلار. فقط تاریخچی لر آراشدیرمالاریندا بونلارا توش گلیرلر. بو اولکه لردن موختلیف بئرلرده واردی و بو میللت لر دن موختلیف بئرلرده واریمیزدیر. دئمک کولتورون و دیلین قورویوب ساخالایا بیلمه ین میللت کسینلیکله توپراق قایغیسیدا چکمز. تأسوفله بو گون بیزده او دوروما دوشمکده بیک. اگر قونشو میللت لر، قونشو قوم لار، کیچیک میللت لر، دونن الیمیزین آلتیندا ال آلتیمیز اولان میللت و یا قوم لار بیزه بو گون لر توپراق مئیدانی اوخوبورلارسا، خریطه لرینده و نقشه لرینده بئر یاندان تالیش، اردبیلی خریطه سینینده و نقشه سینده چکیرسه، بئر یاندان کورد اگر بو ایشی گورورسه؛ بئر اولارین جاه طلبلیینه و توپراق حرصلیینه قایدیرسا، دوخسان دوققوز بیزیم ایندیکی دوروموزا قایدیر. قونشو میللت لر بیزیم دوروموزو منجه بیزدن یاخچی تانییب لار. بیزیم میللت نه سوییه ده اولدوغونو و نئجه اوز توپراغینین و هویت ینین قایغیسین چکدیینی بیله رک بو جرأته و جسارت ال تاپیب و آتیم آتیرلار. تأسوفله.

بو مسئله نین تکجه قورتولوش یولو کولتورولوموزه – دیلیمزه قاییتماقدیر. آما نئجه قاییتمالییق؟

بیر میللت کی تمام ابزارلارنان آسیمیلیسیون سیاست ینن اریتمه ابزارلاری نان بئر مئکانیزم و بئر دارتان دبیرمان یارادیب لار کی گونده اوتوماتیک وار دارتیر و میللتی آرادان آپاریر اونون قارشسی سیندا تکجه بئر گوج وار. اودا میللتچی لیک و میلی روح گوجودور. آبیق انسانلاریمیزین گوجودور. بو آبیق انسانلار بو میللتچی آدی قوبولموش انسانلار کی صرفاً میللت لرینین انسان تکی یاشاماسینی ایسته بئرلر بؤیوک بئر وظیفه داشی ماقادایلار.

آما بوردا بير سور غولانيم؟ گورسن بيز اوز گوره ويميزى دوغرودان يئرینه يئيره بيليريك؟

بو ايلرده بو سورغو كئچميشده كى اولان بؤيوك-بؤيوك ايشلر و گنج لريميزين آغير وئردىگى هزينه لره سونولاراق كلت ده دير. واقعيته ايشاره ائله يه ك. بيزيم اله گئيرديبمىز، گلكنلريميزين قاباغيندا صيفر حدينده دير. بيزيم گلشن لريميز چوخ بؤيوك دور. بيز عين حالدا بو قابلييت ده اولمالى بيق كى ديليميزى-كولتوروموزو، ميللتيميزى ايلداق چون بيزيم تكجه بير گوجوموز وار دونيادا و دونيا بيزى گوره بيلمك وضعيتينه يئيره بيلك اودا ميللتيميزين ابيق ليغى، اويقليغى و اوز ميللى مسئله سينه قايعى چكمه سى دير. ميللت اويانماسا، ميللت گوجه گلمه سه، بيزده گوج يوخدور. بيزى سويون اوزونده كى كوچوك تكى بيغيب و بيغاجاقلار. شكى ميز اولماسين. فيكير ائله مه يك هر نمه قورتاردى و بير سيرا ايشلر گورولدو مسئله بيمه اولدو. خير

قارشيندا بير بؤيوك گوج وار. رحم سيز وضعيت ده تمام ايزارلاريندان ايستيفاده ائده رك سنى اريتمه يه چاليشير. ميللتوى اريتمه يه چاليشير و اوزوندن بيگانه ائله مه يه. بيز ميللتيميزى اويانماساق ميللتيميز تورپراق قايعيسى چكمه يه جك. بيز ميللتيميزى اويانماساق باتى آذربايجان دا ميللت هر نه يه ساده و صاف باخاجاق. او توركون بؤيوك روحو كى قوناق سئورليك دى او باخيمدان گننه ده باخاجاق و بيز ائله اوردان بيخيلميشيق يئنه ده بيخيلاجاييق. فيكر ائله مه بين تيكرار اولماياجاق. حتماً تيكرار اولار. اگر بيز يئترى قدر اوز گوره ولريميزى يئرینه يئيره مه سك.

بوردا بير اؤنملى و مهم مسئله وار. اولار كى ياتيب لا، ياتيب لار. آغير مسؤلييت اويانلاريميزين دير. عزيز يولداشلار مبارزه، مبارزه دير. اولموش اون مين ايل، بئش مين ايل، ايكى مين ايل، يوز ايل، الى ايل بوندان قاباق يا الان اولموش اولار، مبارزه نين بير مؤلفه لرى واردير. بير اصول لارى وار. مبارزه مؤيدانينا گيرن چوخ شئيدن كئچمه لى دير. او غايى هدفى گورمه ليدير. بيز اگر بو مؤيداندا ميللى معنويياتى قويوب، ميللى چيخارلارى قويوب، شخسى چيخارلاريميزى دوشونسك كسينليكه اودوزماليبيق. اگر چاليشساق ميللى حركتى اوز شخسى چيخارلاريميزنان و منافع لريميزنن تنظيم ائده ك، كسينليكه ميللى حركتى اوچوروما آپاراجاييق و تأسوفله بعضى لايه لرده بو گورسنيب دير آما عموم دا يوخ. عموم دا شكى ميز يوخدور كى ده يرلى و چيخارلى اينسان لريميز واردير كى هر بير زادينان كئچمه لى دير. بيز ميللى و مدنى مبارزه قاباغا آپاريريق. كولتورولوموز، ديليميزى، هويتيميزى، ايقتيصاديميزى قوروماليبيق. بيز كوردلرله ساواشا و ميليتاريسى بير ساواشا گيرمك ايسته مه ميشيك و ايسته ميريك. آما بعضاً بعضى مسائل ده خصوصاً مبارزه و ساواش مؤيدانلاريندا كى شكى ميز يوخدور كى بيز ساواش مؤيدانيندايق آما قلم، سؤز و كولتورسل چاليشمالار باخيمندان. بوردا بير سئرى اصول لار وار. مقابل نقطه نمه دن ايستيفاده ائديرسه و يارالانيرسا، بيزده محكوم و مجبوروق اوندان ايستيفاده ائدك. بيزده مجبوروق كوبود داوراناق. چون بيز گوره بيلميريك پولاد قيلنجينين قاباغيندا تاختا قيلنجين كسرى اولار. كسين ليكله يونولوب گنده جك. بيزيم مدنى مبارزه ميز، مدنى شكيلده كسينليكه قاباغا گنتمه ليدير. آما توپراق مسئله سينده بو حربه و چوخلو شئى لر ده بيشيلمه لى دير. بيز ميللى قايعيميزى چكيريكسه نورمال ياشايشيميزين زمانى گلنده حتماً تعطيل ائله مه ليبيك. يئرى گلنده دوستلاريميز مطمئناً اوستادلاريميز، گنج لريميز ياخچى يازار ياخچى پوزار ياخچى تئوريلر وئر رلر. آنجاق مبارزه ائده ك.

نئجه اولار بيلر كى "كورد"-ون گنج قيزلارى و گنج اوغلانلارى كى مجازى فسادا عكس لرين گوروروك چيخارلار داغدا-داشدا بير اوووج قوورقايانن داغدا قالير توپراق قوروماغا و جسارت تاپير او قدر مغرورانير توپراق آماغا، توپراغين چوخاتماغا. تمام اجتماعى حركت لرينده، تمام اينسان

آدی اولان یئرده اولان حرکت لرین اصلی بت-و گنج لردیر. او کورد-ون گنجی و بودا بیزیم گنج لریمیزین دورومو؟

عزیر دوستوم گزیلره چیخیرسیز. اگر تفریح اوچون دیسه لوطفا و لوطفا تفریح ائله، آخیردا او مارشی نی اوخوما. تفریحی قاداغان، آلاہ ائله مه میشکن دئمیره م بیزه حرام دیر. اگر او آنجانی گزیه یه چیخیب سان، اوردو آدین قویوبسان، تفریح دن سونرا او تفریحی کی بیر کلمه، بیر جمله میلی مسئله دن دانیشماییب سان، میلی قایغی چکمه بیبسن، میلی دردی چکمه بیبسن، توپلانديغین مسئله دن بیر نتیجه آلماییب عمله کئچیرتمک حدینه گلمه مه بیبسن، بوزقورد توتما. بوزقورد چوخ مقدس دیر بیزه. دوزدور دونیادا بعضاً بعضی یئرلرده حتی حاکیمییت ده بوگون لر بوزقورد-ا چالیشیر آیری گوزنن باخا. بوزقورد اشارتی بیزه اونا گوره مهم دیر کی بو اشاره نی قالخیزان لار، میلی فعال تانییرلار. بونو کیرلتمه یک .

بیز غربی آذربایجانداکی اولان اینسانلاریمیزی ایلك اؤنجه اویاتمالیبیق. میلی دردلرینه تانیس ائله مه لییک. میلی ساحه لرین بوتون تانییدیرمالیبیق. سونرا کوردو اوزو تانییاجاق، دوستون و دشمنین تانییاجاق.

تأسوفله بعضاً بیر ایش لر گورولوبدور اؤرنک اوچون سی دی ایشله نیلیب دیر. بیر یانی مظلوم بیر یانی یازیق او بیر یانی بیر بیرتیجی بیر شئی گورسه دیدیر. ساواش میدانلارینین او جمله ابزارلاری روانی جنگی دیر. سن پسیکولوژی جنگ ده اوزون-اوزووو اودوزدورورسان. سن اورمییه لی یه، قوشاچای لی یا او بیری سی یئرلره دئییرسن کی بو [کورد] بیر چوخ خطرناک بیر شئی دیر. بوردان کؤچوب قاچمالیبیق. بیلمه یه - بیلمه یه بونو یئتیریرسن عزیز میللتچی قارداش؟! شاید ده دورد دنه تجربه لی اینسانلارلا، سنین اوز شهرینده اولاننان دا مصلحت لشمیرسن. بیز میلی مسئله نی جیددی حالدا باتی آذربایجاندا میلی شعورلا دیرچتمه لی بیک تا بو اینسانلاری یوزده الده ائده ک دوخساندا اونون ایچینده اولار.

دوستلاریمیز ایشاره ائله دیلر سیلاح - قیلینج. بونلاری اگر دونیادا مالکیت و مالکیت معنوی لییی واردیرسا، آت اویناتماق، سیلاح اویناتماق بیزدن باشقا میللت لره یئتیشیب دیر. یئری گلدیسه هر نه بی هامیدان یاخچی باجاریریق.

بو بیزیم ژنی میزده و قانی میزدادیر. بیز قدرت زامانی کسینلیکله قوناق سئور و قوناق پرور اولموشوق آما خطر زامانی تورکو دوردورماق چوخ چتین اولوبدور.

کورد مسئله سی

دوستلارلا بوتون اوستان لارلا و بوتون بؤلگه لرله ارتباط قوردوق اوتورالار بو مسئله نی دانیشالار. بعضاً بو مسئله یه اینانمایان و بو مسئله نی چوخ سویوق توتان حتی بعضاً فلان گرو هون، فلان تشکیلاتین، فیلان شخصین مذاکیره یه قویوب تفسیر ائله مکدن بونو اسگیک گوروب وقت قویمایان بی لریمیزده وار. آما بیز اونلاری دؤور و وراجاییق. بوتون بؤلگه لرده حاضیرلیق گنده جک. بو باره ده موختلیف سئجه نک لرله، دوسلاریمیزین موختلیف یئرلرده یاخچی فیکیرلری وار، پارالل حالتده قاباغا آپارمالی بیق. عین حالداکی میللتیمیزن حتماً دانیشمالیبیق. بیرینجی بیزیم ان اؤنملی مسئله میز هر مسئله دن،

میللت نن دانیشماقدیر. میللت نن ده دانیشماق بللی دیر. فیس بوک، مجازی فضا محدود بیر فضا دیر. اورا خاص انسانلار گنڈیر. میللت نن دانیشماق چنشدیلی یوللارنان قباقدادا اولوب، ایندی ده اولاجاق و اولماسا بیز میللتی اودوزاریق یانی میللتیمیز الیمیزدن گنڈر.

بیرلیک مسئله سی

بیرلیک ان اؤنملی مسئله دیر بوتون حرکت لرده، بوتون نهضت لرده. اصلاً اینسانلارین جامعه ده داوام تاپماسیندا و قوام تاپماسیندا حتی بقولی حاکیمییت جاری اولان جوامع، حاکیم جانی، بیرلیک دیر. آما بیرلییین اصول لاری وار.

بیرلیک نئجه اولمالی دیر؟

نه لری بیز سیندیرساق بیرلییه ساری گنڈه بیلرلیک؟

مگر اولا بیلر کی من چالیشام سنی اؤز رنگی مه دؤنڈرم و بوردا بیرلیک یارانما؟

یوخ

بیرلییین بیرینجی اساسی، نئجه دموکراسی نین بیرینجی اساسی و خوشبخت لیک نن بو گونلر آغزیمیزدا دولانیر، دموکراسی و دموکراتجا داورانماق. و هر بیر حرکت کی لازیم دیر گؤرولنده دموکراسی قیلینجی ایله باشلاردان چیرپیریلیر و جاوانلارین روحون اولدورولور. بیرینجی اساسی "تکثر"-دور.

بیز بیر-بیریمیزی رسمییته تانیباراق، بیر-بیریمیزی قبول ائده رک، بیرلشه ریک. حذفی دوشونمه یک. چالیشمایاق کیمسه نی حذف ائدک. چالیشمایاق فلان گروهون، فلان تشکیلاتی، فلان مسئله نی آرادان قالدیراق. بیزیم الان مختلف تشکل لار و گروه لاریمیز وار کی آدین بیلرلیک و تانیبیرلیک و مختلف تشکل لر و گروه لاریمیز وار دیر کی آدین بیلرلیک، تانیبیرلیک و آد قویومایب لار اؤزلرینه. کسینلیکله چالیشیرلار. بو جمع لر و اینسان لار بو شخص لر بو فردلر بو تشکل لر هر کس اؤز سلیقه سی ایله فعالیت ائله مه لی دیر. بیر-بیرلری ایله تنقید اولار، تنقیدینده یوللاری وار و بو تنقیدین ایچینده سلیقه لریده رسمییته تانیباراق.

روحیه لر فرق ائله بیر. دوستلار اینسانلار متفاوت موجوددور. اینسان اوغلو متفاوت روحلارا مالیک دیر، فیزیکی باخیمیندان دا، روح باخیمیندان دا. طبیعی دیر بیزیم نوع مبارزه میز کی قباغا گنڈیر بیر عده نین سلیقه سی نین روحینان، رفتارلارینان یئمه یه جک. بیز فضانی آچیق قویمالیبیق اوبیری سیلر ایسته دیک لری کیمی قباغا گنڈسین. بیری گؤیلو ایسته بیر تشکیلاتی فعالیت ائده، بیری گؤیلو ایسته بیر تشکیلاتی یوخ آیری جوره فعالیت ائله یه. البته منفرد فعالیتین معناسی یوخدور. هر تک-تکی بیر-بیرین قبول ائله مه لی دیر و رسمییته تانیمالی دیر. عین حالدا اگر بو رسمییته تانیسا و قبول ائله سه شکی میز اولماسین بیرلیک اوندایاراجاق. سن منی چالیشان اؤز رنگیوه دؤنڈرسن، سن منی تخطئه ائله مه یه چالیشاسان، سن منی انواع و اقسام یوللارنان آتدیغیم آدیم لاری خارابلاماغا چالیشاسان، تخریب ائله مه یه چالیشاسان، کسینلیکله من سنین ان منطقی نقدلری وه ده دوزگون باخمایاجام. سنین گؤزل سؤزلری وه ده، دای گارد توتاراق ائشیتمه یه جم. او زماندی کی منطقی آرادان گنڈه جک و بیرلیک آدیندا بیر شئی اولمایاجاق.

بیز پلوراليزمه، دموکراسی نین اساس رکن لریندن اینانماساق، بیرلیک انله یه نمه ریک.

بیرلیبیمیز اولاجاق. کسینلیکله اولاجاق و بونا بیز اینانیریق و اراده بونا باشلانیب دیر، میلی حرکتین اراده سی. میلی حرکت مختلف مرحله لر سوووشدوروب. جنین لیک حالتین، اوشاقلیق حالتین و انواع و اقسام مرحله لر سوووشدوروب و سوووشدوراجاق. بوردادا او گولونج مسائل لر قاباغا گلنده او گروه بو گروه انلیه جک کی دندی - قودولارا مشتری اولماساق، شک یمیز اولماسین دندی-قودو انشیتمه یه جه بیک. حتماً من مشتری یم کی او دندی قودو گلیر منیه چاتیر. کیمسه نین تخریبات ین سویرم کی اونو انشیدیرم. اگر خوشوم گلمه سه و بو تخریبات دان آجیغیم گلسه، تخته یه اندیپ اونون قاباغین آلسام بونلار اولمایاجاق.

مذهب مسئله سی

بوردا بیزیم توپراق مسئله میز وار. وقتی بیز دئییریک میلی حرکتیمیزده تمام گروه لار تمام تشکل لر، تمام نحلہ های فکری، تمام ایدئولوژی یئر آلا بیلر. بیزه مذهب بیر اینسانی پدیده دیر کی یا بیر آسمانی پدیده دیر کی هر اینسان اؤز ایسته یی نن و باخیش زاویه سینین و دنیا گؤروشونن اونو سئچیب دیر. بیز اونا توهین ائتمه مه لی بیک. بیز اگر هر مذهب و هر دینه و هر ایدئولوژی یه مالیک یک و قبول اندیریک سه اوندا هر نه یه مالیک اولماسینا حق وئر مه لی بیک. شیعه و سنی مسئله یوخوموز دور. بیزیم توپراق مسئله میز دیر و دونیادکی سنی و شیعه هامیسی بیزیم قارداشلاریمیز دیر. مطلقاً بونلارا اؤزگه گؤزونده باخیلماییب. میلیارد یاریم موسلمان ین هر تک-تکی بیزیم قارداش لاریمیز دیلار. بیزیم مشترک بیر اولوتانری، ایکی قورآن، اوچ پیامبریمیز وار. بیزیم چوخ بؤیوک و کسین مشترک و بیر یئرہ بیغان فاکت لاریمیز وار دیر.

بونا دیققت انده ک کی بو "کورد مسئله سی"-نده آماندی چالیشاجاق لار تا بعضی مسائلی اونلار غالب گله لر. اهل تسنن له حورمت له یاناشمالی بیق. بعضاً بعضی صحنه لرده او جومله دن فیس بوک دا گؤرسه نیر کی اونادا بو زاویه دن یوخ کی فلانی سنی دیر و بو ایشی گؤرور، دیققت انلییه ک بو زاویه دن کی غیر اینسانی بیر حرکت دیر و ایسلام-ا و دینه یاراشمایان بیر شئی دیر و ایسلام و دین بونلاری قبول انله میر و سنی عالمینده توهین اندیجی بیر ایش لردی کی تسنن الی ایله گؤرولور.

آچیقلاما :

بو دانیشیق - جی ایله، اردبیل شهرینده عابباس بی لیسانی جناب لارینین اؤز ائوینده کی قورولان "یازار و شاعرلر" توپلانسی سینا عابید اولونور .

اردبیل - امنیتی تهلوکه سیزلیک
اداره سینه یازی (اداره اطلاعات)

عباس بی لیسانی ۳۰ آی اردبیل، اهر و یزد زیندانیندا چکدیکدن سونرا ۱۳۸۷ - جی ایله آزادلیغا بوراخیلدی، بوراخیلدقدان نچه آی سونرا (۱۳۸۸) ۴ نفر امنیتی نیرولاردان قوناق کیمی عباس بی بین ائوینه گلیرلر و بونلاردان ایکی سی اوزون تهراندان عباس بی یی گورمک اوچون گلدیینی معرفی ائدیر. عباس بی اونلارا دئییر کی چون قوناق سیز چاپیزی ایچین و ائویمی ترک ائدین بیز قاپی دالیندا دانیشیقلا آلیشقین دئییلیک و اونلار ائودن چیخدیقدان سونرا بی گورور کی گلنلر ائوده بیر کادو بوراخیب گندیب لر، صاباحیسی گون عباس بی کادونو آچمادان اوستونه بیر یازی قویراق ستاد خبری اداره اطلاعات اردبیل یین قاپی سینین اؤنونده قویوب و ائوه قایدیر.

سلام:
تورک کولتورنده قوناقین خاص حورمتی وار، یونجا گوره ده سیزین نییتی بلی اولان داورانیسینین قاپاغیندا انویم اولدو غونا گوره سرت داورانمادیم.
سیزین گتردییز هدیه (اصلینده، دادیزدیرما توهفه سی) و تاکید ائتدیینیز! بوتون آردیبان گلجک توهفه لر!، عابله مه ساغلاجاغیز طبییی ایمکتارو... نوغوردان منی درین فیکره سالدی. دوشوندومکی، گوره سن خطا منده دیر؟، بوخسا سیز اینسانلارا سیتاق سینیری (مرزی) تاتیمیرسیز؟. سیز بئله اینانیبسیز کی اینسانلارین هامیسین اتساق اولار، و ستیرام بوتون اساسیندا دوستقدان آزاد اولان چاغ گتور دیکلر بییزی "ستاد خبری" یه قایتاردیغیما باخمابارق، یئنه ۱۳ آیدان سونرا بو ایشه آل ویریرسیز!؟. انا اعتبارا انا ایدیرم سیز دوز دوشونورسونوز، منیمده قیمتیم وار، اتجاق چوخ یوخاریدیر، حتی میلیاردارلر من قیزیلدان بئله، قات-قات یوخاریدیر و او دنیل مگر آذربایجان میلیتین آزادلیغی، اتجاق اوتون اوده مسی سیزین و تهراندان منی باخیدان تاتیماغا گن اکداشلاریزین (وزارت اطلاعات) تاوانیندا دنیبل!؟.
دوغروسو اگر قاپیدان چیخاندان سوزومو قبول ائدیب و گتردیینیزی قایتاریب آپارساندیینیز سونرا کی ایشلره گره کا هانمزدی، حتما کنچن دونه کی کیمی دییه چکینیر، پای قایتارماق تورکه یاراشماق. اتجاق اوزور باخشی بیلیرسیز، نه قوناقلاما (میزیاتی) نورمال ایدل نه قوناق، نه ده پای ساغلام پای ایدی.
ایندی اوزومده ن سوروشورام، فیکیر داشلاریم. عتیبه لر ائتیدن دوستلار اولارکن، بی بی لر تهن مقده بوچور عزیزله برلر؟؟؟. من بو سورغونون جاوابین اراکن، سیزده بیر آز یوردونونون تاپدالاتماسینی دوشونون و موختلیف یوللارلا بو دردی باغیران اینسانلارین سوسدورماغیلان کیمین قوللوغوندا اولدو غوزو دوشونون و دوشونون!!!.
سونوندا دنملیه م: بو داورانیشلاری اوزومه توهین حساب ائدیر و بیرداها انویمده، ایش یزیمده و هنج بیر بئرده سیزی قبول انتمیهه جه یم. فقط دادستان حوکموایله گلیب توتوخلایا بیلر سیز منی باغیشلایینکی کنچن آنجه کی غالبیت حیستی ایلن گوردویونوز شیرین رویتی بیر بیرینه وورموم.
اونوتامدان دنییم: اگر بو یازینی اوزونوز اوخویا بیلر فارسجایا چنورین (ترجمه) و تهراندان گلنلره ده گوندرین.
عباس لیسانی ۱۳۸۸/۹/۱۰

آلاهین آدینان

من بیر میلی فعال اولاراق، دوستاقدایاشادیغیم چاغ، دوستاقداولدوغوم حالدا بیر به یه نیلمز و ایبرنج خبری یئنی دن ائشیتدیم. یئنی دن آذربایجان میللتین کؤهنه و تزه یارالارینین اوسته فارس شوونیزمینین الی ایله دوز سپیلمه بین بیلدیم. جیدی حالدا اوزولدوم و اوره بیم آغریدی. آمانه یازیق کی اسارتده یم و الیم هئج بیر یئره چاتمیر. بو سببه گوره بونو اعتراض اولاراق فقط بونو عرض ائله بیرم من اوز پاییم بیر میلی فعال اولاراق بو دوستاقدایاشادیغیم ال ووراجام. بو اعتراضیمی الیمدن گلن چالیشاجام بونو بیر اعتراض اولاراق اوزوموزدن گورسه نن و بالتالارین سایی اولان کیمسه لرین وجدانینین اویانماسینا بیر سس اولسون. بلکه دونیا جامعه سینده بیر اویاری اولسون کی بیر میللتین حق و حقوقی وئرلمیر و وئرلمه مکده دیر، بلکه گونو-گوندن انواع و اقسام فیزیکی و روانی هجوملارا معروض دور. اهانت لرنن. تمسخرلارنن. توهین لرنن. توپراغی پایلانمالارنن. توپراغی باشقا میللت لره پای وئرلمک نن. هر حالدا من بونو دئمه لی یم کی آذربایجان میللتی و میللتچی سی و آذربایجانین قهرمان اوغول و قیزلاری بو مسئله یه تفاوت سوز و لاقید قالما یاجاقلار. اوزلری بیلدییی یوللارنن، عملی یوللارنن، بو ایبرنج اویونون قارشیسیندا جیدی اعتراض لارین بیلدییره جک لر. من بوردا تلویزیایادا بعضی سوری حالدا، ائوده مثل وار خاطرین قالماسین قضیه سی تکین، ظاهیراً عذر خواهلیق لاری ائله بیرلر. منجه بو بیر اویوندو. ذره و زمان-زمان توهین ائله ییب، قولاق لاری عادت وئر دیریب. یئترسیر عذر ایسته مک لرنن جیدی حالدا بونا بیر عکس العمل گورستمه مک نن آذربایجان میللتین بونا عادت وئر دیریب، قولاق لاری دولدوروب. خصوصاً یئنی نسلی بوجور توهین و اهانت لره حاضر لاییب و لاقید قویماق دیر. اومودوم وار آذربایجان میللتی و میللتچی لری و فعال لاری بو مسئله یه کسینلیکله تفاوت سوز قالما یالار. مدنی، مسالمت آمیز، یوموشاق شکیلده اوز اعتراض لارین بلندییره لر. منجه نظریم بودور، مرکزی دوولت دن ایستک بو اول، گونده، هفته ده، آیدا موختلیف ابزارلارنن بو میللته توهین ائدیپ سونرا گلیب یالاندان عذر ایسته مک نن یوخ. بیر یاسا کئچیریلمه لی دیر مجلسده کی بوندان بئله هئج بیر میللته ایران چارچوبوندا توهین اولماق حق اولماسین. هئج کیمسه نین وریندن. نه حقیقی شخص لرین و نده حقوقی شخص لرین وریندن. بئله بیر ایستک اوزرینه و بئله بیر ایستک آرزوسو ایله میللت یمیز آدیمین آتاجاق. منده بو میللتین کیچیک اوغلو تکین بو میللتین سسینه-سس وئرمه بیم تکجه ابزار الیمده اعتصاب دیر.

یاشاسین عدالت.

یاشاسین اینسانلیق.

یازیق لار اولسون او کیمسه لره کی باشقا میللت لری اوز هویت یندن چبخارتماق اوچون اللریندن گله نی ائدیپ لر و خصوصاً تمسخر و مسخره ائدیلمک و تحقیر ابزارین هله ده کی هله دی ۲۱-ینجی عصریده قوللانماقدادیلار. بو فرصت دن ایستیفاده ائدیپ بوتون فعال لارا، میللتچی لره و میللت یمیزه سلام دئییب و هله لیک له شیرم.

سون.

آچیقلاما: بو دانیشیق ۱۳۹۴-ینجی ایلین قیروو آیینا عاید دیر. او چاغدا ایران تلویزیونونداکی یایملانان ایبرنج و شوونیستی "فیتله" ادلی پروگرامینا، عابباس بی لیسانی اردبیل زیندانیندا اولدوغو اوچون اعتراض اولاراق آجلیق آکسییاسینا کئچره ک اورانین تلفون ابزاری ایله ائشیهه پیام گوندرمیش دیر.

داغلار داریخب

داغلار داریخب بیتمه ده دیر صبر و قراری
گنتمیشدی باشیندان او کئچن شان و وقاری
یوخدور نه کور اوغلو باغیرا الده قیلینجی
دیرچله یئنه چنلی اولان بئل لری باری
قان آغلابیر ایل لردی بو سولطان ساوالان دا
بابک دیبه سس لیر اتیینده قالالاری
چیخ لاپ قوجامان داغ لارا اود یوردونا بیر باخ
اودلار کؤز اولوب کؤزده گنڈیر سؤنمه یه ساری
قیر آتلا، بوز آتدیر دولانیر چؤل لری ارسیز
هاردا دلی لر، یوخسا کسيلمیشدی قاتاری
دئوران انله دؤنموش بو دومان لی چول
ایچینده ترس آخماددیر ایندیده جای لارین آخاری
ایش بؤیله سه گؤز لر اوماجاق دیر ساوالان دان
سوسموشدو ندن آتماپیر ایل لردی داماری؟
ائل لرده سالیب فیرتینا، قوپدورماسا طوفان
گؤزدن دوشو قالخیزسا باش اوندان دا یوخاری
آنجا ق ساوالان بللی دی بونلارلا یئنیلمز
آختارسا تاپار ایشلرین هر جور دور آشاری
اود یاغدیراجاق دیر یئنه الوند - سهنده
چیرت لار بئله دیر، قورقانین هر یئرده یاناری
های دان اویانیب داغلار اگر سس سسه وئرسه
ساغلاملاشجاق باشداکی قانلارین آتاری
یاز گلمه ده، داش باغرینی گول لر یاراجاق دیر
"لئیسان" یاغاجاق یوردووو آنجا ق او سووار

"عابباس لیسانی"

گول ايله بولبوله قايغى چكن چوخ اولموشدور
بوراخ او دب لرى ائل دردى ايندى بولموشدور

او شعرى كى قوشولا ائل سوزونو سؤيله مه يه
بئله بير قوشمالارى ائل گرک دینله مه يه

او شاعیری کی یازاندا الی اسه
سینا اونون قلمی تانری کاش الینده کسه

ایگیدلییین قلمین شاعیر بو چاغدا گؤتور
کپه نه یی بوراخ اؤز باشینا شمعی سن اؤتور

اوزون چئویر انلیوا از قالیر دنیزده باتا
قوتار ماغا اوزونو آختاریر کؤپوکده تاپا

بو چاغدا هر قلمی بیر قیلینج تک انتمه لی بیک
قیلینج یمیز کوت اولا دوشمنه بینیلمه لی بیک

یازان لار ایچره اگر اولماسایدی یالتاق لار
قلم نئینیردی آلا الینه قصاب لار

«عابباس لیسانی»

عباس لسانی: " آذربایجان اویاندیغی زامان وئردیبینیز حؤکم لره اوتاجاقسیر "



(ایندی و گلجک بیزیم دیر)

آذربایجان میلی سیاسی محبوس لارینا سونولور.